ریشه‌های تجدد

پژوهشِ

چنگیز پهلوان

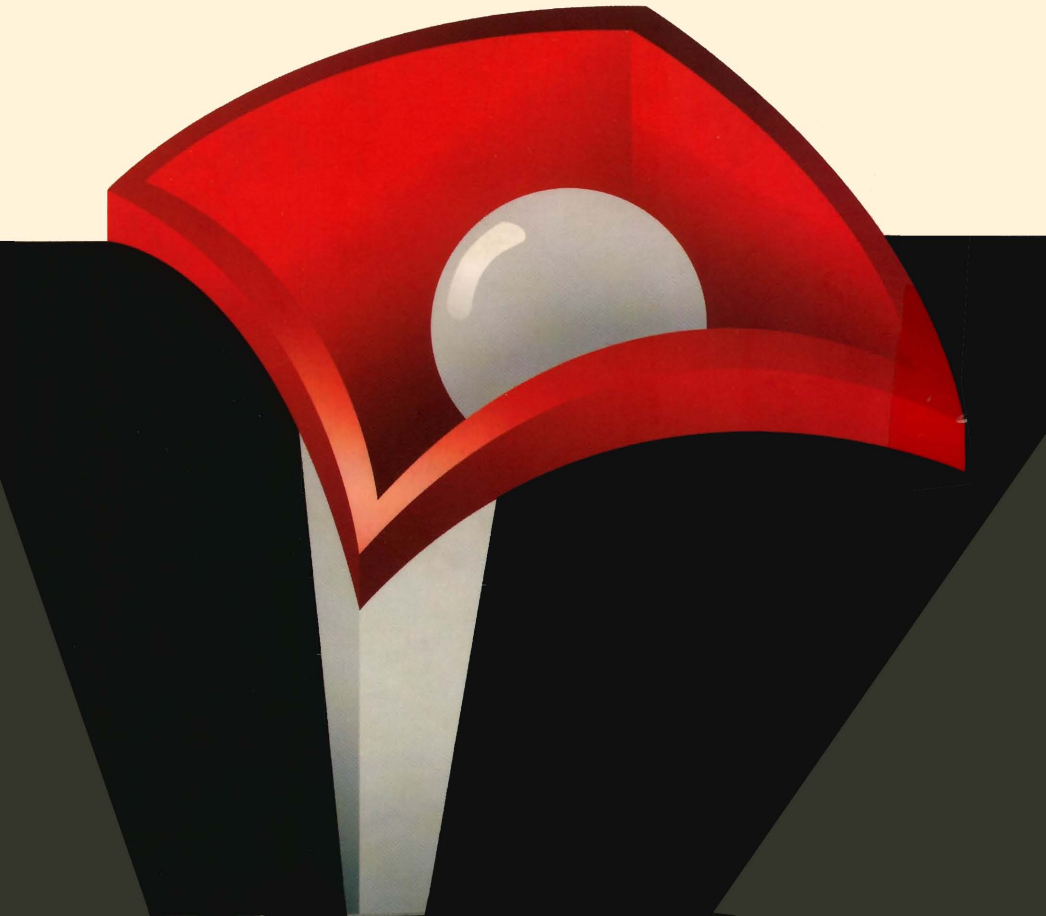

نشرقطره

سلسله انتشارات

نشر قطره ـ ۴۱۶

علوم اجتماعی ـ ۴۰

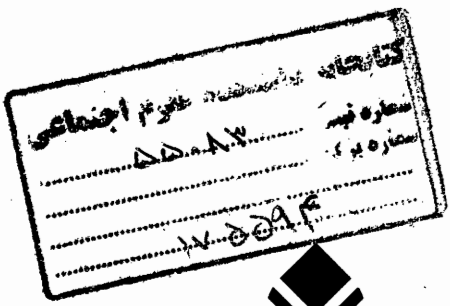

نشر قطره

ریشه‌های تجدد

پژوهش

چنگیز پهلوان

ریشه‌های تجدد

نمونه‌ی
مدرسه‌ی علوم سیاسی
و
رساله‌ی حقوق اساسی
اثر
محمدعلی فروغی
و
مجموعه‌ای از اسناد مدرسه

پژوهش
چنگیز پهلوان

نشرقطره

ریشه‌های تجدد
پژوهش: چنگیز پهلوان
طرح روی جلد: علی زعیم
چاپ اول: ۱۳۸۳
چاپ: سارنگ
تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه
بها: ۳۰۰۰ تومان
حق چاپ برای نشرقطره محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۹
تلفن: ۳ ـ ۸۹۷۳۳۵۱ دورنگار: ۸۹۶۸۹۹۶
دفتر فروش: خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۹، طبقهٔ همکف
صندوق پستی ۳۸۳ ـ ۱۳۱۴۵
۶۴۶۶۳۹۴ ـ ۶۴۶۰۵۹۷

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

پیشگفتار ..... ۹ ـ ۱۷

تاریخچه‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی ۳ـ۱۱۰
رساله‌ی حقوق اساسی ۱۱۱ـ۱۹۴
بخشی دیگر از اسناد مدرسه‌ی علوم سیاسی ۱۹۵ـ۲۳۰
چند سند دیگر ۲۳۱ـ۲۴۹
چند سند از کتاب دولت علیه ایران ۲۹۷ـ۳۱۵
متن سخنرانی محمدعلی فروغی ۳۱۷ـ۳۳۷
فهرست برخی از مدرسان مدرسه‌ی علوم سیاسی ۳۳۹ـ۳۴۰

پیشگفتار

جامعه‌ی ایران به‌ویژه در دو دهه‌ی اخیر به‌گونه‌ای فزاینده مباحث مرتبط با تاریخ معاصر و همچنین نگاه و برخورد ایرانیان را به‌تجدد با علاقه‌ی خاصی دنبال می‌کند. شاید بتوان گفت که انواع نگرانیهای سیاسی و فرهنگی در شکلگیری این جریان مؤثر بوده است.

مباحث تاریخ معاصر در کشور ما متأسفانه اغلب آغشته است به‌حوادث سیاسی روز یا ارزشداوریهای رایج. دیدگاه‌های تاریخی استوار و منسجم هنوز در عرصه‌ی تفکر در جامعه‌ی ایران بستر ماندگای نیافته‌اند. گاه پدیده و رویدادی در یک مقطع نکوهش می‌شود و همان پدیده و رویداد در مقطع دیگر در معرض ستایش و تمجید قرار می‌گیرد. گاه تنها راه برون رفت از واپس‌ماندگی را، انقلاب می‌دانند و گاه با شیفتگی از تحول تدریجی سخن می‌رانند. معیارها در بیشتر موارد با توجه به‌شرایط روز تنظیم می‌شوند نه با اتکاء به‌یک دیدگاه تاریخی. توضیح دقیق این موضوع در این یادداشتِ مختصر امکان ندارد.

مباحث مرتبط با تجدد نیز سرنوشت بهتری ندارند. اغلب، فکر ترجمه بر مباحث جاری حکمفرماست. گویی یک الگوی عام وجود داردکه هرچه با آن نخواند از مدار تجدد خارج می‌شود. مفاهیمی را که در بستر فرهنگ و تمدنی دیگر شکل‌گرفته‌اند برمی‌گیرند و با مطلق‌نگری از آنها یاد می‌کنند. برخی از مفاهیم حتی از نو تفسیر نمی‌شوند. بدین‌سان در عرصه‌ی مباحث تجدد نوعی

اندیشه شکل‌گرفته است که به‌صورت عکسبرگردان عمل می‌کند. کم نیستند کسانی که فکر می‌کنند همه‌چیز در سوی دیگر مسیری هموار و منطقی را پیموده است و همه‌چیز در تاریخ ایران در پرتواستبداد و وابستگی خمیده و منهدم گشته است.

بحث و بررسی این نوع نگرشها را (به‌خصوص در ارتباط با تاریخ معاصر ایران و همچنین در ارتباط با تاریخ تجدد در ایران) سالها پیش با انتشار مجموعه‌ی «*کتابنمای ایران*» (در دو جلد) و سپس در مجموعه‌ی «*در زمینه‌ی ایران‌شناسی*» (سه جلد) به‌راه انداختم و در نوشته‌های مختلفم هرجا که فرصتی دست داد به آنها اشاره کرده‌ام. حاصل کلام آن که نمی‌توان تاریخ کهن یک قوم یا یک فرهنگ را خلاصه کرد و در بخشی از تاریخ همان قوم یا فرهنگ به‌گونه‌ای دلخواه به‌گزینش از عناصر آن دست زد و در همان حال بیشتر آن تاریخ را مایه‌ی شرمساری یا درخور نکوهش دانست. خلاصه‌سازی تاریخ سرانجام به‌نفی همان تاریخ می‌انجامد.

همان‌گونه که به اشاره آمد گرایش نیرومندی در ایران وجود دارد که همواره به‌تاریخ ایران با اتکاء به ارزشهای امروزین می‌نگرد و از فهم رویدادها در هر مرحله‌ی تاریخ می‌گریزد. امروزین کردن نگاه تاریخی ضمن آن که ما را از درک پدیده‌ها و معنای درونی آنها در دوره‌های مختلف بازمی‌دارد، آسان‌پسندی در عرصه‌ی تفکر اجتماعی را نیز رواج می‌دهد و تاریخ گذشته را پوچ و بی‌معنا می‌سازد. گویی مردمان گذشته یکسره غافل بوده‌اند و مردمان امروز همه خردمندند و بصیر. بسیاری از مباحثی هم که در ارتباط با تجدد به‌راه افتاده‌اند گرفتار چنین نگرشهایی هستند.

کتاب حاضر می‌کوشد یکی از کوششهایی را که حدود یکصد سال پیش در ایران بنیان گذاشته شد معرفی کند و از این راه به‌فهم درست آن مدد رساند و در همان حال نشان دهد که در آن مقطع چه مردمان و چه افکاری در یک حوزه‌ی

مشخص سربرآورده بودند.

(جامعه‌ی ایران به‌خصوص از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی با شک و تردید به‌سنتهای بازدارنده‌ی خود نگاه می‌اندازد و حتی به گذار از این سنتها می‌اندیشد. کوششها و نوشته‌های گوناگون از این تاریخ به‌بعد به اشکال مختلف مباحث تجدد و نوسازی را در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ مطرح می‌کنند و خواستار تغییر و دگرگونی در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی می‌شوند. ایرانیان در این دوره به‌تحول تدریجی دل می‌بندند و گذار از سنت را امری یکباره و زودگذر تلقی نمی‌کنند. هنگامی هم که در آغاز قرن بیستم کوششهای تجددطلبانه با سد استبداد برخورد می‌کنند، دست به انقلاب می‌زنند و برای نخستین‌بار در تاریخ ایران حقوق مردم را به‌صورت قانون عام و اساسی تدوین می‌کنند. با این‌حال همین انقلاب مانع از تداوم‌بخشیدن به‌فعالیتهای موردی و گسترده‌ی تجددطلبانه نمی‌شود و اندیشگران جامعه هم تصور نمی‌کنند که با انقلاب مشروطیت تمامی عرصه‌های زندگی از اساس در برابر تحول و دگرگونی عمیق قرار گرفته باشد.)

شمار درخور توجهی از نوآوران در عصر مشروطیت (پیش و پس از انقلاب) سعی دارند در محدوده‌ی خود تغییراتی پدید آوردند و از تصورات کلی و تخیلات واقعیت گریز بپرهیزند. به‌ویژه می‌توان از کوششهایی که در زمینه‌ی آموزش به‌وقوع پیوست، یاد کرد. برجسته‌ترین این کوششها را می‌توان پایه‌گذاری همین مدرسه‌ی علوم سیاسی در آغاز قرن بیستم میلادی که موضوع کتاب حاضر است. تأسیس دارالفنون را (در نیمه‌ی قرن نوزدهم میلادی) پژوهشگران رشته‌های مختلف بررسی کرده‌اند و اهمیت آن را باز نموده‌اند. شاید بتوان گفت که مهمترین تأسیس آموزشی پس از دارالفنون «مدرسه‌ی علوم سیاسی» بوده است که در تحقیقات جای شایسته‌ی خود را نیافته است. به‌بیان دیگر مورخان معاصر اهمیت این تأسیس دوم را به اندازه‌ی دارالفنون ارج

نگذاشته‌اند اکثر نوشته‌هایی که راجع به این مدرسه به‌چاپ رسیده‌اند از آن همچون کوششی در میان کوششهای دیگر یاد کرده‌اند. در حالی که مدرسه‌ی علوم سیاسی نه فقط در زمان تأسیس، بلکه در دوران فعالیتهای آموزشی و حتی پس از آن به‌سبب روشهای نوآورانه، فارغ‌التحصیلانی که به‌جامعه عرضه کرد و مهمتر از همه ترویج منسجم و آکادمیک اندیشه‌ی قانون منشاء اثرگذاریهایی چشمگیر بوده است. حق آن است که به این مدرسه به‌عنوان یکی از تأسیسات مهم عرصه‌ی تجدد در ایران توجهی خاص مبذول شود.

به این اعتبار می‌خواهم بگویم که تاریخ نوسازی در ایران تاریخی است در اساس تدریجی که انقلاب مشروطیت هم در بطن آن می‌گنجد و جزیی از آن به‌شمار می‌رود. انقلاب مشروطیت کوشید دو عنصر تغییر و تداوم را به‌هم بیامیزد و ترکیبی یکه و ممتاز به‌بار آورد. تاریخ تجدد در ایران تاریخی است نسبتاً طولانی که به‌بیش از یک قرن پیش بازمی‌گردد و حکایت از آن دارد که تجدد، نوسازی یا به اصطلاح مدرنیزاسیون دفعتاً در جامعه جا نمی‌افتد. کوششهای متعدد لازم است تا بتوان جامعه را از درون نوساخت و سنتها را با روح زمانه هماهنگ و سازگار کرد. از این گذشته کوششهای نوآورانه را نمی‌توان تنها با اتکاء به‌یک گروه اجتماعی به سرانجامی مطلوب و ماندگار رهنمون کرد. گروه‌ها و قشرهای متنوع باید هریک به‌نوسازی و نوآوری دلبستگی خلاق نشان دهند تا بتوان کل جامعه را از نو آراست و به‌تعادل و آرامشی مجدد دست یافت. پس می‌توان گفت که مطالعه‌ی نوسازی در ایران فقط با بهره‌گیری از مطالعه در تاریخ تجدد در دوره‌ای طولانی معنادار خواهد بود نه با نفی این تاریخ یا توسل به‌داوریهای مطلق‌گرا. برخی تصور می‌کنند که مدرنیزاسیون امری مطلق است. اگر همه‌ی عوامل مورد نظر در یک مقطع یا در شماری از برنامه‌ها مشاهده نشود، در نتیجه همه‌ی آن مقطع و تمامی آن برنامه‌ها چیزی نیستند جز شبه مدرنیزاسیون. گویی الگویی مطلق و جهانشمول از مدرنیزاسیون وجود دارد که

هرچه با آن نخواند، شبه مدرنیزاسیون به‌حساب می‌آید.

بازمی‌گردم به‌مطلب اصلی. نوسازی یا به‌قولی مدرنیزاسیون الگویی مطلق و ثابت نیست که بتوان آن را در همه‌جا به‌یک صورت واحد به‌کار بست. نوسازی جامعه در اساس تجربه‌ی خاص همان جامعه است در پرتو کوششهایی که در جهت غلبه بر سنتهای بازدارنده به‌عمل می‌آورد یا می‌کوشد سنتهایش را با تحولات سازگار سازد یا سنتهایش را به این یا آن طریق از نو بیاراید. از این گذشته نوسازی و تجدد مجموعه‌ای واحد و به‌هم پیوسته و حتی منسجم نیست که بتوان آن را یکباره و یکجا تجربه کرد. تجدد و نوسازی مجموعه‌ای از تجربیات فردی، گروهی و جمعی است که گاه حتی در تضاد با هم قرار می‌گیرند و حتی گاه علیه هم وارد نبرد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی می‌شوند. همین تجربه‌ی برآمده از انواع درگیریها در اساس تجربه‌ی نوسازی است. اگر در جریان این درگیریها برخی از مسائل و پرسشها لاینحل بمانند، در عمل در دوره‌ای بعد به‌گونه‌ای دیگر در جامعه سربرمی‌کشند و خواستار شناسایی می‌شوند. در مرحله‌ی تازه در واقع مشکلات بازمانده از گذشته در معرض تغییر قرار می‌گیرند و در عمل به‌نحوی متفاوت از دوره‌ی قبل حل و به‌بیانی دیگر منحل می‌شوند. درواقع آن‌چه که به‌صورت ضد تجدد یا به‌بیانی دیگر پسرفت می‌بینیم چیزی نیست جز مقاومت گوشه‌هایی از جامعه که در مقطع آغازین تحول و تغییر پاسخ مناسب نیافته‌اند یا پاسخهای داده شده را قانع‌کننده نیافته‌اند، یا در درون خود آمادگی لازم را برای پذیرش تغییر نپرورانده‌اند. مقاومت پدیده‌های بازمانده، جریان فرهنگی پیچیده و بغرنجی است که تنها به‌مدد مطالعات موردی می‌توان آنها را شناسایی کرد. ولی آن‌چه که درخور توجه است این است که بازمانده‌های تحول پیشین وقتی در مرحله‌ی تاریخی دیگری سربرمی‌آورند، بار دوم در معرض انحلال قرار می‌گیرند هرچند که با ادعای ماندگار شدن و با تأکید بر هویتی پا برجا و ابدی پا به‌صحنه‌ی تاریخ می‌گذارند اما در برابر

پرسشها و چالشهای زمانه تاب مقاومت ندارند و به‌تدریج نه‌تنها دگرگونیهای جانیفتاده‌ی پیشین را جا می‌اندازند بلکه مسیر فراگرد انحلال خود و آرمانهای آغازین را، این‌بار به‌دست خود هموار می‌سازند.

از این روست که می‌بینیم جریان نوسازی یا مدرنیزاسیون جریانی است بغرنج و توأم با رفت و برگشت. جریانی است چند بُعدی که حاصل تنشهای برآمده از برهم خوردن تعادل سنتیِ جامعه است. اگر بخواهیم این جریان پیچیده و چند بُعدی را در اصطلاح شبه مدرنیزاسیون خلاصه کنیم، در عمل کاری نکرده‌ایم جز ترویج آسان‌پسندی.

درک روند تجدد و نوسازی چنان‌که اشاره شد، نیازمند مجموعه‌ای از مطالعات موردی است. به‌مدد این مجموعه می‌توان سرانجام به‌نظریه‌پردازی روآورد و معنایی کلی برای فهم تحول جامعه و گذار از سنت به‌پیشرفت ترسیم کرد.

☆☆☆

مدرسه‌ی علوم سیاسی بی‌تردید یکی از تأسیسات مدرن تمدنی در ایران به‌شمار می‌رود. تأسیس این مدرسه پاسخی بود به‌یک نیاز واقعی و شکلگیری آن حاصل مجموعه‌ای از تنشها و درگیریهای فکری و اداری. از درون این مدرسه اندیشه‌ها و فعالیتهای گونه‌گونی بالنده شد که در تضاد با سنتهای رایج قرار داشتند. مطالعه‌ی احوال سازمانها و تأسیسات اداری در دوران نوسازی از اهمیتی ویژه برخوردار است. تا حال اغلب پژوهشگران به‌مطالعه‌ی اندیشه‌های افراد نواندیش دلبستگی نشان داده‌اند و از راه بررسی تاریخ اندیشه به‌فهم نوسازی یا سنت‌گرایی، پیشرفت یا پسرفت جامعه رو آورده‌اند. شمار مطالعات مربوط به‌تأسیسات مدرن آن‌قدر نبوده است که راه تازه‌ای را در برابر نظریه‌پردازان بگشاید یا شاید اغلب بررسیها با توضیحات جامع نظری همراه نگشته‌اند تا کسب معنای تازه‌ای را از تاریخ تحول جامعه ممکن گردانند. از این

گذشته بیشتر این مطالعات، اندیشه‌های حاکم برایجاد این‌چنین تأسیساتی را چندان که باید مورد توجه قرار نداده‌اند تا نوع تازه‌ای از پژوهش را که مطالعه‌ی تاریخ اندیشه در تأسیسات تمدنی باشد، عرضه کنند. مخالفت با دولت در میان روشنفکران آنچنان نیرومند بوده است که به‌نادیده انگاشتن تأثیر تحولات در ساختار دولت انجامیده است. بسیاری از تأسیسات دولتی در مقاطعی در تاریخ معاصر به‌خصوص در عصر مشروطیت و در دوره‌ی پس از آن درواقع پیشرو یا مروج اندیشه‌های نو بوده‌اند و درون خود افرادی را تربیت کرده‌اند که در همان مقطع یا بعدها دست به‌نوآوری به این یا آن شکل زده‌اند. مطالعه‌ی اندیشه‌های حاکم و رایج در تأسیسات تمدنی جدید می‌تواند افقهای تازه‌ای در برابر پژوهشهای تاریخ اندیشه بگستراند و درک ما را از تحول جامعه‌ی ایران در دوران معاصر ژرفتر سازد. این سخن به‌معنای آن نیست که تاکنون کاری در این زمینه انجام نگرفته است. بسیاری از پژوهشهای موردی سودمند هم‌اکنون در برابر ما قرار دارد. زیرنویسهای مطالعه‌ی حاضر نیز به‌برخی از آنها که در همین زمینه صورت گرفته‌اند اشاره دارند. نکته‌ی مهم این است که اولاً باید چنین مطالعاتی را بیش از گذشته مورد توجه قرار داد و ثانیاً این که نوع تازه‌ای از مطالعات را که پژوهش در حوزه‌ی تاریخ اندیشه‌های رایج در تأسیسات تمدنی باشد در ایران بنیان نهاد و از این راه نیز سعی کرد تا روند نوسازی را فهمید و نوعی دیگر از اندیشه‌ها را که متفاوت از اندیشه‌های فردی هستند یا به‌صورت اندیشه‌های حاکم بر سازمانهای اداری، آموزشی و اجتماعی و فرهنگی عرضه می‌شوند، شناسایی کرد. بسیاری از اهل دانش و شمار فراوانی از متخصصان در دوره‌ای طولانی در تأسیسات اداری مدرن مشغول به‌کار بوده‌اند و هر سازمانی به‌سهم خود سیاستها و برنامه‌هایی را پی گرفته است که بر احوال جامعه و حتی اندیشه تأثیر نهاده است. شناسایی این نوع از فکر تنها از راه شناسایی تأسیساتی که حامل چنین افکاری بوده‌اند، فراهم می‌آید. این نوع از مطالعه را نباید با

مطالعه‌ی تاریخچه‌ی سازمانها یکسان گرفت. آنچه که در نظر دارم ظریفتر از این دست از مطالعات است.

کتاب حاضر در برگیرنده‌ی همه‌ی نوشته‌ها و اسنادی است که پیشتر در این‌جا و آن‌جا به‌چاپ رسانده‌ام (در جلد دوم و جلد سوم مجموعه‌ی «در زمینه‌ی ایران‌شناسی») به‌اضافه‌ی تعداد قابل ملاحظه‌ای از اسناد دیگر که برای نخستین‌بار منتشر می‌شوند. بدین‌ترتیب فعلاً همه‌ی آن‌چه را که در اختیار دارم یکجا به‌چاپ می‌رسانم تا علاقه‌مندان تصویری جامع‌تر از این مدرسه داشته باشند. در این مجموعه اسنادی را هم از کتاب «دوره حقوق اداری علمی» برگرفته‌ام. این کتاب را «دمرنی» ژوریسکنسولت وزارت داخله و معلم احمدشاه تألیف کرده است.

مدرسه‌ی علوم سیاسی نقشی دورانساز در ترویج اندیشه‌های مدرن در تاریخ معاصر ایران داشته است. شاید با چاپ این کتاب بهتر بتوانم به‌شناسایی این نقش کمک برسانم. از این گذشته متن رساله‌ی مرحوم فروغی را که پیشتر به‌صورت عکسی به‌چاپ رسانده بودم، بازخوانی کرده‌ام و به‌صورت حروفچینی شده و با نقطه‌گذاریهای شاید مناسب و با رسم‌الخط امروزی به‌چاپ می‌رسانم تا خواندن آن آسان‌تر شود. عده‌ای از دوستان من خواسته بودند که متن این رساله حروفچینی شده به‌چاپ برسد تا شمار بیشتری بتوانند از آن بهره بگیرند. همه‌ی اعدادی که در متن حروفچینی شده‌ی حاضر در داخل دو کمان قرار گرفته‌اند اشاره دارند به‌شماره‌ی صفحات متن نسخه‌ی خطی.

این رساله تا جایی که می‌دانم نه‌تنها نخستین متنی است که به‌زبان فارسی راجع به‌قانون اساسی به‌صورت آکادمیک نوشته شده است، بلکه از نظر برابر نهاده‌ها نیز نخستین متن در عرصه‌ی علوم حقوقی است. معادل‌گذاریهای فروغی در آن زمان درخور توجه است و کوشش او در فارسی‌سازی زبان حقوق اساسی در غرب درخور ستایش.

متن کامل مقاله‌ای از مرحوم فروغی را هم که در نشریه‌ی تربیت به‌چاپ رسیده است و به‌همین مدرسه اشاره دارد در این‌جا می‌آورم. سخنرانی اوست در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. از این مقاله در نوشته‌ام جای‌جای بهره گرفته‌ام. رسم‌الخط این مقاله را تغییر ندادم. به‌همین‌شکل هم آسانخوان است. در ضمن متنی تخصصی به‌شمار نمی‌رود.

از نظر روش‌شناسی، این کتاب یک رساله را مبنا قرار می‌دهد و به‌پژوهش درباره‌ی مؤسسه‌ای که این رساله برای تدریس در آنجا نوشته شده می‌پردازد و به‌برخی از اندیشه‌ها و رفتار اجتماعی در آن مرحله نگاه می‌اندازد و مجموعه‌ای از اسناد را که سرنوشت این مدرسه را می‌نمایانند، در اختیار قرار می‌دهد. از این گذشته در پژوهشی که در مورد مدرسه‌ی علوم سیاسی تحت عنوان «تاریخچه‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی» در آغاز کتاب آورده‌ام سعی کرده‌ام نحوه‌ی تدریس، مواد درسی، معلمان و فارغ‌التحصیلان آن را بشناسانم. اسنادی را که در کتاب آورده‌ام اسنادی یکه و ممتازند که برای نخستین‌بار در یک مجلد به‌چاپ می‌رسند. برخی از آنها حتی برای نخستین‌بار. شاید در نظر برخی از خوانندگان تعدادی از این اسناد عادی و نامهم جلوه‌گر شوند ولی مجموعه‌ی آنها نشان می‌دهد که زندگی اداری و سازمانی در آن دوره در یک مؤسسه‌ی آموزشی تا چه حد مبتنی بر مقررات و قواعد بوده است و به‌چه میزان حتی کوچکترین امور براساس ضوابط به اجرا درمی‌آمده‌اند. اسناد این کتاب به‌سهم خود، ما را در فهم شکلگیری نظام مدرن اداری در ایران نیز یاری می‌رسانند.

در پایان لازم می‌دانم از دوست فرهیخته و شاعرم مهین‌بانو اسدی تشکر کنم که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی دشوار کتاب را به‌عهده گرفت و با دلسوزی آن را به‌پایان رساند.

چنگیز پهلوان

مونستر ـ دسامبر ۲۰۰۲

تاریخچه‌ی
مدرسه‌ی علوم سیاسی

تاریخچه‌ی
مدرسه‌ی علوم سیاسی

رساله‌ی «*حقوق اساسی یا آداب مشروطیت دول*» که متن کامل آن پس از این گفتار به چاپ می‌رسد در پرتو اندیشه‌های نوگرا در دوره‌ی مشروطیت نگاشته شده است. در این دوره برخوردهای بنیادی و ژرفی میان نوگرایان و سنت‌گرایان رخ می‌دهد. این دو گروه هر یک در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران گونه‌گون نامیده شده‌اند و داوری درباره‌ی اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایشان حتی از سوی هواخواهانشان یکدست و یکسو نبوده است. یکی از حوزه‌های رویارویی میان این دو گروه قلمرو آموزش و به اصطلاح تعلیم و تربیت بوده است. کتاب «*حیات یحیی*» نوشته‌ی یحیی دولت‌آبادی شرح مفصل و جانانه‌ای از این برخوردها عرضه می‌دارد و نگارنده‌ی آن می‌کوشد تصویری از درگیریها، سازشها، شکستها و موفقیتهایی که در زمینه‌ی آموزش روی می‌دهد از دید خود ترسیم کند. با این‌حال باید گفت که هنوز بسیاری از گوشه‌های فرهنگی دوره‌ی یاد شده نیاز به پژوهش و بررسی دارد و چاپ تازه‌ی نوشته‌های آن زمان می‌تواند به آشنایی معاصران با شیوه‌ی تفکر اندیشگران این دوره مدد برساند و به تحلیلها و تفسیرهای دیگرگونه‌ای بینجامد.

رساله‌ی «*حقوق اساسی*» که به وسیله‌ی محمدعلی فروغی تألیف شده است متنی است آموزشی برای یکی از مؤسسات به اصطلاح تمدنی جدید که مدرسه‌ی علوم سیاسی نام داشت. از این‌رو پیش از مطالعه‌ی رساله شاید مفید باشد که با این مدرسه و سپس مؤلف رساله آشنا شویم.

مدرسه‌ی علوم سیاسی که از قدیم‌ترین تأسیسات آموزشی عصر جدید به حساب می‌آید به سبب طبیعت خود از مروجان اندیشه‌ی نو در ایران است و آگاهی از پیشینه‌ی آن می‌تواند به فهم بهتر رساله‌ی «*حقوق اساسی*» یاری برساند زیرا مؤلف رساله، هم در این مدرسه درس داده است و هم مدیریت آن را در یک دوره در دست داشته است.

مدرسه‌ی علوم سیاسی که در سال ۱۳۱۷ تأسیس گردید مدرسه‌ای بوده «جدید و کاملاً «فرنگی»... این مدرسه پس از قسمت طب دارالفنون که به مدرسه‌ی طب قدیم معروف است دومین مدرسه‌ای است که در رشته‌ی تخصصی ایجاد شده است»[۱].

میرزا نصرالله خان نائینی مشیرالدوله هنگامی که وزیر خارجه بود قصد می‌کند شماری دیپلمات آگاه به وضع جهان تربیت کند و آشفتگی حاکم بر روابط خارجی ایران را که به علت وجود نمایندگان ناآگاه در خارج شدت یافته بود بزداید. نمایندگان ایران در خارج در آن هنگام «هرچند به آداب درباری و رسوم کشوری مملکت خود واقف بودند لکن از آداب و مقررات و اصول معمول در کشورهای اروپایی اطلاع نداشتند و این مسئله به حق یکی از بزرگترین علل زیانهای وارد بر ایران در طول دوره‌ی سلطنت پادشاهان قاجار بوده است»[۲]. در آن هنگام کشور ما دستخوش رکود و انحطاط، و سستی و ناتوانی شده بود و «نمایندگی ایران در خارج نیز به دست مردان ناقابل و بی‌اطلاع افتاده و منافع کشور در خارجه حفظ نمی‌شد. در بعضی نقاط مانند روسیه، عثمانی، مصر و هندوستان نمایندگان ایران افتخاری بودند. گاهی این مأموریت مهم و دشوار که حیثیت و منافع دولت و ملت را شامل بود چون یک حقی به

---

۱) افشار، ایرج. *سواد و بیاض*. مجموعه مقالات، کتابفروشی دهخدا. تهران، مهر ۱۳۴۹. ۲ جـ. ج ۲. صص ۲۳۳-۲۳۴.

۲) محبوبی اردکانی، دکتر حسین. *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. انتشارات دانشگاه تهران. شماره‌ی مسلسل ۱۸۷۹. تهران ۱۳۵۴. ص ۳۹۹.

ارث از پدر به پسر انتقال می‌یافت»[۳].

در زمان ناصرالدین‌شاه که محصل به اروپا اعزام می‌شود تنی چند به تحصیل در رشته‌ی حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی می‌پردازند. از آن میان می‌توان نام برد: میرزا رضاخان گرانمایه پسر میرزا حسین سرابی، میرزا عبدالله پسر میرزا محمدخان صدیق‌الملک و میرزا زین‌العابدین کاشانی[۴]. رجال دیگری نیز بعد به هزینه‌ی خود فرزندانشان را به اروپا فرستادند که میرزا نصرالله خان نائینی از آن‌جمله است. یحیی دولت‌آبادی درباره‌ی مشیرالدوله و فکر تأسیس مدرسه‌ی سیاسی می‌نویسد: [میرزا نصرالله خان] «مشیرالدوله سه پسر قابل دارد و با این که خود ممالک خارجه را ندیده و از معلومات جدید بی‌اطلاع است از معاشرت با خارجیها و از خدمت طولانی که در وزارت خارجه داشته به لزوم حسن تعلیم و تربیت اولاد خود پی برده دقیقه‌ای در انجام این وظیفه کوتاهی ننموده است. پسران مشیرالدوله همه نیکو تربیت یافته‌اند مخصوصاً میرزاحسن‌خان مشیرالملک. مشیرالملک پس از ورود به تهران و آگاه شدن از تربیت معارف به خیال می‌افتد مدرسه‌ای برای علوم سیاسی تأسیس نماید. محسنات این کار را به پدرش خاطرنشان نموده به‌علاوه او را ترغیب می‌نماید که در کلیه‌ی کار معارف مساعدت و اقدام جدی بنماید. مشیرالدوله یکی به واسطه‌ی آن که میرزامحسن‌خان مشیرالدوله وزیر خارجه پیش از او به معارف‌پروری ستوده می‌شده و دیگر به واسطه‌ی تشویق و ترغیبی که از فرزند خود می‌شود و به او علاقه‌ی زیاد دارد خود را دخیل کار معارف نموده به موجب امر شفاهی پادشاه به دخالت خود در این کار رسمیت می‌دهد»[۵].

---

۳) *سالنامه‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی*. سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵. ص ۳.

۴) محبوبی اردکانی. همانجا.

۵) دولت‌آبادی، یحیی. *حیات یحیی*. نشر عطار و فردوسی. تهران ۱۳۶۱. چاپ دوم. ج ۱. صص ۲۶۸-۲۶۹. همچنین نک. باستانی پاریزی. *تلاش آزادی*. انتشارات نوین. تهران ۱۳۵۴. صص ۷۹-۸۲؛ و: جلال عبده. *چهل سال در صحنه*. مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. تهران ۱۳۶۸. ص ۵۸.

عبدالله مستوفی در همین مورد می‌نویسد: «مشیرالدوله در وقتی که مصباح‌الملک و رئیس اداره‌ی روس بود، سه پسر خود حسن و حسین و علی را برای تحصیل به اروپا فرستاده بود. علی پسر زیبا و برازنده‌ی او در اروپا مسلول و بدرود زندگی گفت. ولی حسن و حسین اولی قسمت حقوق دارالفنون مسکو را تمام کرد و دومی در مدرسه‌ی پلی‌تکنیک فرانسه مشغول تحصیل بود. وزارت امور خارجه مشیرالدوله مصادف با وقتی بود که میرزاحسن‌خان پسر ارشدش مدرسه‌ی حقوق را تمام کرده به سمت وابسته وارد سفارت ایران در پطرزبورغ شده بود. چون وجود میرزاحسن‌خان در تهران و کمک با پدر بیشتر از اقامت در پطرزبورغ نافع بود، او را به تهران خواست و لقب سابق خودش، یعنی مشیرالملک، لقب او گشت... مشیرالملک با داشتن سمت ریاست کابینه‌ی وزارت خارجه، منشی مخصوص صدراعظم هم شد. ناچار نظر این جوان تحصیل کرده به وزارت خارجه و اداره کردن آن متوجه گشت و دانست که کار از ریشه خراب است و تا مبنای علمی برای اعضای وزارت خارجه دست و پا نشود، هرچه بکند نقش برآب خواهد بود. از طرف دیگر حالا که افتتاح مدارس باز شده و شاه و صدراعظم از آن جلوگیری ندارند چه از این بهتر که مدرسه‌ای هم که در آن علوم عالیه‌ی سیاسی تدریس شود دائر نمایند و کار معارف و فرهنگ اساسی کشور را پیشرفتی بدهند. پسر و پدر در نزد صدراعظم و شاه مجسنات این اقدام را جلوه‌گر ساخته فرمانی صادر کردند»[۶]. علی‌اکبر سیاسی در خاطرات‌خود می‌نویسد: «مدرسه‌ی سیاسی را ـ که بعدها مدرسه‌ی علوم‌سیاسی خوانده شد ـ میرزاحسن‌خان مشیرالدوله تأسیس‌کرده بود بدین‌منظور که برای وزارت امور خارجه ایران اعضای (کادر) تحصیل‌کرده و آشنا به‌علوم سیاسی

۶) مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. کتابفروشی زوار. تهران ۱۳۶۰. ۳ ج. ج. ۲. صص ۶۸-۶۹. همچنین نک. تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی. ج ۱. ص ۵۲۸ که چنین می‌نویسد: «.. ولی علت تامهٔ همراهی مشیرالدوله از ملت تحصیلات پسرهای او و تأسیس مدرسهٔ سیاسی بود». چاپ سوم. تهران. انتشارات آگاه ۱۳۶۱.

تربیت کند»[۷]. همان‌گونه که آمد پیش از این ایران در بعضی از کشورها مانند روسیه، عثمانی، مصر و هندوستان دارای نمایندگان افتخاری بود که گاهی این مأموریت را از پدر به ارث برده بودند. اصرار میرزاحسن‌خان مشیرالدوله و تمایل پدر در نزد شاه و صدراعظم و یادآور شدن نیکیهای تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی موجب شد که مظفرالدین‌شاه فرمانی برای تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی صادر کند. مدرسه‌ی علوم سیاسی در تاریخ پانزدهم شعبان ۱۳۱۷ هجری قمری (۱۶ آذر ۱۲۷۸ شمسی)[۸] گشایش یافت و از اداره‌های وزارت امور خارجه به حساب می‌آمد. در آغاز سالانه چهارهزار تومان برای مخارج این مدرسه از تفاوت عمل معدن فیروزه‌ی خراسان اختصاص داده شد[۹] و در همان‌حال میرزاحسن‌خان برنامه‌ای برای آن تنظیم کرد. سپس بودجه‌ی مدرسه از محل عواید کسب شده از صدور تذکره که درآمد ثابت و مستمری بود تأمین می‌گشت که تا اوائل مشروطیت ادامه داشت[۱۰].

برای روز افتتاح مشیرالدوله وزیر امور خارجه عده‌ای را دعوت کرد تا در مراسم گشایش شرکت بجویند. مدرسه در آغاز با نطق میرزاحسن‌خان مشیرالملک شروع به کار کرد. عبدالله مستوفی در این‌باره می‌نویسد: «دانشجویان هم در سر جاهای خود به ترتیب ورود روی نیمکتها نشستند. البته چون من اول وارد بودم، جای احترام کلاس مال من بود. در ساعت مقرر دعوت‌شدگان به تالار کلاس آمدند. مشیرالملک باجزوه‌ای که قبلاً از مقدمه‌ی حقوق بین‌الملل نوشته بود و در دست داشت بر بالای منبر جایگاه معلم برآمده به‌طور مقدمه شرحی در

۷) سیاسی، علی‌اکبر. گزارش یک زندگی. ناشر پاکاپرینت. لندن چاپ اول دی ماه ۱۳۶۶. ج ۱. ص ۲۰.

۸) راهنمای دانشگاه تهران. سال تحصیلی ۱۳۵۳-۱۳۵۴. تهیه و تنظیم از: امور آموزشی دانشگاه تهران. ص ۱۴۹.

۹) عبدالله مستوفی. همانجا. ج ۲. صص ۶۸-۶۹.

۱۰) سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی. سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. صص ۳-۴.

تعریف حقوق و جنس و فصل آن برای شاگردان بیان کرد. بعد از ختم بیانات او حضار دست فراوانی زدند. مشیرالملک از بالای منبر گفت یکی از آقایان دانشجو مطالبی را که گفتم تکرار کند. قوام‌الوزاره که پهلوی تخته‌سیاه ایستاده و ناظم مدرسه معین شده بود، اسم مرا برد. باید اعتراف کنم که اگر موضوع جنس و فصل و کلیات نبود مسلماً از تکرار بیانات ایشان عاجز می‌ماندم. ولی چون جنس و فصل کردن قضایا را در تعریفات علوم عربیت خیلی خوانده و گفته بودم، همین‌قدر که کلیات بیانات ایشان را در نظر آوردم توانستم چیزهایی که پرنامربوط نبود به‌هم ببافم. خلاصه آقایان به تالار برگشتند، برای ما هم چای آوردند، صرف کرده متفرق شدیم. در موقع بیرون آمدن قوام‌الوزاره به کلاس آمده و ساعت اول درس فردا را شفاهاً معین و توصیه نمود که نیمساعت قبل از وقت همگی حاضر باشیم»[۱۱].

نخستین محل مدرسه در خیابان ادیب روبه‌روی منزل ارباب جمشید از خانه‌های نصرالله خان سپهسالاری بود. مستوفی می‌نویسد: «در سال آخر چهار کلاس داشتیم. محل مدرسه خرابی پیدا کرد و مدرسه به خانه‌ای در خیابان برق نزدیک بانک شاهی منتقل شد و ما در این محل فارغ‌التحصیل شدیم. این خانه نزدیک بانک شاهنشاهی و خانه‌ی بیگلر بیگی معروف و منزل وسیعی بود که گنجایش چهار کلاس مدرسه و سایر لوازم را داشت و تا چندین سال بعد هم که مدرسه محل ملکی نداشت در همین خانه ماند»[۱۲].

علی‌اکبر سیاسی در خاطرات خود می‌نویسد مدرسه‌ی سیاسی از هنگامی که او پذیرفته می‌شود در عرض سه سال سه‌بار تغییر محل می‌دهد. در هنگام ورود به این مدرسه به یاد می‌آورد که «محل این مدرسه در آن زمان عمارت بزرگی بود در اول خیابان لاله‌زار نزدیک میدان توپخانه (بعدها میدان سپه). اطاقهای متعدد داشت با تالاری بزرگ که دارای پنجره‌های پر عرض و

۱۱) عبدالله مستوفی. همانجا. ج ۲. ص ۷۲.
۱۲) مستوفی. همانجا. ج ۲. ص ۶۹.

طول و شیشه‌های رنگارنگ معروف به «ارسی» بود. شاید به این مناسبت که از روسیه آمده یا اقتباس شده بود»[۱۳]. بعد اضافه می‌کند که «سال دوم به عمارتی واقع در اوایل خیابان علاءالدوله (فردوسی) منتقل شد و سال سوم به اوایل خیابان چراغ برق (امیرکبیر) رفت»[۱۴].

هنگامی که عبدالحسین شیبانی (وحیدالملک) به ریاست مدرسه برگزیده می‌شود موافقت مشیرالدوله (نخست‌وزیر) و مستر شینلر اتریشی مستشار مالی و رئیس خزانه‌داری کل ایران و مستشارالسلطنه قدیمی وزیر امور خارجه را به دست می‌آورد که دولت هشت‌هزار تومان به اولیای مدرسه برای خرید یک محل دائم کمک کند و بقیه‌ی پول را از شهریه و اعانه‌ی اولیای دانش‌آموزان فراهم آورند. سرانجام مدرسه با گردآوری پانزده‌هزار تومان دارای ساختمان همیشگی می‌شود که در کوچه‌ی امین‌السلطان بین خیابان فردوسی و لاله‌زار قرار داشت[۱۵].

داوطلبان مدرسه‌ی علوم سیاسی بعضی شاگردان مدرسه‌ی دارالفنون، علمیه و افتتاحیه و خرد و برخی هم از درس‌خوانده‌های خانه و مدرسه‌های آخوندی بودند. دکتر علی‌اکبر سیاسی می‌نویسد: «در آن زمان تنها مدارس جدیدی که کلاسهای متوسطه کامل و فوق متوسطه داشتند، منحصر بودند به مدرسه دارالفنون سابق و مدرسه‌ی سیاسی سابق»[۱۶]. مدرسه‌ی سیاسی در تهران موقعیت ممتازی داشت و «در آن‌وقت از بهترین مدرسه‌های پایتخت به‌شمار می‌رفت».[۱۷] عبدالله مستوفی شماری از داوطلبان دوره‌ی اول را به یاد می‌آورد: «میرزا باقرخان، میرزاتقی‌خان عظیمی، میرزامحمد علی‌خان احتشام همایون

---

۱۳) سیاسی. همانجا. ج ۱. ص ۲۰.
۱۴) سیاسی. همانجا. ج ۱. ص ۲۱.
۱۵) سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. ص ۹.
۱۶) سیاسی. همانجا. ج ۱. ص ۱۷.
۱۷) خواجه‌نوری، ا. مردان خودساخته. شرکت نسبی اقبال و شرکاء ـ مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر. تهران فروردین ۱۳۳۵: صص ۱۴۳-۱۴۵.

پسر معین‌الدوله، داودخان پسر عماد نظام برادر زاده‌ی سهام‌الدوله (جلیلوند)، میرزا علی‌اکبرخان پسر خان‌باباخان قزوینی (آقای علی‌اکبر دهخدا)، میرزا اسدالله خان (بهنام) و از همه جوانتر میرزا جعفرخان (پاک‌نظر) که پانزده شانزده سال بیش نداشت و چند نفر دیگر بودند. بعدها خواهرزاده‌ام صادق اعتلاء و محمود ثقفی برادر اعلم‌الدوله و میرزا اسحق‌خان رهبر و میرزا علی‌محمدخان اویسی و سیف‌الله خان پسر سردار معتضد و چند نفر دیگر هم براین جمله افزوده شدند»[۱۸].

دکتر علی‌اکبر سیاسی نیز همدره‌های مورد علاقه‌اش را یادآور می‌شود و می‌نویسد: «در مدت سه سالی که در مدرسه‌ی سیاسی به تحصیل اشتغال داشتم از همدره‌هایم کسانی که بیشتر مورد علاقه و دوستیم بودند به ترتیب اینها بودند: میرزا جوادخان (عامری)، علیرضاخان (منصور) برادر منصورالملک که با آنها غالباً روی یک نیمکت جا داشتیم، میرزا محمدخان (شایسته)، ابوالقاسم‌خان (پور والی)، میرزا محمدعلی‌خان (وارسته)، میرزا عیسی‌خان (بهنام) و میرزا ابراهیم‌خان (دهخدا) برادر میرزا علی‌اکبرخان دهخدا»[۱۹].

در آغاز امتحان ورودی به مدرسه‌ی سیاسی توأم با تشریفات بوده است. عبدالله مستوفی که از نخستین شاگردان مدرسه بوده است در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «مشیرالملک با روی گشاده مرا به تالار محضر معلمین هدایت کرده گفت (البته خطابش به باقی آقایان بود) من چون کاری دارم می‌روم و به زودی مراجعت می‌کنم. در این تالار چند نفری نشسته بودند، یکی از آنها شیخ لطفعلی و دیگری آخوند موضعی موسوم به میرزا محمدحسین و دیگری میرزا عبدالرزاق خان مهندس (آقای مهندس بغایری) و یکی دو نفر دیگر هم بودند. بعد از نیم‌ساعتی مرا به تالار دیگری که در جنب این تالار بود احضار کردند، در بالای این تالار منبر و میزی که جای معلم در آن ساخته و در سمت راست این

۱۸) مستوفی. همانجا. ج ۲. ص ۷۱.
۱۹) علی‌اکبر سیاسی. همانجا. ج ۱. صص ۲۲-۲۳.

منبر و میز تخته‌ی سه‌پایه‌ی سیاهی گذاشته و روبه‌روی این میز و منبر از دو طرف، دو ردیف نیمکتهای دو نفری وصل به هم که جلو هر نفری یک جعبه‌ای هم داشت که در آن کار میز را صورت می‌داد، پرداخته شده بود. شیخ‌لطفعلی بر روی صندلی به‌جای معلم قرار گرفته آقای مهندس بغایری (میرزا عبدالرزاق خان) پهلوی او ایستاده و میرزا محمدحسین هم بر صندلی دیگری در سمت راست جلو تخته‌ی سه‌پایه‌ی سیاهی نشسته و قرآنی هم روی میز بود. برای این‌که بی‌طرفی در امتحان کاملاً رعایت شده باشد آقای سرتیپ بغایری به‌طور تفأل قرآن را گشود و به دست شیخ لطفعلی داد. ایشان آیه‌ای را که البته آیه‌ی سرصفحه‌ی راست بود شروع کردند. من از قضا این آیه را حفظ داشتم و تا آخر از حفظ خواندم و طوری قرائت کردم که معلوم شد معنی و بنابراین تجزیه و ترکیب آن را به خوبی می‌دانم. میرزا محمدحسین و آقای بغایری نظری به هم افکنده معلوم بود که می‌خواستند بگویند زیادتر از احتیاج ما معلومات دارد ولی شیخ لطفعلی متقاعد نشد و به عنوان این که باید کاملاً سئوالات نحوی و صرفی به عده‌ی مشخص در برنامه به عمل آید با بیان مؤدبانه چند سئوال از من کرد. از جمله ترکیب جائنی زید را خواست. من هم شروع به ترکیب جمله کرده فعل و فاعل و مفعول را تعیین و حتی قول غیر مشهور را که اصل جائنی جاء الی بوده است نیز به عرضشان رساندم. آقای شیخ از این جمله‌ی آخری بسیار راضی شد و به رسم زمان شروع به تحسین کرد»[۲۰]. سپس امتحان املاء از روی تاریخ اشکانیان تألیف محمد حسین فروغی به عمل می‌آید. بعد از آن امتحان انشاء و سر آخر امتحان حساب که داوطلب می‌بایست چند رقم کسری را با هم جمع کند.

گویا امتحان ورودی در دوره‌ای که علی‌اکبر سیاسی می‌خواسته در مدرسه‌ی سیاسی پذیرفته شود چندان دشوار نمی‌نموده است: «کارنامه‌ی

۲۰) مستوفی. همانجا. ج ۲. صص ۶۹-۷۰.

مدرسه خرد خود را که حاوی نمره‌های آخرین امتحانات آن‌جا بود تسلیم دفتر مدرسه‌ی سیاسی کردم و پس از مختصر امتحان و مصاحبه‌ای که از من به عمل آمد در آن مدرسه پذیرفته شدم»[۲۱]. برای امتحان ورودی داوطلب می‌بایست در چند زمینه دارای معلومات آغازین باشد: صرف و نحو عربی، حساب، خط، انشاء و املاء.

مدرسه در آغاز یک کلاس بیشتر نداشت. کلاسهای بالاتر در سالهای پس‌تر به مدرسه افزوده گشت. معلمان و درسهای دوره‌ی اول عبارت بودند از: میرزا حبیب‌الله (فقه) اردشیرجی که فارسیان هندوستان سرپرستی فارسیان ایران را به او سپرده بودند (تاریخ)، میرزا عبدالرزاق خان (جغرافیا)، دکتر مرل (فرانسه)، مشیرالملک (حقوق بین‌الملل)[۲۲].

ماجرای تعیین درس فقه به‌عنوان یکی از مواد درسی از این قرار است: «برای این که محصلین مدرسه به کلی از حقوق اسلام عاری نباشند میرزاحسن‌خان مشیرالملک درس فقه را هم یکی از مواد تحصیلی قرار داد اما علمای وقت... که فراگرفتن فقه را در صلاحیت طلاب علوم دینی می‌دانستند هیچکدام تدریس فقه را در آن مدرسه تقبل نکردند. میرزاحسن‌خان از پای ننشست... و به مخالفین گفت مقصودم از این کار تربیت فقیه نیست بلکه می‌خواهم این جوانان را با اصول فقه اسلامی آشنا سازم تا وقتی که به ممالک کفر رفتند از راه به در نروند... و به این وسیله توفیق یافت و میرزا حبیب‌الله نامی که مرد مقدسی بود به تدریس فقه در مدرسه‌ی سیاسی مأمور گردید».[۲۳] احتمالاً مشیرالدوله می‌خواسته در مدرسه‌ای که به قول آن روزگار «علوم فرنگی» را ترویج می‌داده و یک عده «فوکلی»[۲۴] در آن درس می‌آموخته‌اند با واردکردن

---

۲۱) سیاسی. همانجا. ج ۱. صص ۱۹-۲۰.

۲۲) مستوفی. همانجا. ج ۲. صص ۷۱-۷۲؛ سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی. سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴. ص ۴.

۲۳) محبوبی اردکانی. همانجا. ج ۱. صص ۴۰۲-۴۰۳. ۲۴) افشار. همانجا. ص ۲۳۵.

درس فقه در میان درسهای مدرسه از نظر مساعد علمای وقت برخوردار گردد و با چنین مدرسه‌ای مخالفت نشود اما شاید نمی‌دانسته که همین امر می‌تواند مخالفت ایشان را به بار آورد. در این مورد خوب است به مطلب فروغی مراجعه کنیم که خاطرات دست اول دارد. فروغی این مطلب را ضمن نطقی در دانشکده‌ی حقوق ایراد کرده است: «با مزه‌تر از همه‌چیزی بود که اگر بگویم از بس با اوضاع امروزی متفاوت است باور نخواهید کرد اما یقین داشته باشید که کاملاً مطابق واقع است و من هیچ‌وقت خلاف واقع نمی‌گویم سهل است عادت به اغراق و مبالغه هم ندارم و آن این است که تدریس علم فقه در آموزشگاه علوم سیاسی مشکلات و محظورات داشت و اگر آموزشگاه دولتی و مرحوم مشیرالدوله وزیر امور خارجه و صاحب استخوان نبود یقیناً ممکن نمی‌شد که درس فقه را جزء موارد تدریس این آموزشگاه قرار دهند و آن را عملی کنند. حالا شاید نمی‌توانید حدس بزنید که این اشکال از چه بابت بود، از بابت این که به عقیده‌ی آقایان علماء تدریس فقه می‌بایست به مدارس قدیم و طلاب اختصاص داشته باشد یعنی فقیه بالضروره باید آخوند باشد. در آموزشگاهی که شاگردانش کلاهی بلکه بعضی از آنها فوکلی و بعضی از معلمین آن فرنگی بودند و روی نیمکت و صندلی می‌نشستند. چگونه جایز بود درس فقه داده شود. باری از دولت سر تغییر احوالی که در آن چند سال آخر روی داده بود همین‌قدر درس فقه را جزء مواد تدریس آموزشگاه قرار دادند و غوغایی بلند نشد و چماق تکفیر پایین نیامد اما کسی هم حاضر نمی‌شد که معلمی فقه را در این آموزشگاه قبول کند. بالاخره به تدابیر و لطائف‌الحیل و به عنوان این که درس فقه در آموزشگاه علوم سیاسی برای فقیه تربیت کردن نیست بلکه مقصود این است که محصلینی که بالمآل به ممالک کفر مأموریت پیدا می‌کنند به مسائل شرعی که دانستن آن برای هر مسلمانی فرض است آشنا باشند و ثواب آموختن این مسائل کفاره‌ی گناه درسهای دیگر باشد یک آخوند پیرمرد را که آدم خوب مقدس بود راهی

کردند که معلمی فقه را قبول کند»[۲۵]. این مرد مقدس همان میرزا حبیب‌الله بود. پس از آنکه میرزا حبیب‌الله به بیماری سل درگذشت شیخ‌محمد تقی اعتمادالاسلام که از نجف آمده بود تدریس فقه را در دست گرفت.

در سال ۱۳۱۹ قمری که مشیرالملک به فرنگ رفت اوهانس خان عمادالوزاره رئیس دارالترجمه‌ی وزارت خارجه به جای او به ریاست مدرسه منصوب گردید. در همین سال به اصطلاح اطاق (ـکلاس) دوم هم دایر شد. تغییرات تا سال ۱۳۲۱ قمری که نخستین امتحان نهایی به عمل آمد بیشتر در حوزه‌ی معلمان تاریخ به چشم می‌خورد. اردشیرجی معلم تاریخ به اروپا مسافرت می‌کند. عمادالوزاره و عبدالحسین‌خان میرپنج به جای وی در کلاسهای اول و دوم به تدریس تاریخ می‌پردازند. در سال ۱۳۲۰ که کلاس سوم تأسیس شد میرزامحمدحسین‌خان فروغی معلم ادبیات می‌شود. درس تاریخ یونان به عهده‌ی محبعلی‌خان گذاشته می‌شود و پس از فوت وی صدیق حضرت، نصرالله خان ناظم‌العلوم و عبدالحسین‌خان میرپنج به تدریس تاریخ مشغول می‌شوند[۲۶].

در سال ۱۳۲۱ که نخستین امتحان نهایی به عمل می‌آید هفت نفر دوره‌ی چهار ساله‌ی مدرسه را به پایان می‌رسانند و دیپلم دریافت می‌کنند. میرزا عبدالله‌خان مستوفی شاگرد اول نخستین دوره می‌شود.

در سال ۱۳۲۳ حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) به ریاست مدرسه می‌رسد و معاونت مدرسه همچنان در دست محقق‌الدوله است. مستوفی می‌نویسد: «ریاست مدرسه ابتدا حقاً با مشیرالملک بود. بعد از او میرزا حسین‌خان برادرش

---

۲۵) فروغی، محمدعلی. تاریخچه حقوق. خلاصه کنفرانس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی. مجله تعلیم و تربیت. از انتشارات اداره‌ی کل انطباعات وزارت معارف. تهران. شماره‌ی دهم ـ سال ششم. دی ماه ۱۳۱۵. صص ۷۶۲-۷۲۷.

۲۶) نک. سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی. سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. صص ۴-۵.

جناب آقای حسین پیرنیا که از پطرزبورغ به طهران آمده و کارهای برادر را در مرکز به‌عهده گرفته بود ریاست مدرسه را هم عهده‌دار شد. قوام‌الوزاره که ابتدا ناظم و بعد مدیر مدرسه بود به لقب محقق‌الدوله تغییر اسم داد»[۲۷]. در نخستین سال مشروطیت محقق‌الدوله به وکالت مجلس انتخاب می‌شود و میرزا علی‌اکبرخان کارگزار گیلان به جای وی به معاونت مدرسه منصوب می‌گردد. پس از اندک زمانی وی درمی‌گذرد و میرزا حسین‌خان ذکاءالملک مدیر داخلی می‌شود[۲۸]. چون کلاسها زیاد شده بود فاضل خلخالی بعض شعب فقه و اصول و محمدعلی فروغی ذکاءالملک قسمتی از تاریخ را تدریس می‌کنند.

محمدعلی فروغی درواقع از آغاز با مدرسه همکاری داشته است و ترجمه‌های او از آغاز در شمار مورد درسی بوده است. مستوفی می‌نویسد: «آن روز و چندین روز بعد درس تاریخ ما به کنفرانسی که معلم از کلیات تاریخ می‌داد منحصر می‌گشت تا جزوه‌های تاریخ ملل قدیمه‌ی مشرق که میرزا محمدعلی‌خان پسر ذکاءالملک فروغی ترجمه می‌کرد از چاپ درآمد و از روی آن تاریخ مصر را شروع کردیم»[۲۹]

محمدعلی فروغی خود در این‌باره می‌گوید: «... میان من و این موضوع [تاریخچه‌ی حقوق ایران] و این دانشکده [حقوق] مناسباتی است که بیشتر مایه‌ی مسرت من می‌شود، منوچهری که از شعرای خوب ماست غزل‌مانندی دارد که یک شعر آن این است:

آنجا که بود مستی ایام گذشته آنجاست همه ربع و تلال و دمن من

این مغازله را من با دانشکده‌ی حقوق می‌توانم بکنم چون مناسبات من با این دانشکده از آغاز تأسیس آن است و از ایام جوانی خودم، زیرا که مدرسه‌ی حقوق و بالاخره دانشکده‌ی حقوق جای مدرسه‌ی سیاسی را گرفته است. آغاز

---

۲۷) مستوفی. همانجا. ص ۷۹.

۲۸) سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی. سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. ص ۵.

۲۹) مستوفی. همانجا. ج ۲. ص ۷۱.

تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی از سال ۱۳۱۷ قمری است. مؤسس آن مرحوم مشیرالدوله‌ی اخیر بود که آن‌وقت مشیرالملک لقب داشت و پدرش مرحوم مشیرالدوله‌ی اسبق که وزیر امور خارجه بود و بعد صدر اعظم شد. و این هم مسرتی است برای من که موقعی بدستم آمده که از این دو نفر که به سبب تأسیس مدرسه‌ی سیاسی به معارف این مملکت خدمت شایان کرده‌اند ذکر خیر و سپاسگزاری بکنم.

خلاصه از همان‌وقت که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد بلکه قبل از آن که کلاسهای آن دایر شود و مدرسه رسمیت پیدا کند من با آن مدرسه مربوط بودم به مناسبت این که اولاً مرحوم مشیرالدوله صدراعظم قصد کرده بود تدریس ادبیات فارسی را در مدرسه به والدین من مرحوم ذکاءالملک فروغی محول کند، ثانیاً درسهایی که در مدرسه داده می‌شد هیچ‌کدام کتاب نداشت که دانشجویان بتوانند به توسط مراجعه به آن به فراگرفتن درسهایی که از معلمین اخذ می‌کنند مدد برسانند. و چون یکی از مواد که در مدرسه‌ی علوم سیاسی می‌بایست تدریس شود تاریخ بود که آن زمان اصلاً تدریس آن در ایران معمول نبود می‌بایست از برای تاریخ هم کتاب تهیه شود و چون تاریخ را برحسب معمول می‌خواستند از ملل قدیم مشرق شروع کنند اول کتاب تاریخی که در صدد تهیه‌ی آن برآمدند تاریخ ملل قدیم مشرق بود و اتفاقاً تهیه‌ی آن کتاب را به من رجوع کردند و آن اول کتابی بود که برای مدرسه تهیه شد»[۳۰]. او سپس اضافه می‌کند که اکنون یعنی هنگام ایراد نطقش که در شماره‌ی دی‌ماه ۱۳۱۵ مجله‌ی تعلیم و تربیت به چاپ می‌رسد سی‌وهشت سال قمری از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی که مقدمه‌ی دانشکده‌ی حقوق بوده می‌گذرد. به نظر فروغی این سی‌وهشت سال گرچه در عمر یک کشور و ملت زیاد نیست ولی از نظر کیفیت یعنی آن‌چه که رخ داده در ایران و خارج از ایران بسیار اهمیت دارد[۳۱].

۳۰) فروغی. همانجا. صص ۷۱۷-۷۱۸.
۳۱) نک. فروغی. همانجا. ص ۷۱۸.

در سال ۱۳۲۵ محمدعلی فروغی ذکاءالملک به ریاست مدرسه منصوب می‌شود. فروغی پیش از آن که ریاست مدرسه را به عهده بگیرد به تدریس تاریخ می‌پردازد. خود در این‌باره می‌گوید: «مشیرالملک در همان اوایل امر مأمور وزیر مختاری به دربار روسیه شد و محقق‌الدوله‌ی مرحوم در اداره‌کردن آموزشگاه مستقل گردیده بنده هم بعد از فوت یکی از معلمین چون سنم مقتضی شده بود به معلمی تاریخ برقرار شدم. پس از چندی محقق‌الدوله هم به مأموریت رفت و ریاست آموزشگاه را به پدرم دادند و من هم معاونتش می‌کردم. و بعد از وفات او ریاست به بنده تعلق گرفت. و در اینجا لازم است که از مساعدتهای آقای پیرنیا یعنی مؤتمن‌الملک نیز یاد کنم که از طرف پدر خود آموزشگاه را سرپرستی می‌کردند»[۳۲].

در این دوره تدریس علم ثروت به عهده‌ی مؤتمن‌الملک بود. بدین ترتیب به نظر فروغی «اول دفعه‌ای که در این کشور علم حقوق بین‌الملل تدریس شد توسط مرحوم مشیرالدوله‌ی اخیر بود و اول دفعه‌ای که علم ثروت به توسط یک معلم ایرانی تدریس شد آقای مؤتمن‌الملک بودند و اول کتابی هم که در علم ثروت به زبان فارسی نوشته شد آن است که من برای دانش‌آموزان همین آموزشگاه از فرانسه ترجمه کردم و خبر هم ندارم که این اول کتاب دویمی هم پیدا کرده باشد»[۳۳]. به یاد داشته باشیم که این خطابه که در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی ایراد شده است در سال ۱۳۱۵ شمسی به چاپ رسیده است و تا آن هنگام کتاب فروغی هنوز تنها کتاب درسی به‌شمار می‌رفته است. محبوبی اردکانی که می‌نویسد کتاب ثروت (علم اقتصاد) را حسین پیرنیا از فرانسه به فارسی ترجمه کرده ظاهراً اشتباه است[۳۴].

در سال ۱۳۲۵ محمدعلی فروغی به ریاست مدرسه منصوب می‌شود. در این دوره همان‌سان که آمد کتابهایی برای تدریس تهیه می‌شود و رساله‌ی

۳۲) فروغی. همانجا. ص ۷۲۷.
۳۳) فروغی. همانجا. ص ۷۲۷.
۳۴) محبوبی اردکانی. همانجا. ج ۱. ص ۴۰۴.

«حقوق اساسی» که متن آن پسانتر می‌آید از آن جمله است. معلمان مدرسه و درسهایشان در این دوره چنین است: صدیق حضرت (حقوق و دفترداری)، فاضل (فقه)، بدایع نگار (ادبیات)، دکتر مرل (فرانسه‌ی دوره‌ی عالی)، دکتر نصرالله خان (فرانسه‌ی دوره‌ی متوسطه)، میرزا عبدالرزاق خان (ریاضیات)، میرزا ابوالحسن خان (جغرافیا)، اعتمادالاسلام (فقه و اصول)، سیدابوالقاسم خان (تاریخ)، مسیو ویزبور (فرانسه پس از مرگ دکتر مرل)[۳۵]. در این دوره شش نفر فارغ‌التحصیل شدند ولی به علت انقلاب مشروطیت دیپلمها در سال بعد به دانش‌آموزان داده شد. در این موقع در اطاق پنجم شاگرد پذیرفته نشد ودوره‌ی مدرسه همچنان چهار سال بود.

دکتر ولی‌الله نصر در اول شوال ۱۳۲۷ به ریاست مدرسه انتخاب می‌شود. تدریس حقوق اساسی و تاریخ جدید به منصورالسلطنه سپرده شد. تدریس درسهای دیگر از این قرار بود: عباسقلی خان مترجم الممالک (فرانسه)، شمس‌العلماء (ادبیات)، میرزا عبدالعظیم خان گرکانی (فارسی)، شیخ مهدی (منطق). تدریس علم ثروت به عهده‌ی میرزا محمدعلی فروغی ذکاءالملک بود. پس از آن که مترجم الممالک استعفا کرد تدریس زبان فرانسه را فضل‌الله خان به عهده گرفت. نظامت مدرسه با ادیب‌السلطنه بود. در این دوره هفت نفر فارغ‌التحصیل می‌شوند. در سال ۱۳۲۸ چند دیگر به معلمان مدرسه اضافه می‌شود: رجبعلی خان (قسمتی از تاریخ)، میرزا هاشم خان (جغرافیا)، سیدعلی خان (فرانسه و طبیعیات)، میرزا عبدالله خان (حقوق اساسی)[۳۶]. در این سال که دوره‌ی هفتم بوده است و در دوره‌ی بعد که دوره‌ی هشتم می‌شود هیچ کس برای دادن امتحان نهایی حاضر نمی‌شود. از این دوره مدرسه دارای پنج اطاق (=کلاس) می‌شود.

دوره‌ی مدرسه‌ی سیاسی در آغاز چهار سال بود. وظیفه‌ی این مدرسه

---

۳۵) سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی. سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. ص ۶. ۳۶)همانجا. ص ۷.

همچنان که آمد تربیت عضو برای وزارت امور خارجه بود. فروغی می‌گوید: «مدت تحصیل این آموزشگاه را چهار سال قرار دادند و مواد تحصیلی عبارت بود از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی و زبان فرانسه و فقه و حقوق بین‌الملل عمومی. پس چنان که می‌بینید آموزشگاه علوم سیاسی هم کار شعبه ادبی دبیرستان را می‌کرد هم کار دانشکده را چون که هنوز دبیرستانها به جایی نرسیده بودند که محصلین برای تحصیلات عالی تهیه نمایند و این آموزشگاه هرچند برای علوم سیاسی بود ولیکن علوم مزبور بدون تاریخ و جغرافیا فهمیده نمی‌شود. زبان فرانسه هم که برای اعضای وزارت خارجه لازم است. ادبیات فارسی هم که برای همه کس ضرورت دارد خاصه این که کم‌کم احساس می‌شد که معرفت به ادبیات در کشور ما رو به انحطاط می‌رود. این بود که در آموزشگاه علوم سیاسی این درسهای مقدماتی را هم مجبور بودند بدهند. از علوم سیاسی به فقه و حقوق بین‌الملل عمومی اکتفا کردند چون اولاً در چهار سال بیش از این کاری نمی‌شد بکنند و بیش از چهار سال هم نمی‌خواستند دانش‌آموزان را نگاه بدارند. ثانیاً از شعب مختلف علم حقوق و سیاسی اگر می‌خواستند درس بدهند چند شعبه را می‌بایست اختیار کنند در صورتی که کشور درواقع قانون نداشت قوانین اروپا را هم به ایرانیان آموختن بی‌ثمر بود»[۳۷]. چنان که می‌بینیم چون داوطلبان زمینه‌های لازم را برای آموزش عالی نداشتند و مدرسه‌های ملی جدید نیز که قرار بود دانش‌آموزان را برای ورود به این مدرسه تربیت کنند نارسا بودند، در نتیجه «وزارت امور خارجه با نظر مشیرالدوله، مؤسس مدرسه از شرایط ورود مقداری کاست و بر عده‌ی سنوات تحصیل مدرسه یک سال افزود و مدتی این مدرسه پنج کلاسی بود»[۳۸]. بدین ترتیب دانش‌آموزان در دوره‌ی اول دانشهای مقدماتی را می‌آموختند و تکمیل می‌کردند و در دوره‌ی دوم معلومات سیاسی و حقوقی و اداری را فرا می‌گرفتند. فروغی درباره‌ی پنجساله شدن

۳۷) فروغی. همانجا. صص ۷۲۵-۷۲۶.
۳۸) مستوفی. همانجا. ج ۳. ص ۶۱۱.

مدرسه می‌گوید: «از بدو امر که من در کار آموزشگاه دخیل شدم نقشه و طرحی برای تکمیل آن داشتم. چون آموزشگاه علوم سیاسی را ناقص می‌دانستم و میل داشتم به قدری که میسر شود آن را به یک آموزشگاه حقوق نزدیک کنم. پس از جمله کارها که کردم این بود که مدت تحصیل آموزشگاه را زیاد کردم و از چهار سال به پنج سال رسانیدم و آن را دو دوره کردم یک دوره‌ی مقدماتی و یک دوره‌ی مؤخراتی. بنابراین گذاشتم که دانشجویان برای وارد شدن به آن به هر یک از کلاسهایی که به موجب امتحان برای آن مستعد هستند بتوانند وارد شوند و اگر هم قوه‌ی ورود به کلاس اول دوره‌ی مؤخراتی داشته باشند به آن کلاس پذیرفته شوند. و مقصود از این ترتیب این بود که چون دبیرستانها ترقی کنند و مکمل شوند و ما از سنوات دوره‌ی مقدماتی مستغنی شویم از آنها کسر کنیم و به دوره‌ی مؤخراتی بیفزاییم و همین مقصود بعدها حاصل شد»[۳۹].

دانش‌آموز برای این که بتواند وارد دوره‌ی دوم بشود می‌بایست تصدیق قبولی دوره‌ی اول را دریافت کند. حداقل نمره‌ی قبولی دوازده بود و کمتر از آن مردود به حساب می‌آمد. اگر وزارت خارجه موافقت می‌کرد مردود می‌توانست به کلاس بالاتر برود و مشغول تحصیل شود به شرط آن که در آخر سال امتحان کلاس پایین‌تر را هم بدهد. چنان‌چه این‌بار نیز دانش‌آموز از عهده برنمی‌آمد از مدرسه خارج می‌شد. در مورد ارتقاء مردودشدگان به کلاس بالاتر دو حکم مشابه صادر شده است. یکی در سال ۱۳۲۸ در زمان وزارت خارجه‌ی حسینقلی نواب و یکی در سال ۱۳۲۹ در زمان وزارت حسن وثوق[۴۰]. کسی می‌توانست در امتحان شفاهی شرکت کند که با معدل دوازده قبول شده باشد، با نداشتن نمره‌ی صفر. امتحان کتبی بدین ترتیب بوده که معلم شش سئوال می‌نوشته و براساس نظر رئیس مدرسه دو سئوال از میان آنها برای امتحان انتخاب می‌شده

---

۳۹) فروغی. همانجا. صص ۷۲۷-۷۲۸.

۴۰) سالنامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی. سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵. صص ۷-۸.

است. شاگردان دو ساعت و نیم یا سه ساعت وقت داشته‌اند[۴۱]. که به سئوالها پاسخ بنویسند. برگهای امتحانی مخصوص بوده و داوطلب نمی‌بایست آنها را امضاء کند. در ضمن هر شاگرد می‌توانسته در یک سال تحصیلی دو کلاس را بخواند و امتحان هم بدهد[۴۲].

در مورد نحوه‌ی آزمون شاگردان مدرسه‌ی علوم سیاسی خوب است نگاهی به خاطرات یک مدرس فرانسوی این مدرسه بیندازیم. دمرنی که در این مدرسه حقوق اداری درس می‌داد کتابی دارد راجع به نظام اداری در ایران که در بخشهایی از آن به مدرسه‌ی سیاسی نیز پرداخته است. این کتاب در اصل گردآوری درسهایی است که برای مدرسه‌ی سیاسی و تدریس در دربار به احمدشاه تدارک دیده شده است[۴۳]. کتاب دمرنی را چنان که در یادداشت مقدماتی آن آمده است سیدمحمدخان که خود استاد آلیانس فرانسز در تهران، دستیار مشاور حقوقی، منشی و مترجم درس حقوق اداری عملی و تطبیقی در مدرسه‌ی علوم سیاسی بوده است به دستور دولت ایران به فارسی برگردانده. ملاحظات دمرنی از دو نظر درخور توجه است. نخست آگاهیهایی که درباره‌ی آزمون در مدرسه‌ی سیاسی به دست می‌دهد و دیگر آشنایی با نگرش یک معلم غربی راجع به شاگردان ایرانی.

دمرنی در پیشگفتار کتاب خود می‌نویسد درس حقوق اداری عملی و تطبیقی در شرایط دشواری در ۴ آوریل ۱۹۱۲ در تهران آغاز گشت. سپس او اظهار می‌دارد که شکاف ژرفی میان آموزش مقدماتی و آموزش عالی حقوق در ایران وجود دارد. هرچند که مدرسه‌ی آلیانس فرانسز و هیئت لازاریستها جوانان

---

۴۱) نک. صورت جلسه‌ی امتحان حقوق اداری که پسانتر چاپ شده است.

۴۲) همانجا. ص ۸.

43) Demorgny, G. Essai sur L'Administration de la Perse. Lecon Faites a la Classe Impériale et a L' École des Sciences Politique de Téhéran 1912-13. Paris. Ernest Leroux. Éditeur. 1913.

ایرانی را آموزش مقدماتی و حتی آموزش مقدماتی پیشرفته می‌دهند اما فاصله‌ی اینها با آموزش عالی حقوق زیاد است. دمرنی می‌خواست، و کتابش نیز این را می‌نمایاند، به جوانان ایرانی نشان بدهد که می‌توانند در قوانین مذهبی، مدنی و دولتی ایران و همچنین در نوشته‌های نویسندگان ایرانی عنصرهای آموزش علوم اداری را بیابند. او موافق روشی است که پیشرفت را متناسب با هدفهای ایرانیان دنبال کند و روحیه، عادات و تاریخشان را نیز در نظر بگیرد. دمرنی سپس قولهایی از سعدی و حضرت علی(ع) را می‌آورد و تأکید می‌کند که سعی دارد با توجه به تاریخ ایران، اسلام، شیعه و ادبیات فارسی عنصرهای آموزش علوم اداری و سیاسی را پیدا کند[۴۴]. در مورد درس حقوق

۴۴) همانجا. صص هجده ـ بیست‌ودو. از دمرنی در حالی که در تهران بود دعوت می‌شود که به احمدشاه نیز درس حقوق و زبان فرانسه بدهد. آگاهیهایی که او در این‌باره به دست می‌دهد درخور توجه است. دربار قاجار که می‌خواسته احمدشاه با اندیشه‌های حقوقی آشنایی پیدا کند و تجربه‌ی تلخ شکست محمدعلی‌شاه را در ضدیت با مشروطیت پشت سر داشته است از دمرنی برای آموزش دادن به شاه جوان که هنوز به سن قانونی نرسیده بود بهره می‌گیرد. دمرنی می‌نویسد «آموزش به احمد، شاه ایران، زاده‌ی ۲۷ شعبان ۱۳۱۴ (۱۸۹۶)، جانشین پدرش محمدعلی شاه از ۱۶ ژوئیه‌ی ۱۹۰۹، هفتمین پادشاه قاجار، و کسی که پانزده ماه دیگر به بلوغ می‌رسد، در تهران در مدرسه‌ی سلطنتی سازمان داده شد». (ص هفت).

او سپس می‌افزاید که این مدرسه را نایب‌السلطنه‌ی وقت یعنی عضدالملک وزیر دربار وقت موثق‌الدوله در سال ۱۹۰۹ ترتیب دادند. در آن هنگام فقط شاه و ولیعهد او در کلاس شرکت می‌کردند. ترتیب فعلی آن را مدیون وزیر دربار می‌داند که جانشین مستوفی‌الممالک است، و حکیم الملک رئیس دربار. مدیریت درسهای شاه را مزین‌الدوله به عهده داشت که خود در سابق شاگرد مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس بود. دمرنی سپس می‌افزاید که ناصرالملک نایب‌السلطنه در سپتامبر ۱۹۰۹ موثق‌الدوله را به وزارت دربار و لقمان‌الملک پزشک را به ریاست دربار منصوب می‌کند. تحت مدیریت این گروه است که در مدرسه‌ی سلطنتی نظامی برای برگزاری امتحانات برقرار می‌گردد. این مدرسه با شرکت افراد زیر افتتاح شد: شاه جوان و ولیعهدش محمدحسن میرزا، اعتضادالسلطنه، نصرت‌السلطنه برادر محمدعلی شاه، اکبر میرزا پسر وزیر دربار، منصور خان پسر مزین‌الدوله و شماری از جوانان که همه فرزندان شخصیتهای برجسته‌ی طبقات مختلف جامعه‌ی ایرانی بودند.

اداری دو صورت مجلس در این‌جا به چاپ می‌رسد. اینها به ما آگاهیهایی می‌دهد راجع به نحوه‌ی تفکر مدرسان و مدیریت مدرسه و وضعیت داوطلبان. صورت مجلس نخست در کتاب دمرنی آمده است که به شرح زیر است:

☞

وثوق‌الدوله وزیر خارجه طی دو حکم به تاریخ ۳۰ محرم و ربیع‌الاول ۱۳۳۰ (ژانویه و مارس ۱۹۱۲) مسیو دمرنی را مأمور کرد که، هماهنگ با دستورهای وزیر دربار، تمرینهای عملی برای درس زبان فرانسه‌ی شاه تدارک ببینند و یک درس ویژه برای آموزش مقدماتی حقوق مدنی و اداری سازمان بدهد.

دمرنی می‌نویسد به دنبال این نوآوریها، برنامه‌های کلی درسهای احمدشاه دستخوش دگرگونیهایی گردید که از سوی شورای عالی درسهای سلطنتی در دو جلسه به تاریخ ۲۴ و ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ (۱۴ و ۱۶ مارس ۱۹۱۲) مورد قبول قرار گرفت. بعد بنا به نظر نایب‌السلطنه قرار شد در مدرسه‌ی سلطنتی روشی اتخاذ گردد که مطالب غیر ضرور و جزئیات ناسودمند از برنامه‌ی درسی حذف شود. از هر استاد خواسته شد که اصول کلی درس خود را و اندیشه‌های بنیادیش را درباره‌ی هر مطلب در اختیار بگذارد. از استاد ادبیات خواسته شد که گلچینی از قطعات گزیده‌ی ادبیات فارسی تنظیم کند. برنامه‌ی درس ریاضیات ساده و بیشتر به علوم تجربی توجه شد. در درس جغرافیا می‌بایست از این‌پس به روشهای کنونی بپردازد و بر خصلتهای سیاسی و اقتصادی تأکید کنند. اسمیرنوف، افسر توپخانه‌ی گارد و استاد زبان روسی در کلاس سلطنتی مأمور شد که یک میدان اسب‌سواری و ورزشگاه برای اسب‌سواری و ژیمناستیک مطابق روشهای اروپایی درست کند. همچنین او مأمور گردید که به صادق‌السلطنه در امر آموزش نظامی احمدشاه یاری رساند. در پایان سال در تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۱۳ آزمونهایی برگزار شد که به نظر دمرنی نتیجه‌های خوبی به بار آورد. به این مناسبت مراسم مجللی در کاخ گلستان با حضور افراد زیر برپا گردید: عین‌الدوله وزیر داخله، علاءالسلطنه رئیس شورا، قوام‌السلطنه وزیر مالیه، ممتازالدوله وزیر تجارت، موثق‌الدوله وزیر دربار، فهیم‌الملک معاون وزارت مالیه. شخصیتهای برجسته‌ی دیگری نیز در این مراسم شرکت جستند: مشیرالدوله وزیر پیشین، ذکاءالملک رئیس دیوان تمیز، امام جمعه‌ی خویی، ملا صدرالافضل، منتشارالسلطان رئیس دفتر نایب‌السلطنه، اعتضادالملک رئیس تشریفات در وزارت امور خارجه، علاءالملک وزیر پیشین، لقمان‌الملک سرپزشک شاه و جز آن. کسانی که در کار آموزش دست داشتند نیز در این مراسم بودند: مزین‌الدوله مدیر مدرسه‌ی سلطنتی، ممتاز همایون، امیر سهام‌الدین خان استاد ریاضیات و جغرافیا، میرزا عبدالحسین‌خان استاد تاریخ و تاریخ طبیعی، کمال‌الملک نقاش و استاد طراحی، عمادالکتاب استاد خوشنویسی فارسی، صادق‌السلطنه استاد ژیمناستیک. (نک. کتاب دمرنی. همانجا. صص هفت ـ سیزده).

مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران

صورت مجلس آزمون درس

حقوق اداری علمی و تطبیقی

آزمون درس حقوق اداری علمی و تطبیقی مطابق دستورالعملهای رئیس مدرسه در ۷ ماه جاری در ساعت هشت صبح برگزار شد.

براساس برنامه‌ی درس آقای دکتر ولی‌الله خان مدیر مدرسه و امتحانات از میان پرسشهای زیر دو پرسش ۵ و ۶ را برای آزمون برگزید. پرسشها عبارت بودند از:

۱. منابع حقوق اداری در ایران.

۲. مطالعه‌ی یک پرونده. تحقیق مربوط به یک مورد حقوقی.

۳. تعالیم خلیفه علی (ع) راجع به شرایطی که حکمرانان باید با توجه به آنها به وظایف خود بپردازند.

۴. سنت و اصلاحات در ایران.

۵. شورای دولتی و پارلمان را مقایسه کنید.

۶. سودمندی شوراهای مشورتی در امور اداری با توجه به اصول قانون اساسی.

این آزمون به صورت کتبی برگزار شد. دو ساعت‌ونیم وقت به داوطلبان داده شد که مطالب خود را بنویسند. برگهای امتحانی دارای یک شماره بود و داوطلب نمی‌بایست نام خود را روی آنها بنویسد.

بیست‌وسه داوطلب در این آزمون شرکت کردند. اینان کسانی‌اند که نامشان در ماده‌ی ۴ حکم مورخ ۳ آوریل ۱۹۱۲ مربوط به ایجاد درس حقوق اداری عملی و تطبیقی در مدرسه‌ی سیاسی آمده است. اینان عبارتند از: مهدی خان، میرزا ابوالقاسم خان، میرزا ابراهیم خان، آقا بالاخان، میرزا ابوالحسن، حاجی خان، حسن خان، حسین پاشا خان، سیف‌الله خان، میرزا ضیاءالدین، علی‌رضا خان، عبدالعظیم میرزا، عبدالحمید میرزا، میرزا عیسی خان،

عبدالصمدخان، مسعود خان، میرزا محمدآقا، میرزا محمدعلی خان (۱)، میرزا محمدعلی خان (۲)، غلامحسین خان، محمدخان، نصرالله‌خان، آقا میرزا یحیی.

تصحیح برگهای امتحان را آقایان زیر در ۱۹ ژوئن ۱۹۱۳ با دقت بسیار انجام دادند: سیدمحمدخان رئیس اداره‌ی وزارت داخله، دستیار مشاور حقوقی، منشی و مترجم درس حقوق اداری، میرزا عباس‌قلی‌خان مترجم کلاس اول در وزارت امور خارجه و استاد زبان فرانسه در مدرسه‌ی سیاسی، دمرنی، مشاور حقوقی حکومت ایران، استاد در درس پادشاه و مدرسه‌ی سیاسی.

تصحیح برگهای امتحان نتیجه‌ی زیر را به دست داد:

آزمون حقوق اداری

حداکثر نمره: ۲۰

حداقل نمره: ۱

نام شرکت کننده در آزمون	شماره ردیف	نمره‌ی آزمون
نصرالله‌خان	۱	۱۳
میرزا یحیی	۲	۱۹/۵
میرزا ابوالقاسم خان	۳	۱۰
میرزا ابراهیم خان	۴	۱۴
آقا بالاخان	۵	۴
میرزا ابوالحسن	۶	۱۳
حاجی خان	۷	۱۸
حسین‌پاشا خان	۸	۷
حسن‌خان	۹	۱۸
سیف‌الله‌خان	۱۰	۱۶
میرزا ضیاءالدین	۱۱	۱۷
علی‌رضاخان	۱۲	۱۶

عبدالعظیم میرزا	۱۳	۱۷
عبدالحمید میرزا	۱۴	۱۴/۵
میرزا عیسی‌خان	۱۵	۱۹
عبدالصمدخان	۱۶	۵
غلامحسین خان	۱۷	۱۸/۵
محمدخان	۱۸	۱۴
مسعود خان	۱۹	۱۵
میرزا محمدآقا	۲۰	۱۸/۵
محمدعلی خان (۱)	۲۱	۱۶
محمدعلی خان (۲)	۲۲	۱۷/۵
مهدی خان	۲۳	۱۸/۵

شاگردان مدرسه آزمون انشاء را به زبان فارسی دادند. دو تن از داوطلبان متن انشاء خود را به فرانسه نیز برگرداندند. در نمره دادن به شاگردان، سبک و خط آنان به حساب نیامد. ممتحنان در نمره دادن فقط زمینه، اندیشه و شناخت هر شاگرد را در نظر گرفتند.

به‌طور کلی دانش‌آموزان مدرسه‌ی سیاسی نشان دادند که آگاهیهایی دارند. از این نظر بیشتر آنان با هم برابر هستند. برخی از آنان نیز عیبهای مشابهی دارند: اینان به موضوعی که در دستور کارشان قرار می‌گیرد نمی‌پردازند. اغلب به حاشیه می‌روند. گاهی موضوع را پس از آوردن مقدمات قدری طولانی و اغلب بی‌فایده پرداخت می‌کنند. گاهی از موضوع دور می‌شوند تا دانشهای عمومی خود را راجع به چیزهای دیگر به رخ بکشند.

ما با خوشحالی مشاهده کردیم که در بین شاگردان شماری از اندیشه‌های مستقل و مربوط به خود آنها یافت می‌شود. تقریباً همه نشان دادند که ساعی و پر تحرک‌اند و مشاقانه می‌خواهند که با اندیشه‌های نو آشنایی بیابند.

در مجموع کار آموزش که به همت حکومت ایران به راه افتاد در نخستین آزمایش نتیجه‌ای امیدبخش و آینده‌ای امیدوارکننده به دست داد. حاصل آن که میانگین شعور، سطح مطالعه و آمادگی عمومی داوطلبان فراتر از انتظاری بود که فقط دو سال درس مربوط به مواد جدید می‌توانست به بار آورد. سهولت یادگیری‌ای که شاگردان سالهای تحصیلی ۱۹۱۱-۱۹۱۲ و ۱۹۱۲-۱۹۱۳ از خود نشان داده‌اند این امکان را فراهم می‌آورد که پیش‌بینی کنیم که درس حقوق اداری عملی و تطبیقی از سودمندی و فایده‌ای فزاینده برخوردار است.

تهران به تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۱۳

امضاء: سید محمدخان

میرزا عباس‌قلی خان

دمرنی[۴۵]

صورت مجلس دوم که عین متن آن به چاپ می‌رسد مربوط به سال تحصیلی ۱۳۳۱-۱۳۳۲ است[۴۶].

۴۵) همانجا. صص ۱۵۹-۱۶۲.

۴۶) تصویر این صورت مجلس را آقای ایرج افشار از راه لطف در اختیار من گذاشت.

سال عملی ۱۳۳۱-۱۳۳۲

مدرسه علوم سیاسی طهران

صورت‌مجلس امتحان دورهٔ‌حقوق اداری عملی در ممالك مختلفه.

مطابق تعلیمات‌آقای مدیرمدرسه امتحان دورهٔ حقوق اداری عملی در مدرسه روز ۳۰ برج جوزا مطابق ۲۵ رجب ۱۳۳۲ سه ساعت قبل از ظهر شروع شد.

مطابق پروگرام درس از شش سئوال ذیل :

۱- حقوق‌دولت‌وحقوق‌شخصی.

۲- قانون و نظامنامه.

۳- وظایف ادارهٔ پلیس برحسب آیهٔ ۱۰۰ سورهٔ ۳ .

۴- مستشاران خارجی درحقوق قدیم ایران و در دورهٔ‌کنونی.

۵- اعتباراتی‌که برای‌استقراض مبلغ سی‌وسه میلیون‌تومان تقاضا شده بود .

Année Scolaire 1913-1914

Ecole des sciences politiques de Téhéran

Procès-verbal des examens du cours d'administration pratique et comparée

Les examens du cours d'administration pratique et comparée ont eu lieu à l'Ecole des sciences, politiques, conformément aux instruction du directeur de l'école, le 20 juin 1914 (25 Radjab-30 Djoza 1332) à 9 h. du matin:

Sur le programme du cours de Mr. Demorgny, jurisconsulte-professeur, et parmi les six questions suivantes:

1° Les droits de l'Etat et les droits individuels,

2° La loi et le réglement,

3° Les attributions de la police. d'apres le verset No 100 de la sourate No.3 du coran,

4° Le rôle des conseillers étrangers en Perse dans l'ancien droit et à l'époque actuelle,

5° Les garanties demandées pour le projet d'emprunt persan de 150.000.000 frs. en 1912,

6° La loi de Djoza 1329 sur le régime financier de la Perse et l'act de radjab 1330 dans le pays Bakhtyari.

۶ـ قانون مورخه جوزا ۱۳۲۹ در خصوص وضع مالیاتی ایران و حکم مورخه رجب راجع بولایت بختیاری.

Mr. le Docteur Valiollah Khan directeur de l'école et des examens a choisi les deux premières questions (1 et 2).

آقای دکتر ولی الله خان مدیر مدرسه دو سئوال اول (۱ و ۲) را انتخاب فرمودند .

L'examen n'a comporte que des épreuves écrites. Trois heures ont été accordées aux candidats pour fair les composition. Ces compositions ont été remises sans signature. avec un numéro d'ordre, pormettant de retrouver l'auteur après les corrections.

امتحان شاگردها فقط کتبی بودو مدت سه ساعت برای نوشتن جوابهای سئوالات وقت معین گردید.
امتحانات بدون امضای صاحبان آنها جمع‌آوری شد ولی هر ورقهٔ امتحان نمرهٔ مخصوصی داشت که پس از تصحیح مطابق نمرهٔ اوراق نمرهٔ هریك معلوم میشود .

Dix-neuf candidates ont plus part à l'examen. Ce sont ceux dont les noms figurent à l'article 2 paragraphe 3 de l'arrêté du 18 octobre 1913 (17 Zighadeh 1331), portant transfert au Darol-Fonoun (Ecole polytechnique de Téhéran) du cours d'administration pratique et comparée, précédemment professé par M. Demorgny à l'école Siassi. A ces candidats le directeur en a ajouté neuf autres.

عدهٔ شاگردانی که دورهٔ درس حقوق اداری را امتحان داده‌اند ۱۹ نفرکه اسامی ده نفر ازآنها در قسمت سیم مادهٔ دویم حکم مورخه ۱۷ ذیقعده ۱۳۳۱ راجع به انعقاد درس حقوق اداری عملی که سابقاً درمدرسهٔ علوم سیاسی تدریس میشد در مدرسه دارالفنون مندرج است .

La correction des épreuves, faite avec le plus grand soin par M. M.: Mirza Abbas Gholi Khan, Interprète de 1-ère classe au Ministère des Affaires Etrangères, professeur de français à l'école Siassi.

Mirza Ziaed-Dine, ancien élève diplômé de l'école des sciences politiques, attaché au tribunal des affaires étrangeres à Téhéran.

Demorgny, professeur à la classe Impériale, à l'école des scienceus politipues et à l'école polytechnique de Téhéran, a été terminée le 23 juin 1914 (28 radjab 2 saratan 1332).

آقایان میرزا عباسقلیخان مترجم اول در وزارت امور خارجه و معلم زبان فرانسه در مدرسه علوم سیاسی و میرزا ضیاءالدین خان‌آتاشه وزارت امور خارجه (گرفیه محاکمات) و شاگرد دیپلمهٔ مدرسه سیاسی ودمرنی معلم کلاس همایونی و مدرسه علوم سیاسی و مدرسهٔ دولتی و دارالفنون طهران امتحان را تصحیح نموده و تصحیح‌آن‌در روز۲۸ رجب ۲سرطان ۱۳۳۲ (۲۳ ژون ۱۹۱۴) ختم شد.

La commission s'est adjoint comme secrétair M.' M.:

Mirza Salde Khan rédacteur au Ministère du l'Intérieur, qui a été l'un des traducteurs du cours.

Mirza Ali Khan, rédacteur au Ministère du l'Intérieur, qui a été chargé de diriger la publication du cours en langue persane.

آقایان میرزا سعید خان منشی وزارت داخله که یکی‌از مترجمین‌درس حقوق اداری بوده و میرزا علیخان منشی‌اول در وزارت داخله‌که مأمور انشاء طبع دروس بوده است بسمت معاونت این‌کمیسیون نامزدگردیدند.

***

Cette correction a donné les résultats suivants:

Note max ima: 20
" min ima: 1

نتیجه این تصحیح بطریق ذیل بوده است:

منتها درجه خوبی نمره : ۲۰
منتها درجه بدی نمره : ۱

NOMS	Numerus	Notes	نمره امتحان	نمره ترتیب	اسامی
Mirza Ahmad Khan	3	7	۷	۳	میرزا احمدخان
Mirza ISmail	4	12	۱۲	۴	میرزا اسمعیل
Mirza Assadollah	5	14	۱۴	۵	میرزااسدالله
Mirza Abul Kassem	6	12	۱۲	۶	میرزا ابوالقاسم
Mirza Djavad	7	2	۲	۷	میرزا جواد
Mirza Habibollah	8	1	۱	۸	میرزا حبیب‌الله
Babher Khan	9	8	۸	۹	باقرخان
Abdul Hussein Khan	10	12	۱۲	۱۰	عبدالحسین‌خان
Ali AAkber Khan	11	6	۶	۱۱	علی‌اکبرخان
Ali Reza Mirza	12	8	۸	۱۲	علی‌رضا میرزا
Mirza Ali Agha	13	12	۱۲	۱۳	میرزا علی‌آقا
Seyed Ali Akber Khan	14	12	۱۲	۱۴	سیدعلی اکبرخان
Ali Agha	15	12	۱۲	۱۵	علی‌آقا
Ghassem Khan	16	13	۱۳	۱۶	قاسم خان
Mohammed Hosein Khan	17	16	۱۶	۱۷	محمدحسین خان
Mohammad Mehdi Mirza	18	12	۱۲	۱۸	محمدمهدی‌میرزا
Mirza Mehdi	19	9	۹	۱۹	میرزا مهدی
Mukhtr Khan	20	2	۳	۲۰	مختارخان
Mirza Mohammed Khan	21	3	۳	۲۱	میرزا محمدخان

می‌توان گفت عموماً این امتحان نسبت به امتحانات سال گذشته چندان قابل تمجید نیست. هیچیك ازشاگردان بزبان فرانسه امتحان خود را ننوشته‌اند.

کلیة سئوال اول (حقوق دولت و حقوق شخصی) بهتر از سئوال دویم (قانون و نظامنامه) جواب داده شده است.

تنها امتحانی که با منتها درجهٔ اغماض برسایرین رجحان داردامتحان داوطلب نمره ۱۷ است محمد حسین خان.

داوطلب مزبور در ضمن امتحان خود بعضی نظریات خوب ابرازداشته ووضع اداری سابق را با ترتیبات جدید بطرز خوش مقایسه کرده است.

L'ensemble de l'examen est faible, il n'a été remis aucune composition en langue française. D'une manière générale, la première question a été mieux traitée que la seconde. La seule composition qui, à la rigueur, pourrait être retenue, est celle du № 17. Ce candidat. Mr. Mohamed Hossein Khan, a présenté quelques idées originales et il a fait une comparison assez heureuse des anciens errements administratifs avec le nouveau régime.

سئوال اول ـ حقوق شخصی و حقوق دولت

از داوطلبان فوق فقط عدهٔ قلیلی درخصوص عبارت مبهم و غیرواضحی که قانون اساسی ۲۹ شعبان راجع به آزادی پیشه و کار استعمال کرده است اظهارعقیده نموده‌اند. داوطلبان مذکور طرق مختلفهٔ را که ممکن

1ère question — *droite individuels et les droits de l'Etat*

Très peu de candidats ont parlé des termes équivoques employés par la loi constitutionnelle du 29 chaban au sujet de la liberté du travail.

Les systèmes de réglementation des droits individuels qui ont le caractère d'une fonction sociale,

comme le droit d'enseigner et comme la liberté de la Press, par exemple, n'ont pas été compris.

Par contre, beaucoup ont fait ressortir avec asssez de clarté la difference qui sépare l'égalite légale des inégali sociales.

Quelques uns cnt bien défini l'égalité et la proportionalité de l' impôt.

است برای انتظام حقوق شخصی که دارای صفت مشاغل مدنی میباشند از قبیل حق تعلیم و تعلم و آزادی مطبوعات استعمال نموده کماهو حقه نفهمیده‌اند.

اغلب شاگردان اختلافی را که مابین مساوات درمقابل قانون وعدم مساوات در هیئت‌اجتماعیه (مساوات دراحوال) موجود است بطور وضوح بیان نموده‌اند . بعضی‌ها مساوات و اشتراك نسبی اشخاصی را در تأدیهٔ مالیات ومخارج دولت بخوبی‌تعریف وتشریح نموده‌اند.

IIème question — *La loi et le reglemcnt.*

Aucun 'candidat n' a donné de définition ni de la loi ni du réglement. Quelques uns seulement ont indiqué les conditions necessaires pour qu'un réglement soit valuble. Beaucoup n'ont pas su faire la différence entre le décret du chef de d'Etat et les arrêtés que pouvent prendre les différentes autorités administratives: ministres, gouverneurs, kedkhoda etc.

سئوال‌دویم ـ قانون ونظامنامه

هیچیك از داوطلبان نه تعریف قانون نموده و نه تشریح نظامنامه رانوشته‌اند. فقط بعضی از شاگردان شرایطی را کـه برای قانونـی بودن نظامنامه لازم است ذکر نموده‌اند . اغلب داوطلبان باختلافی که مابین فرامین رئیس دولت و احکام صادره از مقامات مختلفه یعنی وزارت و حکومت وکدخدا و غیره موجوداست

پی نبرده‌اند. بالاخره می‌توان گفت که نظریات شاگردان در خصوص شرایط لازمه برای قوهٔ که صلاحیت اداره کردن ووضع وترتیب‌نظامنامه دارند چندان واضح ومبرهن نیست.

Enfin les idées ne son pas nettes sur les caractères des autorités administratives, ni sur la nature du pouvo réglementaire.

خلاصه قوهٔ شاگردان فارغ - التحصیلی هذالسنه ۱۳۳۱-۱۳۳۲ (۱۹۱۳ - ۱۹۱۴) در دروس حقوق اداری عملی نسبتاً از قوهٔ شاگردان دورهٔ سال گذشته ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ (۱۹۱۲-۱۹۱۳)کمتر است.

En somme, la promotion de 1913-1914, (1331 - 1332), de l'école des sciences politiques de Téhérane pour le cours d'administration pratique et comparée, a beaucoup à faire pour atteindre le niveau et la valeur de la promotion 1912-1913, (1330-1331), en ce qui concerne les matières de ces enseignement.

طهران بتاریخ ۲ سرطان ۱۳۳۲
رئیس‌کمیسیون امتحانات
عباسقلی

Téhéran le 23 Juin 1914.
Le President de la Commission des examens

Abbas Gholi Khan

اعضاء: ک دمرنی، ضیاءالدین
منشی‌ها: سعید، علی

Les Membres	Les Secretaires
Ziaod Dine.	Mirza Ali Khan.
G. Demorgny.	Mirza Said Khan.

پس از دکتر ولی‌الله خان نصر، عبدالحسین خان شیبانی (وحیدالملک) به ریاست مدرسه برگزیده می‌شود. در همین دوره است که با سعی بسیار محل دائمی برای مدرسه خریداری می‌شود.

بعد از شیبانی، دکتر پرتواعظم (حکیم اعظم) در زمان وزارت معارف وحیدالملک به ریاست مدرسه می‌رسد و تا آخر ۱۳۳۹ هجری قمری در این مقام می‌ماند. پس از او علی‌اکبر دهخدا که خود از نخستین شاگردان مدرسه‌ی علوم سیاسی بود رئیس مدرسه شد و تا تأسیس دانشگاه و مدتی پس از آن (۲۵ آذر ۱۳۲۰) ریاست را در اختیار داشت[۱]. در اسفند ۱۳۰۵ شمسی به موجب تصویبنامه‌ای مدرسه‌ی علوم سیاسی از وزارت خارجه منتزع و جزء وزارت معارف شد. سپس با مدرسه‌ی حقوق درهم آمیخت و مدرسه‌ی حقوق به آن افزوده شد و در نتیجه مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی برپا گشت و تدین در ۱۳۰۶ دهخدا را به ریاست این مدرسه‌ی ترکیبی برگماشت. فروغی درباره‌ی ضرورت افزودن حقوق به مدرسه‌ی علوم سیاسی چنین می‌گوید: «برای استحکام اساس قوه‌ی قضائیه و همچنین ادارات دیگر علاوه بر تهیه‌ی قوانین، تربیت اشخاص لازم بود و بهترین وسیله برای این کار تکمیل آموزشگاه علوم سیاسی و تأسیس دانشکده‌ی حقوق بود که از دیرگاهی منظور نظر بود و بالاخره در حدود پانزده‌شانزده سال پیش به این کار هم دست برده شد. وزارت عدلیه یک آموزشگاه حقوق تأسیس کرد و پس از سه چهار سال چنین به نظر رسید و حق همین بود که جدا بودن آموزشگاه علوم سیاسی و آموزشگاه حقوق از یکدیگر معنی و لزوم نداره. پس آنها را با هم ترکیب کردند و قسمتهای مقدماتی را هم به واسطه‌ی این که دبیرستانها توسعه یافته بود دیگر محتاج‌الیه ندانستند و موقوف کردند و آموزشگاه به وزارت معارف منتقل شد و به صورت حالیه درآمد»[۲].

---

۱) محبوبی اردکانی. همانجا. ج ۱. ص ۴۰۴.

۲) فروغی. همانجا. ص ۷۳۳.

در خرداد ماه سال ۱۳۱۳ شمسی که دانشگاه تهران ایجاد می‌شود بیشتر مدرسه‌های عالی آن زمان مانند دارالمعلمین عالی، مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی و مدرسه‌ی عالی طب در دانشگاه ادغام می‌شوند. درواقع حیات مستقل مدرسه هنگامی که با مدرسه‌ی حقوق درهم می‌آمیزد پایان می‌گیرد و با ادغام شدن در دانشگاه هویت پیشین خود را از دست می‌دهد و به شکلی دیگر تداوم می‌یابد.

علی‌اکبر سیاسی در خاطرات خود درباره‌ی معلمان دوره‌ی ریاست فروغی می‌نویسد: «ریاست مدرسه را هنگامی که من وارد آن‌جا شدم میرزا محمدعلی‌خان (بعدها ملقب به ذکاءالملک و نام خانوادگی فروغی) عهده‌دار بود و ضمناً درس تاریخ می‌داد. برادرش میرزا ابوالحسن‌خان فروغی نیز معلم بود»[۳]. معلمان دیگر علی‌اکبر سیاسی عبارت بودند از: «سرتیپ میرزا عبدالرزاق خان مهندس، انتظام‌الملک، منصورالملک (علی منصور)، مترجم‌الملک (قریب)، شمس‌العلماء (قریب)، فاضل خلخالی (پیش از باب شدن نام فامیلی به رحمت ایزدی پیوسته بود)، ادیب‌السلطنه (سمیعی)، میرزا هادی آشتیانی (دهقان)، عباسقلی خان (قریب)، دکتر ولی‌الله خان نصر»[۴].

فضای فرهنگی زمانه

برای آن که بدانیم مدرسه‌ی سیاسی در چه محیط و فضایی به فعالیت پرداخت خوب است به خاطرات یکی از معلمان آغازین و یکی از شاگردان بعدتر این مدرسه نگاهی بیفکنیم. نخست فروغی را برمی‌گزینیم. او می‌گوید: «آن زمان هنوز با کفش به اطاق آمدن قبیح بود و روی صندلی نشستن معمول نشده بود. بدون لباس بلند از قبیل عبا یا لباده به حضور بزرگان رفتن بی‌ادبی و اصلاً بی‌لباس بلند بودن جلف و سبک بود. لباس و کلاه همان بود که شما در اول

۳) سیاسی. همانجا. ج ۱. ص ۲.
۴) همانجا.

عمرداشتید اگر فراموش نکرده باشید. اما یقه و دستمال‌گردن زدن خیلی نادر بود و تقریباً منحصر بود به کسانی که مدتی در اروپا اقامت کرده بودند آن هم نه همه کس و غالباً اسباب زحمت هم بود یعنی بسا بود که در بعضی کوچه‌ها و محله‌ها متعرض فوکلیها می‌شدند و اگر فحش و کتک در کار نمی‌آمد مضمون و استهزا فراوان بود والبته از داستانهایی که در باب فوکل و کشمکش فوکلیها و متجددین با قدیمیها و متقدمین که مدت چندین سال در کار بوده مطلع هستید.

من خودم آن اوقات فوکلی نبودم معهذا بعضی حکایتهای بامزه دارم از جمله این که در جوانی برعکس امروز موی سرم فراوان بود و زحمتم می‌داد. آن زمان مردها زلف داشتند من هم یک مدت مثل همه زلف می‌گذاشتم عاقبت از دست زحمت زلفها بنا گذاشتم که موی سرم را به شکلی که حالا معمول است و همه دارند درآورم. روزی در کوچه‌ای می‌رفتم و بچه‌ها مهره‌بازی می‌کردند ملتفت نشدم و پایم به یکی از مهره‌ها برخورد و مهره را جابه‌جا کرد. طفلی که مهره متعلق به او بود البته خللی در بازیش پیدا شد. من که گذشتم و آن طفل جابه‌جا شدن مهره را دید شنیدم که پشت سر من می‌گفت: قربان آقای وزیر مختار! و البته مقصودش وزیر مختار فرنگی بود و حال آن که از فرنگی‌مآبی غیر از همان موی سر چیزی نداشتم.

عینک زدن جوانها آن زمان خیلی به‌نظر غریب می‌آمد و حمل بر خودنمایی و فرنگی‌مآبی می‌شد. اتفاقاً من از جوانی چشمم نزدیک‌بین بود و از این بابت در کوچه و بازار به زحمت بودم. دوستی داشتم که کحال بود به من اصرار کرد عینک بزنم و می‌گفت هرچه تأخیر کنی چشمت ضعیف می‌شود. ناچار عینکی شدم. یک سرشب در کوچه‌ای می‌رفتم، کوچه هم تاریک بود هم ناهموار و من در حرکت به زحمت بودم و مکرر خم می‌شدم و سعی در دیدن پیش پای خود می‌کردم. یکی از بچه‌های کوچه که عجز مرا دید گفت آقا عینک را بردارید تا چشمتان ببیند. وقتی یکی از کسان من که او هم عینک می‌زد روز نهم محرم در کوچه‌ای شنید یکی به دیگری می‌گوید این کافر را ببین که روز تاسوعا

هم عینک می‌زند.

با کارد و چنگال غذا خوردن آن زمان معمول نبود و با دست غذا می‌خوردیم. تازه که شروع به استعمال کارد و چنگال کرده بودیم رفیقی داشتیم خوش صبحت و مضمون‌گو. برای فرنگی‌مآبی ما مضمون می‌گفت که آقایان سکنجبین را با کارد و چنگال میل می‌فرمایند»[۵].

و اما نگاهی بیندازیم به خاطرات علی‌اکبر سیاسی که شاگرد مدرسه بوده است. هنگامی که منزل پدری علی‌اکبر سیاسی به خیابان قوام‌الدوله که خیابان جنوبی میدان دروازه قزوین بود انتقال یافته بود ایشان می‌بایست برای شرکت در مدرسه‌ی سیاسی به میدان توپخانه برود. در این‌باره خاطرات شیرینی دارد که یادآور وضع آن روز تهران است. می‌نویسد: «رفتن از میدان دروازه قزوین تا میدان توپخانه کاری آسان نبود. در تهران وسایط نقلیه در آن زمان عبارت بودند از الاغ و اسب و قاطر و در دو سه خیابان واگنهای اسبی و معدودی درشکه. چند عدد کالسکه هم دیده می‌شدند که تعلق داشتند به معدودی از شخصیتهای متعین. بلیت واگن برای هر خط سیصد دینار یا شش شاهی بود (در آن زمان یک ریال که یک قران خوانده می‌شد، یک‌هزار دینار یا بیست شاهی بود). درشکه کرایه‌ای راکه کرایه‌اش برای هر کورس دو قران بود (دو ریال) مردم بیشتر برای تفریح یا خودنمایی سوار می‌شدند.

واگن اطاقکی بود به طول تقریباً شش متر و عرض دو مترونیم که روی چرخهای آهن قرار داشت و با دو اسب روی خط آهن حرکت می‌کرد. این اطاقک سه قسمت داشت که با دو دیواره سراسری از هم جدا می‌شدند. قسمتهای جلو و عقب که نسبتاً وسیعتر بودند به آقایان اختصاص داشت و قسمت وسط که بسیار باریک و تاریک بود از آن خانمها بود. زنها و دخترها با این که سر تا پا زیر چادر معمولاً سیاه خود را پوشانده بودند و نقاب یا روبند بر چهره داشتند لازم بود از

۵) فروغی. همانجا. صص ۷۱۹-۷۲۰.

مردها جدا باشند و خود را از آنها به دور نگاه دارند.

خطهای آهن مخصوص واگنهای اسبی چهار رشته یا چهار خط بودند. یک خط از میدان دروازه قزوین به چهار راه حسن‌آباد و از آنجا تا میدان توپخانه. خط دیگری از این میدان در امتداد خیابان ناصریه (ناصرخسرو) تا بازار و سبزه میدان. خط سوم از میدان توپخانه تا آخر خیابان لاله‌زار (چهار راه اسلامبول). خط چهارم باز از میدان توپخانه در امتداد خیابان چراغ برق (امیرکبیر) و خیابان ری تا ایستگاه ماشین دودی یعنی ایستگاه ترنی که از آخر خیابان ری مسافران را می‌برد به شاه‌عبدالعظیم (شهر ری). طول این راه هشت کیلومتر بود و این تنها خط آهنی بود که ایران داشت و آن را بلژکیها ساخته بودند. ترن چون بدون اسب بود و دود می‌کرد همه آن را «ماشین دودی» می‌خواندند و مسافرت با آن یکی از بزرگترین تفریحات به‌شمار می‌رفت. بعدها خط آهن واگون اسبی را از چهار راه حسن‌آباد به طرف مشرق تا مدرسه نظام (دانشکده‌ی افسری) امتداد دادند.

من برای رفتن به مدرسه سیاسی از خط واگن میدان دروازه قزوین ـ میدان توپخانه استفاده می‌کردم. میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک (فروغی) که خانه‌اش در پایین خیابان امیریه بود و دوست او اسدالله میرزا (شهاب‌الدوله) که در پایین شهر در خیابان دروازه گمرک سکونت داشت نیز واگن همین خط را سوار می‌شدند. بسیار اتفاق می‌افتاد که خود را با آنها در یک واگن می‌یافتم. در این حال اگر نشسته بودم به احترام آنها از جای برمی‌خاستم و تمام راه را ـ ولو با بودن جای خالی روی دو ردیف نیمکتها ـ سر پا می‌ایستادم و این امر به نظر طبیعی می‌آمد و آنها هیچگاه تعارف نمی‌کردند که بنشینم. میرزا محمدعلی خان و اسدالله میرزا با سبیلهای بلندی که داشتند در نظر من که تازه وارد چهاردهمین بهار عمر می‌شدم مردانی سالخورده و موقر جلوه می‌کردند. گفت‌وگوی آنها با صدای بلند بود و برای این که سایر مسافران گفته‌هایشان را نفهمند یا برای خودنمایی و فضل فروشی به زبان فرانسوی صحبت می‌کردند. من معنی پاره‌ای کلمات و جمله‌ها را به زحمت درمی‌یافتم و با این که احساس می‌کردم که تسلط

به آن زبان ندارند آروز داشتم بتوانم روزی مافی‌الضمیر خود را مانند آنها با آن زبان دوست‌داشتنی بیان کنم.

خط‌های واگن اسبی هر کدام دارای چند دو راهی بود. سر هر دو راهی واگنی که زودتر می‌رسید می‌ایستاد تا واگن مقابل برسد و بتواند به راه خود ادامه دهد. خط دروازه قزوین ـ میدان توپخانه که مورد استفاده ما بود چهار دو راهی داشت و بنابراین پیمودن آن بیش از نیم‌ساعت وقت می‌گرفت»[۶]. البته احساس علی‌اکبر سیاسی راجع به میزان تسلط فروغی به فرانسه نمی‌تواند درست باشد زیرا فروغی به علت تسلط به فرانسه در دارالترجمه کار می‌کرد و کتابهایی را از فرانسه به فارسی برگردانده بود و سیاسی که خود فرانسه نمی‌دانست و شاگرد مدرسه‌ی جوانی بود نمی‌توانست به داوری در این‌باره بنشیند. خواجه‌نوری می‌نویسد فروغی به سبب پیشرفت زیاد در زبان فرانسه به عضویت دارالترجمه درآمد[۷].

سیاسی سپس می‌افزاید: «ما در اوقات فراغت غالباً گرد هم می‌آمدیم و درباره اوضاع سیاسی به بحث و گفتگو می‌پرداختیم. جلسات ما بسیار با حرارت و پر شور بود. تفریح ما گاهی بازی «آس» بود. از بازیهای با ورق هنوز خوشبخاته هیچ اطلاعی نداشتیم»[۸].

---

۶) سیاسی. همانجا. ج ۱. صص ۲۰-۲۲.

۷) خواجه‌نوری، ا. همانجا. ص ۱۴۳.

۸) سیاسی. همانجا. ص ۲۲.

همچنین نک. ایرج اسکندری. خاطرات سیاسی به کوشش علی دهباشی. تهران. انتشارات علمی ۱۳۶۸. ج اول.:

در روزهایی که این مطلب حروف‌چینی می‌شد خاطرات ایرج اسکندری درآمد. او نیز چند جا از مدرسه‌ی علوم سیاسی یاد می‌کند. از جمله می‌نویسد: «سلیمان میرزا تصمیم گرفت هر سه نفر ما [ایرج اسکندری، کریم سنجابی و فریدون امینی] به مدرسه‌ی علوم سیاسی برویم و تحت نظر زنده نام علی‌اکبر دهخدا که مدیریت مدرسه را عهده‌دار بود تحصیلات متوسطه و عالی را به اتمام برسانیم. من که از سال اول دارالفنون چندان رضایتی نداشتم با کمال میل این پیشنهاد را پذیرفته و دوباره در سال اول مدرسه‌ی علوم

علی‌اکبر سیاسی راجع به نوع خوراک معمول و کتابهای درسی مدرسه در آن زمان به یاد می‌آورد که چون مدرسه صبحها و عصرها دایر بود و همه‌ی دانش‌آموزان به سبب دوری راه نمی‌توانستند ظهرها را برای صرف ناهار به منزل بروند و برگردند ناچار عده‌ای غذای خود را بـه مـدرسه مـی‌بردند و کـنار هـم می‌خوردند. او می‌نویسد که این ناهار بیشتر «اوقـات عـبارت بـود از گـوشت کوبیده و شامی و پنیر و گاهی پلوخورش که مادرم در قابلمه‌ی کوچکی جای می‌داد و با کتاب و کتابچه‌هایم در کیف دستی من می‌گذاشت. آن‌وقت درواقع به‌جز برای یکی دو درس کـتابی وجـود نـداشت و مـعلمین درسـها را دیکـته می‌کردند و ما می‌نوشتیم یا شرح می‌دادند و ما یادداشت برمی‌داشتیم و شب یادداشتها را انشا کرده در کتابچه‌ها پاک‌نویس می‌کردیم»[۹]. البته در ایـن مـوقع

☞

سیاسی ثبت‌نام کردم. مدرسه‌ی سیاسی تهران در آن زمان خود به منزله‌ی یکی از مراکز مباحثات سیاسی بود و اولیاء مدرسه به ویژه شخص دهخدا این گرایش دانشجویان را که ناشی از محیط جوشان جامعه‌ی ایران در آن زمان بود غیر مستقیم تشویق می‌نمود...

فراموش نمی‌کنم روزی را که زنده‌یاد میرزاده‌ی عشقی با دانشجویان مدرسه‌ی سیاسی تماس گرفته می‌گفت می‌خواهم حزب سوسیالیست جوانان تأسیس کنم شما هم در جلسه‌ای که فردا در دفتر روزنامه‌ی قرن بیستم منعقد خواهد شد حاضر شوید. من شخصاً با برخی دیگر از همشاگردیها با شور و شعف این تصمیم را استقبال کرده در بالاخانه‌ی روزنامه اجتماع کردیم ولی پس از یکی دو ساعت معلوم شد غیر از ما فقط یکی دو نفر از کارکنان روزنامه‌ی قرن بیستم حضور یافته‌اند و لذا جلسه‌ی گشایش حزب سوسیالیست جوان سر نگرفت...

بدیهی است که این رویدادها و زد و خوردهای پارلمانی در دانشجویان مدرسه‌ی علوم سیاسی مؤثر بوده و همواره مباحثاتی برمی‌انگیخت که بیشتر جنبه‌ی احساسی داشت... مدرسه‌ی علوم سیاسی که زیر مدیریت علی‌اکبر دهخدا شخصیت آزادیخواه و دانشمند معروفی اداره می‌شد که نامش با آزادیخواهان صدر مشروطه و روزنامه‌ی صور اسرافیل پیوند یافته است، خود به صورت مرکزی برای پرورش اندیشه‌های دموکراتیک و انقلابی درآمده بود و اغلب استادان آن مدرسه نیز از میان کسانی انتخاب شده بودند که خود در زمره‌ی ترقیخواهان به‌شمار می‌رفتند...

نک. همانجا. صص ۲۶-۳۶.

۹) همانجا.

چنان که آمد براساس منابع موجود ما از چند کتاب و جزوه‌ی درسی اطلاع داریم: کتاب ثروت و کتاب حقوق اساسی از محمدعلی فروغی، و همچنین جزوه‌های چاپی تاریخ ملل مشرق که همین فروغی ترجمه کرده بود یا کتاب حقوق بین‌الملل از مشیرالدوله.

فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی

محمد شایسته که خود در مدرسه‌ی علوم سیاسی درس خوانده بود به قول مستوفی «با سعی خسته نشو» به فعالیت پرداخت تا جامعه‌ی فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی را برپا سازد. او بدین منظور «کتابچه‌ای ترتیب داد و با ذکر یک مقدمه مقصود را بیان کرد و در ستونی که برای قبول شرکت قرار داده بود از همه امضاء گرفت»[۱۰].

محمدعلی فروغی و دهخدا نیز به برپایی جامعه‌ی یاد شده یاری رساندند. عبدالله مستوفی به عنوان اولین فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی سیاسی و «پیش‌کسوت» دعوتنامه‌ها را امضاء می‌کند و جلسه‌ی اول در سالن مدرسه‌ی سیاسی برگزار می‌شود. عبدالله مستوفی به عنوان رئیس سنی جلسه تعیین می‌گردد. سپس یک هیأت رئیسه انتخاب می‌شود. شرکت کنندگان قرار می‌گذارند که همین هیأت رئیسه در عین حال اساسنامه‌ی جامعه را هم تدوین کند. مستوفی می‌نویسد: «آقایان مرا به افتخار خدمت ریاست جامعه‌ی خود برگزیدند و اساسنامه‌ی جامعه را در جلساتی که به طور متناوب در منزل اعضای هیأت رئیسه منعقد می‌شد تدوین و باز روز دیگری آقایان را خبر کردیم آمدند اساسنامه را تصویب کردند»[۱۱]. محل باشگاه در خانه‌ای در خیابان شاه‌آباد تعیین می‌شود که بعد از یکسال به خیابان فردوسی کوچه‌ی اتابکی منتقل می‌شود. این باشگاه دارای همه جور اسباب پذیرایی و کتابخانه بود. ریاست

۱۰) مستوفی. همانجا. ج ۳. صص ۶۱۲-۶۱۳.
۱۱) همانجا.

جامعه تا سال ۱۳۰۷ که مستوفی تهران را برای ریاست استیناف فارس ترک می‌کند به عهده‌ی او واگذار می‌شود. او می‌نویسد: «در ۱۳۱۰ که از کرمان مراجعه کردم باز هم کلوب دایر بود. ولی وقتی در ۱۳۱۲ از ریاست استیناف اصفهان به ریاست استیناف آذربایجان می‌رفتم رفقا به علل سیاسی دیگر دوام آن را صلاح ندیده و آن را موقوف کرده بودند»[۱۲].

گروهی از فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی همان‌گونه که انتظار می‌رفت به وزارت خارجه راه یافتند. شماری هم در دستگاه‌های دیگر که به هر حال در بررسی جداگانه‌ای باید از آنان سخن راند، به کار پرداختند. کسانی که به وزارت خارجه راه یافتند به قولی بنیانگذار «مکتب» و روشی بودند. پایبندی به اصول و ضوابط و مقاومت و ایستادگی در برابر تشبث. در این‌باره خوب است نگاهی به خاطرات تهورس آدمیت بیندازیم. او می‌نویسد: «کانون رعایت سنن و اصول، شاگردان مدرسه‌ی سیاسی بودند که هسته‌ی این مقاومت را تشکیل می‌دادند و عده‌ی دیگری از رؤسای تحصیل کرده، آن را تقویت می‌نمودند. از شاگردان مدرسه‌ی سیاسی آن‌وقت که زمام کارهای وزارت خارجه را در دست داشتند: همایون جاه، مسعود معاضد، پوروالی، محمود صلاحی، ضیاءالدین قریب، نبیل، حسین پاشاخان نوایی، شاهرخی شاخص بودند. کسانی مثل نصرالله انتظام، عباس فروهر، علی معتمدی زبان‌دان‌تر و در رده‌ی متشخص و ممتازتری قرار داشتند»[۱۳]. آدمیت از دسته‌ها و گروه‌های دیگر نیز نام می‌برد و تنها یادآور می‌شود که یکی از این گروه‌ها که شامل عبدالحسین مفتاح، حسین نواب، حسین قدس نخعی، حسین زنجانی بود مانند گروه شاگردان مدرسه‌ی سیاسی پایبند حفظ سنتها و ضوابط در وزارت خارجه بود.

---

۱۲) همانجا.

۱۳) آدمیت، تهمورس. گشتی بر گذشته. خاطرات سفیر کبیر ایران در شوروی «آدمیت». ۱۹۶۵-۱۹۴۵. تهران. شرکت کتابسرا. بهار ۱۳۶۸. صص ۳۶-۴۲.

نظامنامه‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی

از مدرسه‌ی علوم سیاسی دو نظامنامه یافته‌ام یکی در شصت‌وچهار ماده و دیگری در هفتادویک ماده. نظامنامه‌ی اول به تاریخ دهم محرم ۱۳۲۶ و زیر آن نوشته شده: «صحیح است مجری شود». امضای آن ناخواناست. نظامنامه‌ی دوم به تاریخ چهارده محرم‌الحرام ۱۳۳۳ و دارای مهر علاءالسلطنه است. نظامنامه‌ی نخست روی برگهای بی‌نشان است و علامت شیروخورشید و نام وزارت امور خارجه روی آنها دیده نمی‌شود. این نظامنامه دارای بخش‌بندیهای زیر است:

۱- اداره‌ی مدرسه، ۲- شرایط دخول متعلمین، ۳- ترتیب تحصیلات مدرسه، ۴- ترتیب اوقات مدرسه، ۵- ترتیب امتحانات مدرسه، ۶- نظام مدرسه.

نظامنامه‌ی دوم روی برگهای رسمی وزارت خارجه نوشته شده و دارای فصل‌بندیهای مشابهی است. بنابراین هر دو نظامنامه در شش فصل تنظیم شده‌اند و عنوان فصلها نیز در هر دو مشابه است. حال نگاهی کلی به این دو نظامنامه می‌اندازیم و سپس متن هر دو را عیناً چاپ می‌کنیم.

در بخش اداره‌ی مدرسه نظامنامه‌ی اول دارای ۹ ماده است و نظامنامه‌ی دوم دارای ده ماده. در هر دو نظامنامه آورده شده که مدرسه را یک نفر مدیر اداره می‌کند که وزیر خارجه و را تعیین می‌کند. در نظامنامه‌ی دوم روشن می‌شود که این مدیر همردیف مدیر اول وزارت خارجه است. در نظامنامه‌ی دوم همچنین آمده است که مدرسه دارای یک ناظم خواهد بود.

عزل و نصب اجزاء مدرسه توسط وزیر امور خارجه است با موافقت مدیر. در نظامنامه‌ی اول موافقت انجمن معلمین نیز ضرورت دارد. نظامنامه‌ی اول دارای یک انجمن معلمین است که با اکثریت آراء تصمیم‌گیری می‌کند. در ضمن وزیر امور خارجه نیز می‌تواند هر کسی را که لایق و صلاح بداند به عضویت این انجمن معین کند. در دومی آمده است که بر حسب تقاضای رئیس یا تقاضای کتبی سه نفر از معلمین مجمع مشورتی در امور

مدرسه برگزار می‌شود. در این‌جا بر نقش هیئت معلمین تأکید شده و آمده است که احکامی که در این نظامنامه پیش‌بینی نشده می‌تواند مجری گردد در صورتی که این هیئت ضرور بداند. هیئت معلمین همچنین می‌تواند با اکثریت آراء نظامنامه را تغییر دهد. از این نظر نظامنامه‌ی دوم گامی در جهت تصمیم‌گیری جمعی برداشته است.

در بخش مربوط به شرایط دخول متعلمین در نظامنامه‌ی نخست آمده که متقاضیان ورود به مدرسه باید از خانواده‌های با شرف و با بضاعت باشند اما در دومی از این مطلب سخن نمی‌رود ولی شرط می‌کند که داوطلب باید معرف داشته باشد یا توصیه‌ی کتبی از وزارت خارجه بیاورد شرط سنی در اولی این است که داوطلبان نباید کمتر از سیزده و بیشتر از هفده سال داشته باشند و در دومی یکسال در هر مورد اضافه شده است. ضمناً نظامنامه‌ی دوم در این‌باره تفصیل بیشتر دارد و آورده است که اگر کسی بخواهد به کلاس دوم وارد شود می‌تواند پانزده الی نوزده سال داشته باشد و اگر به کلاس سوم داخل شود نباید از بیست‌وچهار سال زیادتر دارا باشد. داوطلبان ورودی در هر دو نظامنامه باید از نظر سواد فارسی، حسن خط و صرف و نحو، و فرانسه و تاریخ و جغرافیا تحصیلاتی کرده باشند.

در نظامنامه‌ی نخست افراد مستمع آزاد نیز می‌توانند در درسهای حقوق و فقه و ثروت شرکت کنند فقط باید برای هر درس هر سه ماه پانزده قران بپردازند و برای دو درس هر سه ماه دو تومان و برای سه درس بیست‌وپنج هزار. در دومی آمده که هر شاگرد باید برای هر یک از سه کلاس اول مقدماتی سالیانه پانزده تومان و برای هر یک از دو کلاس مؤخراتی سالیانه مبلغ بیست‌وچهار تومان کارسازی کند.

در نظامنامه‌ی اول قید شده که مدرسه سی نفر دانش‌آموز می‌پذیرد و اضافه بر آن موقوف به اجازه‌ی وزیر امور خارجه است. در این‌جا سخنی از پذیرش شاگرد مجانی نمی‌رود. در نظامنامه‌ی دوم آمده است که مدرسه

می‌تواند ده نفر شاگرد مجانی بپذیرد ولی سخنی از میزان پذیرش متعلمین به‌طورکلی به میان نمی‌آورد.

فصل بعد در هر دو نظامنامه به ترتیب تحصیلات می‌پردازد. در این فصل نخست عنوان درسها ذکر می‌گردد. شمار درسها در نظامنامه‌ی دوم بیشتر است. در اولی درسها عبارتند از: فقه، کلیات حقوق، حقوق اساسی و اداره‌ی حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل عمومی و دیپلوماسی، قوانین عدلیه، علم ثروت و مالیه، ادبیات، تاریخ عالم و ایران، جغرافی عالم و ایران، دفترداری، زبان فرانسه، مقدمات عربی و ریاضی.

در دومی درسهای اضافه شده عبارتند از: منطق، جبر و مقابله (دو درجه)، هندسه (مسطحات)، طبیعیات مختصراً. قبلاً جبر و مقابله و هندسه تحت عنوان ریاضی جمع شده بود و معلوم است که حالا اینها را تفکیک کرده و بر وسعت آنها افزوده‌اند. با این‌حال هر دو نظامنامه آورده‌اند که علوم یاد شده به اقتضای حال می‌تواند کم و زیاد شود. فقط در اولی ذکر می‌گردد که این کاست و فزود با اجازه‌ی وزیر امور خارجه ممکن می‌گردد.

دوره‌ی تحصیل در هر دو نظامنامه پنج سال آمده است. سه طبقه‌ی اول مقدماتی و دو طبقه‌ی بعد مؤخراتی است. شرط ورود به دوره‌ی دوم اخذ تصدیقنامه‌ی قبولی دوره‌ی اول می‌باشد. در این فصل برگزاری کنفرانسهای علمی با استفاده از معلمان مدرسه یا دانشمندان خارج پیش‌بینی شده است.

فصل بعد در هر دو نظامنامه به ترتیب اوقات کار مدرسه می‌پردازد. مدرسه در عرض سال ده ماه دایر و دو ماه تعطیل بوده است. ابتدای سال تحصیلی در هر دو نظامنامه اول سنبله است. سپس هر دو تعطیلات را شرح می‌دهند. مدرسه صبحها ساعت نه شروع به کار می‌کند به مدت سه ساعت که چهار درس گفته می‌شود. بعدازظهرها دو درس گفته می‌شود و ساعت یک‌ونیم شروع می‌شود. هر درس یک ساعت به طول می‌کشد و بین دو درس یک ربع فاصله است. در دومی پیش‌بینی شده که امکان دارد ساعات درس تغییر کند و در

صورت لزوم بر شمار آنها افزوده شود.

قسمت بعد به ترتیب امتحانات مدرسه اختصاص یافته است. در اولی در هر سال چهار دوره امتحان پیش‌بینی شده و در دومی سه مرتبه. فاصله‌ی امتحانات در اولی دو ماه به دو ماه است و در دومی سه ماه به سه ماه است. سپس حضور و غیاب در امتحانات و چگونگی این امر تنظیم شده است. امتحانات به صورت کتبی و شفاهی است ولی امتحانات آخر سال برای تصدیقنامه و دیپلم هم کتبی و هم شفاهی پیش‌بینی شده است. بهترین نمره بیست و کمترین نمره هشت در نظر گرفته شده است. نوزده و هیجده بسیار خوب، هفده و شانزده و پانزده خوب، چهارده و سیزده و دوازده متوسط، و از یازده تا هشت کمتر از متوسط و از هشت کمتر حکم صفر دارد. در نظامنامه‌ی اولی نمره‌ی کمتر از دوازده بد به‌حساب آمده است. هر دو تصریح دارند که در امتحان تصدیقنامه و دیپلم نمره‌ی متوسط شاگرد باید دست‌کم دوازده بشود به‌شرط آن که در هیچ امتحانی نمره‌اش کمتر از هشت نباشد.

اخراج از مدرسه در صورتی است که شاگرد سه سال متوالی از عهده‌ی امتحان یک کلاس برنیاید. در نظامنامه‌ی اول ذکر شده است که امتحانات مربوط به دریافت دیپلم و تصدیقنامه به توسط معلمان و مدیر و هیئتی از جانب وزیر امور خارجه انجام می‌گیرد. دومی آورده است که امتحانات یاد شده به توسط هیئت معلمین انجام می‌شود و غیر از آنان اشخاص دیگر هم که صلاحیت دارند می‌توانند به عضویت هئیت امتحان کننده درآیند. معلوم می‌شود که مدرسه در این هنگام از اعتبار و حیثیت بیشتری برخوردار است. در فصل آخر نظام مدرسه در هر دو نظامنامه مطرح می‌شود. در این فصل چگونگی رفتار مطلوب شاگردان شرح داده شده و به روشنی تأکید شده است که شاگردان باید مؤدب و معقول رفتار کنند و از اولیاء مدرسه و معلمان کمال اطاعت را داشته باشند. خوردن غذا در غیر وقت نهار و کشیدن سیگار به‌طور کلی ممنوع است. شاگردان موظف هستند نظم کلاس را رعایت کنند و هیچ‌گاه نسبت به

اوامر معلمان و رئیسان چون و چرا نکنند. نظامنامه خواستار اطاعت محض شاگرد از معلم و مدرسه است. چنان‌چه شاگردی نظم مدرسه را پاس ندارد سیاست می‌شود. گونه‌های سیاست کردن شاگردان چنین است: اول نصیحت، دوم ملامت، سوم تهدید، مرتبه‌ی چهارم شکایت نزد اولیای شاگرد و سرانجام اخراج از مدرسه. از این نظر نظامنامه‌ی اول و دوم چندان فرقی با هم ندارند مگر آن که در دومی مرحله‌ی سوم یعنی تهدید حذف شده است. غیبت بی‌عذر موجه در هر دو نظامنامه نیز مشمول سیاستهای یاد شده می‌شود. همچنین بی‌مبالاتی در تحصیل.

برای به دست آوردن آگاهی بیشتر نگاه کنید به متن هر دو نظامنامه که به ترتیب در این‌جا به چاپ می‌رسند.

نظامنامه‌ی اول
نظامنامه‌ی مدرسه علوم سیاسی

اداره‌ی مدرسه

۱) مدرسه‌ی علوم سیاسی مطابق این نظامنامه اداره می‌شود به توسط یک نفر مدیر که وزیر امور خارجه تعیین می‌نماید.

۲) اجزاء مدرسه عبارتند از معلمین و دفتردار و کتابدار و محاسب به‌علاوه‌ی خدام.

۳) مدیر و دفتردار و کتابدار ممکن است معلم مدرسه باشند.

۴) عزل و نصب اجزاء به توسط وزیر امور خارجه می‌شود به تصویب مدیر و رای انجمن معلمین.

۵) اجزاء مدرسه هر ماه یک‌مرتبه در روز معین انجمنی می‌کنند به ریاست مدیر و در امور مدرسه مشاوره می‌نمایند و صورت مذاکرات انجمن نوشته و ضبط می‌شود.

۶) احکام انجمن که به اکثریت آراء معلوم می‌شود به توسط مدیر به موقع اجرا می‌یابد.

۷) غیر از اجلاسهای مقرری ماهیانه مدیر می‌تواند در صورت لزوم اجزاء را به اجلاس فوق‌العاده دعوت نماید.

۸) وزیر امور خارجه اگر کسی را لایق بداند به عضویت این انجمن معین می‌کند.

۹) روز انعقاد انجمن اولین دوشنبه هر برج خواهد بود به وقت عصر.

شرایط دخول متعلمین

۱۰) کسانی که می‌خواهند داخل مدرسه‌ی سیاسی شوند باید از خانواده‌های باشرَف، بابضاعت باشند.

۱۱) سن این اشخاص باید کمتر از سیزده و بیشتر از هفده سال نباشد.

۱۲) باید تحصیلات [داشته] باشند به این میزان: سواد فارسی و حسن خط به‌قدر کفایت، صرف و نحو عربی مختصراً، مختصری از زبان فرانسه، یک دوره‌ی مختصر جغرافیا، دوره مختصر تاریخ ایران، یک دوره حساب.

۱۳) عده‌ی متعلمینی که در سال در مدرسه‌ی سیاسی پذیرفته می‌شوند سی نفر است و زاید بر آن موقوف به اجازه‌ی وزیر امور خارجه است.

۱۴) هر شاگردی باید یک نفر واسطه داشته باشد اعم از این که ولی او یا دیگری باشد.

۱۵) متعلمینی که قبول می‌شوند، اسامی ایشان با معرفی کافی به حضور وزیر امور خارجه فرستاده می‌شود که تصویب فرمایند.

۱۶) غیر از متعلمین مدرسه که در تحت قوانین مدرسه می‌باشند، اشخاص خارجی هم به عنوان مستمع آزاد می‌توانند در سر درسهای حقوق و فقه و ثروت حاضر شوند؛ لکن مستمعین آزاد باید از وزیر خارجه کتباً اجازه بخواهند و به جهت حضور در درسها حقی بپردازند به این میزان که اگر در یک درس حاضر شوند هر سه ماه پانصد قران می‌دهند و اگر در دو درس حاضر شوند سه ماه دو تومان و اگر در سه درس حاضر شوند بیست‌وپنج هزار و قس علی ذلک.

ترتیب تحصیلات مدرسه

۱۷) علومی که در مدرسه‌ی سیاسی تدریس می‌شوند از این قرار است: فقه، کلیات حقوق، حقوق اساسی و اداره، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل عمومی و دیپلوماسی، قوانین عدلیه، علم ثروت و مالیه، ادبیات، تاریخ عالم و ایران، جغرافی عالم و ایران، دفترداری، زبان فرانسه، مقدمات عربی و ریاضی.

۱۸) علوم مزبور به اقتضای حال و به تصویب انجمن مدرسه و اجازه‌ی وزیر امور خارجه ممکن است کم و زیاد شود.

۱۹) مدت تحصیل در مدرسه پنج سال است و متعلمین، علوم مزبوره را در این مدت تحصیل می‌کنند و منقسم به پنج طبقه می‌باشند و هر طبقه هر سال آن‌چه را که تحصیل کرده‌اند امتحان می‌دهند و از طبقه‌ای که در آن هستند به طبقه‌ی فوق نمی‌رسند مگر این که در آخر سال امتحان خوب بدهند.

۲۰) طبقات خمسه‌ی مزبوره منقسم به دو دسته می‌باشند. سه طبقه‌ی اول، ابتدایی هستند و دو طبقه‌ی آخر، انتهایی.

۲۱) متعلمینی که سه طبقه‌ی اول را پیمودند باید از تمام تحصیلات سه ساله امتحان بدهند و تصدیقنامه‌ی ابتدایی بگیرند و بعد به تحصیلات دسته‌ی دوم شروع کنند.

۲۲) تقسیم درسها به سنوات و ایام و ساعات آنها هر سال به توسط انجمن مدرسه معین می‌شود در ابتدای تحصیل سالیانه.

۲۳) علاوه بر مجالس درس مقرری، متعلمین مدرسه یا دانشمندان خارج از مدرسه در ساعتهای غیر اوقات درس در مدرسه ممکن است کنفرانسها بکنند و متعلمین مدرسه می‌توانند به اختیار حاضر شده استماع نمایند و ترتیب این کنفرانسها در موقع خود به متعلمین اعلام می‌شود.

ترتیب اوقات کار مدرسه

۲۴) مدرسه هر سال ده ماه دایر و دو ماه تعطیل است.

۲۵) افتتاح مدرسه اول سنبله و اختتام آخر جوزاست؛ سرطان و اسد تعطیل است.

۲۶) از آن دو ماه، ماه آخر یعنی جوزا مخصوص امتحانات و مذاکرات آنهاست یعنی ده دوازده روز اول این ماه متعلمین تحصیلات سالیانه‌ی خود را مذاکره کرده مابقی ایام مشغول امتحان خواهند بود.

۲۷) در ماه اول یعنی سنبله، نیمه‌ی اول مخصوص قبول شاگرد است و از نیمه‌ی این ماه شروع به تدریس می‌شود و درسها باید در آخر ماه ثور

ختم شود.

۲۸) تعطیلات مدرسه غیر از ایام جمعه و دو ماه تابستان از این قرار است: عید نوروز یک هفته، سیزده عید، عید مولود حضرت رسول (ص) و حضرت حجت (ع) و حضرت امیر و مولود پادشاه هر کدام یک روز. ایام عاشورا پنج روز، رحلت حضرت رسول یک روز، بیست‌ویکم رمضان، یوم‌المبعث، عید قربان، عید غدیر، روز اربعین، شهادت امام حسن (ع).

۲۹) در هر طبقه، هر روز چهار درس گفته می‌شود: دو درس قبل ازظهر، دو درس بعدازظهر.

۳۰) درسهای قبل از ظهر ساعت نه شروع می‌شود و درسهای بعدازظهر ساعت دو.

۳۱) هر درس یک ساعت و ربع طول می‌کشد و بین دو درس یک ربع فاصله است.

ترتیب امتحانات مدرسه

۳۲) هر سال تمام طبقات باید چهار دوره امتحان بدهند. سه دوره در عرض سال و یک دوره در آخر سال.

۳۳) امتحانات عرض سال تقریباً دو ماه به دو ماه واقع می‌شود و امتحانات آخر سال در ماه جوزا.

۳۴) موقع امتحانات عرض سال به توسط انجمن تعیین می‌شود.

۳۵) در امتحانات مزبور هر علمی را معلم آن علم امتحان می‌کند با معاونت یک معلم دیگر که به تصویب انجمن معین شود و این هر دو نمره می‌دهند و متوسط این دو نمره معتبر است.

۳۶) نمره‌های امتحانات عرض سال که در دفتر مخصوص ضبط می‌شود میزانی از کار و قوه‌ی متعلمین به دست می‌دهد که در نمره‌ی امتحان آخر سال منظور می‌شود و مدخلیت دارد.

۳۷) شاگردی که در بعضی از امتحانات جزء حاضر نشود اگر عذر موجه نداشته باشد، نمره‌ی او در آن امتحان صفر گذاشته می‌شود.

۳۸) شاگردی که در نصف امتحانات جزء غایب شود، در امتحانات آخر سال حق حضور ندارد.

۳۹) متعلمین باید طوری کار بکنند که در موقع امتحانات محتاج به مهلت زیاد نباشند زیرا که در امتحانات عرض سال مهلت نیست و در امتحانات آخر سال ده دوازده روز بیشتر مهلت داده نمی‌شود.

۴۰) شاگرد اگر در امتحان جزء حاضر نشد، آن امتحان گذشته است، اما اگر در امتحانات آخر سال کلاً یا بعضاً غایب شود و عذر موجه داشته باشد می‌تواند بعد از تعطیل، قبل از افتتاح تحصیلات آمده امتحان خود را بدهد به شرط این که در عرض سال نمره‌های خوب گرفته باشد و انجمن معلمین استحقاق او را تصدیق کند.

۴۱) متعلمینی که تحصیلات سه ساله‌ی اول را تمام کرده و امتحانات آن را داده و از عهده برآمده‌اند باید یک امتحان هم از کلیه‌ی تحصیلات سه ساله در ابتدای دخول در طبقه‌ی چهارم بدهند و تصدیقنامه‌ی دخول سه ساله بگیرند و اگر این تصدیقنامه را نداشته باشند نمی‌توانند به اطاق چهارم بروند و بعد از آن که تحصیلات اطاق چهارم و پنجم را هم تمام کردند و امتحانات سالیانه‌ی آن را دادند یک امتحان هم به جهت اخذ دیپلم علوم سیاسی باید بدهند که شامل مواد تحصیلات دو سال اخیر است.

۴۲) کلیه‌ی امتحانات مدرسه بعضی کتبی و بعضی شفاهی است و تعیین کتبی و شفاهی بودن امتحان با اداره‌ی مدرسه است.

۴۳) منتهای نمره، بیست است. بیستَ و نوزده و هیجده. بسیار خوب است؛ هفده و شانزده و پانزده، خوب؛ چهارده و سیزده و دوازده، متوسط و کمتر از دوازده، بد است.

۴۴) در امتحانات آخر سال و امتحانات تصدیقنامه و دیپلم هر شاگردی

که متوسط کل نمره‌های کتبی و شفاهی او زاید بر یازده بود، امتحان او مقبول است مشروط بر این که در هیچ امتحانی نمره‌ی او کمتر از هشت نباشد.

۴۵) اگر شاگردی نمره‌ی متوسطش زاید از یازده بود ولی نمره‌ی کمتر از هشت داشت می‌تواند بعد از تعطیلات موادی را که نمره‌ی بد دارد تجدید کند ولی اگر نمره‌ی متوسطش کمتر از دوازده بود باید تحصیلات سال را تجدید کند.

۴۶) اگر شاگردی دو سال در یک‌طبقه بماند و باز از امتحان درست درنیاید از مدرسه اخراج می‌شود.

۴۷) امتحانات اخذ دیپلم و تصدیقنامه به توسط معلمین و مدیر و هیئتی که از جانب وزیر امور خارجه معین می‌شود، واقع می‌شود.

۴۸) متعلمین حق دخالت در ترتیب امتحانات و نمره‌ها و غیرها ندارند.

۴۹) جزئیات عمل امتحانات به واسطه‌ی اداره‌ی مدرسه تعیین و به متعلمین قبل از وقت اعلام می‌شود.

۵۰) متعلمینی که می‌خواهند از مدرسه تصدیقنامه و دیپلم بگیرند باید حقی بپردازند که برای کتابخانه‌ی مدرسه و سایر مصارف لازمه خرج شود از این قرار که هر شاگردی که به جهت امتحان تصدیقنامه حاضر می‌شود باید سه تومان بدهد و هر کس برای امتحان دیپلم حاضر می‌شود، پنج تومان بدهد و پس از آن که امتحان داد اگر امتحانش مقبول شد به جهت تصدیقنامه دو تومان بپردازد و برای دیپلم پنج تومان اداکند.

نظام مدرسه

۵۱) هنگامی که معلم سر درس است شاگردان حق خروج از اطاق درس ندارند.

۵۲) سر درس متعلمین نباید تکلم کنند مگر در جواب سئوالی که معلم از آنها بکند والا باید با کمال دقت مشغول امری که معلم ایشان را به آن مأمور کرد یا استماع بیانات او و برداشتن یادداشت باشند.

۵۳) درغیر موقع درس شاگردان حق صحبت و گردش و تفریح در مدرسه دارند ولی با معقولیت.

۵۴) در مدرسه چیز خوردن در غیر موقع نهار و سیگار کشیدن در هر موقع ممنوع است.

۵۵) در موقع نهار شاگردان می‌توانند نهار خود را به مدرسه آورده بخورند یا به منزل رفته در موقع درس مراجعت نمایند و جز درین موقع بدون اجازه‌ی مدیر حق خروج از مدرسه ندارند.

۵۶) هر وقت زنگ شروع درس زده می‌شود احدی از شاگردان حق ندارد از اطاق درس خارج باشد. چون زنگ فراغت از درس زده می‌شود مختارند که از اطاق بیرون روند به شرط خارج نشدن از محوطه‌ی مدرسه.

۵۷) در مدرسه متعلم نسبت به معلم و رؤسا اطاعت محض باید باشد و در اوامر و اعمال ایشان چون و چرا نباید بکند.

۵۸) هرگاه یکی از متعلمین ایرادی در امری از امور مدرسه داشته باشد باید با کمال معقولیت شفاهاً یا کتباً اظهار کند و عنوان دعوی و شکایت پیش نیاورد.

۵۹) مکتوب بدون امضاء یا با امضاء مبهم از درجه‌ی اعتبار ساقط است و اعتناء به مندرجات آن نخواهد شد.

۶۰) سیاست متعلمین، در مرتبه‌ی اول نصیحت است، مرتبه‌ی دوم ملامت، مرتبه‌ی سیم تهدید، مرتبه‌ی چهارم شکایت در نزد اولیاء، مرتبه‌ی پنجم اخراج از مدرسه.

۶۱) سیاسات مذکوره مجری می‌شود در چند مورد: اول در مسامحه و بی‌مبالاتی در تحصیل و امور راجعه به آن، دویم در رفتار در مدرسه یا خارج آن، سیم در میئله‌ی غیبت.

۶۲) شاگرد چون غایب شود باید عذر موجه داشته باشد و با سند اظهار کند والا به ترتیب مذکور در فوق با او رفتار می‌شود.

۶۳) هر دو ماه یک مرتبه راپرتی از احوال هر شاگرد از وضع تحصیل و رفتار و حضور و غیاب او برای اولیاء او فرستاده می‌شود که باید آن را امضا کرده پس بفرستد.

۶۴) در هر اطاق دو نفر یا سه نفر از متعلمین معقول انتخاب می‌شوند و آنها به نوبه هر کدام یک هفته مبصر هستند و روزنامه‌ی اطاق و تعیین حاضرین و غائبین و نظم اطاق به عهده‌ی ایشان است و هر روز باید کیفیت احوال اطاق و شاگردان را خبر بدهند و اگر کوتاهی کنند مورد مواخذه شده یا عوض می‌شوند.

★ در زیر این نظامنامه نوشته شده است: صحیح است باید مجری شود. امضاء. به تاریخ دهم محرم ۱۳۲۶.

نظامنامه‌ی دوم
نظامنامه‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی

فصل اول: اداره‌ی مدرسه

ماده‌ی اول: مدرسه‌ی علوم سیاسی به‌توسط یک‌نفر رئیس‌که وزیر امور خارجه تعیین می‌نماید و رتبه‌ی مدیری اول وزارت امورخارجه را دارد، اداره می‌شود.

ماده‌ی دویم: گذشته از رئیس، مدرسه یک نفر ناظم و یک نفر محاسب و دفتردار نیز خواهد داشت. شغل کتابداری را نیز دفتردار به عهده می‌گیرد.

ماده‌ی سوم: عده‌ی معلمین مدرسه محدود نیست. ممکن است لدی الاقتضا به موجب پیشنهاد و تقاضای رئیس مدرسه اضافه و نقصان یابد.

ماده‌ی چهارم: در صورت لزوم، رئیس مدرسه ممکن است تدریس یکی از علوم مختلفه را در مدرسه تقبل نماید.

ماده‌ی پنجم: انفصال و نصب معلمین با موافقت رئیس مدرسه به توسط وزیر امور خارجه به عمل می‌آید.

ماده‌ی ششم: سالی چند مرتبه برحسب تقاضای رئیس یا تقاضای کتبی سه نفر از معلمین، جلسه در تحت ریاست رئیس برای مشاوره در امور مدرسه منعقد می‌شود.

ماده‌ی هفتم: در این‌گونه جلسات یک نفر از معلمین به سمت نویسندگی انتخاب می‌شود تا صورت مذاکرات را نوشته در دفتر مدرسه ضبط نماید.

ماده‌ی هشتم: آراء مجمع که به اکثریت حاصل می‌شود اگر مخالف نظامنامه‌ی حاضر نباشد به توسط رئیس به موقع اجری گذاره خواهد شد.

ماده‌ی نهم: احکامی‌که درین نظامنامه پیش‌بینی نشده ممکن است عندالضروره به‌توسط هیئت معلمین تعیین و به‌واسطه‌ی رئیس مدرسه مجری گردد.

ماده‌ی دهم: این نظامنامه به اقتضای رئیس یا اکثریت آرای متعلمین که در تحت ریاست رئیس انجمن می‌کنند، قابل تغییر است.

فصل دوم: شرایط دخول متعلمین

ماده‌ی یازدهم: داوطلبان دخول به مدرسه‌ی سیاسی باید جامع شرایط ذیل باشند:

اولاً سن آنها کمتر از چهارده و بیشتر از هیجده نباشد.

قید سن از چهارده الی هیجده راجع به اشخاصی خواهد بود که در هنگام ورود به کلاس اول مدرسه داخل می‌شوند لکن هرگاه کسی بخواهد در کلاس دویم داخل گردد ممکن است پانزده الی نوزده ساله و اگر بخواهد به کلاس سوم داخل شود از بیست‌وچهار سال زیادتر نباید دارا باشد.

ثانیاً باید تحصیلاتی کرده باشد به این میزان: حساب کاملاً، تاریخ مختصر ایران، جغرافی پنج قطعه به‌طور متوسط، فرانسه به اندازه‌ای که کتب ساده سال اول را بفهمد و گرامر همان سال را بداند، سواد فارسی خوب کتباً و شفاهاً و حسن خط به مقدار کافی و صرف و نحو عرب مختصراً.

ثالثاً هر شاگردی باید برای هر یک از سه کلاس اول مقدماتی سالیانه پانزده تومان و برای هر یک از دو کلاس مؤخراتی سالیانه مبلغ بیست‌وچهار تومان کارسازی دارد و این مبلغ باید همه ساله در سه قسط به‌طور مساعده پرداخته شود. هرگاه شاگردی اقساط سالیانه‌ی خود را تا آخر سال نپرداخت از حضور در امتحانات سالیانه ممنوع خواهد بود.

تبصره امتحان ورود فقط سالی یک دفعه برای قبول داوطلبان به مدرسه واقع می‌شود. اگر داوطلبی از عهده‌ی آن برنیاید دیگر امتحان تجدید نمی‌شود مگر در سال آینده.

ماده‌ی دوازدهم شخص داوطلب باید یک نفر معرف داشته باشد که در حقیقت ضامن حسن اخلاق او و تأدیه‌ی حق سالیانه‌ی مدرسه بشود. هرگاه داوطلب از اهل تهران نبود و بدین واسطه نتواند برای خود معرفی پیدا کند، باید خود را به وزارت امور خارجه معرفی نموده، توصیه‌ی کتبی برای ورود به مدرسه از آن وزارتخانه تحصیل نماید.

ماده‌ی سیزدهم به‌طور کلی مدرسه می‌تواند دو نفر شاگرد مجانی در کلاسهای خود داشته باشد.

ماده‌ی چهاردهم شرایط قبول شاگردان مجانی علاوه بر شروط ماده‌ی یازدهم و داوزدهم این است که واقعاً باید مستحق بوده و قوه‌ی ادراک و هوش آنها زیاد باشد و تصدیق این امر هم با هیئت معلمین مدرسه است.

ماده‌ی پانزدهم غیر از متعلمین مدرسه که در تحت قوانین مدرسه می‌باشند، اشخاص خارجی نیز به عنوان مستمع آزاد در درسهای حقوق و ثروت پذیرفته می‌شوند. لکن هیئت معلمین باید قبلاً در خصوص قبول آنها رأی بدهند. این‌گونه اشخاص برای هر علم باید ماهیانه پنج قران بپردازند. این قبیل شاگردان دارای امتیازات شاگردان منظم مدرسه نیستند یعنی از امتحانات دیپلم معاف می‌باشند. چنان‌چه داوطلب امتحان بشوند ممکن است تصدیقنامه در خصوص همان امتحان دریافت کنند.

ماده‌ی شانزدهم مدرسه برای هر یک از متعلمین در بدو ورود دوسیه ترتیب خواهد داد. این دوسیه تا زمان تحصیل شاگرد جزء دفتر جاری مدرسه بوده، پس از ختم تحصیل او در دفتر راکد مدرسه ضبط خواهد گردید.

ماده‌ی هفدهم دفتردار مدرسه باید هر سال پس از فراغت از تحصیل شاگردان و اخذ دیپلم، صورت اسامی آنها را با ذکر سن و اخلاق و صفات مکتبی آنها به اداره‌ی پرسنل وزارت خارجه بدهد.

فصل سوم: ترتیب تحصیلات

ماده‌ی هیجدهم علومی که در مدرسه‌ی سیاسی باید تدریس شود از این قرار است: فقه، کلیات، حقوق، حقوق اساسی و اداری و مدنی و بین‌الملل عمومی و دیپلماسی، قوانین عدلیه، علم ثروت و مالیه، ادبیات فارسی و عربی، تاریخ عالم و ایران، جغرافیای عالم و ایران، دفترداری، منطق، جبر و مقابله (دو درجه)، هندسه (مسطحات)، طبیعیات مختصراً، زبان عربی و فرانسه.

ماده‌ی نوزدهم علوم مزبوره به اقتضای وقت و تصویب هیئت متعلمین ممکن است کم یا زیاد شود.

ماده‌ی بیستم دوره‌ی تحصیل مدرسه پنج سال است. در ظرف این مدت در پنج طبقه تحصیل علوم مزبور در ماده‌ی بیستم مرا به پایان می‌رسانند. شاگردان هر طبقه به استثنای شاگردان کلاس سوم و پنجم در آخر هر سال آن‌چه را که در مدت آن سال فراگرفته، امتحان می‌دهند و هیچ‌یک از آنها به طبقه‌ی فوق نمی‌رسد مگر این‌که در آخر هر سال از عهده‌ی امتحان درس آن سال برآید.

ماده‌ی بیست‌ویکم طبقات خمسه‌ی مذکوره به دو دسته منقسم می‌باشند. سه طبقه‌ی اول، مقدماتی و دو طبقه نیز مؤخراتی. نظر به این‌که شاگردان کلاس سوم و پنجم باید امتحان تصدیقنامه که شامل تحصیلات سه ساله و امتحان دیپلم که شامل تحصیلات دو ساله است بدهند، از امتحانات سال سیم و پنجم معاف می‌باشند.

ماده‌ی بیست‌وسوم متعلمینی که سه طبقه‌ی اول را پیموده‌اند باید از تمام تحصیلات سه ساله‌ی خود نیز امتحان داده و تصدیقنامه‌ی مقدماتی گرفته پس از آن به تحصیلات مؤخراتی شروع نمایند.

ماده‌ی بیست‌وچهارم تقسیم درسها را به سنوات و ایام و ساعات، همه ساله مدرسه معین می‌نماید.

ماده‌ی بیست و پنجم گذشته از دروس مقرره، معلمین یا دانشمندان خارج از مدرسه ممکن است در غیر اوقات ساعات درس در مدرسه کنفرانس بدهند و ترتیب این کنفرانسها در موقع خود به متعلمین اعلام می‌شود. اشخاص خارج نیز می‌توانند درین کنفرانسها حضور به هم رسانند و موضوع کنفرانسها باید همیشه قبل از وقت به نظر رئیس مدرسه برسد.

فصل چهارم: ترتیب اوقات کار مدرسه

ماده‌ی بیست‌وششم مدرسه هر سال ده ماه دایر و دو ماه تعطیل است.

ماده‌ی بیست‌وهفتم ابتداء سال تحصیلی مدرسه در سنبله شروع و در ثور ختم می‌شود.

ماده‌ی ۲۸ ماه جوزا مخصوص امتحانات سالیانه و تصدیقنامه و دیپلم و سرطان و اسد مدرسه تعطیل می‌شود.

ماده‌ی ۲۹ نیمه‌ی اول سنبله مخصوص امتحان داوطلبان ورود به‌مدرسه می‌باشد و از نیمه‌ی دوم سنبله کلاس جدید شروع به درس خواهد نمود.

ماده‌ی ۳۰ تعطیلات معمولی مدرسه غیراز دو ماه تابستان ازاین قرار است: عید نوروز یک‌هفته، سیزدهم نوروز، روز عید مولود حضرت رسول و حضرت امیر و حضرت حجت و حضرت امام حسین و حضرت زهرا و مولود پادشاه، محرم پنج روز، از هشتم الی دوازدهم، رحلت حضرت رسول و روز نوزدهم و بیست‌ویکم و بیست‌وسوم رمضان، وفات حضرت زهرا و یوم‌المبعث، عیدقربان، عیدفطر و روز اربعین و شهادت امام حسین؛ علاوه‌براین ایام، اوقات دیگر که تعطیلات عمومی باشد، مدرسه نیز می‌تواند تعطیل بکند.

ماده‌ی ۳۱ در هر طبقه هر روز چهار درس گفته می‌شود. دو درس قبل از ظهر و دو درس بعداز ظهر.

ماده‌ی ۳۲ درسهای قبل از ظهر ساعت نه (سه ساعت قبل از ظهر) و درسهای بعد از ظهر یک ساعت‌ونیم گذشته شروع می‌شود.

ماده‌ی ۳۳ مدت هر درس یک ساعت و بین دو درس یک ربع برای تنفس و تفریح فاصله است.

ماده‌ی ۳۴ ممکن است ساعات دروس تغییر کرده و لدی الاقتضا بر عده‌ی آنها افزوده شود.

فصل پنجم: ترتیب امتحانات مدرسه

ماده‌ی ۳۵ در عرض سال متعلمین هر طبقه لااقل باید سه مرتبه به معرض امتحان درآیند و در آخر هر سال نیز باید تمام مواد تحصیله‌ی آن سال را امتحان بدهند و ارتقاء از کلاس به کلاس دیگر منوط به این امتحان است.

ماده‌ی ۳۶ فاصله‌ی امتحانات عرض سال بیش از سه ماه نباید باشد. روز امتحان را مدرسه قبل از وقت اعلام می‌نماید.

ماده‌ی ۳۷ کلیه‌ی امتحانات سالیانه و تصدیقنامه و دیپلم از دهه‌ی اول جوزا شروع و در آخر جوزا ختم می‌شود و فواصل آنها از یک‌دیگر باید به قسمی باشد که مدرسه قبل از سرطان تعطیل شود.

ماده‌ی ۳۸ نمره‌های امتحانات اول سال که در دفتر مخصوص ضبط می‌شود میزانی از کار و قوه‌ی متعلمین به دست می‌دهد و این نمره‌ها به انضمام ملاحظات معلمین راجع به دیانت و اخلاق و صفات و غیبت شاگردان در آخر سال مدخلیت دارد.

ماده‌ی ۳۹ اگر شاگردی در امتحانات جزء حاضر نشد در صورتی که عذر موجهی داشته باشد ممکن است آن امتحان را تجدید کند. هر گاه در امتحانات آخر سال کلاً یا بعضاً با عذر موجه غائب شود می‌تواند در آخر تعطیل بلافاصله یعنی قبل از شروع به تحصیلات آمده امتحان خود را بدهد به شرط این که در عرض سال قلیل الغیبه بوده، نمره‌های خوب گرفته باشد و علاوه بر این اکثریت آراء معلمین استحقاق او را تصویب کند.

ماده‌ی ۴۰ اگر شاگردی از یک یا چند ماده‌ی امتحان تصدیقنامه و دیپلم غائب شد دیگر نمی‌تواند امتحانات خود را تعقیب نماید، بلکه باید سال دیگر در موقع امتحان تصدیقنامه و دیپلم، مجدداً خود را برای امتحان حاضر کند.

ماده‌ی ۴۱ بدون موفقیت از امتحان تصدیقنامه نمی‌توان داخل کلاس چهارم شد و تحصیلات آن سال را تعقیب کرد.

ماده‌ی ۴۲ امتحانات عرض سال ممکن است گاهی شفاهی و گاهی کتبی باشد، لکن امتحانات آخر سال تصدیقنامه و دیپلم، هم کتبی و هم شفاهی خواهد بود.

ماده‌ی ۴۳ امتحان کتبی در امتحان تصدیقنامه و دیپلم مخرج خواهد بود یعنی هر شاگردی که در امتحان کتبی قبول نشده باشد نمی‌تواند در امتحان شفاهی حاضر شود.

ماده‌ی ۴۴ عموماً مواد امتحان مخرج در امتحان غیرمخرج که شفاهی باشد نیز تکرار می‌شود، لکن رأی و نظر رئیس مدرسه در این امر دخالت کلی دارد زیرا که به واسطه‌ی انس او به دوسیه‌ی شاگردان به زودی می‌تواند لزوم تکرار یا عدم تکرار امتحان همه را بفهمد. برای دادن امتحان دیپلم باید داوطلب در مدرسه تحصیل کرده باشد لکن برای امتحان تصدیقنامه ممکن است در خارج تحصیل نموده خود را حاضر کند.

ماده‌ی ۴۶ داوطلب برای ورود به کلاسهای مقدماتی عموماً باید قبل از شروع به امتحان سالیانه به مدرسه آمده و اسم را در دفتر جزء شاگردان طبقه که می‌خواهد در آن داخل شود ثبت کرده در روز معین با آنها امتحان بدهد. چنان‌چه داوطلبی بخواهد بعد از تعطیل داخل یکی از این کلاسها شود باید سعی کند امتحان او در ماهی که بلاواسطه بعد از تعطیل است تمام شود.

ماده‌ی ۴۷ حد اعلی نمره‌ی تمام امتحاناتی که در مدرسه می‌شود، بیست و اسفل آن هشت است. بیست و نوزده و هیجده بسیار خوب، هفده و شانزده و پانزده خوب، چهارده و سیزده و دوازده متوسط و از یازده تا هشت کمتر از متوسط و از هشت کمتر در حکم صفر است.

ماده‌ی ۴۸ در امتحانات سالیانه هر متعلمی که متوسط کل نمره‌های کتبی و شفاهی او کمتر از دوازده نباشد، امتحان او مقبول است مشروط بر این که در هیچ‌کدام از امتحانات نمره‌ی کمتر از هشت نداشته باشد.

ماده‌ی ۴۹ اگر در امتحانات سالیانه شاگردی نمره‌ی متوسطش کمتر از

دوازده نبود ولی در یک الی دو امتحان نمره‌ی کمتر از هشت داشت بعد از تعطیل، بدون فاصله آن یک درس یا دو درس را باید مجدداً یک دفعه‌ی دیگر امتحان بدهد لکن در صورتی که در بیشتر از دو درس نمره‌ی کمتر از هشت داشته باشد یا بعد از تعطیل از عهده‌ی امتحان مجدد آن یک درس یا دو درس برنیاید، امتحان سالیانه‌ی او غیر مقبول و باید مجدداً یک سال دیگر در کلاس خود باقی بماند.

ماده‌ی ۵۰ در امتحان دیپلم و تصدیقنامه نمره‌ی متوسط شاگرد چه در امتحان کتبی و چه در امتحان شفاهی باید لااقل دوازده بوده و هیچ‌یک از نمرات امتحانات کتبی و شفاهی‌اش کمتر از هشت نباشد والا امتحان او غیرمقبول است.

ماده‌ی ۵۱ برای به دست آوردن نمره‌ی متوسط امتحانات سالیانه باید نمرات تمام دروس را اعم از کتبی و شفاهی که شاگرد امتحان می‌دهد جمع نموده، حاصل جمع را به عهده دروس تقسیم نموده، خارج قسمت نمره‌ی متوسط است.

ماده‌ی ۵۲ از برای ترتیب تصدیقنامه و دیپلم باید نمره‌ی متوسط امتحانات کتبی را با نمره‌ی متوسط امتحانات شفاهی جمع کرده، متوسط آنها را مأخذ قرار داد.

ماده‌ی ۵۳ اگر شاگردی سه سال متوالی از عهده‌ی امتحان یک کلاس برنیاید از مدرسه اخراج خواهد گردید.

ماده‌ی ۵۴ اگر شاگردی سه دفعه‌ی متوالی از عهده‌ی امتحان تصدیقنامه و دیپلم برنیاید دیگر به امتحان قبول نمی‌شود.

ماده‌ی ۵۵ اگر شاگردی در امتحانات از روی نوشته‌ی شاگردی دیگر بنویسد یا از او استمداد جوید، امتحان او غیرمعقول و از درجه‌ی اعتبار ساقط است یعنی در آن امتحان نمره‌ی صفر دارد.

ماده‌ی ۵۶ امتحانات اخذ تصدیقنامه و دیپلم عموماً به توسط هیئت

متعلمین به عمل می‌آید و غیر از معلمین اشخاص دیگر هم که صلاحیت داشته باشند ممکن است به عضویت هیئت ممتحنه منتخب و دعوت شوند.

ماده‌ی ۵۷ متعلمین حق مداخله در ترتیب امتحانات و نمره و غیره ندارند.

ماده‌ی ۵۸ جزئیات عمل امتحانات به واسطه‌ی اداره‌ی مدرسه تعیین و به متعلمین قبل از وقت اعلام می‌شود.

ماده‌ی ۵۹ متعلمینی که می‌خواهند از مدرسه تصدیقنامه و دیپلم بگیرند باید حقی بپردازند که برای کتابخانه‌ی مدرسه و سایر مصارف لازمه خرج شود، از این قرار که هر شاگردی باید برای تصدیقنامه سه تومان و برای دیپلم پنج تومان ادا کند.

فصل ششم: نظام مدرسه

ماده‌ی ۶۰ هر یک از معلمین مدرسه باید کتابچه داشته باشند که حاوی اسامی و نمرات امتحان و حاکی از درجه‌ی استعداد و اخلاق شاگردان ایشان باشد.

ماده‌ی ۶۱ ناظم مدرسه باید هر روز قبل از ظهر و بعد از ظهر غائبین هر طبقه را معین کرده در کتابچه‌ی مخصوص آن طبقه ثبت کند و کلیه‌ی نظم مدرسه با اوست.

ماده‌ی ۶۲ متعلمین باید همیشه مؤدب و معقول بوده نسبت به اولیاء مدرسه و معلمین کمال اطاعت را داشته باشند و طوری کار کنند که در موقع امتحانات محتاج به مهلت زیاد نباشند زیرا در امتحانات عرض سال مهلت نیست و در امتحانات آخر سال هم دو سه روزی بیشتر مهلت داده نمی‌شود.

ماده‌ی ۶۳ هنگامی که معلم سر درس است، متعلم نمی‌تواند از اطاق درس خارج شود.

ماده‌ی ۶۴ همیشه متعلم باید بادقت زیاد مواظب درس معلم باشد و کاری که ممکن است در کلاس موجب اختلال حواس شاگردان بشود از او سر نزند.

ماده‌ی ۶۵ زنگ اخبار درس می‌فهماند که هیچ شاگردی نباید در صحن مدرسه توقف کند. بلکه هر کدام باید به کلاس خود بروند.

ماده‌ی ۶۶ در زنگ اتمام درس که در حقیقت زنگ تفریح است متعلمین می‌توانند در حیاط مدرسه گردش کنند.

ماده‌ی ۶۷ سیاست متعلمین دارای چهار مرتبه است: مرتبه‌ی اول نصحیت، مرتبه‌ی دوم ملامت، مرتبه‌ی سیم شکایت در نزد اولیاء، مرتبه‌ی چهارم اخراج از مدرسه.

ماده‌ی ۶۸ اخراج شاگرد از مدرسه با اکثریت آراء معلمین است.

ماده‌ی ۶۹ سیاسات مذکوره علاوه بر موارد فوق در چند مورد دیگر نیز واقع می‌شود: اول در مسامحه و بی‌مبالاتی در تحصیل و امور راجعه به آن، دویم در مورد سلوک در مدرسه یا خارج آن. واضح است که بی‌ادبی اخلاقی نیز جزء سلوک محسوب می‌شود.

توضیح: اگر حرکات بد شاگردی مودی به شکستن شیشه یا اتلاف و تضییع اثاثیه مدرسه شود، علاوه بر سیاست درجات فوق باید خسارت وارده را نیز جبران کند.

سیم در مسئله‌ی غیبت که بی‌عذر موجه باشد و متعلم نتواند موجه بودن آن را با سندی که به مهر و امضاء اولیاء خود باشد مدلل کند.

ماده‌ی ۷۰ ممکن است مدرسه هر وقت صلاح بداند راپورتی از تحصیلات و اخلاق متعلمین ترتیب بدهد برای اولیاء آنها بفرستد؛ علاوه براین اولیاء نیز می‌توانند هر وقت که خواسته باشند اقتضاء چنین راپورتی بنمایند.

ماده‌ی ۷۱ این نظامنامه پس از توشیح آن به امضای وزیر امور خارجه، مرجع و مدار امور مدرسه خواهد بود و رئیس مدرسه مسئول اجرای آن می‌باشد. رئیس مدرسه مسئول اجرای این نظامنامه خواهد بود که بدون اغماض کما هو حقه به انجام برساند.

۱۴ محرم‌الحرام ۱۳۳۳ مهر و امضای علاءالسلطنه

چند سند دیگر از مدرسه‌ی علوم سیاسی

گردآوری و چاپ همه‌ی سندهای مربوط به مدرسه‌ی علوم سیاسی فرصت و امکان بیشتری می‌خواهد. تا آن‌جا که فعلاً امکان چاپ و کاغذ اجازه می‌دهد شماری از این سندها را معرفی می‌کنم. پیشتر نیز دو متن اساسنامه را که اهمیت خاص داشتند دیدیم. سندهای بعدی عبارتند از:

۱. سند مربوط به اضافه شدن سه کلاس بر پنج کلاس مدرسه‌ی سیاسی و تصویب اعتبار جدید برای آن.

۲. سند مربوط به انتخاب میرزا علی‌اکبر سیاسی به جای مسیو ویزیور برای تدریس فرانسه.

۳. سند مربوط به لزوم تأسیس مدرسه‌ی علوم حقوقی و ارتباط آن با مدرسه‌ی علوم سیاسی.

۴. سند برقراری پانزده تومان اضافه مقرری میرزا علی‌محمد و میرزا عباس‌قلی‌خان و میرزا علی‌اکبر خان.

۵. نامه‌ی وزارت خارجه به مدرسه راجع به تصویب‌نامه‌ی وزراء برای خرید محل مدرسه.

۶. سند مربوط به کمک مالی دکتر محمد مصدق برای خرید کتاب جهت مدرسه.

۷. سند مربوط به اصلاح نظامنامه راجع به پذیرش شاگردان مجانی بیشتر.

۸. نمونه‌ی دیپلم تحصیلات مؤخراتی مدرسه. برگرفته از کتاب محمدعلی مجد به نام گذشت زمان.

۹. نمونه‌ی کارنامه‌ی کلاس اول متعلق به دکتر محمود افشار، برگرفته از کتاب: ناموارهٔ دکتر محمود افشار. جـ ۴. به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان. موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. تهران ۱۳۶۷. جـ اول. تصویر شماره ۲.

۱۰. نمونه‌ی ورقه‌ی جایزه‌ی مدرسه. برگرفته از کتاب ناموارهٔ دکتر محمود افشار. جـ ۴. تصویر شماره ۳.

۱۱. سند دریافت کرایه‌خانه‌ی سه ماهه از مدرسه‌ی سیاسی توسط تجارتخانه‌ی برادران طومانیاس در تهران.

۱۲. راپورت اداره‌ی محاسبات وزارت خارجه به وثوق‌الدوله راجع به عایدات مدرسه و دستور وثوق‌الدوله در زیر آن.

نشانه شیروخورشید
وزارت امور خارجه
اداره محاسبات دائره
مورخه ۴ صفر ۸ قوس ۱۳۳۵
نمره ۱۸۶۴
ضمیمه سواد است

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

در تعقیب مشروحات سابقه راجع به اضافه نمودن سه کلاس بر پنج کلاس فعلی مدرسه علوم سیاسی و تصویب اعتبار جدید برای مخارج سه کلاس مزبور اینک سواد مصدق مرقومه مبارکه ریاست وزراء عظام دامت عظمته را راجع به تصویب پنجهزار و چهارصد و پنجاه و شش تومان اعتبار اضافه بر بودجه فعلی مدرسه (که ده هزار و پانصد و چهل و چهار تومان است) و جمعاً شانزده هزار تومان می‌شود لفاً ارسال داشت. بدیهی است به‌طوری که جناب آقای معین‌الوزاره کتباً و شفاهاً دستورالعمل داده‌اند از همین امسال شروع به تشکیل و تأسیس کلاسهای اضافی و تهیه معلم و ترتیب دروس خواهید فرمود و هر وقت کلاس جدید تشکیل شد مخارج آن جزء مخارج معمولی مدرسه درج و وجه آن از محل این اعتبار جدید از وزارت جلیله مالیه دریافت خواهد شد.

امضاء علیقلی بهمن
مهر وزارت امور خارجه
اداره محاسبات و تذکره

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۸ صفر ۱۳۳۹

نمره ۱۸۶

ضمیمه [illegible]

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

در تعقیب مشروعات سابقه راجع باضافه موزون سه کلاس پنج کلاس

فعلی مدرسه علوم سیاسی و تصویب اعتبار جدید بطور مخارج سه کلاس

بزودی یک سواد مصدق مرقومه مبارکه ربیت درنده عظام دولت

عظمی را راجع بتصویب پنج هزار و چهارصد و پنجاه و شش تومان اعتبار

اضافه بر بودجه فعلی مدرسه (و ده هزار و پانصد و چهل و چهار تومان است)

و جمعاً شانزده هزار تومان میشود لفاً ارسال ثبت بدیهی است

بطوریکه جناب آقای سیاسی دوازده کتباً و شفاهاً دستورالعمل داده

در همین امسال شروع بتشکیل و تهیه کلاسهای اضافی و تهیه معلم

و ترتیب دروس خواهید فرمود و هر وقت کلاس جدید تشکیل شد

مخارج آن جزو مخارج معمولی مدرسه درج و وجه آن از محل این اعتبار

جدید از وزارت جلیله بدیهی دریافت خواهد شد

اداره محاسبات و تدارک ۱۳۲۹

نشانه شیروخورشید
اداره کابینه دائره
مورخه ۱۶ صفرالمظفر ۱۳۳۸
نمره ۵۵۴/۳۰
ضمیمه ندارد

اداره مدرسه محترمه علوم سیاسی

در جواب مشروحه مورخه ۹ صفر جاری راجع به انتخاب آقای میرزا علی‌اکبرخان سیاسی به جای مسیو ویزیور رحمت‌افزاست که اگرچه وزارت امور خارجه اساساً با این پیشنهاد به شرط موقتی یعنی تا وقتی که معلم اروپایی مناسبی برای تدریس فرانسه درکلاس‌های عالی مدرسه یافت شود موافق است، ولی چون آقای میرزا عباس‌قلی‌خان معاون اداره دارالترجمه و مطبوعات وزارت خارجه و معلم قسمتی از درسهای فرانسه بر همه قسم تقدم و اولویت دارند و عجالة به ملاحظه عدم تناسب درسهای سابق مسیو ویزیور با اوقات مشارالیه نمی‌توانند آن درسها را کفالت کنند لازم است که بیست‌وپنج تومان حقوقی را که سابقاً به مسیو ویزیور داده می‌شد از این تاریخ به آقای میرزا عباس‌قلی‌خان که همان دروس سابق خود را خواهند داد پرداخته و بیست تومان حقوق آقای میرزا عباس‌قلی‌خان را به آقای میرزا علی‌اکبرخان سیاسی که به جای مسیو ویزیور موقتاً تدریس می‌کنند بدهید. در موقعی هم که معلم فرانسوی برای مدرسه معین شد و درسهای آقای میرزا علی‌اکبرخان به او واگذار گردید البته اگر حقوق او کسری داشته باشد از هیئت وزراء وزارت جلیله امور خارجه کسر مزبور را خواهد گذرانید.

امضاء اعتلاءالملک
مهر وزارت جلیله امور خارجه

وزارت امور خارجه

اداره کابینه   دایره

مورخه ۱۸ صفر المظفر ۱۳۳۸

نمره ۵۵۴/۳۰

ضمیمه ندارد

مقام منیع وزارت جلیله علوم

در جواب مرقومه مورخه ۹ صفر راجع به انتخاب [illegible] [illegible] زبان [illegible]

زحمت افزا است [illegible] وزارت [illegible] [illegible]

تا وقتی که معلمین [illegible] برای تدریس [illegible] در مدارس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

برای [illegible]

حقوق [illegible] وزارت [illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه
اداره
سواد تصویبنامه هیئت محترم وزراء عظام
مورخه ۲۹ عقرب ۱۳۳۵
نمره ۳۳۵۰

وزارت جلیله مالیه

در جلسه ۲۶ محرم ۱۳۳۵ به موجب پیشنهاد وزارت امور خارجه و تقاضای وزارت جلیله عدلیه اعظم، هیئت وزراء عظام نظر به لزوم تأسیس مدرسه علوم حقوقی برای تهیه قضاة عالم برای محاکم عدلیه و نظر به این که سابقاً در عهد نیابت سلطنت والاحضرت آقای ناصرالملک پیشنهادی از طرف وزارت عدلیه برای تأسیس مدرسه حقوق با بودجهٔ پانزده هزار تومان شده و صورت قبول یافته دستخط صادر شده بود و به واسطه عسرت مالیه و عدم وسائل اجرا نشده است تصویب فرمودند دو سالی پنجهزار و چهارصد و پنجاه و شش تومان بر بودجهٔ فعلی مدرسه سیاسی اضافه شود تا در آن مدرسه دو سال بر تحصیلات مقدماتی که پایهٔ هر تحصیل علوم عادیه و یک سال بر تحصیلات عالیه افزوده و از روی اساس صحیح پروگرام دروس عالی حقوقی تهیه شود. این مبلغ اضافه بودجهٔ اعتباری است و با مرور تأسیسات پرداخته خواهد شد. بعلاوه لازم است که مسیو پرنی مستشار فرانسوی وزارت عدلیه نظارت مستقیم در تحصیلات عالیه مدرسه سیاسی و حقوق داشته ترتیب پروگرام و تهیه معلمین و غیره به صوابدید و نظر مشارالیه خواهد بود. تصویب‌نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

وثوق‌الدوله
ریاست وزراء

وزارت امور خارجه

اداره
سواد تصویب نامه هیئت محترم وزراء عظام
مورخه ۲۹ عقرب ۱۳۳۵
نمره ۳۲۵۰

وزارت جلیله

در جلسه ۲۶ محرم ۱۳۳۵ بموجب پیشنهاد وزارت امور خارجه و تقاضای وزارت جلیله عدلیه اعظم
هیئت وزراء عظام نظر بلزوم تأسیس مدرسه علوم حقوقی برای تهیه قضاة عالم برای محاکم عدلیه
و نظر باینکه سابقاً در عهد نیابت سلطنت والاحضرت آقای ناصرالملک پیشنهادی از طرف وزارت
عدلیه برای تأسیس مدرسه حقوق با بودجه پانزده هزار تومان شده و صورت قبلی یافته و بخط
[illegible] بود و بواسطه عدم [illegible] اجرا نشده است تصویب فرمودند که سالی
پنجهزار و چهارصد و پنجاه و شش تومان بر بودجه فعلی مدرسه سیاسی اضافه شود تا در آن مدرسه
دو سال بتحصیلات مقدماتی که پایه هر تحصیل علوم عادیه و یکسال بتحصیلات عالیه افزوده و از روی
اساس صحیح پروگرام دروس عالی حقوقی تهیه شود این مبلغ اضافه بودجه اعتباری است و با امر و ریاست
پرداخته خواهد شد معهذا لازم است که سیو پرنی مستشار فرانسوی وزارت عدلیه نظارت مستقیم
در تحصیلات عالیه مدرسه سیاسی و حقوق داشته ترتیب پروگرام و تهیه معلمین و غیرها بنظر
نظر مشارالیه خواهد بود تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است

وثوق الدوله
(ریاست وزراء)

[illegible]

وزارت امور خارجه
اداره محاسبات دائره
مورخه ۲۰ حوت / ۹۷
نمره ۲۶۴۲
ضمیمه

اداره مدرسه علوم سیاسی

به‌طوری که تقاضا نموده بودید برای برقراری پانزده تومان اضافه مقرری آقایان میرزا علی‌محمد و میرزا عباس‌قلی‌خان و میرزا علی‌اکبرخان که سابقاً از محل اعتبار وزارت امور خارجه پرداخته می‌شد و کمیسیون تطبیق حوالجات از اول برج قوس از ورقه درخواست مدرسه موضوع نموده بودند پیشنهادی به هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم تقدیم شد. از طرف هیئت معظم تصویب و مقرر شد وزارت جلیله مالیه کمافی‌السابق پانزده تومان اضافات مزبوره را از اول برج قوس کار سازی دارند. لهذا ورقه درخواست بروجی که کمیسیون موضوع نموده بود صادر و به وزارت معزی‌الیها انفاذ و برای اطلاع آن اداره اشعار گردید.

مهر و امضاء اعتلاءالملک

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره

مورخه ۲۰ [illegible] ۹۹

نمره ۲۶۴۲

ضمیمه

اداره مدرسه علوم سیاسی

بطوریکه تقاضا نموده بودید برای برقراری پانزده تومان اضافه
مقرری آقایان میرزا علیمحمد و میرزا عباسقلیخان و میرزا علی اکبرخان
که سابقاً از محل اعتبار وزارت امور خارجه پرداخته میشد و کمیسیون
تطبیق حوالجات از محل برج قوس از ورقه [illegible] است
مدرسه موضوع نموده بودند بشهادت هیئت وزراء عظام دولت [illegible]
تقدیم شد در ظرف هیئت منتظم تصویب و مقرر شد وزارت جلیله
که فی السابق پانزده تومان اضافات مزبوره را از محل برج
قوس کارسازی دارند لهذا ورقه درخواست بروجی که کمیسیون
موضوع نموده بود صادر و بوزارت معزی الیها انفاذ و بعلاوه اطلاع
آن اداره اشعار گردید [illegible]

وزارت امور خارجه
اداره محاسبات دائره
مورخه ۲۵ حوت / ۹۹
نمره ۱۸۵۷

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

به موجب تصویب‌نامه شماره ۵۶۹۹ هیئت محترم وزراء عظام دامت شوکتهم مقرر گردید مبلغ هفت‌هزار تومان از وجوه ذخیره مدرسه علوم سیاسی به ضمیمه مبلغ هشت‌هزار تومان که از خزانه دولت پرداخته‌اند بابت قیمت عمارت اندرون مرحوم اتابک که برای محل مدرسه ابتیاع شده تأدیه گردد. لهذا به موجب حواله حضرت اشرف آقای مشارالسلطنه وزیر امور خارجه دامت شوکة نه طغرا از قبوض بانک شاهنشاهی که بابت وجوه امانات مدرسه در این اداره ضبط بود و جمع مبالغ آنها بالغ بر شش‌هزار و هشتصد و نود و دو تومان و هفت قران و دویست و پنجاه دینار می‌شد به وسیله آن اداره محترمه به بانک شاهنشاهی مسترد گردید و بانک مشارالیه مبلغ پانصد و هشتاد و هفت تومان و هفت قران و سیصد و پنجاه دینار برحسب معمول فرع وجوه نه طغرا قبوض را علاوه و جمع کل بالغ بر هفت هزار و چهارصد و هشتاد تومان و چهارهزار و ششصد دینار گردید. هفت‌هزار تومان آن را به وسیله اداره مدرسه بابت قیمت خانه پرداختند و برای (۴۶۰-۴۸۰) تومان بقیه یک طغرا قبض بانک شاهنشاهی شماره ۳۲/۱۴ تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۲۰ به توسط آن اداره محترمه رسید و در این اداره ضبط گردید.

مهر وزارت خارجه
اداره محاسبات و تذکره

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۲۵ میزان ۹۹

نمره ۱۸۵۷

ضمیمه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

بموجب تقریب نامه [illegible] هیئت محترم وزراء عظام دامت شوکتهم مقرر گردید مبلغ

هفت هزار تومان از وجوه ذخیره مدرسه علوم سیاسی بضمیمه مبلغ هشت هزار تومان که از عوارض

دولت پرداخته اند بابت قیمت عمارت اندرون مرحوم اتابک که برای محل مدرسه

ابتیاع شده تادیه گردد لهذا بموجب حواله حضرت اشرف آقای شاراللطفه وزیر امور

خارجه دامت شوکته نظر از قبض بانک شاهنشاهی بابت وجوه امانات مدرسه

در این اداره ضبط بود و جمع مبالغ آنها بالغ بر شش هزار و هشتصد و نود و دو تومان و

هفت قران و دویست و پنجاه دینار میشد بوسیله آن اداره محترمه ببانک شاهنشاهی سپرده

گردید و بانک شاراليه مبلغ پانصد و هشتاد و هفت تومان و هفت قران و سیصد و پنجاه دینار

بموجب معمول فرع وجوه نظر قبض را علاوه و جمع کل بالغ بر هفت هزار و چهارصد و

هشتاد تومان و چهار هزار و ششصد دینار گردید هفت هزار تومان آنرا بوسیله اداره

مدرسه بابت قیمت خانه پرداخته و برای (۴۶۰ - ۴۸۰) تومان بقیه

قبض بانک شاهنشاهی نمره ۳۲/۱۴ و تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۲۰ بتوسط آن اداره محترمه

رسید و در این اداره ضبط گردید

وزارت امور خارجه
اداره
سواد پیشنهاد مدیر مدرسه سیاسی
به آقای معین‌الوزاره
مورخه ۲۴ صفر ۱۳۳۴
نمره ۲۶۹

قربانت شوم چنان که شفاهاً نیز عرض شده جناب مستطاب آقای مصدق‌السلطنه مبلغ چهارصد تومان به کتابخانه مدرسه داده‌اند و چنین قرار شد که کتب وقف مدرسه باشد. صورت کتب مسیو لکفر را دیدم و به موازی پانصد تومان کتاب که کمال اهمیت را دارد برای مدرسه انتخاب کرده‌ام. بعضی از آنها انگلیسی لکن غالباً فرانسه می‌باشد. حال اگر صد تومان اعتبار به مدرسه داده شود ممکن است با چهارصد تومان جناب معزی‌الیه منضم کرده آن کتب را خریداری نمود. مستدعی است حکمی از حضرت وزارت پناهی در این باب صادر فرمایند تا بزودی در صدد خریداری برآیم. زیاده تصدیع نمی‌دهد.

دکتر ولی‌الله

شرحی که آقای معین‌الوزاره به حضرت وزیر عرض نموده‌اند

کاتالگ این کتب را بنده دیده‌ام و چیزهای نفیس درش یافت می‌شود که برای کتابخانه مدرسه خیلی لازم است از قبیل آنسیکلوپدی لاروس و غیره. به عقیده قاصر صدور این حواله به‌موجب پیشنهاد دکتر تهیه سرمایه خوبی است برای مدرسه و آن کمک آقای مصدق‌السلطنه خیلی قدر و قیمت دارد و موجب امتنان اولیای مدرسه است.

دستخط حضرت آقای مشاورالممالک

گویا مدرسه سیاسی مبلغی در بانک ذخیره داشته باشد. در صورتی که لزوم کتب را تصدیق دارند خوبست یکصد تومان از وجوه مدرسه به این مصرف برسد.

سواد مطابق اصل است علیقلی بهمن. مهر و امضاء

وزارت امور خارجه

اداره
سواد پیشنهاد مدیر مدرسه سیاسی [illegible]
مورخه ۲۴ صفر ۱۳۳۴
نمره ۲۶۹

۲۷۰

قرائت شد. چنانکه شفاهاً نیز عرض شد، جناب مستطاب آقای مصدق السلطنه
چهارصد تومان کتابخانه مدرسه داده‌اند و چنین قرار شد که کتب وقف مدرسه باشد
صدارت کتب سید الکفره را دیدم و بمزاری پانصد تومان کتاب که کمال اهمیت را
دارد برای مدرسه انتخاب کرده‌ام بعضی از آنها انگلیسی لکن غالباً فرانسه می‌باشد
حال اگر صد تومان اعتبار بمدرسه داده شود ممکن است با چهارصد تومان جناب
معزی الیه منضم کرده آن کتب را خریداری نمود متمنی است حکم از حضرت وزارت
پناهی در این باب صادر فرمایند تا بر فوری در صدد خریداری به اهم زیاده تصدیع نمیگردم
(از [illegible] حسین [illegible]) دکتر ولی الله
کاتالگ این کتب را بنده دیده‌ام و چیزهای نفیس درس دریافت میشود برای
کتابخانه مدرسه خیلی لازم است از قبیل آنسیکلوپدی لاروس و غیره. تصدیق حاضر صدور
این حواله بموجب پیشنهاد دکتر تهیه سرمایه خوبی است برای مدرسه و آن
کمک آقای مصدق السلطنه خیلی قدر و قیمت دارد و موجب امتنان اولیای
مدرسه است

[illegible]

نشانه شیروخورشید
اداره کابینه دائره
مورخه ۲۰ محرم ۱۳۳۴
نمره

وزیر امور خارجه مواد ذیل را مقرر می‌دارد

(ماده اول) اگرچه مطابق ماده سیزدهم نظامنامه مدرسه علوم سیاسی ده نفر شاگرد مجانی بیشتر نباید پذیرفته شوند ولی این اوقات نظر به کثرت پریشانی اولیاء بعضی از شاگردان و وجوب رعایت حال آنها صلاح می‌دانم به موجب این حکم پنج نفر بر آن عده افزوده شود. آن‌وقت عده شاگردان مجانی مدرسه پانزده نفر خواهد بود.

(ماده دوم) شرط قبول شاگردان مجانی همان است که در ماده چهاردهم نظامنامه قید شده است.

(ماده سوم) مدیر مدرسه مأمور اجراء مواد دوگانه فوق است.

مهر و امضاء

وزارت امور خارجه

اداره ۵ ب ۳ ۱۳۳۴ دائره

مورخه ۲۰ محرم

وزیر امور خارجه مواد ذیل را مقرر میدارد

(ماده اول) اگرچه مطابق ماده سیزدهم نظامنامه مدرسه علوم سیاسی ده نفر شاگرد مجانی بیشتر نباید پذیرفته شوند

ولی این اوقات نظر بکثرت پریشانی اولیاء بعضی از شاگردان و وجوه رعایت حال آنها مصلحت میدانم موجب

این حکم پنج نفر بر آن عده افزوده شود آنوقت عده شاگردان مجانی مدرسه پانزده نفر خواهد بود

(ماده دوم) شرط قبول شاگردان مجانی همان است که در ماده چهاردهم نظامنامه قید شده است

(ماده سوم) [illegible]

نمره ۹۶

تاریخ هیجدهم شهر ذیحجه ۱۳۳۲

دیپلم تحصیلات مؤخراتی مدرسه علوم سیاسی

رئیس مدرسه دولتی علوم سیاسی تصدیق میکند که میرزا محمد علی خان ولد آقای مجدالکتاب _____

علوم مؤخراتی این مدرسه را که عبارت است از :

تاریخ جدید و معاصر حقوق اساسی و بین الملل عمومی علم ثروت قوانین مالیه اصول محاکمات حقوقی _____ بودجه _____

فقه اسلامی یک دوره تمام منطق _____ ادبیات _____ طبیعیات _____ فرانسه _____

تحصیل کرده از عهده امتحان آنها برآمده است

امضاء رئیس و مهر مدرسه

امضاء وزیر و مهر وزارت امور خارجه

نمره ۲۹۰

وزارت امور خارجه
اداره مدرسه علوم سیاسی
مورخه شهر ربیع الثانی ۱۳۲۲

محمود آقا ولد جناب آقای حاج محمد صادق [illegible] مدرسه علوم سیاسیه

[illegible] تحصیل [illegible] است

تاریخ ایران [illegible] جغرافی [illegible] ریاضی [illegible] ادبیات [illegible] عربی [illegible]
عالم [illegible] (هندسه مقاله) (تاریخ) [illegible]

صرف عرب [illegible] قرائت [illegible]

قریب پنج ماه هم در کلاس دوم مشغول تحصیل [illegible]

تاریخ مفصل ایران و عرب [illegible] جغرافی مفصل آسیا [illegible] ریاضی [illegible]
(مقاله چهارم)

ادبیات (...) [illegible] فارسی [illegible] نحو عرب و کتاب [illegible]

معلومات [illegible]

در کلاس [illegible] در مدت تحصیل [illegible]

مدرسه علوم سیاسی

جایزه ایست که به محمود آقا ولد آقای حاج محمد صادق

از کلاس اول

درازای حسن مراقبت که از تحصیلات خود نموده داده شده

تامابین رفقا سرفراز باشد

بتاریخ ۹ شهر ذیحجة الحرام ۱۳۳۱

N° 7942

Téhéran, le 8 [illegible] 1909

TOUMANIANTZ FRERES

ԵՂԲՈՐԲ ԹՈՒՄԱՆԵԱՆՑ

تجارتخانهٔ برادران طومانیانس در طهران

[illegible]

Pour Toumaniantz Frères

[illegible]

مبلغ یکصد و [illegible] از بابت کرایه سه ماهه خانهٔ میوشارل بازرگان در خیابان علاءالدوله توسط مدرسه سیاسی دریافت گردید فی هفتم شهر [illegible] ۱۳۲۷

از طرف میوشارل طومانیانس

[illegible]

وزارت امور خارجه
اداره
سواد راپورت اداره محاسبات
مورخه ۱۲ شهر محرم ۳۵
نمره

راپورت

در سنه ماضیه اقوئیل و سنوات قبل از آن عایدات مدرسه علوم سیاسی را اداره محاسبات دریافت و ضمیمه عواید وزارت خارجه می‌نمود. از اول سنه بارس‌ئیل ۱۳۳۳ که جمع‌آوری کلیه عایدات وزارت خارجه به اداره خزانه‌داری کل محول شد نظر به نواقص فوق‌العاده که مدرسه دارد برای این که مختصر عواید مدرسه که به عنوان شهریه و وجه دیپلم و تصدیق‌نامه از متعلمین دریافت می‌شود به مصرف خود مدرسه برسد و کتابخانه برای مدرسه تهیه شود رئیس مدرسه از وزارت جلیله امور خارجه تقاضا نمود اجازه بدهند عواید مدرسه در بانک شاهنشاهی جمع و در موقع با اطلاع وزارت خارجه به مصرف برسد. بندگان حضرت اشرف اعظم عالی دامت عظمته پیشنهاد مدرسه را تصویب و در حاشیه عریضه مدرسه اجرای آن را به اداره محاسبات امر فرمودند و در اواخر سنه بارس ئیل زمان وزارت حضرت اشرف آقای علاءالسلطنه دامت شوکته ترتیب مزبور تأکید و مخصوصاً در حاشیه راپوتی که از اداره محاسبات عرض شده بود قدغن فرمودند کمافی‌السابق عایدات مدرسه با نظارت کامل اداره محاسبات به بانک شاهنشاهی سپرده شود.

از تاریخی که بندگان حضرت اشرف این ترتیب را تصویب فرموده‌اند تا کنون سه‌هزار و یکصد و شصت تومان عواید مدرسه در بانک جمع شده و با مکاتبات و مذاکرات خصوصی جناب آقای معین‌الوزاره با رئیس بانک قبول کرده‌اند صدی سه ربح را ضمیمه آن نمایند.

(۵۲۵/۰۴۵ تومان) از مبلغ فوق راجع به حساب قدیم مدرسه سیاسی است که از سنه ۱۹۱۱ در بانک مانده و بانک تقاضا نموده است حواله از طرف

وزارت جلیله صادر شود که پانصد و بیست و پنج تومان و کسری را به حساب جدید مدرسه بگذارد و چک مزبور صادر و لفاً تقدیم گردید امضاء فرمایند به بانک ارسال شود.

به‌علاوه مبلغ فوق متجاوز از هشتصد تومان را مدرسه سیاسی از محاسبات قدیم در تجارتخانه طومانیانس دارد مبلغی را ارباب جمشید از محاسبات قدیم به مدرسه بدهی دارد که باید با توجه مخصوص وزارت جلیله از مطالبات مشارالیه دریافت و به بانک سپرده شود. محض این که از برای اداره مدرسه تولید زحمت و اشکالی نشود و وجه مزبور همیشه برای مصارف معین در بانک موجود و حاضر باشد استدعای اداره مدرسه و اداره محاسبات این است که با وجود نواقص کلی که مدرسه دارد از قبیل نداشتن منزل ملکی و کتابخانه کامل و غیره در صورتی که رای مبارک اقتضا فرماید از طرف مقام منیع حضرت اشرف اعظم ریاست وزراء دامت عظمته امر مؤکد صادر شود کماکان عواید مدرسه با مسئولیت مدیر مدرسه و نظارت کامل اداره محاسبات به بانک شاهنشاهی پرداخته شود که در موقع با تصویب وزارت جلیله امور خارجه صرف لوازم مدرسه بشود.

(فدوی علی‌اکبر بهمن) مهر وزارت امور خارجه
اداره محاسبات و تذکره

همین‌طور که نوشته شده است عایدات مدرسه را از سابق ولاحق در بانک شاهنشاهی محفوظ دارند و برای وصول طلبی راکه مدرسه از ارباب جمشید دارد اقدامات لازمه بشود.
۱۷ محرم ۳۵
وثوق‌الدوله
سواد مطابق اصل است امضاء علی‌اکبر بهمن

وزارت امور خارجه

اداره

سواد راپورت

نمره ۲۱۶

راپورت

در ضمیمه اقوامی [illegible] قبل از آن عایدات مدرسه علوم سیاسی را اداره محاسبات [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]

از اول سنه [illegible] ۱۳۳۲ [illegible] عایدات [illegible] از خارجه [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] مصرف [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] وزارت [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] اداره محاسبات [illegible]

[illegible] عایدات مدرسه [illegible] بانک شاهنشاهی [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] بانک [illegible]

(۵۲۵،۰۴۵ تومان) [illegible] مدرسه سیاسی [illegible] از سنه ۱۹۱۱ [illegible]

[illegible] از طرف وزارت [illegible] صادر [illegible] تومان [illegible] مدرسه [illegible]

[illegible] صادر [illegible] بانک [illegible]

[illegible] از هشتصد تومان [illegible] مدرسه سیاسی [illegible] از محاسبات قدیم [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] وزارت [illegible] بانک [illegible]

[illegible] اداره مدرسه [illegible] بانک [illegible]

[illegible] اداره محاسبات [illegible] مدرسه [illegible]

[illegible] اشرف اعظم [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] اداره محاسبات بانک شاهنشاهی [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] وزارت [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible] بانک شاهنشاهی [illegible]

[illegible]

فارغ‌التحصیلان
مدرسه‌ی علوم سیاسی ۱۳۲۱ از قمری تا ۱۳۰۵ شمسی

دوره‌ی آزمون	سال	شماره فارغ‌التحصیلان	نام فارغ‌التحصیلان و توضیحات
اول	۱۳۲۱ قمری	۷ نفر	میرزا عبدالله خان مستوفی، میرزا اسحق خان رهبر، میرزا صادق خان اعتلاءالدوله، میرزا محمود خان مقبل‌السلطنه، میرزا محمودعلی خان احتشام همایون، میرزا علی‌محمدخان، میرزا باقرخان نظام‌الملک عظیمی. شاگرد اول این دوره عبدالله مستوفی بوده است.
دوم	۱۳۲۲ قمری	۴ نفر	میرزا اسماعیل‌خان، میرزا سید ابوالقاسم خان انتظام‌الملک، میرزا سید عبدالله خان، میرزا سید شکرالله خان.
سوم	۱۳۲۳ قمری	۶ نفر	میرزا جواد خان مشیرالملک، محمدرضا خان، میرزا هاشم خان، جعفر خان احتشام الوزراء، میرزا احمدخان.
چهارم	۱۳۲۴-۱۳۲۵ قمری	۶ نفر	رجب‌علی خان منصورالملک، سلطان احمدخان‌معتمدالممالک، رحیم‌خان نصیرالملک، عبدالحسین خان، میرزا علی

			اصغرخان، میرزا جوادخان. در این دوره شش نفر امتحانات را با موفقیت به پایان می‌رسانند ولی به علت انقلاب مشروطیت گواهینامه‌ها در سال بعد (۱۳۲۵) به شاگردان داده می‌شود. از این گذشته در سال پنجم هم شاگرد پذیرفته نمی‌شود. شاگرد اول این دوره رجب‌علی خان منصور است. در ضمن در کتاب محمدعلی مجد نام یک‌نفر دیگر نیز آمده است که معلوم نشد فارغ‌التحصیل شده است یا نه. نام او میرزا مهدی‌خان است.
پنجم	۱۳۲۶ قمری	۷ نفر	انوشیروان خان، میرمحمد ـ حسین خان، میرزا عبدالله خان، میرزا محمدخان نعیمی، محسن خان، محمد اسمعیل خان امیراحتشام، میرزا حسین خان ارفع‌السلطنه. شاگرد اول این دوره انوشیروان سپهبدی است.
ششم	۱۳۲۷ قمری	۷ نفر	میرزا کاظم‌خان، میرزامحمدخان، میرزا محمدعلی خان، میرزا ابراهیم خان، میرزا مهدی خان، میرموسی خان، میرزا علی‌اصغر خان.
هفتم	ـــــ	ـــــ	هشت نفر از شاگردان دوره‌ی

			مدرسه را به پایان می‌رسانند اما امتحان نمی‌دهند.
هشتم	ـــ	ـــ	کلاس پنجم شاگرد نداشت و موقتاً تعطیل بود.
نهم	۱۳۳۰ قمری	۱۰ نفر	میرزا باقرخان، میرزاسیدمصطفی خان، احمدعلی‌خان، میرزا ابوالقاسم خان نجم‌الملک، میرزا حسین‌خان، محسن میرزا، آقاخان، احمدخان صلاح‌الملک، میرزا حسین‌خان، میرزاحسین‌خان سالک. در دوره‌ی نهم‌کلاس پنجم ایجاد شده است. تا این تاریخ تحصیلات مدرسه چهار ساله بوده است. شاگرد اول این دوره سید باقر کاظمی است. دیپلمها با امضای علاءالسلطنه وزیر امور خارجه صادر می‌شود.
دهم	۱۳۳۱ قمری	۲۳ نفر	میرزامحمدخان، میرزا یحیی نجم آبادی، میرزا ضیاءالدین، علی‌رضاخان، محمدعلی‌خان، میرزا عیسی‌خان، عبدالحمید میرزا، غلامحسین خان، میرزا مهدی خان، محمدعلی‌خان، حاجی خان، مسعود خان، میرزا ابوالقاسم خان، حسن خان زندی، سیف‌الله‌خان، محمود خان صلاح‌السلطنه، نصرالله خان مبین السلطنه، میرزا ابوالحسن، عبدالعظیم میرزا، میرزا ابراهیم خان، عبدالصمد خان، آقابالا خان،

			حسین پاشا خان. دانشنامه‌های این دوره به امضای وثوق‌الدوله وزیر خارجه می‌رسد.
یازدهم	۱۳۳۲ قمری	۱۲ نفر	میرزا اسدالله، محمد حسین‌خان نجم، عبدالحسین خان، میرزا مهدی، محمد مهدی میرزا، میرزا باقرخان، میرزا اسمعیل نجم‌آبادی، قاسم‌خان، میرزا ابوالقاسم، علی‌رضا میرزا، علی‌آقا، میرزا علی‌آقا. علاءالسلطنه که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه است دانشنامه‌ها را امضاء می‌کند.
دوازدهم	۱۳۳۳ قمری	۱۰ نفر	محمدرضاخان، میرزا احمدآقا، میرزا هادی، میرزا ابوتراب، میرزا سعید خان، میرزا سیدعلی‌رضا، زین‌العابدین خان، عباس میرزا، میرزا علی‌اصغر، فضل خان. وثوق‌الدوله که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه است دیپلمها را امضاء می‌کند.
سیزدهم	۱۳۳۴ قمری	۱۲ نفر	میرزاصادق خان، میرزا محمدخان، میرزا محسن، میرزا محمدعلی خان مجد، حاجی خان، ابوالقاسم خان، حاجی میرزا هادی خان، میرزا مصطفی، محمدحسین‌خان، حاجی غلامحسین‌خان، میرزا ابوالفضل، میرزا سید ابراهیم خان. دیپلمها را وثوق‌الدوله که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه است امضاء می‌کند.
چهاردهم	۱۳۳۵ قمری	۱۱ نفر	میرزا علی‌محمدخان، سیدعبدالحسین

			خان، حسن‌آقا، حاجی محسن خان، آقارضاخان، میرزا علی‌اصغر خان، میرزامهدی‌خان، میرزا جمشید خان عمادالملک، میرزا ابراهیم خان مشیرالملک میرزا سیدنصرالله خان، میرزا مهدی‌خان. دانشنامه‌های این دوره به امضای علاءالسلطنه که رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه است می‌رسد.
پانزدهم	۱۳۳۶ قمری	۶ نفر	علی آقا خان، میرزا سید نصرالله خان، حسین آقا، میرزا محمدعلی خان، حسن آقا، سید مرتضی خان. علی‌قلی خان مشاورالملک، وزیر امورخارجه، دیپلمها را امضاء می‌کند.
شانزدهم	۱۳۳۷ قمری	۱۲ نفر	شکرالله خان، میرزا سیدکاظم‌خان‌صدر، میرزا علی خان، میرزا آقاخان، علی‌اکبرخان، حسین‌علی‌خان، نیرالدین خان، میرزا عبدالله‌خان، میرزا ابوالقاسم، سعیدخان، غلامرضا خان، سلطان‌حسین میرزا. در غیاب نصرالدوله وزیر امورخارجه دیپلمها به امضای اغتلاءالملک کفیل این وزارتخانه می‌رسد.
هفدهم	۱۳۳۸ قمری ۱۲۲۹ شمسی	۱۲ نفر	عبدالحسین خان، غلامعلی خان، رضا خان، یوسف خان، ولی‌خان، موسی‌خان، حاجی‌میرزا محمدخان، میرزا سیدرضا خان نصر، اصغرخان، حسین‌خان، احمدخان، نعمت‌الله‌خان.

هیجدهم	۱۳۰۰ شمسی	۹ نفر	عبدالعلی خان، میرزامحمود خان، میرزا سیدمحمدخان، میرزا نصیر، عباسقلی‌خان، میرزا سیدرضی خان عمید، سید غلامحسین خان، ماشاالله‌خان، عسکرخان. دانشنامه‌های میرزا سید محمدخان، عباسقلی خان و عسکرخان به امضای محتشم‌السلطنه است و بقیه به امضای حکیم‌الملک.
نوزدهم	۱۳۰۱ شمسی	۹ نفر	غلامحسین‌خان، حاجی علیقلی‌خان اردلان، حسین‌خان، محمدخان، عباس خان، باقرخان، حسین خان، موسی خان، علی‌اصغرخان خلعتبری. قوام‌السلطنه که نخست وزیر و وزیرامور خارجه است دیپلمها را امضاء می‌کند.
بیستم	۱۳۰۲ شمسی	۱۰ نفر	هادی‌خان، ابراهیم‌خان، حسین‌علی خان، احمدخان، قدیمی، میرزا علی‌نقی، ابراهیم خان، میرزا محمد خان، باقرخان، علی‌اصغرخان، حیدر آقا. دانشنامه‌های حسین‌علی خان و میرزا علی‌نقی را مصدق‌السلطنه امضاء می‌کند و بقیه را ذکاءالملک.
بیست‌ویکم	۱۳۰۳ شمسی	۱۳ نفر	محمدعلی‌خان، حسن‌خان، محمدعلی خان، محمدعلی خان انوری، محمد خان، علی‌اکبرخان، علی‌اکبرخان، عبدالله‌خان وحیدی، آقا رضا، موسی خان، محمد حسین‌خان دهدشتی، محمود

			خان، غلامحسین خان. برخی دانشنامه‌های این دوره به امضای مشارالملک و برخی به امضای ذکاءالملک است. شاگرد اول این دوره محمدعلی منصف است که در عین حال نماینده‌ی مجلس شورای ملی است.
بیست‌ودوم	۱۳۰۴ شمسی	۹ نفر	سیدتقی‌خان، غلامرضاخان، عزیزالله خان، نعمت‌الله‌خان، محمد جعفر میرزا، محمدخان، محسن‌خان، سلطان ابراهیم خان، مصطفی خان. دیپلمها را آقای مشار امضاء می‌کند. آقای سیدتقی خان نصر شاگرد اول این دوره است.
بیست‌وسوم	۱۳۰۵ شمسی	۱۵ نفر	آقای مجتبی دولت‌آبادی، عبدالحمید اعظمی زنگنه، سید حسین خان فرهودی، فتح‌الله‌خان انتظامی، اسمعیل‌خان فلاح بردبار، سیدعلی خان شایگان، عباس قلی‌خان محصص، حسین‌خان شایسته، سید محمدباقر حجازی، حسن‌خان ستوده، محمود خان هوده، سیدجواد احمدیان، احمدخان هوده، خلیل خان وامی، کریم خان سنجابی. در این دوره نام خانوادگی به اسامی شاگردان افزوده شده است. دیپلمها به امضای مشاورالممالک می‌رسد.

در سال ۱۳۰۶ مدرسه‌ی علوم سیاسی و مدرسه‌ی حقوق درهم ادغام می‌شوند.[۱۴]

محمدعلی فروغی یا ذکاءالملک دوم در خانواده‌ای فرهیخته به دنیا آمد. فروغی خود درباره‌ی سلسله نسبش چنین می‌نویسد: «محمدعلی پسر محمدحسین پسرآقا محمد مهدی پسر حاجی محمدرضا پسر حاجی میرزا کاظم پسر حاجی میرزا کوچک پسر حاجی میرزا جواد پسر حاجی ملامؤمن»[۱۵].

اجداد محمدعلی فروغی همه به کار تجارت می‌پرداختند و معروف به ارباب بودند. پدر بزرگش گذشته از آن که از بازرگانان معتبر اصفهان به‌شمار می‌آمد فاضل و فرهیخته نیز بود و در تاریخ و جغرافیا و هیئت تبحر داشت. در جوانی پانزده سال در هندوستان اقامت گزید و در اثر آمیزش با انگلیسیان و هندیانی که در علوم جدید دست داشتند، دریافت که مغرب بر مشرق پیشی گرفته است. محمد مهدی ارباب از نخستین کسانی است که کوشید ایرانیان را با مسائل جدید و دست‌آوردهای علمی مغرب آشنا سازد. همچنین او از نخستین ایرانیانی است که به طبع انتقادی شاهنامه گماشت. پیش از او تنها اروپاییان به

---

۱۴) مأخذ: مجد، محمدعلی. گذشت زمان، خاطرات محمدعلی مجد فطن‌السلطنه. جـ اول. تهران. ناشر؟ (احتمالاً مؤلف). تاریخ نشر ۱۳۵۶ (؟). این کتاب را دوست دانشمندم آقای علی‌اصغر سعیدی از راه لطف در اختیار من گذاشتند. همچنین نک.: سالنامه‌های دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی در سالهای تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ و ۱۳۱۴-۱۳۱۵.

۱۵) فروغی، محمدعلی. مقالات فروغی. انتشارات توس با همکاری مجله یغما. تهران. چاپ دوم. اردیبهشت ۱۳۵۴. ۲ ج، جـ ۱. ص یک.

این کار توجه کرده بودند.

تاریخ وصاف را در هندوستان به چاپ رساند و دو کتاب نیز در تاریخ و جغرافیای اصفهان نگاشت. تألیفی هم دارد در هیئت و نجوم و سنجش رای قدما و متأخرین در خصوص عالم شمسی و حرکت خورشید و زمین که در آن رأی جدید را بر رأی قدیم ترجیح می‌دهد. محمدعلی فروغی می‌نویسد نسخه‌ای از آن کتاب را خانواده در اختیار نداشته است.[۱۶]

شهر اصفهان در زمانی که محمد مهدی از هندوستان بازگشت در مقایسه با تهران هنوز دارالعلم به حساب می‌آمد و سنت دورهٔ صفویه تداوم داشت ولی اهل علم در اصفهان با دانشهای جدید اروپایی الفت و آشنایی نداشتند. محمد مهدی در اصفهان با علماء به مباحثه پرداخت. در آن وقت هیئت‌دان برجسته‌ی شهر ملاحسین پسر ملا ولی‌الله نام داشت که ریاضیات نیز تدریس می‌کرد و با آقا محمد مهدی در باب معلومات جدید و هیئت و نجوم چند بار گفتگو کرد. محمدعلی فروغی از قول پدرش می‌نویسد: «عاقبت روزی [ملاحسین] در خلوت گفت: آقا محمد مهدی آن‌چه گفتی صحیح و دلیلها محکم و برهانها قاطع است اما اگر توقع داری که من بعد از بیرون رفتن از این خانه بگویم ارباب درست می‌گوید توقع بی‌جایی است زیرا که من شصت سال است در این شهر هیئت درس می‌دهم، اگر حرفهای ترا تصدیق کنم معلوم خواهد شد در این مدت من مهمل گفته‌ام و هرگز چنین نخواهم کرد.[۱۷]»

مرحوم مینوی درباره‌ی محمد مهدی ارباب می‌نویسد: «یک وقت معلم ما مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب گرکانی به من تکلیف کرد که در شرح حال فردوسی و راجع به شاهنامه‌ی او گفتاری تهیه کنم و در سر کلاس بخوانم. اما شاهنامه نداشتم. آقا جواد خان نسخه‌ای از شاهنامه‌ی چاپ بمبئی به من امانت داد. از شاهنامه برگزیده ضمیمه‌ی آن کردم. در ضمن ملتفت شدم که متن این

۱۶) فروغی. همانجا. صص یک ـ سه.

۱۷) فروغی. همانجا. ص سه.

شاهنامه تصحیح کرده‌ی مرحوم آقا مهدی ارباب اصفهانی است که پدر محمد حسین خان ذکاءالملک فروغی بوده است. بعدها دانستم که این آقا محمد مهدی ارباب از فضلا و ادبای بنام بود و تألیفات متعدد داشته است من‌جمله کتابی در باب تاریخ و جغرافیای اصفهان به نام «نصف جهان» نوشته بوده است و تاریخ وصاف چاپ بمبئی هم به اهتمام همان آقامحمدمهدی ارباب به طبع رسیده بوده است.[۱۸]»

محمدمهدی ارباب در سال ۱۳۱۴ هجری قمری در اصفهان درگذشت. او بیش از هشتاد سال بزیست. از او یک پسر و یک دختر برجا ماند. پسرش میرزا محمدحسین نام داشت که پدر محمدعلی فروغی است.

پدر فروغی محمد حسین که ذکاءالملک اول لقب گرفت و به میرزای فروغی هم معروف بود، زاده‌ی ۱۲۵۵ قمری است و در گذشته در ۱۲۸۶ شمسی. محمدحسین فروغی از کودکی طبع شعر داشت و حکیم قاآنی گفته بوده که «این طفل شاعر حسابی خواهد شد.[۱۹]»

محمدحسین فروغی ادیب و مترجم و شاعر و نویسنده بود. او برای کسب معلومات مدتی را در عراق گذراند و سپس مانند پدر تجارت پیشه کرد. پس از آشنایی با اعتمادالسلطنه همکاری با او را آغاز کرد. در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به سبب انتقاد از وضع ایران به زندان افتاد. نشریه‌ی تربیت را در ۱۳۱۴ هجری قمری پایه‌گذاری کرد که انتشار آن تا ۱۳۲۵ قمری ادامه یافت. این نشریه نخست هفتگی و سپس روزانه بود. محمدعلی فروغی در باب طبع شعر پدر می‌نویسد که یکی از دوستان خانواده که ذوق شعر او را در کودکی دیده بود تخلص او را ملهم معین کرده بود. محمدحسین نخستین شعر خود را هنگامی گفته بود که او را به روال آن زمان که از کودکان خون می‌گرفتند حجامت کردند و در اثر عذابی که از این کار دیده بود شعر زیر را سروده بود:

---

۱۸) مینوی، مجتبی. نقد حال. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. چاپ سوم. تهران. فروردین ۱۳۶۷. صص ۵۳۶-۵۳۷.

۱۹) فروغی. همانجا.

ملهم بیچاره را تیغ به پشتش زدند
هرچه نمود التماس تیغ درپشتش زدند[۲۰]

محمدحسین فروغی دوبار همسر گزید. از همسر نخستش که درگذشت صاحب دختری شد. از همسر دوم دارای چند فرزند شد که برخی نماندند و از آنان که ماندند دو پسر و دو دختر بودند که محمدعلی فروغی بزرگترینشان بود. پسر دیگرش ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۰۱ قمری به دنیا آمد و مانند پدر و برادر اهل قلم بود. دو دخترش یکی به همسری عبدالرزاق بغایری مهندس درآمد و دیگری زوجه‌ی محمود اورنگ نواده‌ی وصال شیرازی شد[۲۱].

محمدحسین فروغی مدتی نیز مدیریت مدرسه‌ی علوم سیاسی را به عهده داشت.

ابوالحسن فروغی برادر محمدعلی فروغی نیز از اندیشگران و مردان فرهنگی ایران است. او در ۱۳۰۱ هجری قمری زاده شد و در ۱۳۳۸ شمسی درگذشت. در دارالمعلمین مرکزی از همان آغاز به تدریس پرداخت. مانند پدر و برادر در مدرسه‌ی علوم سیاسی نیز درس می‌داد. مجله‌ی «فروغ تربیت» را بنیان گذاشت و تألیفاتی به فارسی و فرانسه دارد.

بامداد در «تاریخ رجال ایران» می‌نویسد: «جد اعلای این خانواده [فروغی] اصلاً از یهودیان بغداد بوده که در زمان قدیم برای تجارت به ایران آمده و پس از مهاجرت به ایران و سکونت در اصفهان مسلمان شده است.[۲۲]» فروغی خود هیچ اشاره‌ای به این مطلب ندارد و بامداد نیز مأخذ و منبعی ذکر نمی‌کند و دلیل و برهانی هم نمی‌آورد.

محمدعلی فروغی در ۱۲۹۴ اوایل دهه‌ی سوم جمادی‌الاخری برابر

---

۲۰) فروغی. همانجا. صص چهار - پنج.
۲۱) فروغی. همانجا. ص هشت.
۲۲) بامداد، مهدی. تاریخ رجال ایران. قرن ۱۲-۱۳-۱۴. کتابفروشی زوار. تهران. ۱۳۴۷. جـ ۳. صص ۴۵۰-۴۵۱.

۱۲۵۶[۲۳] شمسی و ۱۸۷۷ میلادی به دنیا آمد. فروغی در ۱۳۱۰ قمری به مدرسه‌ی دارالفنون رفت. پس از آن که مقدمات را گذراند نخست به تحصیل در رشته‌ی طب پرداخت اما پس از مدتی از ادامه‌ی تحصیل چشم پوشید و رشته‌ی ادبیات و فلسفه را انتخاب کرد. وقتی که در زمان ناصرالدین‌شاه پدرش رئیس دارالترجمه شد او را به عضویت در این دستگاه درآورد زیرا که به زبان فرانسه تسلط داشت. در آغاز سلطنت مظفرالدین‌شاه که روشنفکران و نوگرایان به ایجاد مدرسه‌های ملی توجه کردند و کار این‌گونه مدرسه‌ها رونق گرفت فروغی به کار معلمی روی آورد. در مدرسه‌ی ادب و علمیه و دارالفنون تدریس کرد و بعد به تدریس در مدرسه‌ی علوم سیاسی که در شمار بهترین مدرسه‌های پایتخت بود دل بست. هنگامی که پدرش درگذشت در سال ۱۳۲۵ قمری به ریاست این مدرسه منصوب شد.[۲۴]

خانواده‌ی فروغی همان‌سان که دیدیم همگی خواستار کسب معلومات و دانشهای جدید بودند و به یک اعتبار باید آنان را در شمار غربگرایان جای داد. البته این عنوان نیاز به توضیح و تفسیر دارد تا گمراهی و بدفهمی به‌بار نیاورد. به هر حال واقعیت این است که محمدحسین فروغی و دو پسرش، محمدعلی و ابوالحسن، به ویژه محمدعلی در یک دوره‌ی تاریخی بر اندیشه‌ی بسیاری از جوانان کشور ما تأثیر گذاشته‌اند و هرگونه بررسی فرهنگی واقع‌بینانه‌ای باید با رجوع به آثار آنان انجام پذیرد نه براساس پیشداوری ما. مرحوم مجتبی مینوی می‌نویسد: «خلاصه این که تمام دوره‌ی درس خواندن و نشو و نمای ما با تألیفات فروغیها و اسم خاندان فروغی به‌هم

---

۲۳) در دایرةالمعارف مصاحب ۱۲۵۴ شمسی آمده است. در این مورد نک.: فروغی. مقالات. جـ ۱. ص یک.

۲۴) خواجه‌نوری. ا. مردان خودساخته. شرکت نسبی اقبال و شرکاء ـ مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر. تهران فروردین ۱۳۳۵. صص ۱۴۳-۱۴۵؛ همچنین نک.: سخنانی درباره‌ی فروغی. از انتشارات کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ۱۵ بهمن ۱۳۵۴.

پیچیده بود»[۲۵].

مینوی می‌نویسد نخستین‌باری که با جزئیات احوال فردوسی آشنا می‌شود هنگامی است که فروغی در دارالفنون سخنرانی می‌کند. در این سخنرانی است کهمینوی برای اولین‌بار نامهای مستشرقینی چون ژول مهل، باربیه دومینار و نلدکه را می‌شنود. بعد می‌افزاید: «تاریخ مختصر ایرانی که ما در کلاس پنج و شش ابتدایی خوانده بودیم تألیف همین میرزا محمدعلی‌خان فروغی بود و این جمله‌ی اول آن برای ما ضرب‌المثل شده بود که: «مملکت ما ایران است و ما ایرانی هستیم و پدران ما هم ایرانی بوده‌اند»[۲۶].

★

رساله‌ی «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» را میرزا محمدعلی فروغی در سال ۱۳۲۵ به چاپ رساند. این رساله که تصویر نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی آن در دست ماست و در این‌جا به چاپ می‌رسد به خط مرتضی نجم‌آبادی است. مقدمه‌ی رساله به تاریخ رجب‌المرجب سال ۱۳۲۵ هجری قمری است و در پایان متن رساله ربیع‌الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری تاریخگذاری شده است.

مقدمه‌ی رساله را پدر فروغی یعنی محمدحسین ذکاءالملک نگاشته است. او در این هنگام مدیر مدرسه‌ی سیاسی بوده و میرزا محمدعلی ناظم و معلم همین مدرسه بوده است. ذکاءالملک اول در مقدمه‌ی خود می‌نویسد: «... و حکمای بزرگ که در تدوین علم حقوق و فن سیاست مدن جهدی بلیغ و مجاهدتی کامل نموده بصیرتی لایق و حق داشته و از افادات سودمند و افاضات شاملهٔ خویش منتی عظیم بر سر جهانیان گذاشته و اتفاقاً امروز احتیاج ما به دریافت این دانش و علم به درستی معلوم و محسوس گشته و

---

۲۵)مینوی، مجتبی. نقد حال. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. چاپ سوم. تهران فروردین ۱۳۶۷. ص ۵۳۶. ۲۶) مینوی. همانجا. ص ۵۳۵.

خاص و عام فواید و مزایای آن را خوب فهمیده. پس دولتخواه حقیقی و آرزومند ترقی و بهبودی حال ملک و ملت بندهٔ شرمنده محمدحسین ذکاءالملک مدیر مدرسهٔ سیاسی نه‌تنها برای تعلیم و تعلم این مدرسهٔ مبارکه بلکه برای اطلاع و آگاهی عموم برادران و ابنای وطن عزیز بنده‌زاده میرزا محمدعلی خان ناظم و معلم مدرسهٔ سیاسی را که در قوانین و فنون این دانش احاطه و تبحری به کمال دارد بر آن داشت که خلاصهٔ از حقوق اساسی از مصنفات جلیله و مؤلفات مبسوطهٔ این فن شریف استخراج و تألیف نماید و در اختیار و انتخاب مطالب به ملاحظهٔ اهم و اقدم گراید مگر ارباب حل و عقد که امروز در امور و مهام مملکت سخن می‌گویند و خیراندیشی و مصلحت‌بینی می‌نمایند. مأخذی صحیح و میزانی درست به دست داشته باشند و فقط به عقل طبیعی و شعور فطری اعتماد و اکتفاء نکنند...»[۲۷] بنابراین رساله به اشاره‌ی پدر و به قلم پسر تنظیم شده است و درست است که متن درسی برای مدرسه‌ی علوم سیاسی بوده است ولی می‌بایست فراسوی این هدف فایده‌ای دیگر می‌داشته و «مأخذی صحیح و میزانی درست» برای گردانندگان امور فراهم آورد. با این‌حال چون به قصد تدریس در مدرسه تألیف شده است ناچار به لب مطلب پرداخت و از موشکافیها پرهیز کرده است. محمدحسین فروغی در مقدمه‌ی خود تأکید می‌کند که این اول «کتابی است که در این موضوع نوشته می‌شود»[۲۸]. از این‌رو رساله می‌تواند نواقصی داشته باشد و نباید انتظار داشت که از همان آغاز به‌کمال دست یافت. از سوی دیگر او تأکید دارد که مطالب رساله «به هیچ‌وجه با احکام و قوانین شریعت مطهره مخالفت و تناقضی ندارد»[۲۹]. روشن است که این تأکید به علماء زمان نظر دارد و می‌خواهد به آنان اطمینان بدهد که چیزی خلاف شریعت در آن نیامده است. با این حال واضح است که این تأکید جهت اصلی رساله را نمی‌گرداند و مضمون دنیوی آن را

۲۷) دیباچه. صص ۴ و ۵ نسخه‌ی خطی.
۲۸) دیباچه. ص ۹ نسخه‌ی خطی.
۲۹) همانجا.

نمی‌پوشاند.

اما نگارش رساله در زمان حیات محمدحسین فروغی پایان نمی‌گیرد. علت تفاوت تاریخ مقدمه و متن رساله را نیز باید در همین امر جست. محمدعلی فروغی در پایان رساله می‌نویسد فوت مرحوم ذکاءالملک اختلال در امور وی پدید می‌آورد و تألیف و طبع کتاب را به تأخیر می‌اندازد. بنابراین او بخشی از کتاب را که عبارت از کلیات علم حقوق اساسی است منتشر می‌کند و نوید می‌دهد که بقیه‌ی آن را در مجلدی جداگانه به طبع برساند. این جلد ثانی گویا به چاپ نمی‌رسد اما می‌خواسته در آن‌جا قوانین اساسی بعضی از دول معتبر را بازبنماید و سپس به شرح و تفسیر قانون اساسی دولت ایران بپردازد و آن را با قوانین سایر دول مقایسه کند. از دستنوشته‌های مرحوم فروغی خبر نداریم اما در شمار تألیفات به جلد ثانی این رساله برنمی‌خوریم. با توجه به این که رساله پس از مرگ پدر به پایان رسیده دشوار بتوان گمان مرحوم مینوی را درست پنداشت که می‌نویسد: «... کتاب حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول تألیف میرزا محمدعلی‌خان که مرحوم پدرش بر آن مقدمه نوشته و بعید نیست که در انشای کتاب هم دست برده باشد...»[۳۰] احتمال می‌رود که بخشهایی از رساله آماده بوده که کاتب نوشتن آن را شروع می‌کند ولی چون بخشهای بعد دیرتر به پایان می‌رسد کاتب تاریخ سال بعد را بر آن می‌گذارد. از سوی دیگر فروغی پیش از این رساله کتابی دیگر برای مدرسه‌ی سیاسی تألیف کرد که اصول ثروت نام داشت. مرحوم مینوی خود در این‌باره می‌نویسد: «کتاب اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پولیتیک ترجمه و نگارش میرزا محمدعلی‌خان ابن ذکاءالملک در ۱۳۲۳ هجری قمری در مطبعه‌ی شاهنشاهی به طبع رسیده و بنابراین قبل از فوت مرحوم ذکاءالملک اول منتشر شده است. ولی من دلیلی به‌دست نیاوردم براین که پدر در انشای پسر در این مورد تصرفی

۳۰) مینوی. همانجا. ص ۵۴۰.

کرده باشد»[۳۱]. پس اگر رساله‌ای که هنگام حیات پدر انتشار یافته نشانه‌ای از تصرف پدر ندارد نمی‌توان پذیرفت که پدر در انشای رساله‌ای که پس از فوت او به پایان رسیده است دست برده باشد. مرحوم مینوی در جایی دیگر درباره‌ی تفاوت نثر پدر و پسر می‌نویسد: «برخلاف مرحوم پدرش که او اهل سجع‌سازی و عبارت‌پردازی بود محمدعلی فروغی چنان می‌نوشت که حرف می‌زد یعنی به انشایی شبیه به مکالمه و محاوره‌ی مردم تربیت شده‌ی فارسی زبان. هرگز دنبال به کار بردن الفاظ قلنبه و اصطلاحات غلیظ نمی‌رفت؛ البته آن‌جا که باید اصطلاحی فنی یا علمی به کار برد از استعمال آن مضایقه نداشت. مثلاً نکات مربوط به فلاسفه‌ی اروپا و افکار ایشان را که در کتاب «سیر حکمت در اروپا» بایست بیان کند ناچار با اصطلاحات خاص ایشان بیان کرده است، ولی انشاء او به‌قدری ساده و لطیف است که بر هر کس که با اصطلاح آشنا باشد فوراً مفهوم، و مثل شکرپنیر و در دهن آدم آب می‌شود...»[۳۲].

بیشتر به نظر می‌رسد که پدر محرک پسر در نگارش این کتاب بوده است ولی همان‌سان که مرحوم مینوی به حق اشاره می‌کند نثر این دو با هم متفاوت است. رساله یا کتاب حقوق اساسی با آن که نخستین نوشته از این دست است نثری روان و خواندنی دارد. این کتاب در فاصله‌ای نه‌چندان زیاد پس از صدور فرمان مشروطیت نگاشته شده است و طبیعی نمی‌نماید که هنوز زبان حقوقی تازه جا نیفتاده باشد (از این‌رو اصطلاحاتی که در این کتاب می‌یابیم در شمار نخستین کوششها جهت واژه‌گزینی جدید به حساب می‌آید. برخی از آنها جای خود را به اصطلاحات بهتر داده‌اند و برخی همچنان به کار می‌روند). مطالعه‌ی کتاب حقوق اساسی از دید بررسی برابر نهاده‌های عصر جدید نیز درخور توجه است. ولی اهمیت این کتاب در آن است که ما با نگرش منسجم و سامان‌یافته‌ای از حقوق اساسی یا بهتر بگوییم با تفکر قانونی و

---

۳۱) مینوی. همانجا. ص ۵۴۰.

۳۲) مینوی. همانجا. ص ۵۳۹.

ضد استبدادی آشنا می‌سازد.

محمدعلی فروغی در کنار فعالیتهای فرهنگی بخش مهمی از زندگی خود را در راه سیاست سپری کرده است که ما در این‌جا با آن سر و کار نداریم. او را به همین سبب عده‌ای نکوهیده‌اند و سخت انتقاد کرده‌اند. داوری درباره‌ی چنین نکوهشها و انتقادها و سنجش اعتبار آنها مجال دیگری می‌خواهد. اما کسانی که می‌خواهند از این‌گونه نکوهشها آگاهی بیابند کافی است بدانند که فروغی را غربزده و اسلام‌زدا می‌نامند. اصطلاح غربزدگی معنا و مفهوم دقیق و واحدی ندارد. هر کس بنا به پندار خود آن را تعریف کرده است و بسیاری نیز بنا به مناسبت از آن به سود نظر خود بهره‌گرفته‌اند[۳۳].

درواقع فروغی به‌نظریه‌های رایج دینی زمان پایبند نبوده است. مرحوم مینوی در این‌باره می‌نویسد: «از جمله نوشته‌های بسیار دلچسب و فایده‌بخش مرحوم فروغی جزوه‌ای است به نام اندیشه‌ی دور و دراز که در استانبول نوشته و همان‌جا به طبع رسانیده و حقیقتاً اندیشه‌ی دور و دراز است که در آن زندگانی چندین میلیون سال آینده‌ی نوع بشر را از مد نظر گذرانیده و پیش‌بینی کرده است که این نوع به صورتی عجیب و غریب درخواهد آمد. آن‌چه بسیار مغتنم است اعتراف صریحی است که در ابتدای این رساله کرده است. می‌گوید: بی‌تمهید مقدمه بگویم که من به فلسفه‌ی تکامل یا نشو و ارتقاء یا رای تحول انواع موجودات معتقدم ـ و این اقرار او در زمانی که هنوز بعضی از علمای دین بر اصول نظریه‌ی داروین رد می‌نوشتند حاکی از کمال جرأت است»[۳۴].

بعد از آن‌که مدرسه‌ی علوم سیاسی به راه افتاد این اندیشه نیرو گرفت که

---

۳۳) نقوی، علی‌محمد. جامعه‌شناسی غربگرایی. انتشارات امیرکبیر. چاپ اول. تهران ۱۳۶۱. ص ۸۷؛ همچنین نک. یادداشتهای مربوط به: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست. بخش اول. انتشارات اطلاعات. چاپ دوم. ۱۳۶۸. ص ۱۱۹-۱۳۰.

۳۴) مینوی. همانجا. ص ۵۴۴.

کتابهایی برای تدریس در این مدرسه تألیف و تهیه شود. شمار این کتابها زیاد نبود اما یکی از آنها همین کتاب «حقوق اساسی یا آداب مشروطیت دول» بود. رساله‌ی حاضر که متن آن عیناً به چاپ می‌رسد نشانگر نفوذ اندیشه‌ی مشروطیت در نظام آموزشی آن زمان است. مدرسه‌ی علوم سیاسی پیش از صدور فرمان مشروطیت تأسیس گشت. سپس مشروطیت آمد (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری) و به دنبال آن تفکر مشروطه‌خواهی گسترش یافت. اندیشه‌ی قانون‌خواهی که به یک اعتبار جوهر جنبش ضد استبدادی مشروطیت بود در مدرسه‌ی علوم سیاسی به اصطلاح امروزی جنبه‌ی نهادی پیدا می‌کند. محمدعلی فروغی در این‌باره در نطق خود در دانشکده‌ی حقوق چنین می‌گوید: «حقوق از اصطلاحاتی است که در زمان ما تازه است و شاید بتوان گفت که تقریباً از همان زمان که مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد این اصطلاح هم رایج گردید و آن به تقلید و اقتباس از فرانسویان درست شده است و در همه ممالک اروپا برای این معنی این قسم اصطلاح ندارند. فرانسویان مجموع قوانین و مقررات الزامی را که بر روابط اجتماعی مردم حاکم است droit می‌گویند و ما چون این کلمه را «حق» ترجمه کرده بودیم لفظ جمع آن را گرفته برای آن معنی اصطلاح کردیم. مناسبتش هم این است که قوانین و مقررات الزامی وقتی که میان قومی برقرار باشد مردم نسبت به یکدیگر حقوقی پیدا می‌کنند که باید رعایت نمایند. حاصل این که «حقوق» که می‌گوییم مقصود قوانین کشور است و علم حقوق علم به قوانین و دانشکده حقوق مدرسه است که در آن‌جا قوانین تدریس می‌شود و تأسیس مدرسه علوم سیاسی هم برای همین بود که برای وزارت امور خارجه مأمورینی تربیت کند که به اندازه لزوم از قوانین اطلاع داشته باشند تا بهتر بتوانند در مقابل خارجیان حقوق کشور خود را حفظ کنند»[۳۵].

۳۵) فروغی. مجله تعلیم و تربیت. ص ۷۲۰.

بدین‌ترتیب تهیه‌ی کتابهای آموزشی برای مدرسه می‌بایست دانش‌آموزان را با نظامهای حاکم در جهان مسلط آن روز یعنی غرب آشنا سازد و اساس و بنیان این نظامها راکه مبتنی بر قانون بود به آنان بنمایاند. رساله‌ی «حقوق اساسی» برای به واقعیت درآوردن این هدف و رواج اندیشه‌ی قانون نگاشته شد.

فهرست تألیفات محمدعلی فروغی[۳۶]

۱۳۱۳-۱۳۱۶	قمری تاریخ ساسانیان
۱۳۱۵	تاریخ اسکندر کبیر
۱۳۱۶	درسهای علمی برای سال اول ترجمه از فرانسه به فارسی (مصنف پل‌بر)
۱۳۱۸	چرا؟ به‌این جهت (با همکاری میرزا کاظم‌خان شیمی)
۱۳۱۸	تاریخ ملل قدیمهٔ مشرق (و چندبار پس‌از آن) تاریخ ایران قدیم
۱۳۲۳	اصول علم ثروت
۱۳۲۳	دورهٔ تاریخ مختصر ایران (و چند بار پس از آن)
۱۳۲۶	حقوق اساسی
۱۳۲۸	تاریخ مختصر دولت روم قدیم
۱۳۲۸	علم فیزیک (چاپ دوم در ۱۳۳۵)
۱۳۰۴ شمسی	حکمت سقراط (جلد اول)
۱۳۰۶	اندیشهٔ دور و دراز (استانبول)
۱۳۰۸	جامعهٔ ملل
۱۳۱۰	گفتار در روش به کار بردن عقل (دکارت)

---

۳۶) برگرفته از کتاب: سخنانی دربارهٔ فروغی. کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ۱۵ بهمن ۱۳۵۴. پنجاه صفحه.

۱۳۱۰	سیر حکمت در اروپا (جلد اول)
۱۳۱۳	خلاصهٔ شاهنامه (با همکاری مجتبی مینوی)
۱۳۱۶	گلستان سعدی (با همکاری حبیب یغمائی)
۱۳۱۶	بوستان سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)
۱۳۱۶	پیام من به فرهنگستان
۱۳۱۶	فن سماع طبیعی ابن‌سینا (چاپ اول)
۱۳۱۶	زبدهٔ حافظ (با همکاری ابوالحسن فروغی و نصرالله تقوی)
۱۳۱۶	آئین سخنوری با فن خطابه (و چندبار پس از آن)
۱۳۱۶	حکمت سقراط (چاپ دوم، تجدید نظر شدهٔ جلد اول)
۱۳۱۸	سیر حکمت در اروپا (جلد دوم)
۱۳۱۸	غزلیات سعدی (با همکاری حبیب یغمائی)
۱۳۱۹	فنون سماع طبیعی (ابن‌سینا) چاپ دوم تصحیح شده (با همکاری فاضل تونی)
۱۳۲۰	منتخب شاهنامه برای دبیرستانها (با همکاری حبیب یغمائی) (چاپ دوم ۱۳۵۴)
۱۳۲۰	مواعظ سعدی (با همکاری حبیب یغمائی)
۱۳۲۰	رسائل سعدی (با همکاری حبیب یغمائی)
۱۳۲۰	مجموعهٔ کلیات سعدی
۱۳۲۰	سیر حکمت در اروپا (جلد سوم)
۱۳۲۰	رباعیات خیام (با همکاری دکتر قاسم غنی)
۱۳۲۲	حکمت سقراط (جلد دوم)
۱۳۵۱	مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامهٔ فردوسی (به اهتمام حبیب یغمائی)
۱۳۵۳	مقالات فروغی جلد اول (به اهتمام حبیب یغمائی)
۱۳۵۳	سه تئاتر مولیر (به اهتمام حبیب یغمائی)

هوالمعز

حقوق اساسی

(یعنی)

آداب مشروطیت دول

تألیف

میرزا محمدعلی‌خان بن ذُکاءالملک

ناظم و معلم مدرسه علوم سیاسی

فی شهور سنه ۱۳۲۵ هجری

حق طبع مخصوص مؤلف است

(ص ۲) دیباچه

حقوق اساسی

بسم‌الله الّرحمن الّرحیم

بعدالحمدو الصّلوة علم حقوق که در معنی، دانش سیاست مُدُن باشد، الزم و اهمّ علوم و فنُون است زیراکه بدون دانستن این علم و فّن اَحَدی به درستی از عهده‌ی رتق و فتق امور مملکت برنیاید و پیشرفتی چنان که باید و شاید ننماید و چون کار ملک و ملّت مختل ماند کار دنیا بی‌سامان خواهد بود و اختلال کار این جهان البته اسباب اغتشاش کار جهان دیگر خواهد شد. یعنی دنیای هر قوم خراب باشد آخرت ایشان نیز **(ص ۳)** خـراب است و شـما خـود بـهتر می‌دانید که عبادت و بندگی با پریشانی و سرگردانی میسّر نشود و دست و دل شکسته پی هیچ کار نرود. پس علم حقوق و فّن سیاست بدون کار دنیا و آخرت هر دو را اصلاح می‌کند و خلایق را به سرمنزل سعادت ابدی و مأمن سلامت و راحت سرمدی می‌رساند و از تنگنای شقاوت و رنج تزلزل و ناامنی می‌رهاند.

همه کس می‌داندکه شاهنشاه کارآگاه و بزرگان خیرخواه ما مدرسه‌ی علوم سیاسی را برای درس حقوق دایرکردند و از روز اوّل و قدم نخستین تدریس علم مزبور درین مدرسه شروع نمود. اما پوشیده نباشد کـه دانش حـقوق شـعب و شقوق دارد و بی‌تأمل و تردید باید سرِ تمام آن رشته‌ها را به دست آورد تا نقص و عیبها یکباره رفع شود و مردم این سرزمین نیز مثل اهالی سایر ممالک متمدّن نه به‌کمال خوشبختی و سربلندی نایل‌گردند. بعبارت اخری دولت قدرت و نعمت

بی‌احتیاجی نصیب آنها شود (ص ۴) و محنت ضعف و ناتوانی زایل گردد.

بدون شرح و بسط و اقامه‌ی دلیل و برهان از روی ذوق و وجدان می‌توانیم بدانیم حقوق اساسی که سردفتر و بنیان و مبنای سیاست مُدُن باشد بهترین وسیله و واسطه‌ی اول دانشی است که باید اجتماعات بشریه و طوایف و اقوام آبرومند درستکار در تحصیل آن جانفشانی کنند و با این راهنمای دانا و مقام‌شناس محتاط خود را از ضررهای کلی و غنبهای فاحش محفوظ دارند و هر آن زیر بار خسارتی تازه و شکستی دردناک نروند و حکمای بزرگ که در تدوین علم حقوق و فّن سیاست مُدُن جهدی بلیغ و مجاهدتی کامل نموده بصرتی لایق و حق داشته و از افادات سودمند و افاضات شاملهٔ خویش منّتی عظیم بر سر جهانیان گذاشته و اتفاقاً امروز احتیاج ما به دریافت این دانش و علم به درستی معلوم و محسوس گشته، خاص و عام فواید (ص ۵) و مزایای آن را خوب فهمیده. پس دولتخواه حقیقی و آرزومند ترقی و بهبودی حال ملک و ملت بنده‌ی شرمنده محمدحسین ذکاءالملک مدیر مدرسه‌ی سیاسی نه‌تنها برای تعلیم و تعّلم این مدرسه‌ی مبارکه بلکه برای اطلاع و آگاهی عموم برادران و ابنای این وطن عزیز بنده‌زاده میرزامحمد علیخان ناظم و معلم مدرسه‌ی سیاسی را که در قوانین و فنون این دانش احاطه و تبحری به‌کمال دارد بر آن داشت که خلاصه‌ای از حقوق اساسی مصّنفات جلیله و مؤلفات مبسوطه‌ی محققین و مصّنفین این فنِ شریف، استخراج و تألیف نماید و در اختیار و انتخاب مطالب به ملاحظه‌ی اهّم و اقدم گراید مگر ارباب حل و عقد که امروز در امور و مهام مملکت سخن می‌گویند و خیراندیشی و مصلحت‌بینی می‌نمایند مأخذی صحیح و میزانی درست به دست داشته باشند و فقط به عقل طبیعی و شعور فطری اعتماد و اکتفاء نکنند؛ زیراکه کار بزرگتر از آن است‌که به‌نظر می‌آید و عقل بی‌علم (ص ۶) نه درکلیات آن و نه در جزییات نمی‌تواند مِن عندی رای دهد و حکم کند و شخص با حکمت لقمانی و هوش افلاطونی باز باید به سابقه‌ی عمل مسبوق باشد تا بتواند در لاحقه دخالت و نظر نماید و اگر آن مقدمه نباشد

نتیجه حاصل نشود و ممکن نیست که مداخله کننده دوچار خبط و خطا نگردد.

چون به اقتضای وضع و حال از تدریس این‌کتاب در مدرسه‌ی سیاسی گزیری نیست رعایت بعضی دقایق و نکات واجب است از جمله باید درین شروع و اقدام دقتهای زیاد و موشکافیهای بسیاری از مصنّفین جامع و کتب مشروحه را ترک کنیم و به لُبِ مطالب‌که ضبط آن آسان و ممکن می‌شود بپردازیم و برای آن‌که شاگردان مدرسه درست به اصول (ص ۷) و مأخَذ و اصلاحات این فن آشنا شوند برخی ازکلمات و لغات فرانسه را که راجع به اصطلاح علمی‌است و دانستن آن برای ارباب حل و عقد لازم به همان خط فرانسه بنویسیم و ضبط کنیم و جان‌کلام این‌که از واجبات چیزی ترک ننماییم و چندان دنبال مستحبات نیفتیم و یقین‌که حفظ اصول و فهم آن جاذب فروع است و پس از آن که شاگردان یا مطالعه‌کنندگان محترم را تشنه‌ی دانستن و فهمیدن کردیم آنها خود زلال معرفت را از هرجا باشد به‌دست می‌آورند و عطش خویش را می‌نشانند. عمده برداشتن گامِ نخستین است و نمودن راه بالا یا طریق علّیین.

رجاء واثق آن که این خدمت ناچیز از بنده و بنده‌زاده پسند صاحبان مدرک و تمیز شود و ممیزان قدردان بعد از غور درین مختصر خواهان مطول آن شوند (ص ۸) و نویسندگان محترم نیز دعوت ایشان را در تفضیل این اجمال و تبیین این مطول قبول و اجابت کنند. افزودنیها را بیفزایند و کشور را به زینتهای فضایل و معارف بیارایند و برای احتراز از سهو و نسیان و انحراف و لغزش در شرح و بیان به ملک منان و قادر سبحان خداوند بلند و پستی و مالک و مختار عرش و کرسی هستی پناه می‌بریم و از آن درگاه طلب توفیق می‌نماییم. چه بخشنده بی‌منّت وضنّت است. محض تفضل و صرف عنایت حضرتش منزه و پاک باد و خیر و سعادت ما و ابنای این ساحت با فسحت را مقدر و روزی کناد بالنبی و آله الامجاد

کتبه العبدالجانی مرتضی النجم‌آبادی فی شهر رجب المرجب
من شهور سنه ۱۳۲۵

(اخطار)

(ص ۹) برای آن که خاطر مطالعه‌کنندگان را از حقیقتِ امر درست مستحضر و مسبوق سازیم گوییم: ما در نگارش این کتاب مقید بوده‌ایم که مسلک و رسم و راه تعلیم و تعلم را از دست ندهیم و طوری به ترتیب این رساله پردازیم که منافی با درس و تدریس مدرسه نباشد. لهذا مطالب را در همه‌جا با نهایت اختصار و ایجاز بیان نموده‌ایم و شرح و بسط را به عهده‌ی معلم موکول داشته‌ایم و کلیه‌ی از مسائل آن‌چه را که دانستن آن امروز محتاج‌الیه و مقتضی و مناسب حال حالیه‌ی اهل مملکت است درج کرده و از مابقی در گذشته و ضمناً یادآوری می‌نماییم که از مسائل مسطوره در این کتاب هیچ‌یک اختراعی ما نیست. تماماً رای و تحقیق علمای فن و مختار مقبول عموم دانشمندان است و به‌هیچ‌وجه با احکام و قوانین شریعت مطهر مخالفت و تناقضی ندارد. و چون این اول کتابی است که دراین موضوع نوشته می‌شود، البته در ترتیب نگارش و بیان مسائل و ترجمه‌ی اصطلاحات و غیره نواقصی خواهد ماند و مثل سایر کارها در بدو امر تداوم کمال و تکمیل آن متصور نمی‌باشد. بنابراین از صاحبان دانش و آگاهی درخواست می‌کنم هرجا به نقص و قصوری برخوردند ما را مطلع سازند تا به رفع آن مبادرت نماییم و از آن خیرخواهان شاکر و ممنون شویم و از اظهار آن نیز چیزی فروگذار نکنیم.

(ص ۱۰) مقدمه
در اصول و مبانی اساس دول

(تعریف علم حقوق و تقسیم آن)

علم حقوق Droit علم به قوانینی است که به جهت انتظام هیئت اجتماعیه‌ی بشر وضع شده و باید به قوه‌ی جبّریه مجری گردد. حکمای قدیم ما این علم را سیاست مدن می‌گفته و حقوق اصطلاح جدید است.

حقوق بر دو قسم است خارجی externe و داخلی interne. حقوق خارجی قوانینی است که راجع می‌شود به روابط دول با یکدیگر یا روابط رعایای دول مختلفه با یکدیگر و آن را حقوق بین‌الملل نیز می‌گویند droit international و منقسم می‌شود به دو قسم خصوصی privé و عمومی Pubeleic. (ص ۱۱)

حقوق بین‌الملل خصوصی قوانینی است که راجع می‌شود به رفتار و معاملاتی که رعایای یک دولت در خاک دیگر یا با رعایای دولت دیگر می‌کنند.

حقوق بین‌الملل عمومی عبارت است از قوانین راجعه به‌روابط دول با یکدیگر. اما حقوق داخلی عبارت است از قوانینی‌که راجع می‌شود به رعایای یک مملکت در داخله‌ی آن مملکت و آن نیز بر دو قسم است خصوصی و عمومی.

حقوق داخلی خصوصی عبارت است از قوانین راجعه به روابط رعایا با

یکدیگر. حقوق داخلی عمومی عبارت است از قوانین ادارات دولتی و روابط رعایا با آن ادارات.

حقوق داخلی عمومی چند شعبه است. شعبه‌ی اول آن است که اساس دولت را معین می‌کند و حد آن را تحدید می‌نماید. این شعبه را حقوق اساسی droit constitutionel (ص ۱۲) می‌گویند به عبارت آخری حقوق اساسی یا قانون اساسی شعبه‌ای است ازحقوق داخلی که شکل دولت و اعضاء رئیسه‌ی آن را تعیین می‌کند و اندازه‌ی اختیارات ایشان را نسبت به افراد ناس معلوم می‌نماید.

شعبه‌ی دویّم از حقوق داخلی آن است که ترتیب ادارات دولت را می‌دهد و روابط بین آنها و افراد ناس را معلوم می‌کند و این شعبه را حقوق اداره یا قانون اداره droit administratif می‌نامند.

برای این‌که تفاوت این دو شعبه‌ی حقوق به خوبی محسوس شود گوییم حقوق اساسی کلیات و اصول ترتیبات دولتی را به دست می‌دهد و حقوق اداره داخل در جزییات و فروع می‌شود و معلوم می‌کند که آن اصول را چگونه باید محل استعمال قرار داد.

موضوع گفتگوی ما در این کتاب حقوق اساسی می‌باشد.

(ص ۱۳) تعریف اساس دولت و موقع ظهور آن

مذکور شد که حقوق اساسی شعبه‌ای از حقوق است که تعیین اساس دولت را می‌کند.

اساس دولت Constitution عبارت است از قوانینی که ترتیب اختیارات دولت و تعیین حقوق ملت به موجب آن قوانین می‌شود.

هر دولت که دارای قوانین مذکوره باشد آن را دولت با اساس gouvernement constitutionnel گویند والاّ یعنی اگر ترتیب اختیارات

دولت و تعیین حقوق ملت به موجب قوانین معّینه نباشد آن دولت اساس ندارد و در آن حال صاحبان قدرت با مردم به دلخواه خودشان رفتار خواهند کرد.

ممکن است دولتی قانون اساسی داشته باشد، اما آن قانون مدُوّن و مکتوب نباشد، فقط از روی عادت جاری شده باشد در این صورت آن را قانون اساسی عادی constitution coutumière گویند. (ص ۱۴) مثلاً جزء عمده‌ی اساس دولت انگلیس عادی می‌باشد ولی اساس اکثر دول، مدوّن و مکتوب است.

اگر قانون اساسی دولت مکتوب باشد موقع ظهور و تدوین آن یا در بدو ظهور دولت بوده مثل اساس دول متحده‌ی امریکای شمالی یا بعد از انقلابی که در مملکت روی داده است؛ و اکثر دولت به ترتیب ثانی دارای اساس شده‌اند.

بعضی اوقات هم رؤسای دول اساس موجود را بر هم زده اساس جدیدی برای آن معّین کرده‌اند مثل این‌که ناپلئون اول در سنه‌ی ۱۷۹۹ چنین کرد و این عمل را فرنگیها کودتا coup d'état گویند یعنی عملی شدید برخلاف قانون اساسی.

مؤسس اساس دولت و طریق تأسیس آن

مؤسس اساس یا دولت است یا ملت

اگر حق تأسیس اساس دولت با خود دولت باشد آن وقت دولت هر وقت بخواهد (ص ۱۵) و هر قسم بخواهد می‌تواند اساس را تغییر بدهد در این صورت مثل این است که دولت اساس نداشته باشد.

در دول متمدنه‌ی امروز تأسیس اساس، حق ملت است و بس یعنی ملت حق دارد هرگونه اساسی که می‌خواهد برای دولت خود معین کند.

هر ملتی که این حق را داشته باشد می‌گویند دارای سلطنت ملی است souverainte nationale و سلطنت ملی را عنقریب به درستی تشریح خواهیم نمود.

چون معلوم شد تأسیس اساس باید حق ملت باشد ببینیم ملت چگونه تأسیس اساس می‌کند.

ملت رأساً نمی‌تواند تأسیس اساس کند و مجبور است برای این عمل از جانب خود تعیین وکیل نماید **délégation**. ترتیب صحیح این است که ملت جماعتی را از جانب خود برای تأسیس اساس انتخاب کند و ایشان به‌طور اجماع این کار را بکنند. هیئت اشخاصی‌که نامور تأسیس **(ص ۱۶)** برای دولت می‌شوند انجمن تأسیس اساس دولت **assemblée constituante** خوانده می‌شود.

بعضی اوقات هم سلطان مملکت بدون مأموریت از جانب ملت، اساسی ترتیب داده و بعد رد و قبول آن را از ملت خواسته و ملت آن را تصدیق **ratification** نموده است.

تفاوت قوانین اساسی با سایر قوانین

قوانین اساسی با قوانین متعارفی از دو بابت تفاوت دارد یکی از بابت طریق وضع آن قوانین، دیگر از بابت طریق جرح و تعدیل آنها.

وضع قوانین اساسی با قوانین غیراساسی یا متعارفی تفاوتی دارد و آن این است که قوانین متعارفی را هر یک از دو مجلس مقنن علیحده مباحثه و مذاکره کرده، وضع می‌نمایند چنان‌که در جای خود گفته خواهد شد. اما قوانین اساسی را مجلس مخصوص تأسیس اساس باید وضع کند و آن غالباً عبارت است از مجلسی مرکب **(ص ۱۷)** از مجموع اعضای مجلسین که به‌ترتیب مخصوص انعقاد یافته، تأسیس اساس می‌کند.

اما جرح و تعدیل قوانین اساسی. طریقه‌ی آن یا در ضمن خود قوانین اساسی مقیّد شده یا نشده است و در هر صورت رأی غالب این است که هر وقت جرح و تعدیل قوانین اساسی دولت لازم شود باید مجلس تأسیس اساس را منعقد نمود و ممکن است که سلطان هم در این مورد حق دخالت داشته باشد.

شکل دولت

دولت یکی از دو شکل دارد، یعنی سلطنتی است یا جمهوری.
سلطنتی آن است که قدرت در دست یک نفر باشد و در خانواده‌ی او موروثی باشد. جمهوری آن است که قدرت در دست جماعتی باشد و رئیسی به جهت مدت معینی برای ایشان به‌طور انتخاب تعیین شود.

به هر حال دولت یا استبدادی است alsolu یا مشروطه (ص ۱۸) représentatif. استبدادی آن است که صاحبان قدرت خودسر و مختار مطلق باشند و اعمال ایشان مقید به قید قانون نبوده و در تحت نظارت کسی نباشد.

مشروطه آن است که اعمال صاحبان قدرت مقید به قید قانون باشد و جماعتی بر ایشان ناظر باشند و قدرت ایشان را تعدیل کنند.

ترتیب صحیح این است که جماعتی که ناظر اعمال دولت می‌شوند وکیل و نماینده‌ی ملت باشند، لهذا ترتیب مشروطیت را ترتیب نمایندگی هم می‌گویند régime représentatif. دولت اگر استبدادی باشد اساس نخواهد داشت. بنابراین دولت مشروطه با دولت با اساس مرادف است.

بنیان مشروطیت دولت بر دو اصل است: یکی سلطنت ملی، دیگری انفصال اختیارات دولت.

(ص ۱۹) سلطنت ملی

سابق براین مردم تصور می‌کردند که یک نفر یا یک جماعت باید صاحب اختیار مطلق عموم ناس باشد و امور ایشان را هر طور می‌خواهد و مصلحت می‌داند اداره کند و مردم حق ندارند در اداره‌ی امور خودشان مداخله و چون و چرا نمایند. حتی در بعضی ممالک سلاطین مدعی بودند که من جانب الله هستند و به این واسطه امر ایشان امر الٰهی و واجب الاطاعه می‌باشد. رعایا هم همین اعتقاد را داشتند.

اما حالا متجاوز از صد سال است که حکما و دانشمندان بلکه اکثر عوام از این رای برگشته و معتقد شده‌اند که هیچ‌وقت یک نفر یا یک جماعت حق ندارد صاحب اختیار یک قوم و یک ملت بشود و صاحب اختیار ملت باید خود ملت باشد و امور خویش را اداره کند به عبارت اخری سلطنت متعلق به ملت است و بس.

بعد از آنکه ثابت شد که امور ملت را خود ملت باید اداره کند این گفتگو به میان آمد که ملت این کار را چگونه باید صورت بدهد. پس معلوم شد دو طریق بیشتر نیست **(ص ۲۰)** یکی آنکه افراد ملت شخصاً مداخله در امور سیاسی داشته باشند، دیگر آنکه افراد ملت جماعتی را بگمارند که به اداره‌ی امور ایشان مشغول شوند.

طریق اول ممکن‌الوقوع نمی‌شود مگر برای اقوامی که افراد ایشان قلیل باشند و بتوانند هر وقت لازم می‌شود یک‌جا جمع شده در امور خودشان رای بدهند، اما اگر افراد ملت بسیار و در اراضی وسیعه پراکنده باشند این کار میسر نیست و اگر بخواهند این طریق را پیش بگیرند امور تعطیل و منجّر به هرج و مرج می‌شود. لهذا اکنون همه متفق‌اند براین‌که ملت باید اختیارات را واگذار به هیئتی نماید که به اسم او و از جانب او امور را اداره کند، یعنی مراقب باشد که حقوق افراد ناس محفوظ بماند به‌عبارت اخری حافظ عدل و مانع ظلم باشد.

هیئت مزبور همان است که دولت خوانده می‌شود و رییس آن هیئت پادشاه یا رئیس‌جمهوری است.

بنابراین امروز کلیه‌ی اختیارات را ناشی از ملت می‌دانند و هیچ‌کس را صاحب **(ص ۲۱)** قدرت نمی‌شناسند مگر به این عنوان که قدرت از جانب ملت به او مفوض باشد و هر ملتی که صاحب و دارای این حق شده یعنی هیئت دولتی که برآن ملت سلطنت دارد قبول کرده باشد که اختیاراتش از جانب ملت و قدرتش به موجب وکالت از ملت است گویند دارای سلطنت ملی است.

انفصال اختیارات دولت

دانستیم که دولت عبارت است از هیئتی که ملت اقتدار خود را به ایشان واگذار کرده تا امور او را اداره نمایند.

وظیفه‌ی دولت این است که حافظ حقوق افراد ناس یعنی نگهبان عدل باشد. دولت از عهده‌ی انجام وظیفه‌ی خود برنمی‌آید مگر این‌که به موجب قانون عمل کند. وجود قانون متحقق نمی‌شود مگر به دو امر: اول وضع قانون، دوم اجرای آن.

پس دولت دارای دو نوع اختیار می‌باشد یکی اختیار وضع قانون pouvoir législatif دیگر (ص ۲۲) اختیار اجرای قانون pouvoir executif. هرگاه اختیار وضع قانون و اختیار اجرای آن در دست شخص واحد یا هیئت واحد باشد کار دولت به استبداد می‌کشد یعنی ممکن است هر قسم میل دارد قانون وضع کند و به هر نحو می‌خواهد آن را مجری بدارد و این ترتیب معادل است با آن‌که قانون در کار نباشد. به عبارت اخری دولت خودسر خواهد بود و قدرت آن تعدیل نخواهد شد.

پس دولت وقتی با اساس است که این دو اختیار را از هم منفصل کرده باشد یعنی به دو هیئت جداگانه مفوض نموده باشد.

در تمام دول مشروطه‌ی با اساس این انفصال اختیارات دولت مرعی می‌باشد. هیئتی که اختیار اجرای قانون به او مفوض شده کارگزاران دولت یعنی وزرا و اجزای ایشان می‌باشند و در تحت یک نفر رئیس هستند که اگر دولت، جمهوری باشد رئیس‌جمهوری گفته می‌شود و اگر سلطنتی باشد به اسامی پادشاه (ص ۲۳) سلطان و امپراتور و غیرها خوانده می‌شود.

هیئتی که اختیار وضع قانون به او سپرده شده نمایندگان ملت می‌باشند و آن هیئت به اسامی مختلفه نامیده می‌شود ولی اسم متعارف آن در نزد فرنگیها پارلمان است (مجلس ملی) parlement. هیئت مقننه و هیئت مجریه در کارهای یکدیگر نباید مداخله بکنند.

استثناء به قاعده‌ی فوق

این قاعده استثناء هم ممکن است پیدا کند به ترتیب ذیل:

هیئت مجریه در عمل هیئت مقّننه به چند قسم ممکن است مداخله پیدا کند. یکی این‌که پادشاه و رئیس‌جمهوری که رئیس‌هیئت مجریه می‌باشند غالباً حق دارند به هیئت مقّننه تکلیف کنند که فلان قانون را وضع کنید یا فلان قانون را تغییر دهید.

دیگر این‌که هرگاه مجلس مقنّن قانونی وضع کند شاه یا رئیس‌جمهوری ممکن است **(ص ۲۴)** حق داشته باشد اجرای آن را معوق بدارد یا از هیئت مقنّنه بخواهد که در آن قانون تجدیدنظر کند.

دیگر این‌که غالباً شاه یا رئیس‌جمهوری به ترتیب مخصوص حق دارد که اجزای مجلس مقننّن را مرخص کند و ملت را به انتخاب نمایندگان جدید دعوت نماید.

اما مداخله‌ی هیئت مقننه در عمل هیئت مجریه از این قرار است:

اولاً در بعضی موارد مجلس مقنّن محاکمه می‌کند و حال آن‌که محاکمه متعلق به قوه‌ی اجرائیه است.

ثانیاً مجلس ناظر اعمال دولت است و با وزرا حق سئوال و جواب دارد و وزرا نزد مجلس مسئولیت دارند.

(حاشیه) کلمه‌ی دولت به دو معنی استعمال می‌شود. بعضی اوقات مقصود از دولت مجموع دو هیئت مقننه و مجریه یعنی شاه و وزرا و پارلمان است و معنی اصلی آن همین است. گاهی اوقات کلمه‌ی دولت در مقابل پارلمان به‌کار می‌رود که به معنی هیئت **(ص ۲۵)** مجریه گرفته می‌شود و تمیز این دو معنی از قرائن و سیاق عبارت ممکن است.

تفصیل دولت پارلمانی

دولت مشروطه چون به درجه‌ی کمال رسد دارای ترتیب پارلمانی می‌شود

régime parlementaire. ترتیب دولت پارلمانی این است که امور دولت به دست پارلمان است.

نه این‌که پارلمان مستقیماً امور دولت را اداره کند بلکه به این قسم که امور دولت به دست چند نفر وزیر باشد که ایشان مقبول پارلمان و در نزد او مسئول باشند. انتخاب این وزراء تماماً به توسط پادشاه می‌شود یا این‌که پادشاه یا رئیس‌جمهوری یک نفر را که جزو دسته‌ای باشد که در مجلس اکثریت دارند و اعتبار و مقبولیت دارد به ریاست وزراء برداشته او را نامور به انتخاب وزراء می‌کند و غالباً وزرا از اعضاء مجلس هستند.

(ص ۲۶) در این صورت هیئت وزرا به اصطلاح اورپاییان کابینه cabinet گویند و این ترتیب را حکومت به توسط کابینه gouvernement de cabinet خوانند.

مسئولیت وزراء

در دول مشروطه به‌خصوص در دولت پارلمانی، پادشاه یا رئیس‌جمهوری هیچ‌گونه مسئولیت ندارد. مسئولیت فقط بر عهده‌ی وزرا می‌باشد و بنابراین هر وقت مجلس ملی اظهار عدم اعتماد به وزرا نمود ایشان باید از کار دست بکشند.

بنابر این‌که رئیس‌جمهوری و شاه مسئولیت ندارند و مسئولیت بر عهده‌ی وزراست هر حکمی که از جانب شاه یا رئیس‌جمهوری صادر می‌شود باید تصدیق یکی از وزراء را هم داشته باشد تا وزیری که حکم مزبور را تصویب کرده مسئول آن باشد.

مسئولیت وزراء دو شکل اختیار می‌کند:

یک شکل آن است که هیئت وزراء به طور اجماع و اتفاق مسئولند که اگر یکی (۲۷) از ایشان طرف بی‌اعتمادی شد همه مجبور باشند استعفا بدهند. در این‌صورت گویند مسئولیت اجماعی است responsabilité solidaire. شکل دیگر آن است که مسئولیت افرادی است responsabilité individuelle. یعنی

هرگاه یک وزیر نامرغوب و طرف بی‌اعتمادی شد، او می‌رود و باقی می‌مانند.

اکثر اوقات در یک دولت هر دو قسم مسئولیت درکار است یعنی هیئت وزراء در خصوص ترتیبات کلیه‌ی امور دولت اجماعاً مسئول‌اند و در باب وظایف شخصی خودشان مسئولیت افرادی دارند.

تکمله

دول امریکا تماماً جمهوری هستند.

در اروپا دو دولت جمهوری هست: فرانسه و سویس. مابقی همه سلطنتی می‌باشند. در آسیا و افریقا تمام دول مستقله سلطنتی هستند.

(ص ۲۸) تمام دول جمهوری مشروطه می‌باشند.

دول سلطنتی هم امروز اکثر مشروطه هستند و دولت استبدادی منحصر است در آسیا به چین و سیام و افغانستان، و در افریقا به مراکش و حبشه، و در اروپا به دولت عثمانی. دولت روس هر چند بین استبداد و مشروطیت مردّد است، ولی می‌توان آن را هم بعد از این جزو دول مشروطه محسوب داشت.

اکثر دول مشروطه ترتیب پارلمانی دارند و آنها که این ترتیب را اختیار نکرده دول امریکا و آلمان و سویس و روسیه می‌باشند.

دولت مشروطه بخصوص اگر پارلمانی باشد جمهوری یا سلطنتی بودن آن برای ملت چندان تفاوتی ندارد و هر یک از این دو شکل را محسنات و معایبی هست که با هم تکافوء می‌کند.

(ص ۲۹) پس از تمهید مقدمه و ذکر اصول مسائل اکنون به تفصیل جزییات قانون اساسی می‌پردازیم.

مذکور شد که اساس دولت عبات است از قوانینی که ترتیب اختیارات دولت و تعیین حقوق ملت به موجب آن قوانین باید بشود.

اینک ترتیب اختیارات دولت و تعیین حقوق ملت را در ضمن دو باب بیان می‌کنیم.

(ص ۳۰) باب اول
اختیارات دولت

چنان‌که سابقاً گفته‌ایم دولت دارای دو اختیار و دو قوه است که اگر دولت استبدادی باشد ان دو قوه مختلط و اگر مشروطه باشد از هم منفصل می‌باشند.

دو اختیار مذکور یکی اختیار وضع قانون است، دیگر اختیار اجرای قانون. بعضی را عقیده این است که اختیارات دولت را باید منقسم به سه قسم نمود. اول: اختیار وضع قانون، دویّم: اختیار اجرای قانون، سیّم: اختیار محاکمه، اما امروز رای اکثر علمای حقوق این است که اختیار محاکمه راجع به هیئت مجریه باشد و بهتر آن است که بگوییم دولت دارای دو اختیار است.

اکنون باید ترتیب هر یک از این دو اختیار را بیان نماییم.

(ص ۳۱) فصل اول
اختیار وضع قانون

اختیار وضع قانون مفوض به هیئتی است که در ممالک مختلفه اسامی مختلفه دارد، اما عموماً آن را پارلمان می‌گویند.

اعضای این هیئت، نمایندگان ملت می‌باشند، یعنی از جانب ملت وکالت دارند زیراکه قانون قراردادی است راجع به عموم ملت و به حکم سلطنت

ملی باید موافق میل و رای ملت باشد. بنابراین وضع قانون حق ملت است و چون ملت رأساً و مستقیماً نمی‌تواند این کار را صورت دهد ناچار باید جماعتی را وکالت دهد که وضع قوانین نمایند و غالباً شخص پادشاه یا رئیس‌جمهوری هم در وضع قانون با پارلمان شریک است.

در اکثر ممالک مشروطه پارلمان مرکب از دو اتاق یعنی دو مجلس می‌باشد **(ص ۳۲)** که یکی را اتاق عالی chambre haute و دیگری را اتاق سافل chambre basse می‌نامند.

مثلاً پارلمان انگلیس مرکب است از یک اتاق عالی که آن را مجلس اعیان گویند House of Lords و یک اتاق سافل که آن را مجلس رعایا خوانند Hause of Commans و در فرانسه و بلژیک و بعضی ممالک دیگر اتاق عالی پارلمانِ سنا Sénat و اتاق سافِل مجلس وکلا یا مبعوثین chambre des députés نامیده می‌شود و در ممالک دیگر اسامی دیگر معمول است.

ممالکی که پارلمان آنها فقط یک مجلس باشد معدود و کم‌اهمیت می‌باشند، از قبیل یونان و صربستان. پارلمان را به دو ملاحظه دو مجلس قرار داده‌اند. یکی آنکه آرایی که از پارلمان بیرون می‌آید صحیح‌تر و متین‌تر باشد زیراکه **(ص ۳۳)** اجزای اتاق عالی اشخاص بصیر و پخته مسن یا محترم و ذی‌شأن هستند و اگر از اتاق سافل مطلب نامناسبی بیرون آمد ایشان تصحیح می‌کنند. دیگر این‌که هرگاه مجلس واحد باشد قدرتش زیاد شده ممکن است خود او تعدّی کند. در صورتی که غرض از مجلس جلوگیری از تعدّی است. پس چون پارلمان دارای دو مجلس شد قدرتش تعدیل می‌شود و نیز اتاق عالی بین اتاق سافل و دولت در موقع بروز اختلافات واسطه شده حق را به جانب حقدار می‌دهد و حال آنکه اگر مجلس واحد باشد اختلافات بین او و دولت تسویه نمی‌شود، چنانکه در بعضی ممالک ابتدا پارلمان دارای یک اتاق بوده مفاسد مذکوره بروز نموده و مجبور شده‌اند اتاق عالی را هم برقرار کنند.

در صورتی که پارلمان دارای یک مجلس باشد برای رفع معایب منحصر

و واحد بودن آن بعضی دو تدبیر اندیشیده‌اند: یکی آنکه هر قانونی را که **(ص ۳۴)** مجلس می‌خواهد وضع کند قرائت آن سه مرتبه به فاصله چند روز تکرار شود، بعد در آن خصوص رای دهند؛ دیگر آنکه ترتیب دادن و مهیا نمودن قوانین به مجلس شورای دولتی و وزراء محول کنند و چون ایشان مطلب را مرتب و منقح کردند به مجلس ملی بفرستند تا رد یا قبول شود.

مطلب اول
تشکیل پارلمان

تعیین اجزای اتاق سافل همه جا از روی انتخاب است. اعضای اتاق عالی هم در بعضی ممالک به طریق انتخاب تعیین می‌شوند و در برخی به ترتیبات دیگر چون در تعیین اعضای پارلمان مسئله انتخاب élection غلبه دارد مناسب است که در اینجا اصول ترتیبِ انتخاب را بیان کنیم.

ترتیب انتخاب به‌طور کلی

(ص ۳۵) در انتخاب سه چیز را باید ملاحظه کرد. اول: شرایط انتخاب‌کنندگان، دویّم: شرایط انتخاب شوندگان، سیّم: نوع و طریق انتخاب.

اولاً شرایط انتخاب‌کنندگان. این شرایط به اختلاف ممالک و ازمنه مختلف بوده و هست، آن‌چه منظور می‌شود سن است و مسکن و تمول و سواد و تذکیه و کفایت و لیاقت و عدم منافات شغلی.

اما سنِ انتخاب‌کننده. اقّلِ حدودی که تعیین شده بیست‌ویک‌سال است ولی در بعضی ممالک بیست‌وپنج‌سال و سی سال را هم حد قرار داده‌اند. اما شراط مسکن عبارت از این است که غالباً شرط می‌کنند شخصی که می‌خواهد

در محلی حق انتخاب داشته باشد باید فلان مدت متوالی مثلاً شش ماه یا یک سال در آن محل توقف کرده باشد.

اما تمول در همه‌جا شرط نیست. بعضی از ممالک میزانی معین کرده‌اند که هر کس کمتر از آن تمول دارد از حق انتخاب محروم است.

(ص ۳۶) سواد خواندن و نوشتن هم در بعضی ممالک شرط است. مذکر بودن نیز در اکثر ممالک شرط است. اما در این ایام در این باب گفتگو شده و بعضی جاها نسوان را حق انتخاب داده‌اند.

و اما شرط کفایت **capacité** عبارت از این است که انتخاب‌کننده رشید باشد و محتاج به قیم نباشد.

و اما لیاقت **dignité** عبارت از این است که انتخاب‌کننده به واسطه‌ی ارتکاب بعضی جنایات یا ورشکست تقلبی و سایر اتهامات از لیاقت عاری نشده باشد.

عدم منافی شغلی **incompatibilité** عبارت از این است که قید می‌کنند که بعضی مشاغل و مراتب با مقام انتخاب‌کننده منافات دارد مثل این‌که اهلِ نظامِ حاضرِ خدمت حق انتخاب ندارد.

ثانیاً شرایطِ انتخاب‌شوندگان و آن نیز مختلف می‌باشد و آن‌چه منظور می‌شود راجع **(ص ۳۷)** به ملیت و سن و مسکن و تمول و لیاقت و عدم منافات می‌باشد.

ثالثاً نوع و طرق انتخاب.

نوع انتخاب از چند حیث تفاوت می‌کند. یکی از حیث عمومیت و خصوصیت آراء. عمومیت آراء **suffrage universel** آن است که عموم مردم بدون ملاحظه‌ی تمول و شخصیت در موقع انتخاب، رأی بدهند. خصوصیت آراء **suffrage restreint** آن است که برای رأی دادن در انتخابات نوعی از شخصیت و میزانی از تمول و مدت معینی سکنیٰ در محل شرط باشد.

البته ترتیب صحیح اصلی این است که انتخاب به عمومیتِ آراء بشود.

اما این ترتیب برای قومی صلاحیت دارد که در امور سیاسی ترقی کرده باشند و بصیرت تام حاصل نموده باشند و در بسیاری از ممالک اروپا هنوز انتخاب به خصوصیت آراء می‌باشد.

(ص ۳۸) حیث دیگر با واسطه یا بلاواسطه‌ی بودن انتخاب است. انتخاب بلاواسطه آن است که انتخاب‌کنندگان مستقیماً و ابتدا نمایندگان خود را معین کنند.

انتخاب با واسطه آن است که عموم انتخاب‌کنندگان، منفرداً یا اجماعاً جماعتی را مأمور کنند که ایشان به انتخاب نمایندگان ملت بپردازند.

حسنِ انتخابِ با واسطه این است که انتخاب شوندگان در آن صورت واقعاً نخبه و زبده‌ی مردم خواهند بود و برای مللی که چندان در امور سیاسی بصیرت ندارند و تازه در این راه قدم گذاشته‌اند این ترتیب مناسب‌تر است.

برای این‌که باوجود عمومیت آراء، انتخاب شوندگان نخبه و زبده باشند در بعضی ممالک تدبیری کرده‌اند و آن این است که خواص و مردمان دانشمند را صاحب چند رأی قرار می‌دهند که هر یک از ایشان معادل چند نفر باشند تا رای **(ص ۳۹)** ایشان در آرای عوام و جهال مستهلک نشود.

حیث دیگر پنهان و آشکار بودن انتخاب است. پنهان بودن انتخاب vote secret عبارت از این است که انتخاب‌کنندگان در وقت رای دادن ظاهر نکنند که منتخب ایشان کیست و این ترتیب بهتر از آشکار بودن آراء vote public می‌باشد و در اکثر دول همین قسم معمول است.

انتخاب به هر نوع باشد به یکی از دو طریق می‌شود: به وحدت اسامی یا به کثرت اسامی. وحدت اسامی scrutin uninominal آن است که تقسیم مملکت و ملت را طوری کرده باشند که هر قسمت یک نفر نماینده بیشتر نخواهد در آن صورت انتخاب‌کنندگان هر کدام در روی ورقه‌ی انتخاب یک اسم بیشتر نباید بنویسند.

کثرت اسامی scrutin de liste آن است که **(ص ۴۰)** مملکت را

طوری تقسیم کرده باشند که هر قسمت چند نفر نماینده داشته باشد، مثلاً شش نفر داشته باشد و در آن حال انتخاب‌کنندگان باید هر کدام روی ورقه‌ی خود شش اسم بنویسند. این دو طریق هر کدام معایب و محسناتی دارد و به اقتضای زمان و مکان باید عمل نمود.

باید دانست که نماینده بعد از آن‌که منتخب شد نماینده‌ی تمام ملت است، نه نماینده‌ی جماعتی که او را انتخاب کرده‌اند.

چون از ترتیب انتخاب به‌طور کلی مطلع شدیم اکنون به وضع تشکیل هر یک از دو اتاق عالی و سافل می‌پردازیم.

تشکیل اتاق عالی

در ممالک مختلفه اعضای اتاق عالی به اقسام مختلفه تعیین می‌شوند.

یک قسم این است که نسب و شأن نژادی شخص را به عضویت اتاق عالی ذی‌حق می‌کند و این در ممالکی است که شرافت نسبی موروثی در کار است، مثل مملکت انگلیس در این‌صورت بعضی اوقات تمام اعیان و اشراف عضویت دارند. (ص ۴۱) بعضی اوقات از میان ایشان جماعتی منتخب می‌شوند.

قسم دیگر این است که صاحبان بعضی مشاغل و مقامات به حکم آن مقامات عضویت مجلس را دارند مثل این‌که سابقاً در فرانسه سردارها و امیرالبحرها این حق را داشته و اکنون در انگلیس تا یک اندازه این رسم نیز هست.

قسم دیگر این است که اعضای اتاق عالی را شاه معین می‌کند مثل ایتالیا.

قسم دیگر این است که اعضای اتاق عالی را ملت منتخب می‌نمایند مثل فرانسه.

انتخاب ملت هم دو قسم است. در بعضی ممالک انتخاب بلاواسطه است، و انتخات‌کنندگان رأساً اعضای اتاقِ عالی را معین می‌نمایند، مثل بلژیک.

در بعضی ممالک انتخاب با واسطه است یعنی جماعتی از جانب ملت

مأمور می‌شوند که اعضای اتاق عالی را انتخاب کنند چنان‌که در فرانسه مرسوم است.

باید دانست که در یک مملکت ممکن است ترتیب تشکیل اتاق عالی ترکیبی از ترتیبات مذکوره باشد. یعنی اجزاء را شاه معین کند. برخی به موجب **(۴۲)** شغل و منصب داخلِ اتاق گردند. جماعتی به انتخابِ ملت تعیین شوند. شرط عضویت اتاق عالی ملیت است. یعنی رعیت داخله بودن و کفایت و لیاقت یعنی مبّریٰ بودن از اتهامات و رفتار ناشایسته؛ و قاعده این است که سن اعضاء کم نباشد. مثلاً در فرانسه و بلژیک باید اقلاً چهل سال داشته باشند. در ممالکی که اعضای اتاقِ عالی به انتخاب معین می‌شوند غالباً سکونت در مملکت و میزانی از تمول را هم شرط می‌کنند. بعضی اوقات بعضی مشاغل را منافی عضویت اتاق عالی قرار می‌دهند مثلاً خدمت نظامی. تصدیق صحّت انتخاب اجزای اتاق عالی با خود این اتاق است.

هر یک از اعضای اتاق عالی که بخواهد از عضویت استعفا بدهد با خود اتاق باید طرف شود. اگر یکی از اعضای اتاق به واسطه‌ی مرگ یا استعفا یا علت دیگر از میان برود در صورتی که زیاده از شش ماه به موقع انتخاب **(ص ۴۳)** مانده باشد باید در ظرف یک ماه یا دو ماه یا سه ماه جانشین او معین شود. عده‌ی اعضای اتاق عالی در ممالک، مختلف است. آن‌جا که تعیین اعضاء به انتخاب می‌شود، غالباً عده‌ی ایشان را نصف عده‌ی اعضای اتاق سافل قرار می‌دهند.

مدت عضویت اتاق عالی خیلی مختلف است. در بعضی ممالک مادام‌الحیات است و موروثی، مثل انگلیس. در فرانسه ۹ سال است. در بلژیک ۸ سال و کلیه‌ی مدت عضویت در اتاق عالی زیادتر از اتاق سافل می‌باشد.

تجدید اعضای اتاق عالی غالباً کلی نیست، یعنی یک‌مرتبه تمام اعضاء عوض نمی‌شوند، چنان‌که در فرانسه هر سال یک‌ثلث اعضای سنا را تجدید می‌کنند.

تشکیل اتاق سافل

اعضای اتاقِ سافل همه‌جا به حکمِ انتخاب معین می‌شوند.

در بعضی ممالک سکنه را منقسم به طبقات و اصناف نموده هر طبقه و صنفی را **(ص ۴۴)** دارای یک یا چند نماینده می‌کنند، ولی در اکثر امکنه رسم است که مملکت را بـه چـند نـاحیه circonscriptions électorales قسـمت می‌کنند و برای هر ناحیه بر حسب وسعت و جمعیت آن یک نفر یا چند نـفر نماینده قرار می‌دهند.

در هر ناحیه اسامی اشخاصی که دارای شرایط انتخاب‌کننده هستند بـه ترتیب حروف تهجّی فهرست می‌شود و هر سال اشـخاصی را کـه تـازه دارای شرایط مذکوره می‌شوند برآن فهرست افزوده و آنها که فاقد شرایط می‌شوند از فهرست محو می‌گردند.

این فهرست liste électorale باید در موقع معین از سال حاضر باشد.

اشخاصی که دارای شرایط انتخاب‌کننده هستند حـق دارنـد کـه بـیایند حقانیت خود را اظهار کرده ثبت اسم خویش را مطالبه نمایند.

(ص ۴۵) اصول شرایط انتخاب‌کنندگان همان است که سابقاً مذکور داشته‌ایم.

انتخاب، چند موقع دارد. یکی در وقتی که مدت وکالت وکلا منقضی شده باشد، در این صورت فی‌المـثل بـاید دو مـاه قـبل از انـقضای آن مـدت انتخاب‌کنندگان جمع شوند و وکلای جدید را معین کنند.

دیگر در وقتی که شاه یا رئیس‌جمهوری حکم به انفصال مـجلس داده باشد، آن‌وقت باید در ظـرف مـدت مـعین انـتخاب‌کنندگان وکـلای جـدید را منتخب کنند.

دیگر در وقتی که یک یا چند نفر از وکلا به واسطه‌ی مرگ یا استعفاء از میان رفته باشند.

روز انتخاب باید روز تعطیل باشد و اقلاً بیست روز قبل دولت آن را به

مردم اعلان کند و انتخاب کنندگان را دعوت نماید به این‌که روز معین بیایند وکلای خود را انتخاب کنند.

محل انتخاب در هر ناحیه کرسی آن ناحیه است.

(ص ۴۶) در بعضی ممالک قرار است که کلیه‌ی انتخاب یک روز بیشتر نباید طول بکشد مگر این‌که در آن روز چند نفر منتخب شوند که امر مابین آنها مردّد باشد و باید درباره‌ی آنها تجدید رای شود آن‌وقت این‌کار را روز دیگر می‌کنند.

در روز انتخاب در هر ناحیه انتخاب‌کنندگان مکان معین آمده بعد از آن‌که خود را شناساندند اسامی اشخاصی را که می‌خواهند انتخاب کنند روی ورقه نوشته آن ورقه را در صندوق مقفّل که روزنه‌ی مخصوص این کار دارد می‌اندازند و بهتر این است که ورقه‌ی اسامی را از پیش حاضر کرده باشند.

هر یک نفر که ورقه‌ی خود را داد در فهرست اسامی انتخاب‌کنندگان اسم او را نشان می‌کنند که معلوم باشد ورقه‌ی خود را داده است.

آرای انتخاب‌کنندگان پنهان است و کسی حق تفتیش ندارد.

هرگاه تقسیم نواحی را طوری کرده باشند که هر ناحیه چند نفر نماینده داشته باشد البته انتخاب به کثرت اسامی باید باشد و اگر ناحیه کوچک است **(ص ۴۷)** و یک نماینده بیشتر لازم ندارد انتخاب به وحدت اسامی است یعنی هر یک نفر یک اسم روی ورقه باید بنویسد.

هر ورقه که اسمی روی آن نوشته نشده و سفید باشد یا آن‌که انتخاب‌کننده خود را در آن ورقه شناسانده باشد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌شود.

در موقع انتخاب، انتخاب‌کنندگان حق مذاکره و مشاوره و چون و چرا ندارند. باید بدون گفتگو رأی خود را بدهند و بروند.

عمل انتخاب باید در تحت نظارت چند نفر باشد که بعضی از ایشان از جانب دولت و برخی از جانب ملت یعنی از انتخاب‌کنندگان تعیین می‌شوند.

این هیئت نظّار یک نفر را از میان خودشان رئیس و یک نفر را منشی قرار

می‌دهند و صورت وقایعِ روزِ انتخاب را می‌نویسند و بعد از آنکه مجلس منعقد شد برای مجلس می‌فرستند که اسباب تحقیق صحت شرایط انتخاب باشد.

بعد از آنکه انتخاب‌کنندگان ورقه‌های خود را دادند ناظرین صندوق را باز **(ص ۴۸)** کرده، ورقه‌ها را می‌شمارند و اسامی اشخاصی را که به اکثریت آراء انتخاب شده‌اند اعلام می‌کنند.

اکثریت آراء دو قسم است، یا تام است یا نسبتی. اکثریت تامّه majorité absolue آن است که اقلاً نصف رای‌دهندگان به علاوه‌ی یک نفر درباره‌ی شخصی رأی داده باشند.

اکثریت نسبتی majorité relative آن است که درباره‌ی چند نفر جمع کثیری رأی داده باشند اما درباره‌ی هیچ‌کدام به درجه‌ی اکثریت تامّه رأی داده نشده باشد.

رسم و قاعده این است که در نوبت اول هیچ‌کس منتخب نشود مگر اینکه دارای اکثریت تامّه باشد و اگر در این نوبت امر تمام نشد و چند نفر دارای اکثریت نسبتی بودند درباره‌ی ایشان تجدید رأی می‌شود و این دفعه اکثریت نسبتی هم معتبر است.

(ص ۴۹) برای کسانی که در عمل انتخاب تقلبی به کار ببرند باید مجازاتی معین باشد.

تصدیق صحّتِ شرایط انتخاب‌شدگان با خود مجلس است و در افتتاح مجلسِ اول کاری که به آن اقدام می‌شود این است که تحقیق صحتِ شرایطِ انتخاب و انتخاب‌شدگان را می‌نمایند.

شرایط انتخاب شوندگان به‌طور کلی از این قرار است:

اولاً تبعه‌ی خارجه نباشند اگر چه در انگلیس به موجب اجازه‌ی مخصوص ممکن است شخص خارجی هم منتخب شود.

ثانیاً دارای شرایط انتخاب‌کنندگان باشند، یعنی بتوانند جزء انتخاب‌کنندگان محسوب بشوند.

ثالثاً سن ایشان از حدّ معینی کمتر نباشد. در بسیاری از ممالک حدّ سن بیست‌وپنج‌سال است ولی بیست‌ویک‌سال و سی‌سال هم حد معین کرده‌اند.

رابعاً در بعضی ممالک سکونت در ناحیه مدتِ معینی مثلاً یک‌سال و شش‌ماه (ص ۵۰) شرط است.

خامساً بعضی اوقات میزانی از تمّول را هم شرط کرده‌اند.

سادساً لیاقت شرط است. یعنی مبرّا بودن از اتهامات و ورشکست.

سابعاً عدم منافات شراط است. یعنی عضویت مجلس با خدمت دولتی و نظامی منافات دارد. بنابراین هر کس صاحب شغل دولتی باشد و بخواهد وکیل شود باید از شغل دولتی استعفا دهد و اگر کسی عضویت مجلس داشته باشد و بخواهد شغل دولتی اختیار کند باید از عضویت مجلس استعفا دهد و جانشین برای او انتخاب شود، ولی ملت، خود آن شخص را هم می‌تواند دوباره انتخاب کند.

در بعضی ممالک شغل وزیر و معاونِ وزیر و سفیر و معلم و بعضی از رؤسای دیوانخانه با وکالت منافات ندارد.

ثامناً شخصی که داوطلب عضویت مجلس است، باید داوطلبی خود را با مکتوب (ص ۵۱) معینی اظهار کند تا اگر شرایط در او جمع باشد اسم او را در فهرست داوطلبان بنویسند.

یک شخص، نماینده‌ی یک ناحیه و یک جماعت بیشتر نمی‌تواند باشد.

مدت عضویت در اتاق سافل در ممالک مختلف است. یعنی از دو سال تا هفت سال معین کرده‌اند و ملت می‌تواند هر کدام از اعضاء را بخواهد مجدداً انتخاب کند.

عده‌ی اجزای مجلس بسته به جمعیت مملکت است. در انگلیس شصت‌وپنج‌هزار نفر یک‌نفر وکیل دارند و عده‌ی وکلا ششصدوهفتاد نفر است. در فرانسه صدهزار نفر، یک نفر وکیل دارند و عده‌ی وکلا پانصدونود و یک‌نفر است. و قس‌علهیذا.

تجدید اعضای اتاق سافل ممکن است به طور کل باشد renouvellement integral یا به طور بعض renouvellement partiel در فرانسه (ص ۵۲) و انگلیس به‌طور کل است. یعنی تمام اجزاء یک‌مرتبه عوض می‌شوند، ولی هر گاه بخواهند مجاری امور زیاد تغییر نکند بهتر آن است اعضا را بعضاً تجدید نمایند یعنی هر سال یک دسته از آنها را عوض کنند.

مطلب دوّم
وظایف پارلمان

وظایف اصلی پارلمان وضع قوانین است voter les lois و تصویب خرج و دخل دولت و نظارت contrôle بر اجرای قوانین مذکوره و دخل و خرج مزبور.

در وضع قوانین ممکن است عنوان از جانب اتاق سافل یا اتاق عالی یا شاه و وزراء بشود. در هر صورت قانونی که می‌خواهند وضع شود باید هم اتاق سافل هم اتاق عالی به اکثریت آراء آن را تصویب نمایند و ترتیب آن را بعد از این به تفصیل خواهیم گفت.

(ص ۵۳) تصویب خرج و دخل دولت بیشتر راجع به اتاق سافل است و شرح آن هم بعد خواهد آمد.

نظارت پارلمان بر اجرای قوانین و خرج و دخل دولت به توسط استفسار question از وزرا یا اخطار به ایشان interpellation یا به توسط تفتیش enquete در امور ایشان واقع می‌شود. همچنین به واسطه‌ی راپرتهایی که وزراء باید گاه‌گاه از اعمال خود به پارلمان بدهند. شرح استفسار و اخطار و تفتیش را بعد از این خواهیم داد.

در اکثر ممالک اعلان جنگ از طرف دولت و انعقاد عهدنامه‌ها و ضبط اموال رعایا در موقع ضرورت نیز باید به تصویب پارلمان بشود.

علاوه بر وظایف مذکوره که راجع به هر دو اتاق است ممکن است هر یک از دو اتاق وظایف خصوصی هم داشته باشند.

وظایف خصوصی اتاق عالی

(ص ۵۴) عمده‌ی وظایف خصوصی اتاق عالی دو چیز است: یکی تصویب انفصال اتاق سافل، دیگر محاکمه‌ی جنایات وزراء

تصویب انفصال dissolution اتاق سافل عبارت از این است که هرگاه مابین دولت و اتاق سافل اختلافی پیدا شد که به هیچ‌یک از تدابیر مقرره مرتفع نگردید، شاه یا رئیس‌جمهوری حکم به انفصال اتاق سافل و تجدید اعضای آن می‌دهد، لکن این انفصال باید به تصویب اتاق عالی باشد و اتاق مزبور حق دارد این انفصال را تصویب نکند.

محاکمه‌ی جنایات وزراء همه‌جا وظیفه‌ی اتاق عالی نیست و در بسیاری از ممالک برای این قسم محاکمات محکمه‌ی مخصوص تشکیل می‌دهند به موجب قوانین و ترتیبات مخصوصه.

در فرانسه و انگلیس محاکمات مذکور به توسط اتاق عالی پارلمان می‌شود.

جنایاتی که محاکمه‌ی آنها رجوع به اتاق عالی می‌شود عبارت است از جنایاتی که وزراء **(ص ۵۵)** در ضمن مشاغل وزارتی خود مرتکب می‌شوند یا جنایاتی که به موجب آنها دولت و ملت ممکن است به مخاطره و مهلکه افتد خواه مرتکب آن جنایات، وزیر باشد خواه دیگری.

در دولت فرانسه که جمهوری است رئیس‌جمهوری مسئولیت ندارد، اما اگر خیانتی مرتکب شد که اسباب مخاطره‌ی دولت و ملت گردد اتاق عالی یعنی مجلس سنا حق محاکمه‌ی آن را دارد. مدعی وزراء با رئیس‌جمهوری یعنی کسی

که ایشان را مقصر خوانده و به محاکمه می‌طلبد اتاق سافل می‌باشد. محاکماتی که به اتاق عالی رجوع می‌شود باید علنی و برملا واقع شود.

وظایف خصوصی اتاق سافل

عمده‌ی وظایف خصوصی اتاق سافل هم دو چیز است. یکی مدعی شدن mise en accusation با وزراء و اگر دولت جمهوری باشد یا رئیس‌جمهوری و طلبیدن ایشان **(ص ۵۶)** به محاکمه چنانکه در فوق مذکور شد.

دیگر تصویب دخل و خرج دولت به این معنی که دخالت در دخل و خرج دولت یا به کلی مخصوص اتاق سافل باید باشد یا اگر اتاق عالی را هم دخالت دهند باز باید اتاق سافل مقدم باشد چنانکه در ممالکی که اتاق عالی حق دخالت در دخل و خرج دولت دارد مرسوم است که دفتر دخل و خرج دولت (بودجه) budget اول در اتاق سافل تسویه می‌شود بعد به اتاق عالی می‌رود و اتاق عالی در جرح و تعدیل آن اختیار تامّه ندارد.

مطلب سیّم
ترتیبات اعمال پارلمان
محل انعقاد پارلمان

اتاق سافل و اتاق عالی پارلمان هر دو باید در یک شهر باشند و قاعده این است که آن شهر پایتخت باشد.

(ص ۵۷) زمان انعقاد پارلمان

انعقاد session پارلمان لازم نیست دائمی باشد. هر سال چند ماه کفایت می‌کند. زمان انعقاد پارلمان و مدت آن ممکن است معین نباشد و هر وقت شاه مناسب

بداند پارلمان را افتتاح و ختم کند چنان‌که در انگلیس مرسوم است و فقط قیدی که در آن مملکت در این‌خصوص هست، این‌است که اقلاً سه‌سال یک‌مرتبه پارلمان منعقد شود.

اما در اکثر ممالک موقع افتتاح پارلمان در روز معین مقرر است و مدت انعقاد آن معلوم. یعنی مقید شده که اقلاً چند وقت باید منعقد باشد. مثلاً در فرانسه قرار است که دوِیم سه‌شنبه‌ی ماه ژانویه (ماه جدی) پارلمان مفتوح می‌شود و مدت منعقد بودن آن‌هم اقلاً پنج‌ماه است.

شاه یا رئیس‌جمهوری حق دارد قبل از موقع افتتاح پارلمان را منعقد **(ص ۵۸)** نماید و در اوقات تعطیل هم رأسا یا به خواهش اجزاء پارلمان اجلاس فوق‌العاده مطالبه کند.

بعد از افتتاح پارلمان یعنی هنگامی که پارلمان منعقد است شاه یا رئیس‌جمهوری ممکن است حق داشته باشند اجلاسات آن را تعطیل کنند، اما در حدود معین. مثلاً در فرانسه رئیس‌جمهوری زیاده از یک‌ماه حق ندارد پارلمان را تعطیل کند و در یک دوره‌ی اجلاسات این کار دو دفعه جایز است. یعنی هر سال بیش از دو مرتبه این عمل را نباید مجری بدارد علاوه براین به هر حال باید پارلمان اقلاً سالی پنج‌ماه منعقد باشد.

هر وقت پارلمان مفتوح و منعقد است باید اتاق سافل و عالی هر دو منعقد باشند و انعقاد یکی درون دیگری جایز نیست.

برملاء بودن اجلاسات پارلمان

اجلاسات séances پارلمان چه از اتاق سافل چه از اتاق **(ص ۵۹)** عالی باید علنی و برملاء باشد publicité یعنی باید در اتاق مکان مخصوصی برای مردم خارجی باشد که بتوانند وقایع و مذاکرات مجلس را ببینند و بشنوند. علاوه براین روزنامه‌ها باید در نوشتن وقایع و مذاکرات مجلس آزاد و مختار باشند.

اتاق سافل و اتاق عای هر دو حق دارند در موقع ضرورت، اجلاسی

محرمانه بی‌حضور تماشاچی بکنند به شرط این‌که عده‌ی معینی از اجزاء در این باب رأی دهند و بعد از آن‌که اجلاس محرمانه واقع شد افشای مذاکرات موقوف به تصویب اجزای مجلس است با اکثریت تامّه‌ی آراء.

نظامنامه‌ی داخلی پارلمان

هر یک از دو اتاق باید یک نظامنامه‌ی داخلی داشته باشد که ترتیبات اعمال خود و تکالیف اعضا را در آن معلوم کند و قانون اساسی را تکمیل نماید.

نوشتن نظامنامه‌ی داخلی هر اتاق بر عهده‌ی آن اتاق و به اختیار (ص ۶۰) خود اوست.

تنظیم پارلمان

در هر یک از دو اتاق تنظیم مجلس به عهده‌ی رئیس است. هرگاه اعضای مجلس بی‌قاعده رفتار کنند و مذاکرات را مختل نمایند رئیس وسایل مختلفه به کار می‌برد.

یکی از وسایل این است که اخلال کننده را دعوت به معقولیت نماید.

یکی دیگر این‌که علاوه برآن دعوت حکم به‌سکوت او کند.

دیگر این‌که اخلال‌کننده را یک‌مدت از حضور در مجلس ممنوع نماید.

دیگر این‌که جنایت و مجازات آن شخص را در صورت مذاکرات مجلس یا در روزنامه‌ی رسمی یا در اعلان مخصوص درج کند.

دیگر این‌که اگر اعضای مجلس مَواجب دارند مبلغی از مواجب او کسر کند.

دیگر این‌که آن شخص را از عضویت مجلس خلع کند.

(ص ۶۱) هرگاه مجازاتی که باید به عمل آورد عمده باشد از قبیل اخراج از مجلس و کسر گذاشتن مواجب، قاعده آن است که به تصویب اجزای مجلس بشود.

در بعضی ممالک رؤسای مجالس پارلمان برای تنظیم داخلی مجلس یا محافظت مجلس از تعرضات خارجی حق دارند مطالبه‌ی قوه‌ی عسکرّیه بکنند و از هر صاحب‌منصبی که قوه‌ی عسکرّیه مطالبه کنند باید همراهی نماید. هرگاه در مجلس اغتشاشی واقع شود رئیس می‌تواند بر حسب اقتضا مذاکرات مجلس را معوق کند یا به کلی آن روز مجلس را ختم نماید.

نیز برای این که هیچ‌گونه اختلالی در مذاکرات مجلس دست ندهد عرض شفاهی کردن به مجلس ممنوع است و عرایض باید کتباً به مجلس فرستاده شود.

اداره‌ی اتاقهای پارلمان

اتاق سافل و اتاق عالی پارلمان هر کدام یک اداره **bureau** دارند مرکب از یک نفر رئیس و چند نفر نایب‌رئیس و چند نفر منشی و دفتردار **(ص ۶۲)** و این اشخاص را اعضای اتاق به اکثریت آراء تامّه تعیین می‌کنند. غالباً رسم است که مادامی‌که اجزاء اداره‌ی اتاق منتخب نشده‌اند معمّرترین اعضا، موقتاً سمت ریاست دارد و چند نفر از جوانان اعضاء معاون او هستند.

اجزاء اداره‌ی هر اتاق در افتتاح سالیانه‌ی پارلمان منتخب می‌شوند و در تمام مدت سال به شغل خود باقی هستند حتی در اجلاسات فوق‌العاده.

انجمنهای تحقیق

مطالبی که باید در پارلمان مذاکره شود ابتدا در انجمنهای مخصوص که اجزای آنها از اعضای مجلس انتخاب می‌شوند مذاکره و مهذب و منتقح می‌شود. بعد به پارلمان می‌برند و در تحت مذاکره درآورده در آنْ باب رأی می‌دهند. این انجمنهای مخصوص را انجمن تحقیق (کمیسیون) **commission** گویند.

(ص ۶۳) غالباً پارلمانها علاوه بر انجمنهای تحقیقی که در موقع ضرورت برای مذاکره‌ی مطالبی که پیش می‌آید تشکیل می‌دهند بعضی انجمنهای تحقیق دائمی هم دارند. مثلاً انجمن بودجه (دخل و خرج دولت)،

انجمن مداقه در قوانینی که عنوان آنها از جانب پارلمان می‌شود، انجمن رسیدگی به عرایض و قس علیهذا.

هر یک از انجمنهای تحقیق یک رئیس و یک منشی و یک وقایع‌نگار برای خود تعیین می‌کند.

در بعضی ممالک به جهت تسهیل تعیین اجزای این انجمنها اعضای هر یک از دو اتاق برحسب قرعه منقسم به چند دسته می‌شوند و این دسته‌ها از میان خودشان برای انجمنهای تحقیق اجزاء انتخاب می‌کنند.

دسته‌های مزبور ماه به ماه تغییر می‌یابد. یعنی قرعه‌ی آنها تجدید می‌شود و بنابراین اجزای انجمنهای تحقیق هم هر ماه عوض می‌شوند.

مذاکرات انجمنهای تحقیق برملاء نیست.

(ص ۶۴) صورت مذاکرات پارلمان

اتاق سافل و اتاق عالی پارلمان هر اجلاسی که می‌کنند باید صورتی از مذاکرات آن به‌طور مختصر و مفید به توسط منشیان مجلس نوشته شود و در ابتدای اجلاس بعد آن‌صورت proces verbal در مجلس خوانده و تصدیق شود.

روزنامجات آزاد و مختارند که مذاکرات مجلس را عیناً یا به‌طور خلاصه درج کنند.

در بعضی ممالک، مقرر است که مذاکرات مجلس مطابق النعل بالنعل در روزنامه‌ی رسمی نوشته شود.

تفتیشات پارلمان

از آنجایی که پارلمان، نظارت بر امور دولت دارد ذیحق بلکه مکلف است در امور، تفتیش و تحقیق کند تا اگر در شعبه‌ای از شعب امور سوء رفتار و خلافی (ص ۶۵) کشف شود اصلاح یابد یا اگر کسر و نقصی در بعضی از امور باشد و امکان بهبودی و ترقی داشته باشد به عمل آید، لکن باید ملتفت بود که

تفتیشات پارلمان نباید منجر به مداخله و تعدی به امور اداره‌ی اجرائیه شود. فقط کاری که پارلمان باید بکند این است که به موجب آن تفتیشات از وزرای مسئول مؤاخذه نماید یا قوانین لازمه برای اصلاح و ترقی وضع کند.

ترتیب مذاکرات پارلمان

چون مجلس منعقد می‌شود اول صورت مذاکرات اجلاس سابق را یکی از منشیان خواند و هریک از اعضای مجلس حق دارد اگر ایرادی به آن صورت دارد اظهار کند.

در خاتمه‌ی هر اجلاس باید قرار بگذارند که در مجلس آینده چه مسئله را باید مطرح مذاکره نمایند و این قرارداد را تکلیف روز (اُردر دُوژوُر) گویند ordre du jour. پس مجلس چون منعقد شد و صورت (ص ۶۶) مذاکرات اجلاس سابق قرائت و قبول شد مسئله‌ای راکه تکلیف روز است مطرح می‌کنند.

تکلیف روز را مجلس حق دارد لدی الاءقتضا تغییر دهد.

مسئله‌ای که مطرح مذاکره می‌شود اگر از طرف دولت است باید یکی از وزراء مکتوباً به مجلس اظهار کرده باشد و اگر از جانب یکی از اعضاء مجلس است آن هم باید کتباً باشد و داعی بر عنوان آن مسئله را هم باید نوشته باشد.

بعد از طرح مسئله، مجلس بحث می‌کند و رأی می‌دهد در این که آیا باید در این مسئله مذاکره کرد یا خیر. هرگاه بنا شد مذاکره کننده اگر جرح و تعدیل و تصرفی در آن مطلب اظهار شده باشد نیز عنوان می‌شود. پس از آن بنای مباحثه و تحقیق می‌گذارند و در هر باب اول اجازه‌ی تنطق به یک نفر که با مسئله موافق است می‌دهند. بعد به دیگری که مخالف است و همچنین به‌نوبت.

تنطق‌کنندگان باید از جای خود برخاسته به صفّه‌ی (ص ۶۷) تنطق tribune روند و مختارند که تحقیقات خود را نوشته قرائت نمایند.

بعد از آن‌که تحقیقات به عمل آمد نوبت جمع آراء می‌شود.

رأی‌دادن یا آشکار است یا پنهان.

رای دادن آشکار به چند شکل ممکن است. یکی این که قعود و قیام را علامت رد و قبول قرار دهند. دیگر آنکه شفاهاً و نعم می‌گویند. یا آنکه هر کس مطلب را قبول دارد ورقه‌ی سفیدی را برداشته اسم خود را روی آن می‌نویسد و در ظرف مخصوصِ این‌کار می‌اندازد و هرکس می‌خواهد مطلب را ردکند ورقه‌ی کبود می‌اندازد. بعد ورقه‌ها را می‌شمارند و رد و قبول به اکثریت معین می‌شود.

رأی دادن پنهان به این طریق می‌شود که مثلاً گلوله‌ی سفیدی را علامت قبول قرار می‌دهند و گلوله‌ی سیاه را علامت رد. پس هر کس مطلب را قبول دارد گلوله‌ی سفیدی در ظرف می‌اندازد و هر کس رد می‌کند گلوله‌ی سیاه **(ص ۶۸)** می‌گذارد و بعد گلوله‌ها را می‌شمارند.

اختیار پنهان بودن و آشکار بودن رأی با اعضای مجلس است یعنی باید عده‌ی معینی از اعضا بگویند که رأی پنهان باشد یا آشکار.

در موقع جمع آراء اسامی اعضای مجلس را یکی‌یکی می‌خوانند و شخصی که اسمش خوانده می‌شود رأی خود را می‌دهد و این ترتیب برای این است که اشتباهی دست ندهد.

هرگاه آراء آشکار باشد مرسوم است که اسامی رأی‌دهندگان و رد و قبول ایشان در روزنامه‌ی رسمی درج شود. به موجب نظامنامه‌ی داخلی باید معلوم باشد که در موقع مذاکره‌ی مطالب چند نفر از اعضا باید اقلاً حاضر باشند quorum، و همچنین در وقت رأی‌دادن، و بدیهی است که در موقع رأی‌دادن باید اکثر اعضا حاضر باشند.

ترتیب وضع قانون در پارلمان

وضع قانون confection des lois اهمّ وظایف پارلمان است **(ص ۶۹)**. یعنی سایر وظایف گاه‌گاه موقع پیدا می‌کند اما وضع قانون دائماً در کار است و هر روز محل حاجت می‌شود.

قانونی که می‌خواهند وضع شود باید هم در اتاق سافل تصویب شود و

هم در اتاق عالی.

وضع قانون دارای چند مرتبه است. اول: عنوان لایحه قانون. دویّم: مباحثات. سیّم: جمع آراء.

اولاً عنوان لایحه‌ی قانون و آن هم از جانب شاه یا رئیس‌جمهوری ممکن است بشود projet de loi هم از جانب اعضای اتاق سافل هم از جانب اعضای اتاق عالی proposition de loi و عبارت از این است که لایحه‌ی به جهت وضع قانونی به اداره‌ی اتاق سافل یا اتاق عالی داده شود.

لایحه‌ی مزبور هم ممکن است به جهت وضع قانون جدیدی باشد هم به جهت جرح و تعدیل قانونی که سابق بوده است.

(ص ۷۰) به هر حال اگر عنوان لایحه از جانب شاه یا رئیس‌جمهوری باشد دستخط می‌شود و یکی از وزراء دستخط را به پارلمان می‌رساند و دولت مختار است که لایحه‌ی قانون را ابتدا به هر یک از دو اتاق که میل دارد عنوان کند و تقدم و تأخری در این‌خصوص درباره‌ی اتاق سافل و عالی منظور نیست مگر در مورد قوانینی که راجع به مالیه می‌شود که در آن صورت ابتدا باید در اتاق سافل عنوان شود بعد که در آن اتاق تصویب شد به اتاق عالی برود.

اگر لایحه از جانب یکی از اعضای پارلمان باشد باید آن شخص آن را در همان اتاقی‌که خود از اعضای آن است عنوان‌کند یعنی مکتوباً به اداره‌ی آن اتاق بدهد. در لایحه‌ی قانون باید داعی بر ایجاد آن قانون هم motif مذکور شده باشد.

ثانیاً مباحثات. اگر لایحه‌ی قانون از جانب دولت عنوان شده باشد مجلس آن را رجوع به انجمن تحقیقی که مخصوص مداقه در لوایح قانونی است می‌نماید. (ص ۷۱) آن انجمن مداقه‌ی خود را نموده نتیجه را به‌توسط وقایع‌نگار خود به مجلس اظهار می‌داد.

هرگاه لایحه‌ای از جانب اعضای پارلمان عنوان شده باشد ابتدا رجوع

می‌شود به انجمن تحقیق مخصوصی commission d'initiative parlementaire که فقط ملاحظه می‌کند ببیند آیا این قانون فایده دارد یا بی‌ثمر است و رأی خود را به مجلس اظهار می‌دارد، آنگاه مجلس یا قبول می‌کند که در آن قانون مباحثه کند یا قبول نمی‌کند. اگر قبول کرد لایحه را به انجمن تحقیقی که مأمور مداقه‌ی لوایح قانونی است رجوع می‌کند و بعد از آنکه انجمن مذکور نتیجه‌ی مداقه‌ی خود را اظهار داشت مجلس در آن لایحه بنای مباحثه و مذاکره می‌گذارد discussion, délibération.

برای آنکه کار محکم و متین باشد هر لایحه‌ی قانونی در صورتی‌که ضرورت فوری نداشته باشد در مجلس دو یا سه مرتبه مطرح مذاکره می‌شود.

(ص ۷۲) نوبت اول ابتدا در کلیه‌ی لایحه‌ی مباحثه می‌کنند، بعد به مباحثه‌ی یک‌یک از فقرات آن می‌پردازند.

چون مذاکره‌ی اول به اتمام رسید اگر بنا باشد که نوبت ثانی هم مذاکره شود آن را به فاصله‌ی چند روز صورت می‌دهند.

در ضمن هر یک از مذاکرات هر یک از اعضای مجلس حق دارد که در لایحه‌ی قانون جرح و تعدیلی amendement که به‌نظرش می‌رسد بکند و آن را باید به‌طور لایحه‌ی مکتوب به رئیس مجلس بدهد و او به انجمن تحقیق رجوع کند تا بعد در مجلس اظهار شود.

ثالثاً جمع آراء و آن، این‌است که هر نوبت که مجلس مذاکرات خود را در باب لایحه به اتمام رسانید اعضای مجلس باید در آن باب رأی vate بدهند تا رد و قبول به اکثریت آراء معلوم شود.

بعد ازآن که لایحه‌ی قانون دریک اتاق مذاکره و تصویب شد به اتاق دیگر **(ص ۷۳)** می‌رود. اگر لایحه از جانب دولت بوده، رئیس آن اتاق لایحه را به وزیری که امر راجع به اوست می‌دهد که وزیر آن را به اتاق دویّم بفرستد. و اگر لایحه ازجانب اعضای اتاق بوده رئیس این اتاق آن را به‌رئیس اتاق دویّم می‌دهد.

در اتاق دویّم به همان ترتیب که در اتاق اول مذکور شد عمل می‌نمایند الا این که در اتاق دویّم تردید نمی‌کنند که آیا باید لایحه را مطرح مذاکره قرار داد یا نه. نتیجه‌ی مذاکرات اتاق دویّم از سه حال خارج نیست. یکی آنکه لایحه‌ی قانون همان‌طور که در اتاق اول تصویب شده در اتاق دویّم نیز تصویب می‌شود. در این‌صورت قانون وضع شده و عمل تمام است.

دویّم این‌که اتاق دویّم به‌کلی رایحه را ردّ می‌نماید. در آن حال وضع آن قانون به عهده‌ی تعویق می‌افتد مگر آنکه دولت دوباره آن را عنوان کند.

سیّم آنکه اتاق دویّم لایحه را قبول می‌کند با بعضی تصرفات. در آن‌صورت (ص ۷۴) دوباره باید به اتاق اول رجوع شود و همچنین از این اتاق به اتاق دیگر برود و بیاید تا هر دو اتاق در آن باب موافق شوند و ممکن است که برای حصول موافقت مجلسی مرکب از چند نفر از اعضای هر دو اتاق تشکیل دهند و گفتگو کنند.

قانون بعد از آنکه در هر دو اتاق تصویب شد باید به صحّه‌ی شاه یا رئیس‌جمهوری برسد sanction و این کار باید تا مدت معینی بشود.

اگر دولت دارای ترتیب پارلمانی باشد شاه یا رئیس‌جمهوری حق دارد قانونی راکه پارلمان وضع کرده، صحّه نکند یا صحّه را به تعویق بیندازد والا این حق را ندارد و مجبور است لایحه را صحّه نماید. اما در آن‌صورت حق خواهد داشت پارلمان را به تجدید مذاکره در آن لایحه وادار نماید.

چون لایحه‌ی قانون به صحّه رسید باید در روزنامه‌ی رسمی اعلان شود promulgation و بعد از آن به فاصله‌ی معینی (ص ۷۵) آن قانون باید مجری باشد.

ترتیب تصویب دخل و خرج دولت در پارلمان

هر سال مخارج سال آینده‌ی دولت باید برآورده شود و در ازای آن مخارج به جهت دخل دولت محل تعیین شود. پس در آخر هر سال دفتر خرج و دخل سال

آینده‌ی دولت (بودجه) باید حاضر باشد که به موجب آن عمل شود و حاضر کردن بودجه به دستیاری هیئت مقّننه و هیئت مجریه باید بشود به این معنی که وزراء باید خرج و دخل را برآورد و معین کنند و پارلمان آن را ملاحظه کرده جرح و تعدیلی اگر دارد بنماید و تصویب کند.

صورت مخارج دولت به این ترتیب معین می‌شود که هر وزیری در اداره‌ی خود به قیاس سنه‌ی قبل برآورد می‌کند چقدر مخارج دارد و اگر اضافه و نقصانی هم لازم شد می‌کند و صورت را به وزیر مالیه می‌دهد. صورت دخل دولت را هم وزیر مالیه به قیاس دخل سنه‌ی ماضیه برآورد می‌کند و این صورت خرج (ص ۷۶) و دخل چند ماه قبل از اول سال به توسط وزیر مالیه به پارلمان داده می‌شود.

چون بودجه به پارلمان داده شد هر یک از دو اتاق آن را در تحت مداقه درمی‌آورند. یعنی اول رجوع به انجمن تحقیق مالیه می‌کنند و آن انجمن در جزییات آن رسیدگی می‌کند و هرچه توضیحات هم لازم شود حق دارد از وزراء بخواهد و جرح و تعدیلی که لازم بداند می‌کند بعد بودجه در مجلس مطرح مذاکره می‌شود و هر یک از اجزاء مجلس هم حق دارد جرح و تعدیلی که به نظرش می‌رسد اظهار نماید. در بعضی از ممالک در پارلمان بودجه به انجمن تحقیق رجوع نمی‌شود و تمام اعضای مجلس اجلاس خصوصی نموده در آن مداقه و مذاکره می‌کنند.

در اکثر ممالک اتاق سافل و اتاق عالی در تصویب بودجه یک اندازه اختیار ندارند و اتاق سافل برتری دارد. یعنی تصویب بودجه یا فقط به‌توسط اتاق سافل می‌شود یا اگر اتاق عالی هم دخالتی دارد محدود است و بودجه اول در اتاق سافل رفته تصویب می‌شود (ص ۷۷) بعد به اتاق عالی می‌رود.

برآورد بودجه یک‌ساله است. یعنی هر سال باید تجدید شود و به تصویب پارلمان برسد annualité du budget. تصویب خرج و دخل هر اداره را پارلمان جزءاً فجزاً باید بکند نه به‌طور کلی specialité du budget. یعنی هر

وزارتخانه‌ای مخارج خود را برحسب مناسبت در تحت چند عنوان قرار می‌دهد و هر عنوانی هم ممکن است شامل چندین فقره باشد. مجلس ابتدا هر یک از فقرات یک عنوان را در تحت ملاحظه درمی‌آورد و بعد درباره‌ی آن عنوان به‌طور کلی رأی می‌دهد و غرض از این ترتیب آن است که وزیر مخارجی راکه صورت داده عیناً مجری بدارد و حال آن‌که اگر تصویب مخارج یک وزارتخانه را به‌طور کلی بکنند ممکن است وزیر پولی راکه می‌گیرد موافق میل خود خرج کند. از یک‌جا کم بگذارد و به جای دیگر بیفزاید.

(ص ۷۸) بعد از ختم هر سال وزیر مالیه باید حساب سال را به پارلمان بدهد که معلوم باشد مطابق بودجه عمل شده و نظارت **contrôle** پارلمان بر دخل و خرج دولت به عمل آید.

مطلب چهارم
حقوق و امتیازات اعضای پارلمان
مواجب اعضای پارلمان

در اکثر ممالک برای اعضای پارلمان مواجب **indemnité** قرار داده‌اند، ولی در بعضی ممالک هم از قبیل انگلیس و آلمان وکالت ملت مجانی است.

مجانی بودن وکالت به این ملاحظه است‌که مردم به‌طمع پول به‌خیال وکالت نباشند و مردمان پست قبول وکالت نتوانند بکنند، ولی عیبی هم دارد و آن این‌است که شاید شخصی دانا و لایق وکالت باشد و به‌واسطه‌ی **(ص ۷۹)** بی‌بضاعتی نتواند این کار را قبول کند.

مواجبی که در ممالک مختلفه برای اعضای پارلمان معین کرده‌اند بسیار مختلف است.

مصونیت اعضای پارلمان

مصونیت immunité اعضای پارلمان عبارت از این‌است که کسی حق تعرض به‌ایشان ندارد. از این قرار اولاً هیچ‌یک از اعضای پارلمان را کسی حق ندارد به‌جهت حرفها و آرایی که در عضویت پارلمان اظهار می‌کنند دنبال نماید و این آزادی برای اعضای پارلمان لازم است که بتوانند بی‌خیال کار بکنند، اما بر اعضای پارلمان هم واجب است که در گفتار و کردار خود از معقولیت و حدودی که برای عموم مردم هست تجاوز نکنند و احترام مجلس را مرعی بدارند و حفظ کنند. ثانیاً به عنوان تقصیر و جنایت اعضای پارلمان را دولت حق ندارد دستگیر کند و متعرض ایشان (ص ۸۰) شود مگر به اطلاع و اجازه‌ی خود پارلمان.

این مصونیت را اعضای پارلمان در اوقاتی دارند که مجلس منعقد است نه در اوقات تعطیل.

هرگاه دولت تقصیری برای وکیلی عنوان کند و از پارلمان اجازه‌ی دنبال کردن او را بخواهد پارلمان ملاحظه‌ی تقصیر و بی‌تقصیری آن وکیل را نباید بکند؛ فقط باید تحقیق کند که آیا دولت در دنبال کردن این شخص مغرض یا بی‌غرض است.

هرگاه یکی از اعضای پارلمان جرم جنایتی مرتکب شد که از لیاقت عضویت افتاد حق پارلمان که عضویت او را باطل نماید.

ثالثاً پارلمان و اعضای آن حق دارند هر کس به ایشان توهین کند او را دنبال نمایند و مرافعه کنند، بلکه در بعضی ممالک پارلمان حق دارد توهین‌کننده را خود احضار کرده درباره‌ی او حکم کند.

(ص ۸۱) اختیار تامه‌ی وکلا در آراء خود

وکیل بعد از آن‌که منتخب شد در آراء خویش آزاد و صاحب اختیار است و کسی حقِ دادنِ سفارش و دستورالعمل مخصوص به او ندارد به واسطه‌ی این که هر وکیلی نماینده‌ی عموم ملت است نه فقط نماینده‌ی جماعت مخصوصی که او را انتخاب کرده‌اند.

بعضی را عقیده این است که وکیل باید تابع رأی موکلین خود باشد و مطابق دستوری که انتخاب‌کنندگان به او می‌دهند اظهار رأی نماید **mandat impératif** و گاهی هم از روی این عقیده عمل کرده‌اند. یعنی انتخاب‌کنندگان وقتی نماینده‌ی خود را انتخاب می‌کردند استعفا نامه‌ای از او گرفته نگاه می‌داشتند و اگر وقتی می‌دیدند آن وکیل مطابق میل ایشان در مجلس رأی نمی‌دهد استعفانامه‌ی او را برای رئیس مجلس می‌فرستادند. به این طریق وکیل مجبور بود به دستورالعمل موکلین خویش رفتار نماید. لکن حالا این ترتیب را صحیح نمی‌دانند بلکه می‌گویند اگر معلوم شود که وکیل بالنسبه به انتخاب‌کنندگان **(ص ۸۲)** خود تعهدی کرده باشد عضویت او در مجلس باطل است حتی در وقت رأی‌دادن هم نباید از موکلین استمزاج بکند. مختصر وکالت مطلقه از جانب ملت دارد و حافظ منافع عموم است نه مصالح خصوص. چیزی که هست این است که شخصی که داوطلب وکالت می‌شود باید سلیقه و مسلک خود را به انتخاب‌کنندگان اظهار کند تا هر کس با او هم‌مسلک نیست او را انتخاب بنماید و البته امانت اقتضا می‌کند که وکیل همواره بر وفق مسلکی که وانمود کرده رأی بدهد. ولی اگر خلاف این ترتیب کرد بازکسی حق تعرض به او ندارد مگر این که انتخاب‌کنندگان در دوره‌ی بعد به واسطه‌ی خلاف قولی که از او دیده‌اند دیگر او را منتخب ننمایند.

فصل دویّم
اختیار اجرای قانون

قانون بعد از آنکه وضع شد باید مجری شود.

(ص ۸۳) ترتیب وضع قانون را در فصل اول بیان کردیم. یعنی معلوم نمودیم که واضع قانون کیست و طریقه‌ی آن چیست.

اکنون باید بگوییم مجری قانون که و ترتیب اجرای ان کدام است.

اجرای قانون به توسط اداراتی می‌شود که مجموع آنها سپرده به چند نفر وزیر است و ایشان در تحت ریاست رئیس دولت می‌باشند.

به عبارت اخری مجری قانون رئیس دولت است که وظیفه‌ی خود را به مباشرت وزراء انجام می‌دهد.

پس باید حالا به‌شرحِ عملِ رئیسِ دولت و وزراء بپردازیم.

مطلب اول
رئیس دولت

ریاست دولت ممکن است در دست یک نفر باشد یا در دست چند نفر. امروز رأی اکثر این است که ریاست باید با یک نفر باشد. یعنی به تجربه معلوم شده **(ص ۸۴)** که همان‌طور که رأی صحیح از جمعیت بیرون می‌آید عمل صحیح از وحدت نتیجه می‌شود. به عبارت اخری مادام که بنای مناظره و مشاوره هست باید جمعیت باشد، چون نوبت عمل شد خوبست بیش از یک نفر دخیل در کار نباشد.

بنابر این حالا همه‌جا رئیس دولت یک‌نفر است، الاّ این‌که در بعضی ممالک ریاست دولت موروثی است و دائمی و در ممالک دیگر انتخابی و موقتی.

فعلاً هر جا که ریاست موروثی است دولت را سلطنتی و رئیس دولت را پادشاه یا سلطان یا امپراتور یا به اسامی دیگر می‌خوانند و آن‌جا که ریاست انتخابی است دولت را جمهوری و رئیس را رئیس‌جمهوری می‌نامند.

طریق تعیین رئیس دولت و مسائل راجعه به آن

پادشاه

سلطنت در خانواده‌ی پادشاه موروثی است و قانون ولیعهدی در هر مملکتی نوعی قرار داده شده، ولی کلّیته اولاد ارشد پادشاه، ولیعهد اوست و غالباً نسوان از سلطنت محروم می‌باشند. (ص ۸۵) در بعضی ممالک اگر اولاد ذکور نباشد دختر هم به سلطنت می‌رسد.

در صورتی که پادشاه اولادی که جانشین او بشود نداشته باشد، قوانین مختلفه در ممالک هست. بعضی تعیین ولیعهد را موقوف به انتخاب شاه و تصویب پارلمان کرده‌اند. برخی قواعد معّینه وضع نموده‌اند که به موجب آن ولیعهد از ارقاب شاه تعیین می‌شود.

در اکثر ممالک پادشاه تا به سن هیجده نرسیده صغیر است.

هرگاه پادشاه در وقت جلوس صغیر باشد باید یک نفر را نایب‌السلطنه قرار داد. قانون تعیین نایب‌السلطنه نیز در ممالک، مختلف است. در بعضی دول ارقاب شاه بنابر قواعد مخصوص به نیابت سلطنت می‌رسند یا این که پادشاه سابق نایب‌السلطنه را از پیش معین می‌کند. در برخی نایب‌السلطنه به موجب انتخاب پارلمان یا دارالشورای دولتی معین می‌شود.

در بعضی ممالک نایب‌السلطنه را قیّم شاه نیز قرار می‌دهند. در برخی پادشاه صغیر (۸۶) قیم جداگانه دارد.

هرگاه پادشاه جنون پیداکند یا به نحو دیگر ازکار بیفتد باز از روی قواعد مخصوصه نایب‌السلطنه‌تعیین می‌شود.

در اکثر دول مقرر است که شاه در وقت جلوس قسم می‌خورد که بر وفق قانون اساسی سلطنت کند و حقوق ملت را محفوظ بدارد. نایب‌السلطنه هم تکلیف قسم دارد.

رئیس‌جمهوری

مدت ریاست رئیس‌جمهوری را همه قسم می‌توان قرار داد. از یک سال تا ده سال و بالاتر بلکه تا آخر عمر. در فرانسه مدت ریاست هفت‌سال است و در دول متحده‌ی امریکا چهار سال.

انتخاب رئیس‌جمهوری چند موقع پیدا می‌کند. یکی در انقضای مدت ریاست رئیس سابق، یکی در مرگ یا استعفای رئیس؛ یکی در وقتی که رئیس‌جمهوری به واسطه‌ی ارتکاب خیانت محاکمه و خلع شده باشد.

(ص ۸۷) در صورت اول که امری است معهود برای انتخاب رئیس‌جمهوری جدید موعد معینی قرار می‌دهند مثلاً می‌گویند یک‌ماه قبل از انقضای مدت باید رئیس جدید منتخب شود.

در سایر موارد که غیرمترقب است یعنی در استعفا و خلع و مرگ باید بلاتأمل به انتخاب رئیس جدید پرداخت.

بعضی اوقات محض این‌که ریاست دولت به واسطه‌ی مرگ یا استعفای رئیس یا علت دیگر یک‌چند معطل نماند احتیاطاً یک نفر نایب رئیس‌جمهوری هم معین می‌کنند.

طریق انتخاب رئیس‌جمهوری یا بلاواسطه است یا باواسطه. انتخاب بلاواسطه امروز چندان مقبول نیست، زیرا که این طریق غالباً منجر به حسن انتخاب نمی‌شود و مدعیان اسباب چینی می‌کنند و نتیجه می‌برند. لهذا انتخاب را با واسطه قرار می‌دهند به این معنی که جماعتی از جانب ملت وکیل می‌شوند که رئیس‌جمهوری را انتخاب کنند.

(ص ۸۸) شرایطی که به جهت منتخب شدن به ریاست جمهوری لازم است غالباً زیاد نیست. چیزهای عمده که رعایت می‌شود ملیت و سن و مبرّا بودن از جنایات و اتهامات است.

ممکن است یک نفر بیش از یک‌مرتبه حق ریاست جمهوری نداشته باشد، ولی غالباً تجدید انتخاب را درباره‌ی یک‌نفر اجازه می‌دهند. بعضی اوقات

هم قرار می‌دهند ریاست یک نفر تجدید نشود مگر به فاصله.

وظایف رئیس دولت

رئیس دولت اعّم از این که شاه باشد یا رئیس‌جمهوری وظایف معّینه دارد که به موجب قانون اساسی معین می‌شود و غیر از آن‌چه قید شده اختیاری نخواهد داشت.

هرگاه دولت انفصال اختیارات را مطلق قرار داده و استثنایی برای آن‌گذاشته باشد وظایف رئیس‌دولت فقط راجع به اجرای قوانین است و اصول آنها ازاین قرار:

(ص ۸۹) اولاً امر به اجرای قوانین و دادن احکام و دستورالعمل به جهت این کار توضیح آن‌که قانون چون وضع شد شاه یا رئیس‌جمهوری آن را رسمیت می‌دهد و مجری بودن آن را محقق می‌نماید. یعنی امر به اعلان و اجرای آن می‌کند و این کار باید در ظرف مدت معین واقع شود و به تأخیر نیفتد و در این مورد رئیس دولت اگر قانون را نپسندیده است فقط کاری که می‌تواند بکند این است که پارلمان را دعوت نماید به این که در آن قانون تجدیدنظر کند و اگر چنین نکرد بعد از مدت معین خواه امر بکند یا نکند قانون مجری است.

از آن‌جا که متن قانون البته موجز و متضمن امور کلیه است شرح و تفسیر و تفصیل جزییات آن را هم باید معین نمود و این جمله به توسط احکام و دستورالعملهایی صورت می‌گیرد که از وظایف هیئت مجریه و غالباً بر عهده‌ی رئیس دولت است.

احکام و دستورالعملهایی که به جهت اجرای قوانین داده می‌شود باید تصرفی در آن قوانین نکند و تعّدی به حقوق مردم ننماید فقط باید مفسر و مکمل **(ص ۹۰)** قانون باشد.

ثانیاً تعیین و عزل و نصب وزراء و حکام و عمال و قضات و اعطای مناصب و امتیازات.از وظایف رئیس دولت است. هرچند تعیین بعضی از عمّال

و مباشرین بر عهده‌ی زیردستان رئیس دولت یا موقوف به انتخاب باشد و کلیتاً در مواردی هم که امر راجع به‌رئیس دولت است اختیار تامّه ندارد و غالباً باید به موجب قواعد معّینه رفتار نماید.

ثالثاً اداره کردن روابط خارجه تعلق به رئیس دولت دارد نظر به این که شاه یا رئیس‌جمهوری نماینده‌ی دولت و ملت است در مقابل خارجه و این امر برای رئیس دولت چند وظیفه ثابت می‌کند.

یکی پذیرفتن سفراء و مأمورین سیاسی دول به این معنی که اعتبارنامه‌ی آنها باید خطاب به رئیس دولت باشد و تسلیم او شود.

(ص ۹۱) دویّم فرستادن سفراء و مأمورین سیاسی به دول یعنی مأمورین مذکور باید از جانب رئیس دولت بروند و از او اعتبارنامه و دستورالعمل بگیرند و به اسم او کار کنند.

سیّم مذاکره و انعقاد عهدنامه‌ها با دول خارجه و امضاء آنها و در این مورد آراء مختلف است. بعضی را عقیده این بوده که جمیع معاهدات را باید هیئت مجریه با دول خارجه مذاکره کرده منعقد نماید و هیئت مقننه به‌هیچ‌وجه مداخله در کار نداشته باشد. برخی گفته‌اند مذاکره و قرارداد عهدنامه با هیئت مجریه است اما تصدیق و امضاء آن باید [با] هیئت مقننه باشد. اکنون رأی مقبول این است که انعقاد عهدنامه‌ها کلیّه به توسط هیئت مجریه بشود و امضاء و تصدیق آن‌هم با همان هیئت باشد. اما اگر معاهده راجع به امور مهّمه است از قبیل مصالحه‌نامه و معاهده‌ی تجارتی و کلیه‌ی قراردادهایی که برای دولت خرجی می‌تراشد یا تغییر و تبدیلی در حدود و خاک مملکت می‌دهد باید بعد از **(ص ۹۲)** منعقد شدن به تصویب پارلمان هم برسد.

رئیس دولت غالباً حق دارد که اگر مصلحت می‌داند یک‌چند انعقاد و معاهده را مخفی بدارد لکن به محض این که محذور رفع شد باید اظهار بکند.

وقتی که معاهده به پارلمان ارائه می‌شود آن هیئت حق دخل و تصرف در آن ندارد و اگر آن را نمی‌پسندد باید عین آن را کاملاً رّد کند تا هیئت مجریه با

دول خارجه در آن باب تجدید مذاکره نماید.

چهارم اعلان جنگ با خارجه و در این باب هم اختلاف آراء پیدا شده، اما رأی مختار این است که اعلان جنگ با رئیس دولت است جز این که وقوع جنگ باید به رضای پارلمان یعنی ملت باشد.

رابعاً ریاست قشون برّی و بحری حق رئیس دولت است به جهت این که حفظ امنیت داخله و مدافعه از خارجه بر عهده‌ی هیئت مجریه می‌باشد.

سابقاً رؤسای دولت یعنی سلاطین در قشون شخصاً فرماندهی نیز می‌کردند. **(ص ۹۳)** و به جنگ می‌رفتند، ولی اکنون این رسم متروک می‌شود چنان‌که بعضی را عقیده این است که باید رئیس دولت از این عمل ممنوع باشد.

خامساً رئیس دولت حق دارد اگر درباره‌ی کسی مجازاتی معین شده حکم بدهد او را معاف بدارند یا عقوبت او را تخفیف دهد.

عفو مقصر دو نوع است. یکی آن‌که نظر به شخص مقصر می‌کنند و از عقوبت او می‌گذرند لکن نتایج دیگر حکمی که درباره‌ی او شده که عبارت از سلب بعضی حقوق باشد به جای خود باقی است grâce؛ دویّم این که قطع‌نظر از مقصرین تقصیر را ملاحظه می‌کنند و عقوبت و حکم آن هر دو را محو می‌نمایند به‌طوری که از مقصرین هیچ‌گونه حقی سلب نمی‌شود amnistie، و این غالباً در مورد مقصرین دولتی و سیاسی وقوع می‌یابد.

در بعضی ممالک رئیس دولت عفو مقصر را به هر دو قسم حق دارد ولی رأی مختار این است که قسم دوّیم باید به موجب قانون یعنی تصویب پارلمان واقع شود **(ص ۹۴)** هرچند در حالت اول هم رئیس دولت از روی هوای نفس رفتار نمی‌کند و با اداره‌ی عدلیه و کمیسیون مخصوص این کار مشاوره می‌نماید و غالباً قرار بر این است که اگر مقصر وزیر و تقصیر او راجع به مشاغل او باشد عفو او موقوف به‌تصویب پارلمان باشد.

سادساً ضرب سکه از وظایف هیئت مجریه و بر عهده‌ی رئیس دولت است که بر وفق قانون این کار را صورت دهد و اگر رئیس دولت شاه باشد حق

دارد اسم و تمثال خود را در سکه نقش کند.

وظایف مذکور تماماً راجع به اجرای قوانین است و به هر حال باید رئیس دولت دارای آنها باشد. اما اکنون انفصال اختیارات را آن‌طور مطلق قرار نمی‌دهند و برحسب مصلحت شخص رئیس را در عمل وضع قوانین هم دخیل می‌کنند، چنان که سابقاً در موارد مختلفه اشاره کرده‌ایم و دخالت رئیس دولت در حمل هیئت مقننه از این قرار است:

(ص ۹۵) اولاً رئیس دولت حق دارد در صورت لزوم قبل از موقع افتتاح پارلمان اعضاء را دعوت کرده پارلمان را منعقد نماید و کلیه در اوقاتی که پارلمان تعطیل است اگر ضرورت پیدا کند به‌طور فوق‌العاده حکم به انعقاد آن دهد. در بعضی ممالک هم تعیین موقع افتتاح پارلمان اصلاً به دست شاه است.

ثانیاً حکم به ختم اجلاسات و تعطیل پارلمان از وظایف رئیس دولت است اما قاعده‌ی این کار را در صورتی می‌تواند بکند که پارلمان اقل مدت انعقاد خود را به‌سر رسانیده باشد.

ثالثاً رئیس دولت حق دارد در اوقاتی که پارلمان منعقد است موقتاً آن را تعطیل نماید و این در صورتی می‌شود که اختلافی بین دولت و پارلمان روداده و مناقشه واقع شده باشد. آنگاه رئیس دولت یک‌چند پارلمان را تعطیل می‌کند که خیالات آرام و حواسها جمع شود تا دوباره از روی طمأنینه به کار مشغول شوند. ولی مدت این تعطیل موقتی باید محدود باشد و زیاد مکرر نشود و اوقاتی که پارلمان **(ص ۹۶)** تعطیل موقتی دارد جز ایام انعقاد آن محسوب نگردد.

رابعاً هرگاه اختلاف مهمی بین دولت و پارلمان روی دهد شاه یا رئیس‌جمهوری حق دارد پارلمان را منفصل کند. یعنی اعضاء آن را مرخص کرده ملت را دعوت کند به این که وکلای جدید انتخاب نمایند و این حق را که به رئیس دولت داده‌اند نه برای این است که در موقع بروز اختلاف، حرف دولت پیش باشد بلکه به این ملاحظه است که دولت از ملت در آن خصوص استمزاج

نموده باشد. به این معنی که اگر ملت در انتخابِ جدیدِ همان وکلای سابق یا وکلایی که باایشان هم رأی باشند انتخاب کرد دولت می‌فهمد که در این موقع ملت با پارلمان همراه است و بنابراین تمکین می‌کند و اگر ملت با دولت هم‌عقیده و با پارلمان مخالف بود البته وکلایی اختیار خواهد کرد که با دولت موافق شوند.

هر وقت شاه حکم به انفصال پارلمان می‌دهد باید معلوم باشد که تا موعد **(ص ۹۷)** معینی وکلای جدید انتخاب شوند.

در بعضی ممالک رئیس دولت هر دو اتاق را می‌تواند منفصل نماید لکن قاعده این است که انفصال فقط درباره‌ی اتاق سافل معمول باشد.

محض احتیاط این که مبادا انفصال پارلمان از روی هوای نفس واقع شود، قرار می‌دهند رئیس دولت نتواند اتاق سافل را منفصل کند مگر این که اتاق عالی این امر را تصویب نماید.

خامساً رئیس دولت حق دارد لایحه‌ی قانونی به پارلمان بدهد که آن قانون وضع شود.

سادساً در بعضی ممالک قانونی را که پارلمان وضع کرده رئیس دولت حق دارد صحه و تصدیق نکند و در آن‌صورت وضع آن قانون معوق می‌شود. اما امروز این حق به ندرت داده می‌شود و رؤسای دول تا حد معینی می‌توانند قانونی را که پارلمان وضع کرده معوق بدارند و غالباً کاری که می‌توانند بکنند. **(ص ۹۸)** همان است که پارلمان را به تجدیدنظر در قانون دارند.

ارتباط رئیس دولت با پارلمان به توسط وزراء است به این ترتیب که رئیس دولت لوایح قانونی و پیغامهایی که می‌خواهد به پارلمان برساند دستخط می‌کند و یک نفر از وزرا آنها را در پارلمان قرائت می‌نماید و همچنین حکم به افتتاح یا تعطیل مجس را؛ ولی در بعضی ممالک افتتاح پارلمان به توسط شخص شاه می‌شود یعنی خود او در پارلمان حاضر شده حکم به افتتاح می‌کند و معمولاً خطابه هم می‌خواند و اوضاع مملکت و امور دولت را اجمالاً

یادآوری می‌کند و توجه اعضاء پارلمان را به سوی بعضی امور جلب می‌نماید. بعد از آن پارلمان نیز لایحه در جواب خطابه‌ی شاه به اکثریت آراء ترتیب داده می‌نویسد و می‌فرستد و این عمل مخصوصاً در انگلیس مرسوم است.

مسئولیت رئیس دولت

در دول سلطنتی مشروطه‌ی پارلمانی برای رئیس دولت یعنی شخص شاه هیچ‌گونه (ص ۹۹) مسئولیت قرار نمی‌دهند irresponsabilité. او را فوق جمیع مراتب و عوالم فرض می‌کنند و مقدس و منزه محسوب می‌دارند و هیچ قسم اعتراض و عتاب نسبت به او جایز نمی‌شمارند inviolabilité. نه در امور ملکی و دولتی او را مسئول می‌دانند، نه در اعمال شخصی، و بنابراین در تحت حکم هیچ محکمه و دیوانخانه درنمی‌آید. و این جمله نظر به این‌است که شاه دخل و تصرف در امور ندارد de roi regne et ne gou verne pas و شخصاً نمی‌تواند آزاری برساند و صدمه‌ای وارد آورد le me peut mal faire. مسئولیت اعمال شاه آن‌چه راجع به امور ملکی باشد بر عهده‌ی وزراء است به این معنی که هیچ‌گونه حکمی از شاه مجری نمی‌شود، مگر این که تصدیق و امضای یکی از وزراء داشته باشد و در این‌صورت اگر حکم بی‌قاعده باشد وزیری که آن را امضاء کرده مورد مؤاخذه است.

(ص ۱۰۰) اما آن‌چه راجع به امور شخصی شود بر عهده‌ی ناظر مالیه در خانه‌ی شاه می‌باشد intendant de la liste civile یعنی شخص ناظر در باب آن امور مدعی و مدعی‌علیه واقع می‌شود و در تحت محاکمه و مجازات درمی‌آید.

اما در دولت جمهوری اگر ترتیب پارلمانی در کار باشد رئیس‌جمهوری در امور ملکی و دولتی مانند پادشاه از مسئولیت معاف است و جمیع احکام او باید به امضاء یکی از وزراء برسد و ایشان مسئول باشند.

در امور شخصی رئیس‌جمهوری مثل سایر آحاد ناس در تحت قوانین متعارفه‌ی مملکت درمی‌آید و مدعی و مدعی‌علیه می‌شود.

رئیس‌جمهوری دریک‌صورت ممکن‌است مقصردولتی هم بشودو آن در وقتی‌است که نسبت به‌وطن خیانت فاحش نماید crime de haute trahison. پس رئیس‌جمهوری به‌ترتیب مذکور ممکن است در تحت (ص ۱۰۱) مسئولیت و محاکمه درآید. اما محض این‌که بی‌جهت و به‌سهولت هر آن طرف تعرض واقع نشود و مقام منیع ریاست دولت موهون نگردد، قرار می‌گذارند افراد ناس با او حق تداعی نداشته باشند و محاکمه‌ی او هم در دیوانخانه‌های متعارفی واقع نشود و هر وقت چنان امری پیش آمد مدعی رئیس‌جمهوری وکلای ملت باشد و دیوانخانه‌ی او مجلس سنا یا دیوانخانه‌ی معتبری که مخصوص این کار تشکیل بیابد.

هرگاه در دولِ جمهوری ترتیب پارلمانی نباشد چون هیئت مجریه و هیئت مقننه به کلی از هم منفصل هستند و بر یکدیگر نظارت ندارند رئیس‌جمهوری هم مثل سایر کارگذاران دولت در تحت همه نوع مسئولیت شخصی و ملکی درمی‌آید.

مخارج رئیس دولت

برای مخارج شخصی رئیس‌دولت میزانی تعیین می‌کنند و از خزانه‌ی دولت می‌رسانند و رئیس، زاید برآن مبلغ حقِ تصرف در مالیه‌ی دولت ندارد.

(ص ۱۰۲) اگر رئیس دولت پادشاه باشد مبلغ مذکور به اسم مخارج سلطنتی liste civile خوانده می‌شود و اگر رئیس‌جمهوری باشد مواجب نام دارد.

رسم این است که مخارج سلطنتی هر سلطان در ابتدای جلوس او به توسط پارلمان تعیین شود و مادام که او زنده است آن مبلغ را کم و زیاد نکنند تا وقتی که پادشاه جدید به تخت بنشیند. اما مواجب رئیس‌جمهوری ممکن است

ازدیاد یا نقصان بیابد به واسطه‌ی این که پارلمان باید آن را هر سال جزء بودجه منظور بدارد و تصویب نماید و ممکن است قرار بگذارند در مدت ریاست رئیس، مواجب او تغییر نکند.

مبلغی که به اسم مواجب رئیس‌جمهوری یا مخارج سلطنتی داده می‌شود عناوین متعدده دارد، مثلاً صرف جیب، مخارج درِ خانه، مواجب مستخدمین شخصی، مستمریهای شخصی، انعامات، مخارج سفر، مخارج تشریفات (ص ۱۰۳)، قسّ علی‌ذلک.

مطلب دویّم

وزراء

وزراء کسانی هستند که بلاواسطه از جانب رئیس دولت مأمور اجرای قانون و اداره‌ی امور مملکت می‌باشند و هر کدام نوعی از امور را در تحت اداره‌ی خود دارند.

عده‌ی وزراء و تقسیم مشاغلِ میان ایشان به اختلاف ممالک و ازمنه مختلف است.

امور مهّمه که غالباً در تحت عنوان وزارت درمی‌آید از این قرار است: امور داخله، امور خارجه، عدلیه، مالیه، جنگ، بحریه، مستعمرات، معارف، فلاحت، تجارت، صنایع، ادیان و مذاهب، فواید عامه، پست و تلگراف.

جمیع عناوین مذکوره در تمام ممالک موجود نیست مثلاً ممالکی که مجاور دریا نباشند بحریه و مستعمرات ندارند. سایر عناوین هم ممکن است هر کدام (ص ۱۰۴) وزارت مخصوص نداشته باشند و چند رشته‌ی آنها در تحت یک وزارت باشد. مثلاً ادیان و مذاهب غالباً جزء وزارت داخله یا وزارت

معارف است همچنین پست و تلگراف و صنایع.

هر وزیری در امور راجعه به خود در تمام مملکت دخل و تصرف دارد. احداث وزارتخانه در بعضی ممالک به اختیار شاه است. در برخی باید به موجب قانون یعنی تصویب پارلمان بشود. اما اگر به اختیار شاه باشد پارلمان می‌تواند مانع از تشکیل آن بشود به واسطه‌ی تصویب نکردن بودجه‌ی آن.

هر وزیری معاونی هم می‌تواند داشته باشد که او را نیز رئیس‌دولت تعیین می‌کند و اگر این مسئله منافی رأی پارلمان باشد باز به توسط تصویب نکردن مخارج آن می‌تواند ممانعت نماید.

معاون وزیر در مسئولیت او شریک است و در پارلمان نایب و نماینده‌ی او می‌شود.

(ص ۱۰۵) تعیین وزراء

عزل و نصب و تعیین وزراء متعلق به رئیس دولت است.

برای وزارت غالباً شرایطی معین نشده فقط کسی که به وزارت تعیین می‌شود باید طرف اطمینان و اعتماد رئیس دولت باشد.

شرایطی که باید برای وزارت قرار داد این است که وزیر مرد باشد و به سن رشد رسیده باشد و رعیت داخله باشد.

در بعضی ممالک شاهزادگان از وزارت ممنوعند.

در ممالکی که انفصال اختیارات دولت مطلق است وزارت با عضویت پارلمان منافات دارد، اما در دولِ پارلمانی وزیر ممکن است عضو پارلمان هم باشد بلکه بهتر این است که وزراءِ از اعضاء پارلمان انتخاب شوند و در مدت وزارت هم به‌عضویت باقی باشند.

در دولِ پارلمانی چنین رسم شده که رئیس دولت تمام وزراء را خود تعیین نمی‌کند (ص ۱۰۶) بلکه یک نفر را که باید رئیس وزراء باشد انتخاب می‌کند و او را مأمور می‌نماید که سایر وزراء را تعیین کرده به تصویب او برساند.

در دولِ پارلمانی بنابرآن‌چه مذکور شد تعیین وزراء متعلق به رئیس‌دولت است، اما این قید هم در کار هست که وزرایی که منتخب می‌شوند باید طرف اطمینان اکثر اعضاء پارلمان باشند. لهذا در موقع تعیین هیئت وزراء رئیس دولت از میان فرقه‌ای که در پارلمان اکثریت دارند آن کسی را که از همه معتبرتر است و بیشتر قبولیت دارد به ریاست انتخاب می‌کند و آن شخص مابقی وزراء را از کسانی که با او هم مسلک و سازگارند اختیار می‌نماید و بدین‌طریق هیئت وزراء هم‌خیال و هم‌سلیقه خواهند بود و به اتفاق کار خواهند کرد و این نوع هیئت وزرا را کابینه گویند.

در بعضی ممالک وزراء وقتی که منصوب می‌شوند باید بالنسبه به شاه یا پارلمان تعهد امانت و حفظ مشروطیت کرده بر طبق آن قسم بخورند.

(ص ۱۰۷) شورای وزراء

در دولت پارلمانی وزیر منفرد نیست و تنها کار نمی‌کند. یعنی علاوه بر آن‌که وزراء هر یک در اداره‌ی خود مستقلاً کار می‌کنند همه با هم تشکیل یک هیئت شوری نیز می‌دهند که باید در اوقات معینه یعنی در هفته یک روز یا دو روز با هم اجتماع کرده در امور مملکت گفتگو کنند و متفقاً ترتیب پلیتیک کلی دولت را بدهند و مسلک خویش را در مقابل پارلمان تعیین نمایند و وضع و کیفیت ادارات خود را به یکدیگر معلوم نموده در اقدامات آتیه که باید به عمل آید مباحثه نمایند و نتیجه‌ی مذاکرات خود را به اکثریت آراء معین کنند.

هیئت شورای وزرا در تحت ریاست رئیس‌الوزراء است که در بعضی ممالک فقط او را رئیس شورای وزراء می‌گویند و در برخی وزیر اعظم می‌خوانند.

در اکثر ممالک وزیر اعظم یعنی رئیس شورای وزراء خود نیز مانند سایرین (ص ۱۰۸) دارای یک وزارتخانه است، ولی در بعضی نقاط وزیر اعظم جز به ریاست شورای وزراء کاری ندارد.

وزراء همه با هم در یک رتبه و درجه هستند، هیچ‌یک بر دیگری تقدم ندارد مگر رئیس وزراء که بر همه مقدم است.

وظایف وزرا و رابطه‌ی ایشان با پارلمان

احکامی را که از جانب رئیس دولت باید صادر شود وزراء ترتیب داده، تهیه می‌کنند و به امضای رئیس دولت می‌رسانند و چون مسئولیت آن احکام با خودشان است خود نیز باید آن را امضا و تصدیق کنند.

وزراء باید از وضع ادارات خود و اعمالی که صورت داده‌اند راپرتها ترتیب داده به رئیس دولت یا پارلمان بدهند.

دیگر این‌که باید به اجزاء خود دستورالعملها بدهند که بر وفق ترتیبی که دولت داده، عمل شود.

(ص ۱۰۹) قوانینی را که درباره‌ی افراد ناس باید معمول و مجری شود وزراء باید به صورت احکام وزارتی درآورده اعلام کنند.

وزراء هر کدام در اداره‌ی خود نماینده‌ی دولت هستند و از جانب او معامله و مرافعه می‌کنند.

نیز وزراء باید واسطه‌ی ارتباط رئیس دولت با پارلمان باشند. به این معنی که در دولِ پارلمانی وزراء حق دخول به مجالس پارلمان دارند خواه عضویت پارلمان داشته باشند یا نداشته باشند و در هر صورت هر وقت مطلبی و حرفی داشته باشند باید پارلمان اصغاء کند.

هرگاه وزراء در پارلمان عضویت داشته باشند علاوه بر حق تکلم مثل سایر اعضاء حق رأی دادن در امور نیز دارند.

تکلم وزراء در پارلمان یا به جهت رسانیدن پیغام رئیس دولت است به پارلمان یا به جهت مدافعه از رفتار دولت و شیوه‌ی پلیتیکی آن یا به جهت (ص ۱۱۰) تقویت و وانمودکردن صحت قوانینی که دولت به پارلمان عنوان نموده یا به جهت جواب‌دادن به استفسارات و اخطارات اعضاء پارلمان.

شرح استفسار و اخطار

استفسار questiom عبارت است از سئوال یعنی کسب اطلاعی که یک نفر از اعضای پارلمان در افتتاح یا اختتام مجلس از یکی از وزراء در خصوص امری که راجع به اداره‌ی اوست یا درباره‌ی امری که راجع به کلیه‌ی دولت است می‌نماید.

در این صورت وزیر جواب می‌دهد و سئوال کننده حق دارد بعد از جواب وزیر باز مسئله را دنبال نماید، اما دیگری از اعضاء پارلمان حق ندارد در آن سئوال و جواب داخل شود.

در صورتی که وزیر مذاکره‌ی آن مطلب را صلاح نداند می‌تواند جواب استفسار را تأخیر بیندازد.

(ص ۱۱۱) استفسار اثر فعلی ندارد و مجلس در موضوع آن مباحثه نمی‌کند و اظهار رای نمی‌نماید.

اخطار Interpellation سئوالی است که یکی از اعضاء پارلمان از وزیری می‌کند در خصوص اقدامی که از جانب آن وزیر به عمل آمده یا پلیتیکی که هیئت وزراء اختیار نموده و این سئوال منجر به مباحثه‌ی مجلسی می‌گردد و ترتیب اثری بر آن داده می‌شود.

هرکس بخواهد اخطاری به‌یکی از وزراء بکند باید آن را کتباً از پیش به رئیس مجلس اظهارکند و موضوع را هم معین نماید. رئیس آن را در مجلس عنوان می‌کند و به‌وزیر خبرمی‌دهد و روزی را که باید اخطار واقع شود تعیین می‌کند.

هرگاه موضوع اخطار راجع به امور داخله باشد وزیر حق ندارد از آن ابا کند. و منتها طفره‌ای که بتواند بزند این است که وقوع اخطار را یک ماه عقب بیندازد. اما اگر راجع به امور خارجه باشد و پای سلامت دولت به میان بیاید می‌تواند خود را به‌کلی از آن معاف کند.

(ص ۱۱۲) در مورد اخطار چون بنای مباحثه شد، تمام اعضاء پارلمان حق دخالت دارند.

بعد از آن که مباحثه تمام شد یکی از دو حال پیش می‌آید: یا ترتیب نتیجه و اثری بر مباحثات نشده مجلس به مذاکرات دیگر مشغول می‌شود، یا این که بنا می‌شود مجلس رأی خود را درباره‌ی مباحثاتی که واقع شده بگوید. به عبارت اخری رأی بدهد که وزیر درست رفتار کرده و طرف اعتماد است یا نه. اگر مجلس رفتار وزیر را تصویب کرد رای بر اعتماد می‌دهد و اگر تصویب نکند و رأی بر عدم اعتماد دهد نتیجه این می‌شود که یا کلیه‌ی هیئت وزراء تغییر کند یا فقط شخص وزیری که طرف بی‌اعتمادی شده عوض شود.

در بعضی ممالک استفسار و اخطار را اعضاء هر دو اتاق پارلمان می‌توانند بکنند در بعضی دیگر اخطار فقط حق مجلس سافل است و مجلس عالی در عزل وزراء دخالت ندارد.

حق این است که اگر اتاق عالی انتخابی و نماینده‌ی عموم ملت باشد (مثل فرانسه) **(ص ۱۱۳)** باید اعضاء آن حق اخطار داشته باشند والافلا (مثل انگلیس).

مسئولیت وزراء

وزراء مسئول مجلس می‌باشند و مسئولیت دو نوع است: جنایتی و سیاسی.

اول مسئولیت جنایتی و آن، این‌است که وزیر عمل خلافی بکند و مرتکب خیانتی شود در این‌صورت وزیر باید محاکمه شود و مجازات ببیند و ترتیب متداول آن است که اتاق سافل پارلمان مدعی وزیر شده او را به محاکمه می‌طلبد و محکمه عبارت است از اتاق عالی پارلمان یا دیوانخانه‌ی عالی دولت یا دیوانخانه‌ای که مخصوص این کار تشکیل داده شود و غرض از این ترتیب، آن است که هر کسی به جهت و به عناوین لغو هر ساعت نتواند متعرّض وزرا شود و اقامه‌ی دعوی نماید، زیرا که وزراء در ضمن اعمال وزارتی خود دشمن زیاد پیدا می‌کنند و اگر مردم به سهولت بتوانند مدعی ایشان شوند غالباً گرفتار خواهند بود.

در بعضی ممالک موارد و مسئولیت وزراء را در قانون اساسی معین کرده‌اند و عمده‌ی (ص ۱۱۴) آنها از این قرار است: خیانت، رشوه، اجحاف، شدت عمل، حیف و میل در مال دولت، عدم رعایت قوانین و اساس دولت، مسامحه در اجرای قوانین و حفظ امنیت در صورت امکان، اقدامات بر ضد آزادی و جان و مال مردم، اقدامات مضره به استقلال مملکت.

هرگاه درباره‌ی وزیری حکم مجازات بشود شاه حق عفو او را ندارد مگر با تصویب پارلمان.

دویّم مسئولیت سیاسی و آن این است که وزراء رفتار و مسلکی اختیار نمایند مخالف با رأی و مسلک اکثر اعضای پارلمان و در این‌صورت طرف بی‌اعتمادی پارلمان شده باید استعفاء بدهند و این امر بعد از اخطاری که به طریق سابق‌الذکر در پارلمان شده واقع می‌شود.

این نوع مسئولیت یا انفرادی است یا اجماعی.

مسئولیت اجماعی راجع به امور کلیه و پلیتیک دولت است در این حال (ص ۱۱۵) هر وقت اکثر اعضاء پارلمان مخالف دولت شوند مجموع هیئت وزراء (کابینه) باید استعفاء دهند.

مسئولیت انفرادی راجع به‌امورخصوصی اداره‌ی یک‌نفر وزیراست‌که اگر رفتار اومطبوع اکثراعضاء پارلمان نباشد او به‌تنهایی استعفاء می‌دهد و باقی بر سر جای خود هستند مگر این‌که رئیس وزراء به‌حمایت آن وزیر برخیزد و تمام کابینه را شریک مسئولیت آن وزیر بنماید question de cabinet. درآن‌صورت اگر پارلمان در اظهار بی‌اعتمادی خود ثابت شد کلیه‌ی وزراء استعفاء می‌دهند.

هرگاه هیئت وزراء با وجود اظهار بی‌اعتمادی پارلمان استعفاء ندهد چه باید کرد؟

اولاً رئیس دولت حق دارد وزراء را معزول کند و آن‌وقت ناچار خواهد شد از کار دست بکشند.

ثانیاً خود پارلمان می‌تواند وزراء را مجبور به استعفاء کند به این‌طریق که ارتباط خود را با ایشان (ص ۱۱۶) مقطوع نماید یا این‌که قوانین مالیه‌که به پارلمان عرضه می‌دارند تصویب نکند.

هرگاه یکی از وزراء به‌تنهایی طرف بی‌اعتمادی شده و استعفاء نمی‌دهد راه آن این است‌که تمام‌کابینه استعفا دهند آنگاه رئیس دولت دوباره همان وزراء را بر سر کار می‌آورد غیر از آن که طرف بی‌اعتمادی شده و دیگری را به‌جای او می‌گذارد.

مسئولیت به طریق مذکور در دول پارلمانی معمول است یعنی در دولی که انفصال اختیارات را مطلق قرار نداده و هیئت مقنّنه و مجریه در کار یکدیگر تا یک اندازه دخالت دارند.

در دول مشروطه‌ی غیرپارلمانی که هیئت مقننه و هیئت مجریه در کار یکدیگر هیچ نباید مداخله کنند مسئولیت وزراء فقط بالنسبه به رئیس دولت است و با پارلمان سر و کاری ندارند. لکن این قسم دول نادرند و انفصال اختیارات دولت را به طور مطلق نمی‌توان قرار داد و ترتیب پارلمانی را باید مجری داشت (ص ۱۱۷) ولی لازمه‌ی این کار آن است که پارلمان طریق احتیاط را از دست نداده در مداخله در کار هیئت مجریه زیاده‌روی نکند. علاوه بر این باید اعضای پارلمان و فرقه باشند که یکی از ایشان موافق مسلک کابینه باشند و دیگری مخالف تا این که هر وقت موافقین کابینه اکثریت دارند کابینه پابرجا باشد و هرگاه مخالفین اکثریت یافتند، کابینه تغییر کند و هیئتی بر سر کار آید که موافق آن فرقه باشد. اما اگر اعضاء پارلمان منقسم به فِرَق متعدده باشند یحتمل هیچ کابینه پیدا نشود که اکثر اعضاء پارلمان با او موافق باشند و اگر هم بشود اکثریت جزیی خواهد بود و کابینه مستحکم نخواهد شد و این از معایب بزرگ ترتیب پارلمانی است، معهذا تا کنون ترتیبی بهتر و کاملتر از ترتیب پارلمانی داده نشده است.

مطلب سیّم
دارالشورای دولتی

(ص ۱۱۸) در بسیاری از دول علاوه بر پارلمان یک دارالشورای دولتی Conseil détat هم هست که شاه و وزراء در امور مهّمه‌ی دولت با آن مشاوره می‌کند.

ترتیب تشکیل دارالشورای دولتی مختلف می‌باشد ممکن است تعیین اعضاء به اختیار رئیس دولت باشد و ممکن است از روی انتخاب قرار داده شده باشد یا ترکیبی از این دو طریق باشد.

مشاوره با دارالشورای دولتی ممکن است برای شاه اختیاری باشد یا اجباری یا در بعضی امور اختیاری باشد و در برخی اجباری. آرایی هم که از دارالشورای بیرون می‌آید ممکن است برای شاه و وزراء حتمی الاجرا باشد یا نباشد.

موارد مشاوره با دارالشورای دولتی مختلف است عمده‌ی اموری که به آن انجمن رجوع می‌شود یکی قوانینی است که دولت می‌خواهد وضع کند که ابتدا آن را به دارالشورای دولتی می‌دهد تا تنقیح و تهذیب شود بعد به پارلمان می‌فرستد **(ص ۱۱۹)** که تصویب نمایند.

دیگر قراردادهایی است که دولت می‌خواهد در ادارات بگذارد.

دیگر محاربه یا مصالحه با دول خارج و کلیتاً هر امر مهّمی که برای دولت پیش می‌آید به دارالشورای دولتی رجوع می‌کند تا رأی متقن را به‌دست آورد.

برای دارالشورای دولتی وظایف دیگر هم به اقتضای زمان ومکان می‌توان تعیین نمود.

فصل سیمّ
اختیار محاکمه

محاکمه عبارتست از حل مشکلاتی که در ضمن اجرای قانون در موارد مشکوک پیش می‌آید به عارت اخری محاکمه باید معلوم کند که در فلان مورد کدام قانون باید مجری شود.

چنان که سابقاً اشاره کرده‌ایم در میان علماء حقوق در باب محاکمه اختلافی هست. بعضی (ص ۱۲۰) آن را علیحده و ثالث اختیار وضع قانون و اجرای آن می‌دانند. یعنی می‌گویند دولت دارای سه نوع اختیار است: اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون و اختیار محاکمه pouvoir judiciaire. بعضی دیگر محاکمه را جزء اجرا می‌دانند و می‌گویند اختیارات دولت فقط دو نوع است: وضع قانون و اجرای آن و اختیار اجراء هم دو شعبه است. یکی شعبه‌ی اداره‌ی امور، دیگر شعبه‌ی محاکمه.

غرض از این نزاع آن است که بدانیم قضات یعنی محاکمه‌کنندگان باید مثل سایر کارگزاران از جانب دولت تعیین شوند یا به حکم انتخاب ملت.

اگر عزل و نصب قضات با دولت باشد آرا و احکام ایشان ناچار تا یک اندازه تابع میل اجزاء دولت می‌شود و این امر منجر به استبداد می‌گردد زیرا که برای محفوظ ماندن جان و مال و حقوق مردم محاکمه‌کنندگان باید آزاد باشند و مقید به تبعیت میل دیگری نشوند.

(ص ۱۲۱) از طرف دیگر هرگاه تعیین قضات را به انتخاب مردم واگذار نماییم باز همان عیب بروز می‌کند. یعنی قضات مجبور می‌شوند موافق میل مردم حکم‌کنند و حال آن که باید مستقل باشند تا از روی عدل و انصاف رأی دهند یعنی حکم به حق نمایند.

برای آن که این مقصود حاصل شود یعنی قضات مستقل باشند و نه تابع هیئت مجریه و مقننه شوند، نه طرف مردم را بگیرند در غالب ممالک طریقه‌ی

مخصوصی پیش گرفته‌اند و آن این است که تعیین قضات را به دولت واگذار نموده‌اند اما دولت بعد از آن که قاضی را تعیین کرد حق ندارد او را عزل کند یا بدون رضای او جا و مقام او را تغییر دهد Inamovibilité des juges، مگر آن که قاضی تقصیر و خیانتی مرتکب شود. در آن صورت بعد از محاکمه معزول یا مجازات می‌شود.

حاصل این که محاکمه خواه اختیاری علیحده محسوب شود خواه نشود باید مستقل و از هیئت مجریه و مقننه جدا باشد. هیئت مجریه و مقننه در عمل محاکمه دخیل نشود (مگر در **(ص ۱۲۲)** مواقع معدودی که مستثنی شده است) و محکمه‌ها هم در وضع قانون مداخله ننمایند یعنی حکمی که می‌دهند راجع به مواقع خصوصی باشد و کلیت نداشته باشد که قانون شود. در عملِ اجرا هم داخل نشوند و اسباب تعویق اجرای قانون یا ابطال آن را فراهم نیاورند.

فقط حقی که محکمه‌ها بر اجرای قانون دارند این است که ناظر باشند بر این که از روی صحّت واقع شود و حقی که هیئت مجریه در امر محاکمه دارد این است که رئیس دولت به ترتیب مخصوص می‌تواند عقوبات را تخفیف دهد یا معاقب را معاف نماید.

شغل قضا با سایر مشاغل منافات دارد. یعنی قاضی نباید در ادارات دولت مستخدم باشد.

مواجب قضات و اجزاء محکمه‌ها باید به موجب قانون تعیین شود.

چون با همه قسم احتیاط ممکن است قضات در بعضی موارد تا یک اندازه تابع **(ص ۱۲۳)** میل دولت شوند برای این که جان و حقوق مردم به خوبی محفوظ باشد در بسیاری از ممالک محاکمه‌ی جنایات کبیره و تقصیرهای دولتی و تقصیرهای راجع به مطبوعات را مباشرت هیئت مصّدقین (ژوری jury) محوّل می‌کنند.

توضیح آن که در بسیاری از ممالک رسم است که در میان سکنه‌ی هر ولایت اشخاصی را که از حیث سّن و امانت مقبولیت دارند معین می‌کنند.

پس هر وقت بنای محاکمه‌ی جنایات کبیره و تقصیرهای دولتی یا راجع به مطبوعات می‌شود از اشخاص مزبور هیئتی از روی قرعه ترتیب می‌دهند و غالباً عده‌ی اجزای آن هیئت دوازده است. در حضور این هیئت شخص متهم را استنطاق می‌کنند و تحقیقات به عمل می‌آورند بعد از آن هیئت مزبور تصدیق می‌کند که آن شخص مقصر یا بی‌گناه است و قاضی بنابراین تصدیق حکم مجازات یا رهایی او را می‌دهد.

(ص ۱۲۴) هیئت مزبور را ژوری و اجزاء آن را مصّدقین (ژوره jurés) می‌نامند.

از مسائل راجعه به محاکمه این است که آیا حکم را یک‌نفر قاضی باید بدهد یا چند نفر. یعنی در محکمه‌ی واحد قاضی باید متعدد باشد یا واحد.

در بعضی ممالک در یک محکمه قاضی متعدد قرار می‌دهند و آنها باید متفقاً محاکمه کنند وحکم دهند و تعدد قضات برای آن است که حکمی که از محکمه صادر می‌شود به حقیقت نزدیکتر باشد. لکن این ترتیب یک عیب هم دارد و آن این است که چون قاضی متعدد شد هرکدام از ایشان در حکمی که داده می‌شود مسئولیت تامّه ندارد.

هیچ محکمه و دیوانخانه‌ای نباید برقرار شود مگر به موجب قانون یعنی کسی حق مرافعه و حکم دادن ندارد مگر این که جزء محکمه باشد که به موجب قانون تأسیس شده و به ترتیب مقرر عمل کند.

(ص ۱۲۵) هیچ‌کس را بدون رضای او نمی‌توان از محکمه‌ای که به موجب قانون برای او مشخص شده بازداشت. به این معنی که هر مرافعه و امری به موجب قانون راجع به نوعی از محکمه است و نباید هیچ‌کس را مانع شد از این که امر او به محکمه‌ی مخصوص آن رجوع شود و نباید مجبور کرد که در تحت محاکمه‌ی کسانی که صلاحیت ندارند درآید.

هیچ‌کس را نباید دستگیر کرد مگر به حکم محکمه با صاحب‌منصب پلیس.

هر کس را دستگیر کردند باید در ظرف بیست‌وچهار ساعت امر او تحقیق شود و اگر تقصیری برای او معلوم نیست رها شود.

محاکمه باید علنی باشد publicité de la justice. یعنی همه کس مجاز باشد که ناظر و تماشاچی محاکمه شود مگر این که محاکمه در امری باشد منافی عفت و تهذیب با این که مخلّ نظم و امنیت شود و خلاف مصلحت عموم باشد. در آن صورت باید تماشاچی در موقع محاکمه حاضر نباشد.

مجاکمه خواه علنی باشد خواه در پرده، حکمی که از ان نتیجه می‌شود باید علنی داده شود. (ص ۱۲۶) و موّجه باشد. یعنی در وقتی که قاضی می‌خواهد حکم بدهد حق ندارد مانع از حضور مردم شود و باید وجه آن حکم را نیز بیان نماید.

محاکمه باید مجانی باشد gratuité de la justice. یعنی قاضی باید از جانب دولت موظف باشد و نباید از مردم به جهت مرافعه و محاکمه، حق مطالبه کند. لکن مخارج دیگر مرافعه از قبیل حق ثبت و اجرت وکیل و غیره در جای خود هست.

مملکت باید از حیث اداره‌ی امور عدلیه منقسم تقسیمهای چند باشد به فراخور وسعت و مناسبت. تقسیمات ولایتی و ایالتی و در هر قسمت محکمه‌ها و دیوانخانه‌های چند باشد به درجات مختلفه. یعنی محکمه‌های جزء موجود باشد برای محاکمات مختصر و کم‌اهمیت و محکمه‌های عالی برای محاکمات امور کلی و مهم.

باید مردم حق داشته باشند که از حکم یک محکمه، استیناف به محکمه‌ی عالیتر نمایند. یعنی اگر از حکم آن محکمه راضی نیستند به محکمه‌ی بالاتری رجوع کنند (ص ۱۲۷) و در آن‌جا تجدید محاکمه شود و حکم سابق اثبات یا منسوخ گردد.

فوق تمام محکمه‌ها و دیوانخانه‌ها یک دیوانخانه‌ی تمیز هست که در یک مرافعه چون محکمه‌های متعارفی حکم دادند و استیناف هم به‌عمل آمد باز

اگر کسی مدعی باشد که از روی صحّت حکم داده نشده به دیوانخانه‌ی تمیز رجوع می‌کنند. و آن دیوانخانه ممیزی کرده تصدیق می‌کند که حکم مزبور از روی ترتیب صحیح داده شده یا نه و اگر دیوانخانه تصدیق به عدم صحّت حکم بنماید دوباره مرافعه در محکمه‌های متعارفی تجدید می‌شود تا حکم صحیح به‌دست آید.

در بعضی ممالک محاکماتی را که در آنها ادارات دولتی طرف باشند رجوع به محکمه‌های متعارفی نمی‌کنند و برای این قسم محاکمات محکمه‌های مخصوص از اجزاء همان ادارات یا غیرآنها برقرار می‌نمایند. به‌ملاحظه‌ی این‌که ادارات دولتی که تشکیل هیئت مجریه را می‌دهند باید مستقل بوده تابع محاکمه‌کنندگان یعنی قضات نباشند. ولی بعضی این ترتیب را خلاف می‌دانند و می‌گویند کلیه‌ی (ص ۱۲۸) محاکمات باید به محکمه‌های متعارفی رجوع شود خواه راجع به افراد ناس باشد خواه به ادارات دولتی. و اگر غیر از این بکنند اختیار محاکمه از اختیار اجراء مجزی نشده و در کار یکدیگر مداخله جایز شمرده‌اند.

(ص ۱۲۹) باب دوّم
حقوق ملت

پیش از این گفته‌ایم که دولت هیئتی است مأمور نگهبانی عدل و حفظ نظام هیئت اجتماعیه‌ی بشر. و اظهار داشتیم که دولت این وظیفه‌ی خود را به عمل می‌آورد به واسطه‌ی وضع قوانین و اجرای آنها و معلوم کردیم که دولت مشروطه آن است که وضع قوانین و اجرای آنها را به دو هیئت جداگانه مفوض نموده باشد و کیفیت این امور را به تفصیل بیان کردیم.

اکنون باید دانست که ترتیبات سابق‌الذکر برای مشروطه بودن دولت کفایت نمی‌کند و شرط دیگر هم لازم است به این معنی که دولت نباید مختار باشد که هر قسم قانونی می‌خواهد وضع کند و باید مقید به بعضی قیود (ص ۱۳۰) و حدود باشد.

توضیح آن که افراد ناس بالفطره و بالطبیعه بعضی حقوق عمومی دارند که دولت باید آنها را رعایت کند به‌طوری که وضع قوانین و اجرای آنها منافی حقوق مزبوره نشود زیراکه بنای دولت برای حفظ همین حقوق نهاده شده و اگر غیر از این کند از وظیفه‌ی خود خارج و متعدی شده است.

پس هیچ قانونی صحیح و موافق عدالت نخواهد بود مگر این که منافی حقوق افراد ملت نباشد و حدی برای رعایت حقوق افراد نمی‌توان تصور کرد مگر به سبب دو امر:

یکی این که اجرای حق یک نفر مضر و منافی اجرای حق دیگری نباید بشود.

دیگر این که در بعضی مواقع نفع عموم مقدم بر نفع خصوص است.

حقوق عمومی ملت مجموعاً در تحت دو عنوان درمی‌آید. اول: آزادی. دویم: مساوات. و ما این دو عنوان را در ضمن دو فصل بیان کرده به شرح (ص ۱۳۱) انواع و اقسام آنها می‌پردازیم.

فصل اول
آزادی

آزادی عبارت است از این که شخص اختیار داشته باشد هر کاری را که میل دارد بکند به شرط آن که ضرری به دیگران وارد نیاورد.

پس نباید آزادی را با خودسری اشتباه کرد زیرا که آزادی آن نیست که شخص همه کاری بتواند بکند. و اختیار هر کس حدی دارد و آن حد عبارت از قیودی است که به جهت آزاد بودن سایر مردم لازم است. به عبارت اخری قیودی که مقتضی مصلحت هیئت اجتماعیه باشد.

حدود و قیود مذکوره به توسط قوانین معین می‌شود و قانون نباید منع کند مگر آن‌چه را که واقعاً برای هیئت اجتماعیه مضّر باشد و هیچکس نباید دیگری را (ص ۱۳۲) به ارتکاب عملی که به موجب قانون ممنوع است مجبور نماید.

نباید تصور کرد که قید قانون مردم را از آزادی محروم می‌نماید بلکه وجود قانون برای حصول آزادی لازم است زیرا که اگر مردم خودسر باشند به حقوق یکدیگر تعّدی می‌کنند و در آن صورت البته هر کس بنده‌ی آن می‌شود

که قویتر از خود او باشد. پس باید اطاعت قانون کنیم تا به بندگی مردم مبتلا نشویم.

حصول آزادی برای ملت موقوف به داشتن بعضی اختیارات است و اصول آن اختیارات از این قرار است: اختیار نفس، اختیار مال، اختیار منزل، اختیار کار و پیشه، اختیار عقاید، اختیار طبع و اظهار افکار، اختیار اجتماع و تشکیل انجمن، اختیار تعلیم و تعلم و ترتیب، اختیار عَرض.

اینک هر یک از اختیارات مذکوره را در تحت عنوانی بیان می‌کنیم.

(۱۳۳) اختیار نفس

اختیار نفس به‌طور کلی همان آزادی است که معنی آن را در فوق بیان کردیم. اما به‌طور خصوص اختیار نفس که آن را آزادی شخصی هم می‌توان گفت عبارت است از این که شخص مختار باشد هر جا می‌خواهد برود یا بماند و کسی نتواند مانع او شود.

لازمه‌ی اختیار نفس نبودن رسم غلامی و بندگی است و بنابراین در دول مشروطه خرید و فروش غلام و کنیز ممنوع است و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت یک انسانی را بنماید اعّم از این‌که آن انسان سیاه باشد یا سفید، موحد باشد یا مُشرک.

علاوه براین رعیت در اقامت در محل و زراعت و کار کردن در آن محل مختار است و کسی نمی‌تواند او را مانع از مهاجرت و نقل مکان شود. فقط قیدی که در این باب ممکن است باشد این است که شخص مهاجر یا مسافر بعضی مراسم را که به موجب قانون برقرار شده از قبیل داشتن تذکره (ص ۱۳۴)·(پاسپُرت) به عمل آورد.

در بعضی ممالک تعهد خدمت ابدی و تابعیت دائمی یک شخص را نسبت به شخص دیگر نیز ممنوع داشته‌اند به احتیاط این که مبادا این امر منجر به عبودیت آن شخص به نسبت به دیگری شود.

دیگر از لوازم اختیار نفس این است که هیچ‌کس را نتوان دستگیر نمود و نگاه داشت و حبس کرد مگر در مواردی که قانون معین کرده و به ترتیبی که قانون قرار داده است.

همچنین هیچ‌کس را نمی‌توان مجازات کرد مگر به موجب قانونی که قبل از وقوع جنایت او وضع و اعلان شده باشد.

حدی که برای اختیار نفس قرار داده می‌شود همان است که محض مصلحت هیئت اجتماعیه و حفظ نظم و امنیت به موجب قانون معین شده است. از این قرار مباشرین نظمیه می‌توانند شخصی را که متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی باشد دستگیر (ص ۱۳۵) کنند در صورتی که حکم کتبی محکمه را در دست داشته باشند یا این که جانی را در حین ارتکاب جنایت گرفتار نمایند. و برای این که این مسئله منجر به ظلم و نقص آزادی شخصی نشود رسوم و قوانینی باید مرعی باشد.

دیگر این که در بعضی موارد قانون اجازه می‌دهد که به جهت مجبور کردن مقصر به ادای جریمه و تلافی خسارتی که وارد آورده او را حبس کنند تا وقتی که ادای ذمه‌ی خود را بنماید.

دیگر این که قاضی می‌تواند بعضی اوقات به مجازات جنایتی که از کسی سر زده به موجب قانون او را از آزادی شخصی محروم کرده موقتاً یا دائماً محکوم به حبس نماید و به کارهای جبری وادارد.

مورد دیگر برای نقض آزادی شخصی خدمت نظامی است که ممکن است قانون مملکت اهالی را بدان مجبور نماید و برای حفظ وطن باید تمکین کنند. این دو مورد اخیر نقض اختیار کار هم هست چنان که بعد معلوم خواهد شد.

اختیار مال

(ص ۱۳۶) هر کس مختار مال خود می‌باشد و حق دارد هر نوع می‌خواهد آن

را به مصرف برساند در صورتی که عملی مخالف قانون مرتکب نشود و هیچ‌کس حق ندارد کسی را از مالش محروم نماید.

از نتایج اختیار مال یکی این است که دولت حق ندارد اموال کسی را به‌طور کلی ضبط کند هرچند آن کس مقصر و جانی باشد. زیرا که هر تقصیر و جنایتی مجازاتی دارد و مجازات باید فقط راجع به شخص جانی بشود و حال آن که ضبط اموال جانی گذشته از شخص او به بازماندگان او نیز ضرر می‌رساند.

دولت بعضی اموال خصوصی را حق ضبط دارد و آن اموالی است که موضوع جنایتی واقع شود (مثلاً مال‌التجاره‌ای که معامله‌ی آن ممنوع باشد) یا وسیله‌ی ارتکاب جنایتی باشد یا نتیجه‌ی ارتکاب جنایتی شود.

اختیار مال حدی هم دارد و آن اولاً مالیات است که دولت حق دارد از روی قانون بر اموال مردم وضع کند و درواقع مالیات کمکی است (ص ۱۳۷) که هر فردی باید به مخارج عمومی ملت بنماید. ثانیاً این که هرگاه مصلحت عموم اقتضا کند دولت حق دارد مالی را از تصرف مالک آن بیرون آورد. ولی شرط آن این‌است که اقتضای مصلحت عموم از روی تحقیق بر وفق قانون مسلم گردد و در موقع اخراج مال از تصرف مالک رفع خسارت او هم از روی عدل و انصاف بشود.

اختیار منزل

اختیار منزل لازمه‌ی اختیار نفس است و نتیجه‌ی آن این که هیچ‌کس حق ندارد داخل خانه‌ی کسی شود مگر به رضا و اجازه‌ی او. و اگر کسی به زور بدون اجازه به خانه‌ی دیگری برود باید مجازات شود و هرگاه از عمال دولت باشد مجازاتش سخت‌تر باید باشد.

ولی قانون ممکن است استثنایی برای این قاعده قرار دهد. از این قرار که هنگام شب می‌توان بدون اجازه داخل خانه‌ی کسی شد در صورتی که (ص ۱۳۸) آب یا آتش خانه را فراگرفته و اسباب مخاطره شده باشد یا در

صورتی که کسی از درون خانه از خارج استمداد بطلبد.

هنگام روز علاوه بر موارد مزبور عمّال حکومت حق دخول در خانه‌ی شخصی دارند در صورتی که حکم محکمه را داشته باشند برای دستگیر کردن مقصر یا تفتیش اشیاء لازمه تحقیق مطلب یا اجرای قوانین عدلیه و مالیه و نظمّیه. درکلیه‌ی این موارد رسوم و ترتیباتی به موجب قانون باید باشد و مرعی شود و در غیر موارد معّینه به هیچ‌وجه نباید حق اختیار منزل از مردم سلب شود ولی این قاعده راجع به منازل خصوصی است. یعنی اماکن عمومی از قبیل قهوه‌خانه و مهمانخانه و دکان و قمارخانه و امثال آن جزء خانه و منزل محسوب نیست و اجزاء نظمیه همه‌وقت حق دارند در آن‌جا داخل شده نظارت نمایند.

اختیار کار و پیشه

اختیار کار و پیشه که لازمه‌ی اختیار نفس و مساوات می‌باشد عبارت است (ص ۱۳۹) از این که شخص مختار باشد که کار بکند یا نکند و هر کار و پیشه‌ای را که میل دارد بدان اشتغال ورزد و در صورتی که کار او منافی آزادی دیگران نباشد. و هر کس به هر وسیله‌ای بخواهد این اختیار را از دیگری سلب نماید باید مجازات ببیند و اگر هم کسی نسبت به دیگری تعهدی کند که سلب اختیار کار از او بنماید آن تعهد باطل است.

از نتایج اختیار کار این است که شخص در کاری که می‌کند مختار باشد هر طریقه و شیوه‌ای را که مصلحت می‌داند اختیار کند و جنس خود را هم به هر قیمتی که می‌خواهد بفروشد (مگر بعضی اجناس ضروری زندگی را که بلدیه در موقع لزوم می‌تواند تعیین نرخ نماید).

سابقاً اختیار کار به چند طریق از مردم سلب می‌شد. یکی بنا بر رسم غلامی و کنیزی. دیگر به واسطه‌ی انحصار و اختصاص برخی از مشاغل به بعضی طوائف و خانواده‌ها. دیگر به واسطه‌ی پاره‌ای ترتیبات اصناف که سابقاً در بعضی نقاط معمول بود که هیچ‌کس (ص ۱۴۰) نمی‌توانست پیشه‌ای

اختیار کند مگر این که داخل در صنف باشد و داخل شدن در صنف هم شرایط و قیود و مشکلات داشت و این جمله امروز در ممالک آزاد متروک است.

اما دولت برای اختیار کار حدودی هم می‌تواند قرار دهد و آن بنا به مصلحت عموم است یا به ملاحظه‌ی صرفه‌ی مالی دولت.

حدودی که به مصلحت عموم قرار داده می‌شود چند قسم است: اولاً شرایط راجع به حفظ صحّت از قبیل منع کردن اطفال و نسوان از اشتغال به بعضی صنایع، یا محدود کردن کار شبانه‌روزی کارگر، یا مقید کردن وضع و موقع بعضی کارخانجات و ادارات به برخی شرایط و قس علی ذالک. ثانیاً شرایط و قیودی که برای اختیار بعضی پیشه‌ها گذاشته می‌شود از قبیل این که طبیب و جراح و دواساز و قابله و دندانساز و وکیل مرافعه باید دیپلم یعنی تصدیقنامه‌ی تحصیل داشته باشند. ثالثاً منحصر نمودن دولت بعضی صنایع و حرف را به خود به جهت حفظ نفوس (ص ۱۴۱). مثل ساختن شوره و باروت، یا برای صحّت و حسن اداره‌ی آنها از قبیل پُست و تلگراف و راه‌آهن و امثال آنها، یا دادن امتیاز انحصاری بعضی صنایع و اعمال را به مخترعین آنها در مدت معین به جهت تشویق و ترغیب مردم به سعی در کشف و اختراع.

اما حدودی که به ملاحظه‌ی صرفه‌ی مالی دولت در اختیار کار قرار داده می‌شود عبارت است از این که دولت بعضی اوقات هر گاه برای مخارج خود کسر محل داشته باشد بعضی کسبها را منحصر به خود می‌کند که منافع آنها را به مصارف دولتی بزند مثل این که در بعضی ممالک تجارت توتون یا ساختن کبریت منحصر به دولت است.

اختیار عقاید

اختیار عقاید عبارت است از این که شخص هر نوع عقیده در امور سیاسی و دینی و غیرها داشته باشد بتواند آنها را اظهار کند و کسی حق نداشته باشد (ص ۱۴۲) متعرض او شود یا او را مجبور به قبول عقیده‌ی دیگر نماید یا

بعضی حقوق را از او سلب کند.

لازمه‌ی اختیار عقاید این است که شخص هر دین و مذهبی که دارد بتواند بدان عمل کند و کسی حق ممانعت نداشته باشد.

حدی که برای اختیار عقاید قرار می‌دهند این است که عقیده‌ای که شخص اظهار می‌کند یا رسوم دینی و مذهبی که معمول می‌دارد مخّل آسایش عموم نباشد و منافی امنیت نشود والا دولت حق دارد مانع آن شود.

سابق بر این در اکثر ممالک مردم اختیار عقاید نداشتند یعنی اگر در امور سیاسی اظهار عقیده می‌کردند که منافی میل دولت بود یا دین و مذهبی غیر از دین و مذهب رسمی داشتند به زحمت و مشقت می‌افتادند، شکنجه و عذاب می‌دیدند، بلکه به قتل می‌رسیدند.

امروز در دول مشروطه این ترتیب متروک شده عقاید به کلی از ادات است (ص ۱۴۳) و در باب ادیان یکی از دو طریقه اختیار کرده‌اند:

یکی آن که دین و دولت به کلی از هم منفصل است. یعنی دولت در امور دینی هیچ‌گونه مداخله ندارد و در جزء بودجه‌ی دولت به جهت مصارف دینی چیزی منظور نمی‌شود و مصارف هر دین را معتقدین آن دین شخصاً متحمل می‌شوند.

طریقه‌ی دویّم آن است که دولت یکی از ادیان را دین رسمی قرار می‌دهد و در آن صورت ممکن است مصارف آن دین را جزء بودجه دولت منظور بدارد.

اختیار طبع و اظهار افکار

اختیار طبع و اظهار افکار یکی از حقوق شریفه‌ی انسان است و علاوه بر این که فی‌نفسه مطلوب می‌باشد اهمیت کلی دارد به واسطه‌ی این که این اختیار حافظ سایر حقوق و اختیارات می‌شود. یعنی اگر انسان بتواند افکار خود را اظهار کند و مطالب خویش را به طبع برساند. هرگاه حقوق و اختیارات او (ص ۱۴۴) پایمال شد به توسط تقریر و تحریر و اوراق مطبوعه شکایت

می‌کند و مطالبه‌ی حقوق خویش را می‌نماید.

سلب اختیار اظهار افکار علاوه بر این که ظلم است، مفسده‌ی بزرگی هم دارد و آن این است که انسان چون در اظهار افکار خود مختار نباشد ناچار دروغگو و مزور و فاسدالاخلاق می‌شود. بنابراین امروز در دول متمدنه یعنی نزد ملل آزاد اختیار طبع و اظهار افکار برای همه کس حاصل است و از لوازم مشروطیت محسوب می‌شود.

اما سابق این‌طور نبوده و آزادی مطبوعات همیشه موانع بزرگ داشته و مستبدین به انواع مختلفه این حق را از مردم سلب می‌کردند.

یکی از طرق ممانعت آزادی مطبوعات این بود که دایر کردن چاپخانه و کتابفروشی را موقوف به اجازه‌ی دولتی نمایند.

طریق دیگر این که طبع کردن کتب و اوراق و جراید را موقوف به اجازه کنند (ص ۱۴۵). طریق دیگر این که قرار بگذارند هر کتاب یا روزنامه که کسی بخواهد چاپ کند قبل از وقت، دولت در آن نظارت نموده هرچه را که مصلحت نداند از آن ساقط نماید.

طریق دیگر این که مدیر روزنامه یا چاپخانه مجبور باشد مبلغی به عنوان وجه ضمانت تسلیم حکومت نماید.

امروز در دول مشروطه ترتیبات مذکوره متروک است و هر کس در دایر کردن مطبعه و کتابفروشی و طبع کتاب و اوراق و جراید به هر وسیله بخواهد آزاد می‌باشد. فقط برای این که این آزادی منافی مصلحت عموم و مخّل آزادی دیگران نشود بعضی شرایط در کار است که باید صاحبان مطبعه و طبع‌کنندگان کتاب و رزونامه مرعی بدارند و شرایط مزبور به‌طور اجمال از این قرار است.

در کتب و اوراق غیر دائمی صاحب مطبعه باید اسم و منزل خود را معین (ص ۱۴۶) کند و چند نسخه هم از چیزی که به طبع رسانیده به دولت تسلیم نماید.

اما اوراق دائمی یعنی روزنامه و مجله باید یک نفر مدیر داشته باشد که

معلوم و مسئول باشد و قبل از آن‌که روزنامه تأسیس شود مدیر آن باید احداث و عنوان و طریق انتشار آن را به اسم و منزل خود و اسم مطبعه به دولت اطلاع بدهد و هر ورقه که طبع می‌شود چند نسخه از آن به دولت تسلیم کند و در هر نسخه که به طبع می‌رسد اسم مدیر مذکور باشد.

شرایط فوق به جهت تسهیل مجازات کسانی است که به واسطه‌ی مطبوعات مرتکب جنایت می‌شوند.

جنایاتی که به توسط مطبوعات می‌شود چند قسم است: یکی آن که مخّل امنیت و منافی مصلحت عموم باشد از قبیل ترغیب و تحریک مردم به ارتکاب جنایات یا نقل اخبار کذب که باعث فتنه شود از روی عمد یا توهین رئیس دولت یا سفرای خارجه و رؤسای دول خارجه و قس علی‌ذلک.

(ص ۱۴۷) دیگر آن که توهین و هتک آبروی اشخاص باشد (مکر نقادی اعمال کارگذاران دولت که اگر صدق باشد جنایت محسوب نمی‌شود).

دیگر آن که منافی عصمت و تهذیب اخلاق باشد.

جنایاتی که به توسط مطبوعات می‌شود باید در حضور هیئت مصّدقین (ژوری) محاکمه شود.

هر کس اسمش بالصّراحه یا به کنایه در روزنامه به بدی مذکور شد حق دارد جواب بدهد و صاحب روزنامه مجبور است جواب او را در همان روزنامه و در همان محل درج نماید.

جنایاتی که به توسط تقریر و تکلّم واقع شود نیز مانند جنایات تحریری مطبوعات است و همان‌طور باید مجازات یابد.

یکی از لوازم اختیار اظهار افکار رعایت مکتوم بودن مراسلات است و بنابراین دولت به هیچ‌وجه حق ندارد مکاتیبی را که مردم به پست می‌دهند **(ص ۱۴۸)** باز کند و مندرجات آن را ملاحظه نماید.

اختیار اجتماع و تشکیل انجمن

تفاوتی که بین اجتماع و انجمن می‌گذاریم این است که اجتماع موقتی است و تجدید نمی‌شود ولی انجمن اجتماعی است که هر روز یا به فاصله‌های معین به جهت مقصود مشخص وقوع می‌یابد.

در دوره‌ی استبداد اجتماع و انجمن موانع داشت بعضی اوقات به کلی آن را ممنوع می‌کردند و گاهی مشکلات برای آن می‌تراشیدند.

در دول مشروطه اجتماع و انجمن آزاد است و هیچ‌گونه مانع و مشکلی در پیش نباید داشته باشد ولی برای این که تولید مفسده نکند قوانین مخصوصه برای آن می‌توان وضع نمود.

مثلاً قوانینی که به جهت اجتماع ممکن است وضع شود این است که اشخاصی که می‌خواهند در یک‌جا اجتماع کنند قبل از وقت به حکومت خبر دهند و متعهد (ص ۱۴۹) باشند که حربه نداشته باشند و در شارع عام جمع نشوند و رعایت نظم و امنیت را بنمایند و حکومت حق داشته باشد از جانب خود در آن‌جا کسی را بگمارد. اما برای تشکیل انجمن عموماً شرایطی قرار نمی‌دهند مگر رعایت قوانین و ملاحظه‌ی عفت و عصمت.

اختیار تعلیم و تعلّم

اختیار تعلیم و تعلم عبارت از این است که هر کسی مختار باشد معلومات و معتقدات خود را به هر نحو می‌خواهد اظهار کند و تعلیم نماید و همچنین هر کسی مختار باشد در هر مدرسه که میل دارد یا نزد هر معلمی که می‌خواهد تعلم کند یا فرزند خود را به تعلم وادارد.

از نتایج اختیار تعلیم و تعلم این است که هر کس حق داشته باشد تأسیس مدرسه و حوزه‌ی درس نماید ولی در این‌خصوص ممکن است شرایطی هم قراردهند مثلاً به موجب قانون کسی که می‌خواهد تأسیس مدرسه کند دارای تصدیقنامه و دیپلم باشد و حدی هم برای سن او منظور شود.

(ص ۱۵۰) بعضی را عقیده این بوده است که مردم اختیار تعلیم و تعلم نباید داشته باشند و تعلیم باید منحصر به مدارس دولت باشد لکن این ترتیب، هم‌ظلم است هم‌خلاف مصحلت.

ظلم است به‌واسطه‌ی این که اختیار تعلیم و تعلم درواقع شعبه‌ای است از اختیار نفس و اختیار عقاید و افکار و همان‌طور که آن اختیارات نباید از کسی سلب شود اختیار تعلیم و تعلم هم باید حاصل باشد.

خلاف مصلحت است به واسطه‌ی این که هر گاه مدارس دولتی امتیاز انحصار تعلیم داشته باشند رقابت و همچشمی از میان می‌رود و ترقی متوقف می‌شود و کسانی که در علم و حکمت آراء جدیده و اکتشافات تازه دارند موقع اظهار پیدا نمی‌کنند و این به معارف و ترقی عالم ضرر بزرگی وارد می‌آورد.

اختیار عرض

اختیار عرض وسیله‌ای حفظ سایر حقوق و اختیارات است و عبارت است (ص ۱۵۱) از این که شخص حق داشته باشد به هیئت مقنّنه یا هیئت مجریه عرض مطلب بنماید به عبارت اخری عریضه تقدیم کند.

در دول مشروطه تقدیم عریضه به هیئت مقنّنه اهمیت مخصوص دارد و عریضه که به آن هیئت داده می‌شود یا به غرض شخصی است یا به غرض نوعی.

عزیضه‌ای که محض غرض شخصی باشد عبارت است از تظلم و تشکی که شخص بکند از تعدی و اجحافی که درباره‌ی او به عمل آمده باشد.

عریضه‌ی مبنی بر غرض نوعی آن است که شخص قانونی به هیئت مقننه پیشنهاد کند که وضع نمایند یا قانون موجودی را اصلاح و جرح و تعدیل کنند.

بنابراین اختیار عرض وسیله‌ای است که هم افراد را از پایمال شدن حقوقشان محفوظ می‌دارد و هم ایشان را مستقیماً در عمل وضع قانون شریک می‌نماید.

اختیار عرض برای عموم ناس حاصل است خواه مرد باشند (ص ۱۵۲) خواه زن، صغیر یا کبیر، خودی یا بیگانه، لکن شرایطی دارد که باید منظور شود از این قرار:

عریضه‌ای که به هیئت مقننه یعنی مجلس وکلا یا مجلس سنا تقدیم می‌شود باید مکتوب باشد و امضای صحیح صریح داشته باشد.

طریق رسانیدن عریضه به مجلس این است که آن را به رئیس مجلس یا یکی از اعضاء دفتر مجلس بدهند ولی کسی نباید شخصاً عریضه به مجلس ببرد زیرا که در آن صورت ممکن است به عنوان تقدیم عریضه ازدحامی از مردم در مجلس بشود و اسباب اغتشاش یا ذهن مجلس فراهم آید.

در مجلس یک کمیسیون مخصوص هست موسوم به کمیسیون عرایض که باید به آنها رسیدگی کند. نتیجه‌ی رسیدگی کمیسیون به عرایض این است که آن را برای یکی از وزرا بفرستد یا این که علاوه بر رجوع به وزیر در مجلس هم مطرح کند یا این که قابل اعتنا ندانسته مسکوت‌عنه گذارد.

(ص ۱۵۳) کمیسیون عرایض هر ماه صورت عرایضی راکه تقدیم مجلس شده با مضمون آنها و اسم صاحب امضاء و حکمی که کمیسیون درباره‌ی آنها کرده به تمام اعضاء مجلس می‌دهد و اعضاء مجلس حق دارند مطالبه کنند که فلان عریضه در مجلس مطرح شود.

فصل دویّم

مساوات

در این‌جا غرض از مساوات یکسان بودن حقوق عموم ناس است یا به عبارت اخری عبارت است از این که قانون درباره‌ی همه کس یکسان باشد و برای هیچ‌کس استثناء و مزیت قرار داده نشود و اگر هم تفاوتی در میان مردم

گذاشته شود محض مصحلت و خیر عموم باشد.

مساوات حقوق غیر از مساوات احوال است و این نوع مساوات صورت گرفتنی نیست زیرا که مردم بالفطره و بالطبّیعه از حیث قوه و **(ص ۱۵۴)** توانایی و قابلیت و اخلاق و خیالات تفاوت دارند و این اختلافات ناچار منجر به اختلاف احوال می‌شود.

مساوات حقوق همیشه در تمام ممالک حاصل نبوده و بسیار اتفاق افتاده که طبقات مردم از یکدیگر امتیاز داشته‌اند. جماعتی از اعیان محسوب می‌شدند و از تحت بعضی قوانین خارج بودند؛ مزایای چند داشتند و با سایر مردم یکسان در تحت محاکمه و مجازات درنمی‌آمدند. ولی امروز در دول مشروطه این اختلافات موقوف شده و اگر هم در جایی عنوان اعیانیت باقی است فقط افتخاری می‌باشد و برای کسی اثبات حق مخصوصی نمی‌کند. مساوات حقوق را می‌توان به چهار شعبه منشعب نمود از این قرار: مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل محاکم عدلیه، مساوات در مشاغل و مناصب، مساوات در مالیات.

مساوات در مقابل قانون

(ص ۱۵۵) مساوات در مقابل قانون عبارت از این است که کلیه‌ی قوانین درباره‌ی عموم ناس یکسان وضع شود و یکسان مجری گردد و رعایت نسب و تشخص و تمول در حق هیچ‌کس به عمل نیاید. مسکین و غنی و وضیع و شریف چون در موارد متشابهه واقع شوند احکام قانون در باب ایشان متشابه باشد خواه آن موارد در امور جاریه‌ی زندگی باشد از قبیل معاملات و معاهدات و توارث و امثال آن، خواه در مسئله‌ی جنایت و مجازات.

سابقاً در بعضی ممالک همه کس یکسان حق تحصیل مال و معامله و معاهد نداشت و مخصوصاً قانون مجازات درباره‌ی اشخاص مختلف می‌شد. قاتل اگر از اعیان بود یک‌نوع جزا می‌دید و اگر از دانی ناس بود نوع دیگر و قس

علی‌ذالک. لکن امروز این ترتیب منسوخ است و باید مطلقاً مساوات مرعی باشد.

مساوات در مقابل محاکم عدلیّه

مساوات در مقال محاکم عبارت از این است که محکمه‌های عدلیّه متعلق به عموم (ص ۱۵۶) ناس باید باشد و برای اشخاص مخصوص محکمه‌ی مخصوص نباید باشد.

سابق بر این در بعضی ممالک هر وقت در مرافعه اعیان و روحانیون طرف بودند محکمه‌یً مخصوصی برای ایشان تشکیل می‌شد و مرافعه و محاکمه به طریق خاص صورت می‌گرفت. علاوه بر این مرافعه‌کنندگان می‌بایست به قضات تعارفات و حق بدهند و مخارج گزاف بکنند و به این واسطه فقرا قادر بر مرافعه نبودند.

امروز این ترتیب به هم خورده و باید محکمه‌های خصوصی به کلی موقوف باشد. اختلاف محکمه‌ها فقط مبنی بر اختلاف موضوع محاکمه است نه بر تفاوت اشخاص. از این گذشته چنان‌که سابق مذکور داشته‌ایم در قانون قید می‌شود که هیچ‌کس را نمی‌توان از محکمه‌ای که قانون برای او تعیین کرده منصرف نمود و بازداشت و به محاکمه‌ی خاص طلبید. علاوه بر این محاکمه مجانی است یعنی مرافعه‌کنندگان به قاضی نباید حق یا تعارف بدهند و برای سایر مخارجی هم (ص ۱۵۷) که در مرافعه پیدا می‌شود از قبیل حق‌الوکاله و حق ثبت و غیرها ترتیبی قرار می‌دهند که فقرا از آن معاف شوند.

مساوات در مشاغل و مناصب

مساوات در مشاغل و مناصب که لازمه‌ی آزادی کار و پیشه است عبارت از این است که مشاغل و مناصب مخصوص طایفه و طبقه‌ی مشخص معینی نباشد و همه‌کس حق داشته باشد که به جمیع مراتب و مشاغل و مناصب نایل شود و

حدی در این باب نباشد مگر قابلیت و کفایت شخصی و حسن اخلاق.
مشروط نمودن نیل مناصب و مشاغل به مدارج تحصیل و امتحان و تصدیقنامه و امثال آن منافی با مساوات نیست زیرا که این شرایط محض رعایت کفایت و قابلیت قرار داده می‌شود.

مساوات در مالیات

مساوات در مالیات این است که هر مالیاتی که بر مردم وضع می‌شود عمومیت (ص ۱۵۸) داشته باشد و هیچ‌کس بی‌جهت معاف نشود و هر کس به نسبت قوه و استطاعت خود مالیات بدهد.

در اوقاتی که مساوات برقرار نبوده در بعضی جاها بعضی طبقات از قبیل اعیان و روحانیون در مالیات معاف بودند و اگر هم معاف نبودند به عنوان تخفیف و امثال آن طفره می‌زدند و بارکلیه‌ی عوارض و مالیات بر دوش رعایا می‌افتاد.

امروز عدل چنین اقتضا می‌کند که هر کس از حفظ و حمایت دولت یعنی قانون بهره‌مند است در مخارج اجرای قانون کمک کند یعنی مالیات بدهد و مالیاتی که می‌پردازد به تناسب استطاعت او باشد و به تناسب همان بهره که از وجود دولت می‌برد. و بنابراین قوانین مالیه که وضع می‌شود باید طوری باشد که رعایت این اصول را بنماید.

معافیت از مالیات هرگاه از روی حقانیت درباره‌ی فقرا منظور شود (ص ۱۵۹). منافی با مساوات نیست زیرا که نظر به استطاعت طرف مقابل است.

مؤلف گوید

اختلالی که به سبب فوت مرحوم مغفوره ذکاءالملک طابت ترتبه در امور این بنده دست داد تألیف و طبع این کتاب را به تأخیر انداخت و این ناچیز را در

خدمت بعضی از آقایان و دوستان که منتظر انتشار آن بودند شرمنده ساخت. لهذا برای این که بیش از این در انتظار نمانند و بنده را به تقاعد متصف نسازند این قسمت از کتاب مزبور را که عبارت از کلیات علم حقوق اساسی است منتشر می‌نماید و آن را برای مابقی معطل نمی‌کند. و از خداوند توفیق می‌خواهد که بقیه‌ی آن را هم در مجلدی جداگانه به طبع برساند و ضمناً محض توضیح معروض می‌دارد که آن‌چه در این جلد مذکور شده قواعد کلیه است و بیان قوانین اساسی هیچ دولت مخصوصی نیست انشاءالله.

(ص ۱۶۰) در جلد ثانی قوانین اساسی بعضی از دول معتبره را باز نموده بعد از آن به شرح و تفسیر قانون اساسی دولت علیه ایران صانهاالله تعالی عن‌الحدثان و مقایسه‌ی آن با قوانین سایر دول خواهیم پرداخت.

این رساله‌ی شریفه به قلم شکسته‌ی این بنده‌ی ضعیف

مرتضی الشریف النجم‌آبادی

نوشته شد.

فی شهر ربیع الاول من شهور سنه‌ی ۱۳۲۶ هجری

بخشی دیگر از اسناد مدرسه‌ی علوم سیاسی

بخشی دیگر از اسناد مدرسه‌ی علوم سیاسی
فهرست اسناد

۱. سواد بودجه‌ی مدرسه که هیأت وزرا برای سال ۱۳۳۴ تصویب کرده است. از این صورت بودجه در ضمن می‌توان به فهرست درسها و فعالیتها و هزینه‌های کلی مدرسه نیز پی برد.

۲. دو نامه‌ی وزارت خارجه به مدرسه‌ی علوم سیاسی که یکی وصول صورت‌حساب یکساله اقساط مأخوذه از متعلمین را اعلام می‌دارد و دیگری وصول وجوهی که به اقساط از متعلمین دریافت شده و همچنین قیمت کتب مدرسه راکه به فروش رسیده است اعلام می‌دارد.

۳. دو نامه‌ی وزارت خارجه به مدرسه:

الف ـ اعلام وصول مبلغ سیصد تومان وجه از بابت طلب اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه که منتصرالممالک رئیس سابق اداره‌ی محاسبات به عنوان مساعده داده بوده است.

ب ـ اعلام وصول مبلغ یکصد و هفتاد و پنج تومان و دویست دینار از بابت طلب اداره‌ی محاسبات وزارتخانه که رئیس سابق اداره‌ی محاسبات به عنوان مساعده به مدرسه داده بوده است.

۴. نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت خارجه به دکتر ولی‌الله‌خان مدیر مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع به درخواست پنجاه تومان اضافه مقرری که هیأت وزراء تصویب کرده است.

۵. سند اجاره‌ی محل مدرسه‌ی علوم سیاسی از سال ۱۳۳۴ الی شش سال کامل شمسی.
۶. رسید استاد محمود نجار به مبلغ صد و ده تومان که از مدرسه‌ی سیاسی توسط آقای میرزا ابوالحسن‌خان بابت اثاث (اساسیهای!) مدرسه‌ی علوم سیاسی دریافت کرده است.
۷. گواهیهای مربوط به پرداختی که برای جشن مدرسه شده است.
۸. صورت مخارج آبدارخانه و قهوه‌خانه و غیره برای جشن مدرسه‌ی علوم سیاسی در ۱۳۳۵.
۹. رسید اسماعیل آبدار بابت مخارج جشن مدرسه‌ی علوم سیاسی که توسط اداره‌ی کل محاسبات و تذکره‌ی وزارت خارجه به او داده شده است.
۱۰. دو صورت محاسبه مدرسه‌ی سیاسی در ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴ که توسط تجارتخانه برادران طومانیانس صادر شده است.
۱۱. صورت‌حساب عایدات یکساله‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی از ۱۵ سنبله ۱۲۹۵ لغایت ۱۵ سنبله ۱۲۹۶ (از ذی‌قعده ۳۴ تا ذی‌قعده ۳۵).
۱۲. صورت‌حساب عایدات یکساله‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی از اول سنبله ۳۲ لغایت اسد ۱۳۳۳.
۱۳. صورت‌حساب عایدات مدرسه‌ی علوم سیاسی از اول سنبله ۱۳۳۳ لغایت ۱۵ سنبله ۱۳۳۴.
۱۴. سند اجاره‌ی محل مدرسه‌ی علوم سیاسی در سال ۱۳۳۳.
۱۵. صورت مساحت و تقویم عرصه و اعیان مدرسه‌ی علوم سیاسی.
۱۶. اعلام وصول قبض رسید بانک شاهنشاهی ایران از بابت یکصد و شصت و دو تومان عایدات مدرسه که از قرار نرخ صدی شش به بانک سپرده شده بوده است.
۱۷. نامه‌ی مربوط به رسید بانک شاهنشاهی ایران بابت دویست و شصت تومان عایدات سال جاری مدرسه‌ی علوم سیاسی که یک ساله به بانک

مزبور سپرده شده بوده است.

۱۸. تأییدیه جهانشاه میرزا راجع به این که یک باب خانه‌ی ملکی خود را واقع در خیابان باغ‌وحش به مدرسه‌ی علوم سیاسی از قرار ماهی سی تومان به مدت دو سال اجاره داده است که در انقضای مدت یک سال اختیار فسخ با طرفین باشد مشروط بر این که اگر ده روز از مدت پرداخت مال‌الاجاره بگذرد اختیار فسخ با موجر باشد و یک شاگرد مجانی هم از طرف او باید در مدرسه تحصیل کند و ضمناً برف‌روبی و تنظیف و مراقبت از ناودانها به عهده‌ی مستأجر است. به تاریخ رمضان ۱۳۳۴.

۱۹. گواهی جهانشاه‌میرزا مبنی بر این که نوشته و قبض شاهزاده عبدالعظیم‌میرزا در باب وجه اجاره‌ی مدرسه به منزله‌ی قبض خود اوست.

۲۰. موافقت وزارت خارجه با درخواست مدرسه راجع به یک تومان اضافه برای مخارج قهوه‌خانه‌ی مدرسه‌ی سیاسی که جمعاً با چهار تومان مخارج سابق قهوه‌خانه بشود پنج تومان. مقرر شد که از محل اعتبار مخارج متفرقه‌ی مدرسه که در ضمن بودجه‌ی مصوبه مصرح است این مبلغ برداشت شود.

۲۱. گواهی جهانشاه‌میرزا راجع به اجاره‌ی دو باب عمارت که یکی باغ و دیگری عمارت نشیمن است واقع در خیابان پستخانه جنب واگون‌خانه به انضمام حق مجرای هفت ساعت و نیم آب از قنات میرزا محمدخان سپهسالار که هشت روز یک‌مرتبه است. این اجاره دو ساله است و به مبلغ هشتصد و شصت تومان که هر سالی چهارصد و سی تومان می‌شود. ضمن اجاره مقرر شد که یک نفر باغبان هم همیشه برای خدمت باغ و عمارت به دستورالعمل اولیای مدرسه مشغول خدمت باشد و مواجب او به عهده‌ی مؤجر باشد بی‌آن که حق رجوع هیچ‌گونه خدمتی به او را داشته باشد.

در عین‌حال تأکید می‌شود که کلیه‌ی تعمیرات عمارت به عهده‌ی مؤجر است مگر برف‌روبی و حمل خاکروبه که به عهده‌ی مدرسه است. به تاریخ

یکهزار و سیصد و سی.

۲۲. رسید وزارت مالیه، اداره‌ی خزانه‌داری کل به فارسی و فرانسه مربوط به مدرسه‌ی علوم سیاسی.

۲۳. تعهد استاد محمود نجار که بیست عدد اساسیه (؟ اثاثیه) از چوب چنار به جهت مدرسه‌ی علوم سیاسی بسازد به قیمت هر عدد پنج تومان و نیم و در مدت سه ماه کارش را تمام کرده تحویل مدرسه بدهد و اگر دو ماه بعد از آن هم تعمیر لازم باشد آن را مجانی بکند.

۲۴. اطلاعیه‌ی بانک شاهنشاهی به مدرسه خطاب به ولی‌الله‌خان به انگلیسی.

۲۵. صورت حساب مطبعه‌ی صادقیه برای وزارت خارجه مربوط به مدرسه.

۲۶. نظر وزارت خارجه به مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع به حقوق دو نفر معلم فرانسه و کسب تکلیفی که مدرسه در خصوص آن نموده بوده است. اداره‌ی محاسبات و تذکره‌ی وزارت امور خارجه به امضای بهمن اعلام می‌دارد که عجالتاً وجه مأخوذه از خزانه‌داری کل به مصرف نرسد تا از مقام منیع وزارت عظام تکلیف آن روشن شود.

۲۷. اعلام موافقت هیئت وزراء با پیشنهاد وزارت خارجه راجع به حقوق و اضافات مدرسه شامل اضافه مقرری دکتر ولی‌الله‌خان مدیر مدرسه، مقرری میرزا ابوالقاسم خان معلم حقوق جنایی، میرعمادخان معلم خط، وظیفه‌ی ورثه‌ی مرحوم امرالله‌خان دفتردار سابق، اضافه مقرری سه نفر فراش مدرسه.

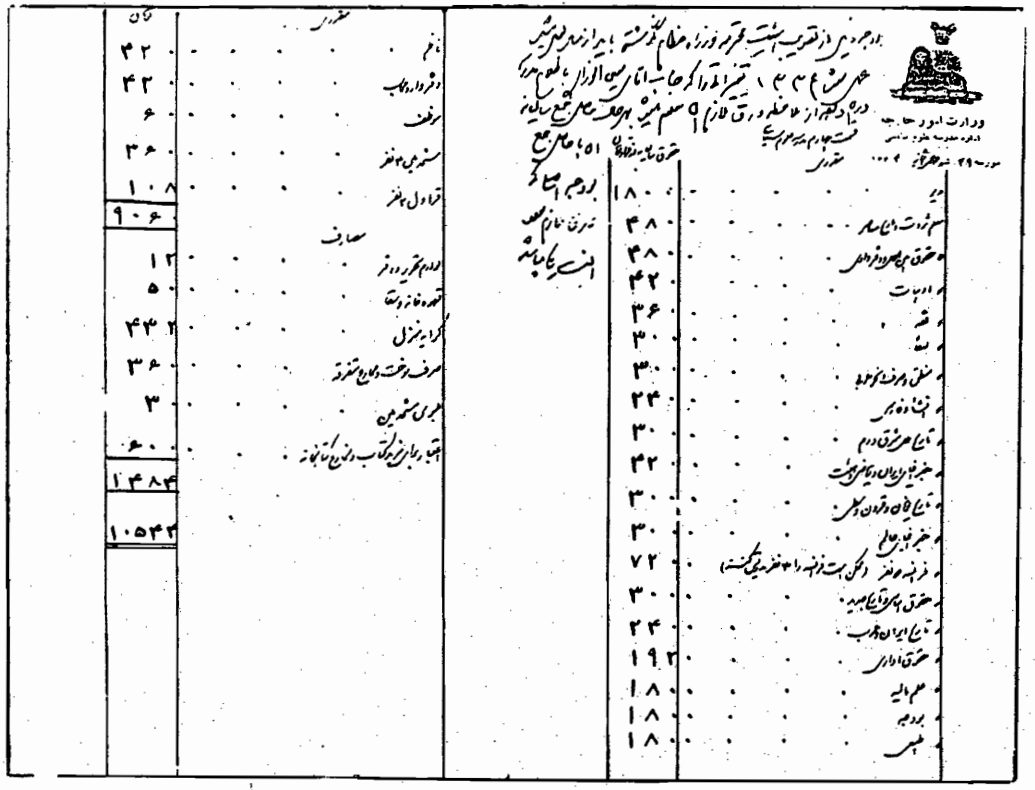

وزارت امور خارجه
اداره معظم علوم سیاسی

نمره ۲۹ شماره ۱۰۰۰

بودجه‌ی این تقریب هشت تومان وزراء معظم گذشته باید از مدد مرحمت
عمل سنه ۱۳۴۳ تقریباً مادام که جناب اشرف مین الوزاره بالقوه هدایت
در ۱۵ دفتر از ملاحظه ورق فلانی ۹ سهم میزان بهرحمت عمل جمع سالیانه

فهرست جلد سوم میزان سهم

مقدرس	حق سالیانه بتومان	
میرزا	۱۸۰	بودجه اصناف
سهم ثروت و اعیان معاصر	۴۸	نمره نظام محمد
حقوق مهمور و افراد ملی	۴۸	انسر باشی باشه
ادبیات	۴۲	
فقه	۳۶	
لغه	۳۰	
منطق و فلسفه کلاسیک	۳۰	
تنبیه و ده بیرس	۲۴	
تاریخ عمر متوفی دوم	۳۰	
جغرافیای ایران و تاریخ ایران	۴۲	
تاریخ قاجار و دودمان و سلسله	۳۰	
جغرافیای عالم	۳۰	
فرنچه و فلسفه (کل بت فرنچه را جغرافیه میکنند)	۷۲	
حقوق بین‌الملل و تاریخ معاهدات	۳۰	
تاریخ ادبیات و مذاهب	۲۴	
حقوق اداری	۱۹۲	
علم مالیه	۱۸	
بودجه	۱۸	
طبیعی	۱۸	

مقدرس	تومان
نظم	۴۲
دفتردار و محاسب	۴۲
صرافی	۶
مستخدمین دفتر	۳۶
قراول دفتر	۱۰۸
	۹۰۶
مصارف	
لوازم تحریر دفتر	۱۲
تعمیر خانه و اثاثه	۵۰
کرایه منزل	۴۴۲
صرف و خرج و اجرای متفرقه	۳۶
حق سکه‌بین	۳
اجناس و لوازم کتاب و رنج کتابخانه	۶۰
	۱۴۸۳
	۱۰۵۴۳

(سند شماره‌ی ۱)

وزارت امور خارجه
اداره [illegible] دائره
مورخه ۲۲ شهر صفر ۱۳۱۷
نمره ۲۰۴۵
ضمیمه صورت [illegible]

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

[illegible] مورخه ۲۱ صفر [illegible] صورت حساب [illegible]
[illegible] ۱۲۹۸
[illegible] ۱۵ [illegible] ۱۵ [illegible]
[illegible] مدرسه [illegible]
[illegible] ضبط [illegible]
[illegible] برای آن اداره [illegible]

وزارت امور خارجه
اداره [illegible] دائره
مورخه ۱۵ [illegible]
نمره ۱۱۷
ضمیمه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

[illegible] صورت حساب [illegible] مدرسه علوم سیاسی از سنبله ۱۲۹۸ تا سنبله ۱۲۹۹
[illegible] مدرسه [illegible]
[illegible] ۴۷۸ مورخه ۲۵ [illegible]
یک نسخه آن که [illegible] مدرسه است [illegible] اداره ضبط [illegible]
دیگر [illegible] برای آن اداره محترمه [illegible]

«سند شماره‌ی ۲»

وزارت امور خارجه
اداره سیاست دائره
مورخه ۴ حوت ۱۳۳۵
نمره
ضمیمه

اداره تحریر مدرسه علوم سیاسی

مبلغ سیصد تومان (۳۰۰۰ تومان) وجه رایج از مات طلب اداره سیاست
وزارت امور خارجه از آن اداره [illegible] منتصر الممالک رئیس سابق این اداره
بعنوان مساعده داده بودند [illegible] مع الحساب [illegible] سیاست وصول [illegible]
[illegible] بندگان [illegible] رئیس الوزراء دامت عظمته
بطلبکاری [illegible] منتصر الممالک تأدیه شود

وزارت امور خارجه
اداره سیاست دائره
مورخه ۱۹ جدی ۱۳۹۶
نمره نمره ۹۳
ضمیمه

اداره تحریر مدرسه علوم سیاسی

مبلغ یکصد و هفتاد و پنج تومان و هفت قران و [illegible] (۱۷۵۷ قران)
از مات طلب اداره سیاست وزارت خارجه از آن اداره [illegible] منتصر الممالک
رئیس سابق اداره سیاست بعنوان مساعده داده بودند [illegible] اداره
وصول [illegible] بطلبکاری [illegible] تأدیه گردد

«سند شماره‌ی ۳»

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۷ جدی ۹۷

نمره ۱۹۸۱

ضمیمه —

جناب آقای دکتر ولی الله خان مدیر مدرسه علوم سیاسی دام اقباله

در جواب مراسله مورخه ۲۰ شهر جاری جنابعالی راجع به پنجاه تومان

اضافه مقرری که بر حسب تصویب هیئت محترم وزراء عظام دامت شوکتهم

از اول میزان بجنابعالی در ظرف دولت مرحمت شد اشعار میدارد

عین مرقومه مبارکه نمره ۲۹۰۵ ریاست محترم وزراء عظام بانضمام

ورقه درخواست مبلغ یکصد تومان بابت اضافه مزبور در دو برج

میزان و عقرب بوزارت جلیله در سال گردید و در هر آن

بوسیله اداره محاسبات بجنابعالی عاید دارند اعتمدالملک

«سند شماره‌ی ۴»

الواصل

هو

بتوسط آقای امیرزا ابوالحسن خان از بابت اساسیهای

مدرسه مبارکه علوم سیاسی مبلغ صد ده تومان باین جانب

استاد محمود نجار رسیده

اودئیل خیر التحویل

مبلغ صد ده تومان نقد رایج رسیده

فی چهارم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۴۱ هجری

«سند شماره‌ی ۶»

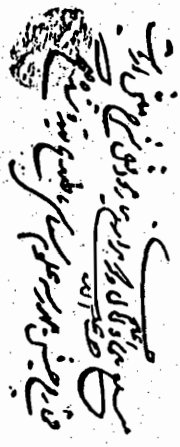

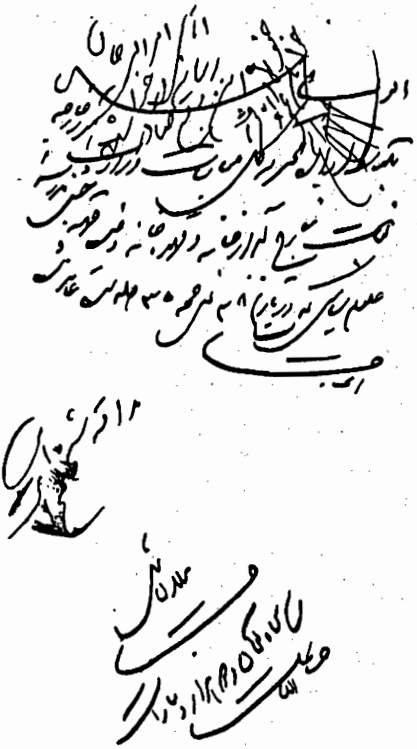

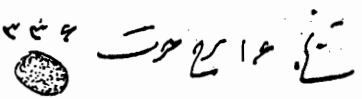

«سند شماره‌ی ۷»

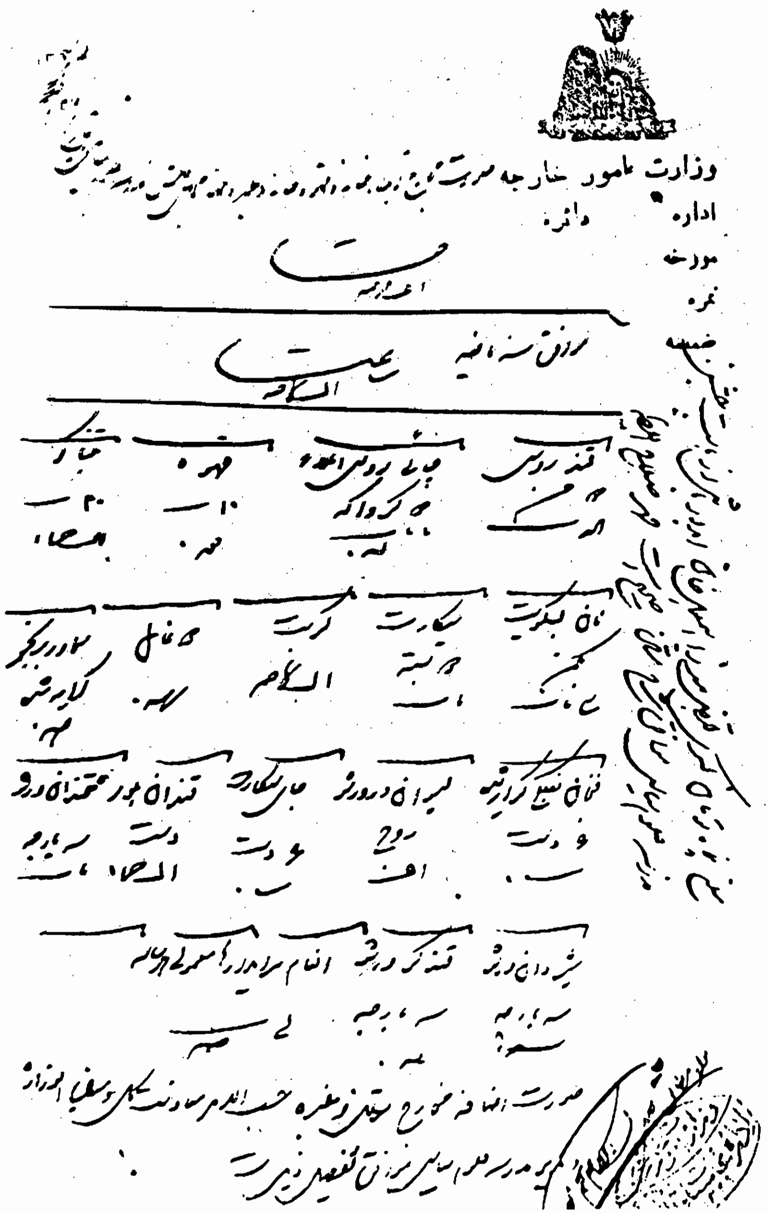

«سند شماره‌ی ۸»

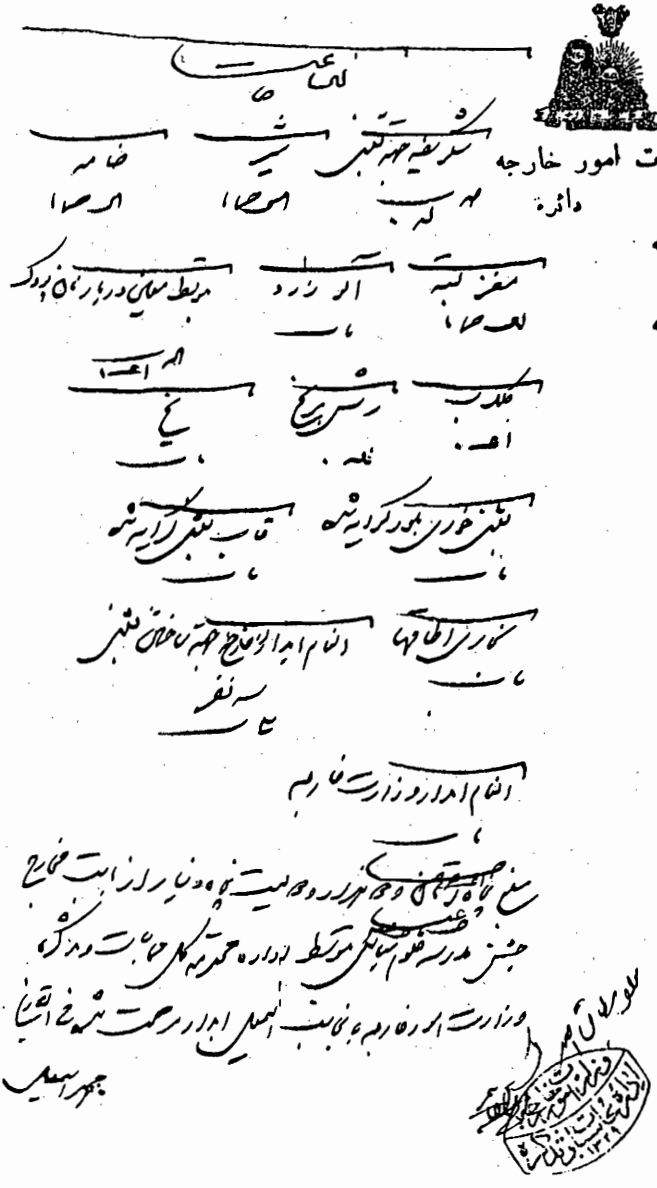

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

ضمیمه

«سند شماره‌ی ۹»

تجارتخانه برادران طوما نیانس

طهران

بتاریخ ..... شهر ۱۳

Pour Toumaniantz Frères

Le Directeur

«سند شماره‌ی ۱۰»

تجار تخانه برادران طومانیانس

طهران

تاریخ ..... شهر ۱۳ ۱۳۲۱

نمره

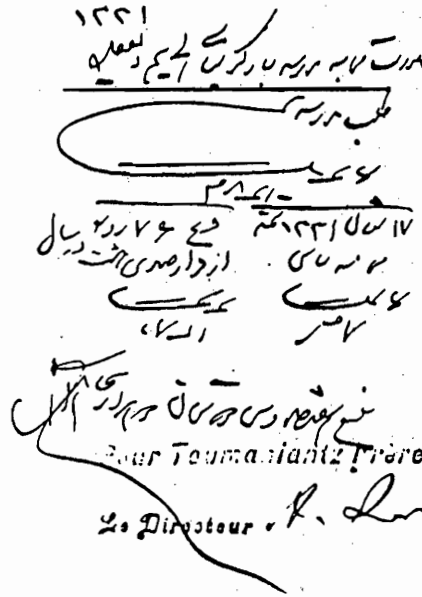

Pour Toumaniantz Frères

Le Directeur

«سند شماره‌ی ۱۰»

صورت حساب عایدات یکساله مدرسه علوم سیاسی از ۱۵ سنبله دی ئیل ۱۲۹۵ لغایت ۱۵ سنبله میلان ئیل ۱۲۹۶ (از ذی قعده ۳۴ تا ذی قعده ۳۵)

شرح	۵ تومانی قط		۸ تومانی قط		۸ تومانی دیگر		۵ تومانی و پنجم		۳ تومانی نقد		جزء وجوه	جمع کل
	عده	قیمت	عده	قیمت	عده	قیمت	عده	قیمت	عده	قیمت	تومان	تومان
قبوض صادره ۱۸ سنبله ۱۲۹۵ لغایت قط اول از ۱۶۰ تا ۲۲۱	۶۲	۳۱۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۱	
« « « از ۲۲۲ تا ۲۳۵	—	—	۱۳	۱۰۴	۱	۸	—	—	—	—	۱۱۲	
« « « از ۲۳۶ تا ۲۳۸	۳	۱۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۵	
عقرب ۱۲۹۵ ۲۳۹	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۳	۳	
« « « از ۲۴۰ تا ۲۵۴	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۵	۴۵	۴۵	
« « « ۲۷۱ لغایت قط اول	۱	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	
« « از ۲۵۵ تا ۲۷۳	—	—	—	—	—	—	۱۹	۹۵	—	—	۹۵	
لغایت قط دویم قوس ۹۵ از ۲۷۵ تا ۳۳۶	۶۲	۳۱۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۱۰	
« « « از ۳۳۷ تا ۳۵۰	—	—	۱۴	۱۱۲	—	—	—	—	—	—	۱۱۲	
لغایت قط سیم حوت ۹۵ از ۳۵۱ تا ۳۹۹	۴۹	۲۴۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۴۵	۴۰۰ در دفتر قبوض نبوده
« « « از ۴۰۱ تا ۴۱۱	۱۱	۵۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۵۵	
« « « از ۴۱۲ تا ۴۲۵	—	—	۱۴	۱۱۲	—	—	—	—	—	—		

«سند شماره‌ی ۱۱»

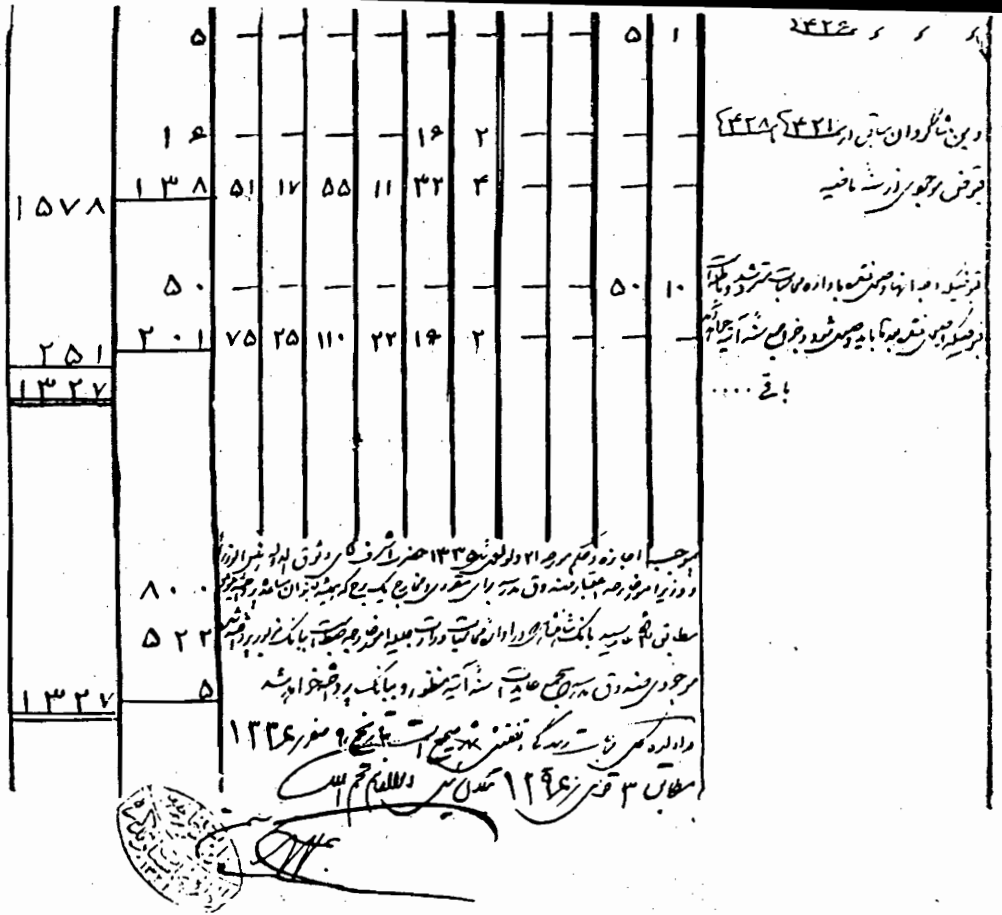

«سند شماره‌ی ۱۲»

صورت حساب عایدات یکساله مدرسه علوم سیاسی از اول سنبله ۳۲ لغایت آخر ۱۳۳۳ توشقان ئیل

شرح	مبلغ تومان	جمع کل تومان
قبوض که آقای میرزا ابوالحسن خان محاسب سابق مدرسه صادر نموده‌اند		
بابت قسط اول و مختصری از قسط دوم شاگردان : ۵۷ طغرا قبض [۱۴ فی ۸ تومان = ۱۱۲ ؛ ۴۳ فی ۵ تومان = ۲۱۵]	۳۲۷	
قبوض که اداره محاسبات صادر نموده و وجه آنها بوسیله آقای امیرالله خان محاسب مدرسه وصول شده		
بابت شش قسط دوم و قسط سیم شاگردان : ۱۱۶ طغرا قبض [۴۱ فی ۸ تومان = ۳۲۸ ؛ ۷۵ فی ۵ تومان = ۳۷۵]	۷۰۳	
بابت وجه دیپلم و تصدیقنامه : ۳۶ طغرا قبض [۱۳ دیپلم فی ۵ تومان = ۶۵ ؛ ۲۳ تصدیقنامه فی ۳ تومان = ۶۹]	۱۳۴	
بابت یک قسط دوم یکی از شاگردان سابق مدرسه که بدون مواجب بوده یک طغرا	۱۲	

۱۱۷۶		جمع کل قرض صادره :
		قرض که وجه آنها وصول نشده و باید از قرض فوق منظور شود
	۳۴	بابت قسط‌های قرض که وجه آنها وصول نشده و عیناً باداره محاسبات مسترد نشده است: ۳ طغرا ۸/۲ تومان = ۲۴ ؛ ۲ طغرا ۵/۲ تومان = ۱۰
	۹۶	بابت وجه دیپلم و تصدیقنامه که وصول نشده و مجدداً تحویل آقای امرالله خان شد بحساب اصل برده شده: ۹ طغرا دیپلم ۵/۲ تومان = ۴۵ ؛ ۱۲ تصدیقنامه ۳/۲ تومان = ۵۱
۱۳۰		جمع وجه قرض وصول نشده که از جمع وجه کل قرض صادره منظور شود
۱۰۴۶		باقی : وجه قرض وصول شده که عایدات فاضل مدرسه است
		مبلغ یکهزار و چهل و شش تومان (۱۰۴۶۰ تومان) عایدات یکساله مدرسه علوم سیاسی را اداره مدرسه بموجب سه طغرا رسید که در اداره محاسبات وزارت امور خارجه ضبط است ببانک شاهنشاهی سپرده است :
	۱۷۳	در ضمن هفتصد تومان که آقای میرزا ابوالحسن خان ببانک سپرده است (و معادل ۵۲۲ تومان آن عایدات سابق مدرسه بوده است)
	۱۷۳	امرالله خان محاسب مدرسه بموجب دو فقره رسید که در اداره محاسبات ضبط است ببانک شاهنشاهی سپرده است
۱۰۴۶		جمع وجوه پرداخته شده ببانک که مطابق جمع قرض وصول شده است

رسیدگی شد صحیح است ۱۲۹۶ [illegible]

«سند شماره‌ی ۱۳»

صورت حساب جمعیت مدرسه علمیه سیاسی از اول سنه ۱۳۳۳ لغایت ۱۵ سنبله ۱۳۳۴.

شرح	۱۶ تومانی قسط: عده	۱۶ تومانی قسط: قیمت	۸ تومانی قسط: عده	۸ تومانی قسط: قیمت	۶ تومانی قسط و دیپلم: عده	۶ تومانی قسط و دیپلم: قیمت	۵ تومانی قسط: عده	۵ تومانی قسط: قیمت	۳ تومانی قسط: عده	۳ تومانی قسط: قیمت	۵ تومانی دیپلم: عده	۵ تومانی دیپلم: قیمت	۳ تومانی قصد قیام: عده	۳ تومانی قصد قیام: قیمت	جزو وجوه: تومان	جمع کل
قبض مرحوم از سنه ماضیه											۹	۴۵	۱۷	۵۱	۹۶	
در باقی مدرسه در هذه السنه:																
قبض در شهر شوال ۳۳ بابت قسط اول و بدهی شاگردان سابق صادر شده	۱	۱۶	۱۹	۱۵۲	—	—	۶۲	۳۱۰	—	—	۱	۵	—	—	۴۸۳	
« در محرم ۳۴ بابت قسط دوم صادر شده	—	—	۱۸	۱۴۴	—	—	۵۶	۲۸۰	—	—	—	—	—	—	۴۲۴	
« در صفر ۳۴ « بدهی سابق شاگردان دیپلم صادر شده	۱	۱۶	۲	۱۶	—	—	—	—	۱	۳	۶	۳۰	—	—	۶۵	
« « ۲۴/۲۶ بابت قسط سوم و بدهی سابق شاگردان دیپلم	—	—	۲۲	۱۷۶	۱	۶	۴۵	۲۲۵	—	—	۵	۲۵	—	—	۴۳۲	۱۵۰۰
قبض بعد وجه آنها وصل نشده و باید اسباب مترددشد			۴	۳۲			۱۳	۶۵			۱	۵			۱۰۲ (*)	
قبض مرحوم که وجه آنها بعد باید وصل شود و جزو اسباب سنه آتیه رشته خورد	۱	۱۶	۲	۱۶							۱۱	۵۵	۱۷	۵۱	۱۳۸	۲۴۰
باقی																۱۲۶۰
															۱۰۰	
															۱۱۶۰	۱۲۶۰

(*) این قبض را [illegible] در تاریخ [illegible] بحساب [illegible] بنک [illegible] قبض دیپلم [illegible] صادر شده بوده است

برحسب اجازه و حکم مورخه ۲۴ صفر ۱۳۳۴ وزارت امور خارجه [illegible] مدرسه [illegible] شده

[illegible] مورخه ۱ و ۱۴ نوامبر ۱۹۱۶ [illegible] مدرسه [illegible] شناسائی [illegible]

[illegible]

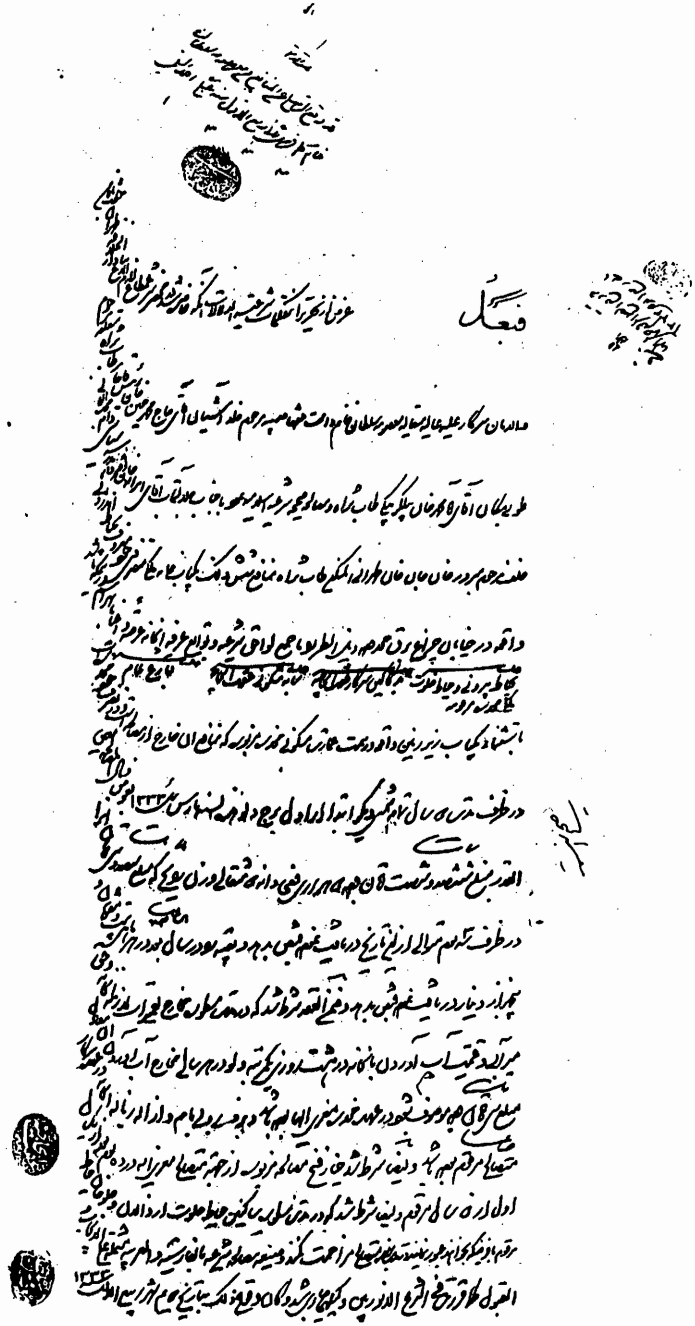

۲۸ مهر جمادی الثانی ۱۲۹۹

صورت مساحت و تقویم عرصه و اعیان مدرسهٔ علوم سیاسی

نمره	شرح	طول متوسط		عرض متوسط		مساحت		فی	مبلغ		جمع	
		گره	ذرع	گره	ذرع	گره مربع	ذرع مربع		دینار	قران	دینار	قران
۱	عرصه حیاط مدرسه	۷	۵۲	۸	۲۴	۱۱	۱۲۶۰	۱۰ قران	۸۵۰	۱۲۶۰۶		
۲	عرصه باغچه سمت شمال	۱۲	۳۳	۳	۲۹	۱	۹۸۵	۰۸	۵۰۰	۷۸۸۰		
۳	ایضاً عرصه باغچه کوچک	-	۳۶	-	۱۲	-	۴۳۲	۰۸	-	۳۴۵۶	۳۵۰	۲۳۹۴۳
۴	اعیان ایران سمت شمال	۱۲	۱۵	۶	۴	۲	۲۵	۱۰	۲۵۰	۲۵۱		
۵	اعیان اطاقهای مدرسه بطور کلی					۷	۶۷۹	۰۳۰	۱۰۰	۲۰۲۸۳	۳۵۰	۲۰۵۳۴
							جمع کل				۷۰۰	۳۴۴۷۷

لکاتب

مبلغ چهار هزار و چهارصد و چهل و هفت تومان و هشت هزار و هفتصد دینار قیمت عرصه و اعیان مدرسه علوم سیاسی از قرار شرح فوق

مطابق نظریات اینجانب تعیین شده صحیح است . [illegible]

بطوریکه جناب آقای میرزا جعفرخان معمارباشی تعیین شده و تقویم نموده صحیح است ۲۹ مهر جمادی الثانی ۹۹

(دستخط و دایره فنی)

نصرالله

۳۱ مهر

حضرت تقویمی است که آقای میرزا جعفرخان معمارباشی تشخیص داده اند

بر حسب امر دیگر و از طرف این اداره داشته و با دقت معین شده

اداره کل فواید عامه

۱۳۲۸

«سند شماره‌ی ۱۵»

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۱۴ محرم ۱۳۳۶

نمره ۱۹۵۹

همه

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

یک طلا قبض رسید بانک شاهنشاهی ایران از بابت یکصد و شصت و دو تومان

عایدات سنه ماضیه ای سیل مدرسه علوم سیاسی در حساب سالیانه از قرار نرخ صدی شش

به بانک مزبور سپرده اید. باداره محاسبات وزارت امور خارجه داخل و جزو دوسیه حساب

مدرسه ضبط گردید.

«سند شماره‌ی ۱۶»

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

ضمیمه

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

۱۹۱۴ (۲۶۰۰ قران)

رسید بانک شاهنشاهی ایران باب دویست و شصت تومان

عایدات هذه السنه مدرسه علوم سیاسی که اداره مدرسه یکساله بانک

مزبور سپرده است، اداره محاسبات و تذکره وزارت امور خارجه

۱۳۳۵

واصل گردید و در دو سه حساب مدرسه ضبط شده مقرر

«سند شماره‌ی ۱۷»

«سند شماره‌ی ۱۸»

چهارشنبه ۲۰ ح ۱
۱۳۳۰

خدمت اولیاء امور مدرسه سیاسی دام اقباله تعالی

نوشته و قبض حضرت اشرف والا شاهزاده عبدالعظیم میرزا

درباب وجه اجاره مدرسه بمنزله قبض بنده است

این بنده قبول دارم و صحیح است

«سند شماره‌ی ۱۹»

وزارت امور خارجه

اداره مشرق دائره

مورخه ۲۴ محرم ۱۳۳۵ عقرب ۱۸

نمره ۱۷۲۷

ضمیمه

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

مراتب مرقومه در شرح ۲ محرم ۳۵ رجوع به یک تا ۵۰

اضافه بخش مخارج قهوه خانه مدرسه سیاسی بعرض رسید بطوری که تقاضا

نموده بودید مقرر فرمودند از محل اعتبار مخارج متفرقه مدرسه

که در ضمن بودجه تصویب مقطوع است ماهی یک تا ۵۰ به چهار تا ۵۰

مخارج سابق قهوه خانه مدرسه دلزوده و جمعاً ماهی پنجاه تا ۵۰

میشود بمصرف قهوه خانه برسانید و در صورت حساب منظور نمائید

«سند شماره‌ی ۲۰»

موازی دو باب عمارت را که یکی از آن باغ و دیگری عمارت نشیمن است واقع
در خیابان پستخانه جنب واکون خانه با انضمام حق مجرای هفت ساعت و نیم
آب از قنات مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار که هشت روز یکمرتبه است
متعلق باین بنده اداره مدرسه مبارکه سیاسی بجهة مسکن مدرسه دو ساله
شمسی بمبلغ هشتصد و شصت تومان که هر سالی چهارصد و سی تومان میشود
اجاره نمود ضمن الاجاره مقید و مقرر شد که یکنفر باغبان هم همیشه برای
خدمت باغ و عمارت بدستور العمل اولیای مدرسه مشغول خدمت باشد
و مواجب او بعهده اینجانب است لکن این بنده حق رجوع هیچگونه
خدمتی باو ندارد و وجه اجاره دو ساله را مدرسه باید در بیست و چهار برج
کارسازی نماید و بعذری معطل ندارد و در اقل سال دویم اختیار فسخ
برای طرفین شرط شده و کلیه تعمیرات دو عمارت بعهده اینجانب است
مگر برف روبی و حمل خاکروبه که بعهده مدرسه است و هیچیک از طرفین
از قرارداد مشروحه فوق نباید تخطی و تجاوز نمایند تحریراً فی غره جمادی الثانی سنه ۱۳۲۴

«سند شماره‌ی ۲۱»

Original

نمره ۹۸۲

وزارت مالیه

اداره خزانه داری کل

مبلغ [illegible]

بتوسط [illegible]

از بابت [illegible]

بموجب

باداره خزانه داری کل عاید وواصل گردید

طهران ۲۴ برج قوس ئیل ۱۳۰۲

خزانه دار کل

№ 982

MINISTÈRE des FINANCES

Trésorerie Générale de Perse

Téhéran le, 24 ghaussé 1302

La Trésorerie Générale accuse réception de

Krans Neuf cent trente seulement

remise par l'écol Siassi

pour compte de Recette Beraj aghrab

suivant

Krs 930

Le Trésorier Générale

«سند شماره‌ی ۲۲»

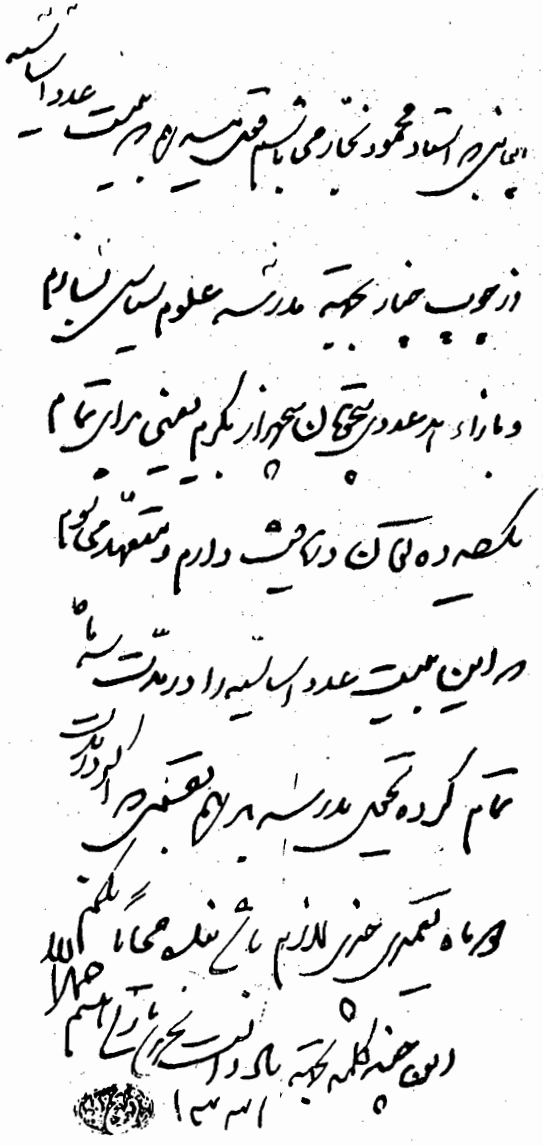

«سند شماره‌ی ۲۳»

THE IMPERIAL BANK OF PERSIA.

TEHERAN. 20/9/1916

To H. Wahidallah Khan

Dear Sir,

We beg to inform you that your Current Deposit Account with this Bank has been balanced ~~with Interest~~ to 20th September ~~20th March~~ 16, and the sum of:

Krans 8820 — *carried to your Cr in a new Account.*

We shall be much obliged by your certifying the correctness of the Account on the annexed form, which please return at your earliest convenience.

We remain, dear Sir,
Yours faithfully,
For The Imperial Bank of Persia.

«سند شماره‌ی ۲۴»

مطبعه صادقیه

طهران

تاریخ غرهٔ شهر جمادی الاول ۱۳۲۷

صورت حساب وزارت جلیله امور خارجه

تاریخ	اسم کار	تعداد کار	قیمت کار: طبع	کاغذ		جمع
شوال ۲۲	سرکاغذ	۳۰۰	۱۵	۵	-	۲۰
-	سرپاکت	۳۰۰	۱۵	-	-	۱۵
-	بلیط آذربایجان	۳۰۰	۱۵	-	-	۱۵
-	بلیط دعوت	۳۰۰	۱۰	۵		۱۵
		-	۵۵	۱۰	-	۶۵

جمع شصت و پنج قران

مبلغ مزبور بتوسط آقای میرزا ابوالحسن خان عطیه رسید تمام کمال رسید اهالی

Le Directeur

«سند شماره‌ی ۲۵»

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره ۱۳۳۴

مورخه ۱۴ میزان [illegible]

نمره ۱۳۳۴

ضمیمه

مدرسه علوم سیاسی

در جواب مرقومه محترمه راجع بحقوق دو نفر معلم فرانسه

و کسب تکلیفی که در خصوص تقسیم آن نموده بودید اذعاً رحمت

میدهد که عجالةً وجه مأخوذه از خزانه [illegible] را بمصرف

شریفانه تا از مقام منیع ریاست وزراء عظام تکلیف آن

معلوم شود

«سند شماره‌ی ۲۶»

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره

مورخه ۱۲ [illegible] ۹۷

نمره ۱۸۲۶

ضمیمه

اداره مدرسه علوم سیاسی

برحسب پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب هیئت محترم [illegible]

دولت [illegible] از قرار [illegible] حقوق و اضافات ذیل [illegible]

اضافه مستمری آقای دکتر ولی الله خان مدیر مدرسه	۵۰ تومان
مستمری آقای میرزا ابوالقاسم خان معلم حقوق جنائی	۲۰
مستمری آقای میر عماد خان معلم خط	۲۰
وظیفه ورثه مرحوم میرزا الله خان دفتردار سابق	۱۰
اضافه مستمری سه نفر فراش مدرسه [illegible]	۱۵
جمع	۱۱۵

برج عقرب مدرسه علوم سیاسی علاوه شده است [illegible]

از برج قوس اضافات فوق را جزو ورقه درخواست مدرسه

مندرج و از وزارت جلیله [illegible] وصول و ایصال خواهد داشت

و پنج تومان وظیفه میرزا ابوالقاسم [illegible]

«سند شماره‌ی ۲۷»

چند سند دیگر
از مدرسه‌ی علوم سیاسی

۱) سند معامله‌ی یک دستگاه عمارت برای محل مدرسه‌ی علوم سیاسی واقع در خیابان علاءالدوله و خیابان لاله‌زار توسط وحیدالملک رئیس مدرسه‌ی علوم سیاسی به نمایندگی مشارالسلطنه برحسب تصویب هیأت دولت با محترمه قمرسلطان خانم ملقبه به خانم اعظم به مبلغ پانزده‌هزار تومان که مبلغ هشت‌هزار تومان آن از مالیه‌ی دولت و هفت‌هزار تومان از وجوه ذخیره‌ی خود مدرسه پرداخت شده است.
ثبت دفتر: بیست و سیم محرم‌الحرام ۱۳۳۹.

۲) قباله‌ی قطعی معامله‌ی فوق‌الذکر همراه با شهادت اسدالله مشارالسلطنه مبنی براین که معامله به او ربطی ندارد و برحسب تصویب هیأت دولت صورت پذیرفته است، و شهادت حسن مشیرالدوله و مهرامین‌السلطان، مهر وحیدالملک. هفتم صفر ۱۳۳۹ و ثبت نمره‌ی یکصدوبیست و پنج دفتر غیرمنقول ۹۸.

۳) صورت‌حساب جمع و خرج عایدات یکساله‌ی مدرسه در سال ۱۲۹۶-۱۲۹۷.

۴) صورت‌حساب عایدات یکساله‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی در ۱۲۹۷.

۵) صورت‌حساب عایدات یکساله‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی در ۱۲۹۸.

۶) صورت‌حساب عایدات مدرسه در سال ۱۲۹۹.

۷) هفت رسید از استاد محمود نجار در سالهای مختلف از بابت کارهایی که

انجام داده‌است.

۸) رسید وصول صورت‌حساب ارسالی عواید مدرسه‌ی علوم سیاسی توسط اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه مورخ ۱۲۹۷.

۹) رسید وصول صورت‌حساب عایدات یکساله‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی توسط اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه مورخ ۱۳۰۱.

۱۰) رسید دریافت مبلغ شصدوچهل‌وهفت تومان و چهارهزار و پانصد دینار توسط میرزا امرالله‌خان محاسب مدرسه‌ی علوم سیاسی به اداره‌ی محاسبات وزارت جلیله‌ی امور خارجه. به امضای بهمن. مورخ ۱۳۳۴.

۱۱) رسید دریافت مبلغ سی‌وپنج تومان از بابت پیش‌قسط ماهانه مدرسه سیاسی به تاریخ ۱۳۲۸. مهر سیف...(؟).

۱۲) تقاضانامه‌ی تعمیرکار مدرسه‌ی علوم سیاسی جهت پرداخت طلب او به مبلغ یکصدوشصت تومان که چهارسال به تأخیر افتاده است. در پایین و در هامش نامه دو دستور مساعد دیده می‌شود.

۱۳) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه به امضای اعتلاءالملک به اداره‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی در مورد تصویب‌نامه‌ی هیأت وزراء جهت برقراری پانزده تومان اضافه مقرری آقایان میرزا علی‌محمد و میرزا عباسقلی‌خان و میرزا علی‌اکبرخان به تاریخ ۹۱.

۱۴) رسید دریافت مال‌الاجاره‌ی خانه و باغچه‌ای که به مدرسه‌ی علوم سیاسی اجاره داده شده است. به تاریخ ۱۳۳۳.

۱۵) رسید دریافت مال‌الاجاره به مبلغ سی‌وپنج تومان وجه رایج به تاریخ ۱۳۲۹.

۱۶) رسید دریافت مال‌الاجاره به تاریخ ۱۳۲۹.

۱۷) رسید دریافت مال‌الاجاره به تاریخ ۱۳۳۰.

۱۸) رسید دریافت قسط دوم اجاره‌خانه به رسم مساعده به تاریخ ۱۳۲۸.

۱۹) رسید دریافت کسری مال‌الاجاره به تاریخ ۱۳۲۹.

۲۰) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت مالیه به وزارت امور خارجه در جواب مراسله‌ی اداره‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع به موضوعات کمیسیون تطبیق حوالجات و موافقت با ارسال سی‌وپنج تومان به وزارت خارجه به تاریخ ۶ ثور ۱۳۳۵. از طرف وزیر مصدق.

۲۱) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه به مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع به مبلغ یکصدوپنجاه تومان برابر یک‌هزار و پانصد قران که آقای منتصرالممالک به رسم علی‌الحساب به عنوان مساعد داده بود، حسب‌الامر حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء وزیر امور خارجه به طلبکاری آقای منتصرالممالک داده شود. به تاریخ ۱۳۳۵.

۲۲) توضیح دو فقره موضوعی که کمیسیون تطبیقی حوالجات از ورقه‌ی درخواست مدرسه کرده است. یکی موضوع نمودن سی‌ویک تومان به تاریخ ۱۳۳۴ راجع به حقوق آقای میرزا علی‌اکبرخان و آقای میرزا حسین‌خان که در آن تاریخ تدریس نکرده بودند و دیگری موضوع کردن چهار تومان از ورقه‌ی درخواست.

۲۳) تصویبنامه‌ی شماره‌ی ۲۴۸۵ هیأت وزراء به تاریخ ۱۲۹۷ و ارسال آن به وزارت جلیله‌ی مالیه در مورد پنجاه تومان اضافه حقوق آقای دکتر ولی‌الله‌خان مثل رؤسای وزارت امور خارجه.

۲۴) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۳۳۵ در مورد یک تومان اضافه برای مخارج قهوه‌خانه‌ی مدرسه‌ی سیاسی.

موافقت شده است که از محل اعتبار مخارج متفرقه‌ی مدرسه ماهی یک تومان به چهار تومان مخارج سابق قهوه‌خانه‌ی مدرسه افزوده شود و جمعاً ماهی پنج تومان به مصرف قهوه‌خانه برسد و در صورت حساب منظور کنند.

۲۵) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه به اداره‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی در مورد مصارف ماهیانه‌ی قهوه‌خانه. وزیر امور خارجه

ب امشاورالممالک دستور می‌دهد که از محل دویست‌وچهل تومان اعتبار
ن سالیانه‌ی مخارج متفرقه ماهی سه تومان اضافه برای مصارف قهوه‌خانه‌ی
مدرسه منظور شود. مورخه ۱۲ محرم ۳۷.

۲۶) سند مورخ ۱۳۲۸ راجع به اجاره‌ی عمارت و باغ در خیابان پستخانه جنب
واگون‌خانه و مواجب باغبان برای خدمت باغ و عمارت و نحوه‌ی پرداخت
اجاره‌ی دو ساله‌ی مدرسه که باید در بیست‌وچهار قسط کارسازی شود و
همچنین نحوه‌ی اختیار فسخ بین طرفین و تعمیرات عمارت.

۲۷) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه به اداره‌ی مدرسه‌ی علوم
سیاسی مورخ ۹۷ راجع به حقوق و اضافات تعدادی از افراد: دکتر ولی‌الله
خان مدیر مدرسه، ابوالقاسم خان معلم حقوق جنایی، میرعماد خان معلم
خط، ورثه‌ی مرحوم امرالله‌خان دفتردار سابق، و سه نفر فراش مدرسه.

۲۸) رسید دریافت حق‌التدریس برج جوزا مرحوم میرزا هاشم خان توسط
خانم. دو شهادت نیز در هامش نامه است.

۲۹) صورت مخارج جشن مدرسه‌ی سیاسی در سال ۱۳۳۷ همراه با دو
یادداشت در هامش آن.

۳۰) صورت محاسبه‌ی مدرسه‌ی مبارکه‌ی سیاسی در ۱۳۳۳.

۳۱) نامه‌ی تجارتخانه‌ی برادران طومانیانس به تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۱ به دکتر
ولی‌الله‌خان راجع به این که تجارتخانه علاوه در صدی شش در سال بیشتر
نمی‌تواند فرع بدهد.

۳۲) صورت حساب مدرسه‌ی سیاسی به تاریخ ۱۳۲۹ از طرف مطبعه‌ی روسیه
در طهران.

۳۳) رسید دریافت مال‌الاجاره و حق‌الشرب یک‌سال شمسی خانه‌ی مسکونی
مدرسه‌ی علوم سیاسی مورخ ۱۳۳۳. مهر معصومه سلطان و مهر الحاجیه
عفت.

۳۴) یادداشت مبنی بر این که تعدادی کتاب توسط میرزا مهدی معلم ادبیات

برای مدرسه‌ی علوم سیاسی خریداری شده است.

۳۵) نامه‌ی دفترداری کل بانک شاهنشاهی به دکتر ولی‌الله‌خان راجع به حساب جاری مدرسه مورخ ۱۳۳۳.

۳۶) نامه‌ی وزارت امور خارجه به اداره‌ی مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع حساب بانکی و قبض‌های مالی مدرسه مورخ ۱۳۰۲.

۳۷) نامه‌ی وزارت امور خارجه در مورد حساب بانکی مدرسه در بانک شاهنشاهی ایران مورخ ۱۳۳۵. ربح منظور شده است.

۳۸) قبض اعلانات اداره‌ی روزنامه‌ی برق بابت چاپ اعلان مدرسه‌ی علوم سیاسی.

۳۹) رسید محمدمهدی متصدی کتابخانه در مورد کتب ذکاءالملک مورخ ۱۳۲۵.

۴۰) نامه‌ی وزارت امور خارجه راجع به قبض رسید بانک شاهنشاهی به مبلغ نود و هشت تومان که به اداره‌ی کل محاسبات و تذکره واصل گردیده است. امضای بهمن. مورخ ۱۳۳۵.

۴۱) نامه‌ی وزارت امور خارجه (اداره‌ی محاسبات) مورخ ۱۲۹۶ به مدرسه‌ی علوم سیاسی در مورد وصول قبض بانک شاهنشاهی ایران از بابت عایدات سال جاری مدرسه.

۴۲) نامه‌ی اداره‌ی محاسبات وزارت امور خارجه مورخ ۱۲۹۷ راجع به وضعیت مالی مدرسه در بانک شاهنشاهی.

۴۳) نامه‌ی وزارت امور خارجه راجع به قبض رسید بانک شاهنشاهی از بابت عایدات مدرسه. مورخ ۱۲۹۸.

۴۴) نامه‌ی وزارت امور خارجه به مدرسه‌ی علوم سیاسی راجع به صورت حساب وجوه دریافتی از بانک شاهنشاهی. مورخ ۲۸ جدی ۱۳۰۰.

۴۵) نامه‌ی وزارت امور خارجه به مدرسه‌ی علوم سیاسی مورخ ۱۳۳۷ راجع به وصول قبض بانک شاهنشاهی به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۹.

نمونه (۳۰) ۳

وزارت عدلیهٔ اعظم

سواد قباله مصالحه راجع به ... ۱۲۵

مورخه ... ۱۲۹۹

نمره ...

ثبت شد ... ۴ / ۲ / ۹

بعد التسمیه و التحمید منظور از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات و صحیحة المبادی و النهایات حالی است از جملی و [illegible]

آنکه در محضر اقدس و مجلس مقدس شرع مطاع واجب الاتباع دار الخلافه طهران صانها الله عن طوارق الحدثان حضرت

علیه عالیه متعالیه مجلله محترمه قمر سلطان خانم ملقبه به خانم اعظم دامت عزها ابنه [illegible] مرحوم مبرور [illegible]

طاب ثراه در حالت اجتماع شرایط صحت اقرارات و تقریرات شرعیه بالطوع و الرغبة و الاختیار لا بالاکراه

و الاجبار عالمه به تعیین و تفصیل ما لیه من الموروثیه و الکسبی عارفه بالکمیه و الکیفیه و المقدار غافله عن الاهمال

و الاغفال ملازمه فایده مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه جزمیه ملیه اسلامیه نموده با حضرت مستطاب اجل اکرم افخم

[illegible] آقای آقا میرزا [illegible] خان [illegible] السلطنه وزیر امور خارجه [illegible]

حسب القبض وکیل ثابت الوکاله حضرت معظم له جناب اجل امجد اکرم افخم عالی آقای آقا میرزا [illegible] حسین خان [illegible]

[illegible] عمارت ملک مخصوص مستقر فی حد واقعه در [illegible] خیابان

[illegible] الدوله [illegible] + شمالاً [illegible] جناب آقای میرزا [illegible] خان + جنوباً [illegible] شارع [illegible]

غرباً عمارت آقای معتضد الملک + شرقاً [illegible] + [illegible] مع جمیع توابعها الشرعیه و

[illegible] و الاعیان [illegible] و الاشجار و الانهار و الاحجار

و [illegible] و المشروب [illegible] و المخرج و ما یتعلق بها [illegible] عرفاً و عادةً [illegible]

و الوضع و الاستثناء [illegible] مساحت [illegible] ذرع ۱۲۷

[illegible] در عوض [illegible] مبلغ [illegible] تومان وجه [illegible] هزار [illegible] رایج [illegible]

[illegible] فی المجلس [illegible] خیارات [illegible] و [illegible]

[illegible] بالمتصالح بلغ [illegible] المتعالیه [illegible]

والطرفین از جانبین گردید و صیغهٔ صحیحهٔ شرعیه جامعة للشرائط المعتبرة وابسته و خالیه عما یوجب الخلل والفساد جاری
و واقع گردید و در ضمن عقد خارج لازم حضرت معظم له مصالح و است فقها تلزم شرعیه گردید در صورتیکه از جانب تحریر
لطایف بیاد دیوان عالی فسادی در ما وقع علیه الصلح ظاهر گردد یا بنیان که کلاً ام بعضاً عینا او منفعة مستحقا للغیر آید
و ثبوت شرعی برسد ... بر روی ما ظهر فساده له عهدهٔ جمیع غرامات و خسارات وارده بر ... متصالح
مستقلا بر آن ... گردید کالی ... صلح مرقوم ملک طلق خاص و حق صدق ... باختصاص متصالح ... الیه فلجه ...
التصرف فیها کتصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق والایادی فی حقوقهم ... و ... آثار و صیغه

شرعیه کما هو القانونی فی الشریعة المطهره بالعربیه والفارسیه مشتمله علی الایجاب والقبول جاری و ساری شد
و کان وقوعا و تحریرا فی بیست و سیم شهر محرم الحرام ... ۱۳۲۹ ... اعظم +
چون ... عمارت مرقومه ... ما بین ... بنا ... دولت برای ... مدرسه ... سیاسی ... مصالحه کرده ام
و تمامی مال الصلح که مبلغ پانزده هزار تومان است مبلغ هشت هزار تومان از مالیه دولت و مبلغ هفت هزار تومان
از وجه ذخیرهٔ ... مدرسه ... است ... بنیان ... وارد ... بتقریب ... دولت
عمارت مرقومه ... مدرسه سیاسی ... شهر محرم ۱۳۲۹ امضاء ... مشار السلطنه
برای ... مرقوم ... بنا ... جناب
... مدرسه ... مبارک است فی ۲۹

... فی ... بالغا ما بلغ ...
والطرفین از جانبین گردید و صیغهٔ صحیحهٔ شرعیه جامعة للشرائط المعتبرة وابسته و خالیه عما یوجب الخلل والفساد جاری
و واقع گردید و در ضمن عقد خارج لازم حضرت معظم له مصالح و است فقها تلزم شرعیه گردید در صورتیکه از جانب تحریر
لطایف بیاد دیوان عالی فسادی در ما وقع علیه الصلح ظاهر گردد یا بنیان که کلاً ام بعضاً عینا او منفعة مستحقا للغیر آید
و ثبوت شرعی برسد ... بر روی ما ظهر فساده له عهدهٔ جمیع غرامات و خسارات وارده بر ... متصالح
مستقلا بر آن ... گردید کالی ... صلح مرقوم ملک طلق خاص و حق صدق ... باختصاص متصالح ... الیه فلجه ...
التصرف فیها کتصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق والایادی فی حقوقهم ... و ... آثار و صیغه

شرعیه جامعه الشرائط فی الشریعة المطهره بالعربیه والفارسیه مشتمله علی الایجاب والقبول جاری و ساری شد

وکالتاً و توکیلاً و تحریراً فی بیست و سیم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۳۹ [illegible] مهر خانم اعظم +

[illegible] استقاله عمارت مرقومه متن را اینجانب بنمایندگی دولت برای محل مدرسه علوم سیاسی خریده و معامله کرده ام

و تمامی مال الصلح که مبلغ پانزده هزار تومان است مبلغ هشت هزار تومان از مالیه دولت و مبلغ هفت هزار تومان

از وجوه ذخیره خود مدرسه [illegible] است که هیچ وجه با اینجانب ربطی ندارد و در حسب تصویب هیئت دولت

عمارت مرقومه اختصاص بمحل مدرسه سیاسی دارد و لذا حرر فی شهر محرم ۱۳۳۹ امضاء [illegible] مشار السلطنه مهر مشار السلطنه

برای این معامله شهادت دارم و هیچ نظر دیگر [illegible] آقای وزیر امور خارجه مرقوم داشته اند معامله مزبوره بنمایندگی جناب

مستطاب اجل افخم معززی الیه از طرف دولت برای مدرسه سیاسی شده است و انشاء الله مبارک است فی ۲۹

محرم ۱۳۳۹ [illegible] امضاء [illegible] مشیر الدوله مهر مشیر الدوله معامله مسطوره متن با اطلاع اینجانب و صحیح است امضاء

مهر امین السلطان معامله مرقومه در متن در کمال صحت و اعتبار است امضاء [illegible] مهر [illegible] +

بسم الله تعالی الصلح [illegible] المسطوره [illegible] بمبلغ [illegible] الف تومان و اسقاط کافة الخیارات [illegible]

عندنا شرعی الصلح ما وقع لدی فی الثالث والعشرین من المحرم ۱۳۳۹ [illegible] عفی عنه

مهر المتوکل علی الله [illegible] ۱۳۲۷ [illegible] مهر محمد تقی الموسوی مبلغ پانزده هزار تومان مال الصلح متن

[illegible] جناب اجل عالی آقای وحید الملک رئیس مدرسه مبارکه علوم سیاسی دام اقباله العالی [illegible] مستطاب

اجل افخم آقای مشار السلطنه [illegible] حضرت علیه خانم اعظم مصالحه [illegible] +

[illegible] تاریخ مهر خانم اعظم بسم الله تعالی [illegible] مال الصلح [illegible] المحذوره

[illegible] خانم اعظم المعروفه [illegible] فی الثالث والعشرین من المحرم الحرام ۱۳۳۹ حرره [illegible]

عفی عنه مهر المتوکل علی الله [illegible] مهر امین السلطان مهر وحید الملک [illegible] وکالت ثابت

که از طرف [illegible] علیه خانم اعظم دارم معامله مرقومه متن را امضاء [illegible] صحیح [illegible]

[illegible]

براین معامله شهادت دارم و ... آقای
وزیر امور خارجه ... معامله ...
... جناب مستطاب اجل اکرم معزز ...
از طرف ... برای ...
... ۲۱ محرم ۱۳۲۹
(امضاء ...)
(محل مهر ...)

[illegible]

صورتحساب عایدات یکساله مدرسهٔ علوم سیاسی از بازدهم برج سنبلهٔ ثیدان ئیل ۱۲۹۶ لایت بازدهم برج سنبلهٔ بزت ئیل ۱۲۹۷ (از فقرهٔ ۵۲۳ تا فقرهٔ ۱۲۴۶)

شرح	پنج ترانهٔ قسط		هشت ترانهٔ قسط		نهت ترانهٔ این ساق		پنج ترانهٔ دیسیم		شته ترانهٔ نقصه نقدی		جزا و جره	جمع کل
	عدده	قیمت	عدده	قیمت	عدده	قیمت	عدده	قیمت	عدده	قیمت	تران	تران
نقد بابت قسط اخیر قرض صادره سنبله ۴۲۵ ع ۳۲۹/۳۹۴	۶۶	۳۳۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۳۰	
" " " " ع ۴۹۵/۵۰۰	—	—	۶	۴۸	—	—	—	—	—	—	۴۸	
" " " " ع ۵۰۱	۱	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	
" " " " ع ۵۰۲/۵۰۹	—	—	۸	۶۴	—	—	—	—	—	—	۶۴	
" " " " ع ۵۱۰/۵۱۵	۶	۳۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۰	
" قسط دوم " عوض سنبله ۱۴۳۶ ع ۵۱۶/۵۸۴	۶۸	۳۴۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۴۰	
" " " " ع ۵۸۴/۵۹۷	—	—	۱۳	۱۰۴	—	—	—	—	—	—	۱۰۴	
" " " " ع ۵۹۷/۶۰۰	—	—	—	—	—	—	۴	۲۰	—	—	۲۰	
" قسط چهارم " عوض سنبله ۱۴۴۶ ع ۶۰۱/۶۰۴	—	—	—	—	—	—	۳	۱۵	—	—	۱۵	
" " " این ساق ع ۶۰۴	—	—	—	—	۱	۸	—	—	—	—	۸	
" " " " ع ۶۰۵/۶۶۸	۶۴	۳۲۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۳۲۰	
" " " " ع ۶۶۹/۶۸۱	—	—	۱۳	۱۰۴	—	—	—	—	—	—	۱۰۴	

	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	۱	
	۲۱	۲۱	۷	—	—	—	—	—	—	—	—	
	۲۰۱	۷۵	۲۵	۱۱۰	۲۲	۱۶	۲	—	—	—	—	
۱۶۲۰	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	
	۱۰۱	—	—	—	—	—	—	۱۶	۲	۸۵	۱۷	
-۳۲۷	۲۲۶	۹۰	۴۰	۱۱۵	۲۳	۱۶	۲	—	—	۵	۱	
۱۲۹۳	باقی....											

مطابق سه فقره رسید بانک شاهنشاهی که در اداره محاسبات و تزاریب جلیله امور خارجه ضبط است

ببانک پرداخته شده: ۷۰۰+۳۰۰+۲۸۸= ۱۲۸۸ ۱۲۸۸

نقداً باداره محترمه محاسبات تسلیم شد که در قطع تادیه عایدات هذه السنه ببانک

از اداره محاسبات دریافت و ببانک داده شود ۵ ۱۲۹۳

تاریخ ۱ دی ماه ۱۲۹۷

صحیح است والسلام کم الله

نقد تقدیم نامه قرض صادره حوت ۱۲۹۶ ۶۸۹/۶۸۳

قرض موجودی از سنه ماضیه

موجودی صندوق مدرسه از سنه ماضیه

قرض که وجه آنها وصول نشده و باداره محاسبات سترد شده

قرض که وصول نشده باید وصول شود و جزو جمع سنه آتیه خواهد آمد

صورت حساب عایدات ایالت لرستان علوم سیاکوه و بهار و بهم برج سنبله ۱۳۰۱ لایت پاییز و بهم برج سنبله و میزان ۱۳۰۱ از بقیه ۴۷/۰

شرح	پنجاه قسط		هشت قسط		پنجاه و پنج		نه قسط تصدیق نامه		پنجاه آزاد		جزء و جمع		جمع کل	مدت حفظ
	عدد	قیمت	عدد	قیمت	عدد	قیمت	عدد	قیمت	تومان	قران	تومان	قران	تومان	
لقاب قسط اول قرض صادره ۹۷ سنبله	۵۸	۲۹۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۰۹۰	—		
" " "	—	—	۲۳	۱۸۴	—	—	—	—	—	—	۱۰۸۴	—		
" " "	۱	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۵۰	—		
لقاب تصدیق سیم قرض صادره میزان ۹۷	—	—	—	—	۵	۲۵	—	—	—	—	۲۵۰	—		
" تصدیق نامه قرض صادره میزان ۹۷	—	—	—	—	—	—	۱۷	۵۱	—	—	۵۱۰	—		
" قسط اول قرض صادره عقرب ۹۷	۲	۱۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۰۰	—		
" " "	۳	۱۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۵۰	—	۷۹۴	
" " "	۲۶	۱۳۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۳۰۰	—	۸۰۰۰	
" " "	—	—	۱	۸	—	—	—	—	—	—	۸۰	—		خبرها بقرض قرض نبرده
" " "	۳	۱۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۵۰	—		
" " "	—	—	۱	۸	—	—	—	—	—	—	۸۰	—		
" " "	۳	۱۵	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۵۰	—		
" " "	—	—	۱	۸	—	—	—	—	—	—	۸۰	—		
" " "	۲	۱۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۰۰	—		

	۱۱۱	—	—	۱	۸	—	—	—	—	—	—	—	—	۸	
بابت فروش قطعات نمره صادره ... ۹۷/	۸۵۲/۸۳۹	۱۴	۷۰	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۷۰	
"	۸۶۲/۸۵۳	—	—	۱۰	۸۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۸۰	
"	۸۶۳	۱	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	
"	۸۶۹/۸۶۴	—	—	۶	۴۸	—	—	—	—	—	—	—	—	۴۸	
"	۸۷۱/۸۷۰	۲	۱۰	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۰	
"	۸۷۲	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۵	—	۵	—	
"	۹۱۵/۸۷۳	۴۴	۲۱۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۱۵	
"	۹۱۶	—	—	—	—	—	—	—	—	۱	۵	—	۵	—	
"	۹۲۱/۹۱۷	۵	۲۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۲۵	
"	۹۴۱/۹۲۲	—	—	۲۰	۱۶۰	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۶۰	
"	۹۴۲	۱	۵	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵	
فروش موجودی از سنه ماضیه		۱	۵	۲	۱۶	۲۳	۱۱۵	۳۰	۹۰	—	—	—	—	۲۲۶	۱۶۲۷
فروش که در صورت ... بابت ...		۱۶	۸۰	۸	۶۴	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۴۴	
فروش ...		—	—	۱	۸	۲۱	۱۰۵	۳۴	۹۹	—	—	—	—	۲۱۲	۳۵۶
															۱۲۷۱
															۱۲۷۱

[illegible]

۲۳ حمل/۹۷	۲۰۰/۰	...
۱ حوت/۹۷	۲۹۰/۰	
۲۲ حمل/۹۸	۱۲۵/۵	
۲۲ ثور/۹۸	۲۰۰/۰	
۲۴ سنبله/۹۹	۴۵۵/۵	

۱۲۷۱

۲۲ ...

۲۴۵

صورت [illegible] از ۱۵ برج سنبله ۱۲۶۸ الی ۱۵ برج سنبله ۱۲۶۹ از رجب ۲۷ الی ذیحجه ۱۲۶۸

شرح		[illegible] عدد	[illegible] قیمت	[illegible] عدد	[illegible] قیمت	[illegible] عدد	[illegible] قیمت	[illegible] عدد	[illegible] قیمت	[illegible] عدد	[illegible] قیمت	قران	تومان	جمع کل قران	جمع کل تومان	ملاحظات
[illegible] ۴۱	۹۴۴ ۹۹۰	۵۳	۲۱۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۷۰			
	۹۹۱	-	-	۱	۴۵	-	-	-	-	-	-	۵	۴			
	۹۹۸	-	-	۱	۱۵	-	-	-	-	-	-	۵	۱			
	۹۹۹ ۱۰۲۲	-	-	-	-	۱۴	۱۹۲	-	-	-	-	-	۱۹۲			
	۱۰۲۴ ۱۰۳۱	-	-	-	-	-	-	۱۵	۴۵	-	-	-	۴۵			
	۱۰۴۱ ۱۰۴۸	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱	۵۵	-	۵۵			
[illegible] ۴۸	۱۰۴۹ ۱۰۹۶	۴۸	۲۴۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۴۰			
	۱۰۹۷	-	-	۱	۱٫۵	-	-	-	-	-	-	۵	۱			
	۱۰۹۸	-	-	۱	۳٫۰	-	-	-	-	-	-	-	۳			
	۱۰۹۹ ۱۱۱۱	-	-	-	-	۱۲	۱۶۸	-	-	-	-	-	۱۶۸			
	۱۱۲۰	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵	-	[illegible]			
	۱۱۲۱ ۱۱۲۲	-	-	-	-	۲	۱۶	-	-	-	-	-	۱۶			
	۱۱۲۳	-	-	-	-	-	-	۱	۳	-	-	-	۳			

۱۱۱۴	۱	۵						۵ -	
								۲۲۰ -	
۱۱۹۱ ۱۱۱			۲۱	۱۶۸				۱۶۸ -	
۱۱۹۲				۳	۱			۳ -	
قرض از وجوه اداره نفیه					۸	۱	۱۰۵۲۱ ۹۹۳۳	۲۱۲ -	۱۶۲۲۵
قرض به جهاد داده شده و ادارجی سابقه داشته و جلسات				۸ ۳۰	۳	۱ ۵۶	۵ ۱	۱۰۳ -	
قرض جمع شده و به دیگر شرور و جراجع نسایه نمرا با آمار							۹۰ ۱۸ ۹۹۳۳	۱۸۹ -	۲۹۳ -
									۱۳۲۹ ۵
									۵۶ ۵
									۱۳۸۶ -

بت نتیجه کتبی و ترطلا و کمروله الله‌دادی نمره‌شده و معادل ان از نسخه‌ی مدرسه‌ی این فرقه‌ه تحقیق ذیل:

تمرت	تاریخ حق مشرق	تاریخ زمان لفظه الله‌دادن
۵۵ جلد	یک جلد	یک جلد

سطاق تعهد فقره رسید بانک شاهنشاهی بر قرض فیض ادارجی سابقات غیر پرداخته شرح تحقیق ذیل:

بانک شاهنشاهی بر ان رسید	الف ان رسید ۳۲۵۷	لفظ ان حق دارالله‌دادن خرید خانه	فقره ان فیض فقره ادارجی سابقات
۲۰۹۸ ادارجی سابقات	فقره ۱۱ ج ۲ ۳۹ ادارجی سابقات		
فقره ۲۱ صفر ۱۳۴۹			

۱۳۸۶ -

۱۳۲۰

صورت حساب جمع و خرج عایدات [illegible] از ۱۵ برج سنبله یحیی ۱۲۹۹ الی ۱۵ برج سنبله جلالی ۱۳۰۰

شرح	قرض پنجروزه		قرض بست تومانی		قرض شش تومانی		خرج و دیوه		جمع دیوه		ملاحظات
	عدد	قیمت	عدد	قیمت	عدد	قیمت	زمان	زینار	تومان	زینار	
قرض قطه اول ۱۱۹۳/۱۱۴۵	۵۱	۲۶۵	—	—	—	—	۲۶۵	—			
۱۲۶۲/۱۲۴۶	—	—	۱۷	۱۴۶	—	—	۱۴۶	—			
۱۲۶۷/۱۲۶۲	۵	۲۵	—	—	—	—	۲۵	—			
قرض قطه دوم ۱۴۱۰/۱۲۶۸	۵۳	۲۶۵	—	—	—	—	۲۶۵	—			
۱۴۳۴/۱۴۳۱	—	—	۱۴	۱۱۲	—	—	۱۱۲	—			
قرض تسبیه ۱۴۴۰/۱۴۳۵	—	—	—	—	۸	۲۴	۲۴	—			
قرض رسیم ۱۴۵۴/۱۴۴۴	۱۲	۶۰	—	—	—	—	۶۰	—			
قرض قطه سوم ۱۴۱۰/۱۴۵۵	۵۶	۲۸۰	—	—	—	—	۲۸۰	—			
۱۴۱۵/۱۴۱۱	—	—	۱۵	۱۲۰	—	—	۱۲۰	—			
قرض رسیم سنه ۱۴۰۰ ۱۴۳۴/۱۴۰۰	۹	۴۵	—	—	—	—	۴۵	—			
قرض بجوز از شه لیه	۱۸	۹۰	—	—	۳۳	۱۰۰	۱۸۹	—			
بست تیه، بست حله کتاب دولت مهر به تبع و عوض سالی و نوشته							۸	—	۱۵۲۶	—	
قرض بجوز از شه لیه، بجوز از بست روشه، به حله	۱۸	۹۰	۴	۳۲	—	—	۱۲۲	—			
قرض بجوز از شه لیه، بجوز از قرض بست تومانی	۲۳	۱۱۵	—	—	۳۲	۹۶	۲۱۱	—	۴۳۳	—	
									۱۹۶۹	—	
بست بست، بطلق تسبیه ۱۴۸۲ ترضه ۲۴ ی ۱۳۰۰ از اداره مالی بست							۵۰۰	—			
بست بست، بطلق تسبیه ۱۸۱۱ ترضه ۱۵ ی ۱۳۰۱ از اداره مالی بست							۶۹۶	—	۱۱۹۶	—	

صورت حساب جمع و خرج عایدات [illegible] از پانزدهم برج سنبله یحیی ۱۲۹۹ الی ۱۵ برج سنبله جلالی ۱۳۰۰

[illegible] ۱۳۰۱

۲۴۸

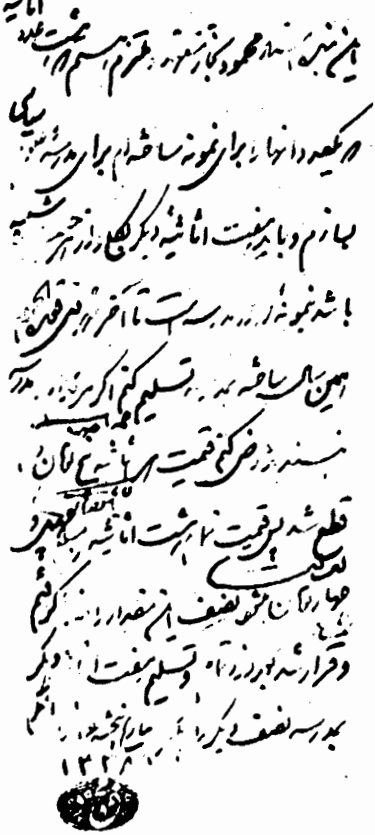

مداری پنجاه عدد ضدلی بدستور العمل

و سفارش آقای معین الوزاره بجهت

مدرسه سیاسی بمبلغ شصت تومان

بتوسط آقای میرزا ابوالحسن خان به این

جانب استاد محمود نجار رسیده

بتاریخ سه جمادی الاولی سنه ۱۳۰۳

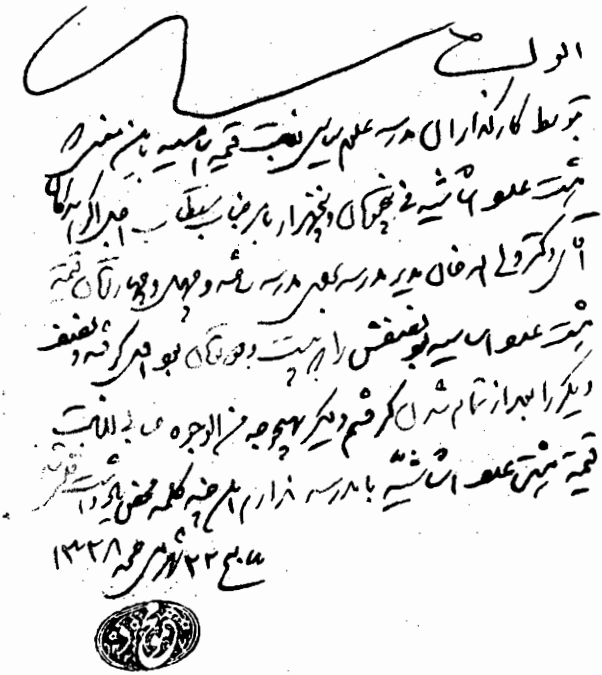

الوصیه

بتوسط جناب ... آقا ابوالحسن خان للاجابت تعمیر و

زنگ اساسیه مدرسه‌های علوم سیاسی مبلغ دوازده تومان و

هشت هزار و پنج شاهی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فی بتاریخ ۱۵ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۲۹

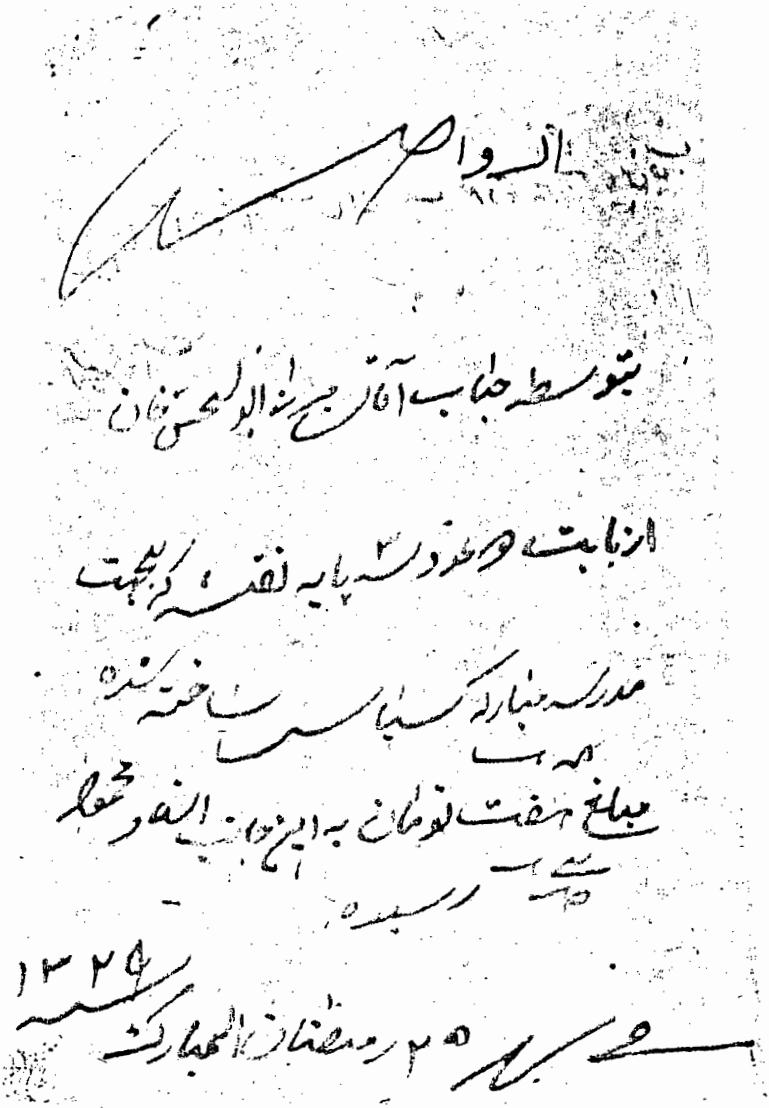

بسم الله الرحمن الرحیم

بتوسط جناب آقای میرزا ابوالحسن خان

از بابت دو عدد سه پایه نقشه که بجهت

مدرسه مبارکه کسباسی ساخته شده

مبلغ هفت تومان به این جانب اسناد محمود

رسیده

۲۵ رمضان المبارک سنه ۱۳۲۶

الوصیه

بتوسط جناب ... آقای میرزا ابوالحسن خان [illegible]

در تیجیری مدرسهٔ سیاسی مبلغ سیزده تومان باینجانب

استاد محمود نجار رسیده

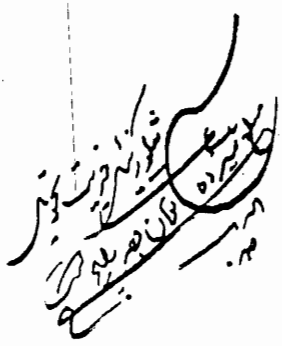

[illegible]

فی بتاریخ ۲۵ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۲۹

الواصل

بتوسط جناب آقای میرزا ابوالحسن خان
از بابت یک عدد میز و یک عدد سایه
بجهت مدرسه علوم سیاسی
مبلغ یازده تومان واصل و عاید این جانب
استاد محمود نجار گردید

سیچقان ایل
مبلغ یازده تومان

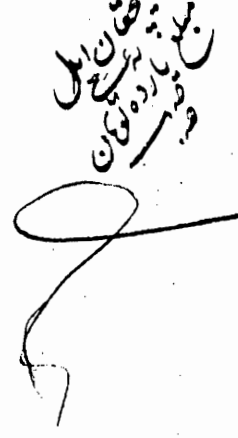

بتاریخ ۱۱ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۳۰

وزارت امور خارجه
اداره مثبت دائره
مورخه ۱ ژوئن/۹۷
نمره ۱۷۴۸
ضمیمه ۱

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

دو طرز صورت حساب عایدات یکساله مدرسه علوم سیاسی

از پانزدهم برج سنبله سنه ماضیه ثلاثین ئیل ۱۲۹۶ لغایت ۱۵

برج سنبله هژده سنه بوقت ئیل ۱۲۹۷ الف مدرسه مزبوره ۱۶

شهریاری باداره مثبت وصول گردید یک نسخه آن ضبط و نسخه

دیگر امضا و لفاً بعنوان مقاصا بطرف اداره مدرسه ارسال شد

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره

مورخه ۲۱ شهر [illegible]

نمره ۲۲۵۲

صفحه ۱

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

مراسله نمره ۵۲۰ مورخه ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۰ شصت و نه نسخه صورت حساب

عواید مدرسه علوم سیاسی از پانزدهم برج سنبله بچی ئیل الی پانزدهم برج سنبله

شماقوی ئیل زیب و صحت دارد بطوریکه تقاضا فرموده بودید یک نسخه از

صورت مزبور را رسیدگی و تصدیق نموده برای سند خرج آن اداره محترمه

لفاً ایفاد میدارد قدغن نمائید صورت حساب سنه ماضیه را هم از پانزدهم

سنبله شماقوی ئیل الی پانزدهم سنبله ایت ئیل زودتر تهیه و ارسال دارند

[illegible]

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۲۱ میزان ۱۳۳۴

نمره

ضمیمه

Kro=6474,55=

مبلغ شصت و چهار هزار و هفت تومان و چهار هزار و پانصد دینار [illegible]

[illegible] آقای مستشار الملک رئیس [illegible] اداره محاسبات

وزارت جلیله امور خارجه بمدرسه علوم سیاسی داده شود

[illegible] آقای میرزا [illegible] خان محاسب مدرسه [illegible] اداره

محاسبات وزارت جلیله امور خارجه [illegible]

بتاریخ بیست و یکم میزان ۱۳۳۴

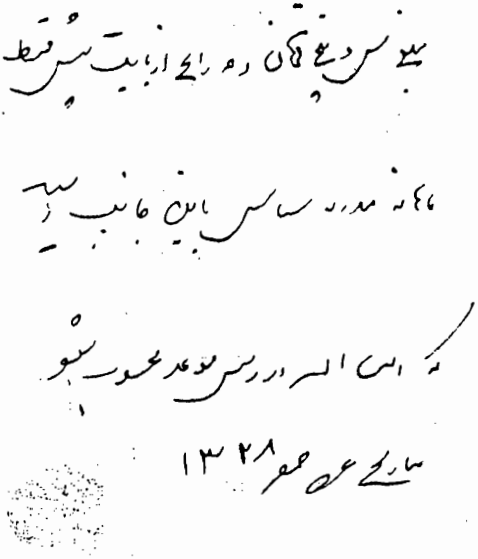

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

در خصوص یکصد و شصت تومان طلب چاکر از بابت صرف تعمیر مدرسه مبارکه
سیاسی چندی قبل و شرط فرموده بودند که باید چندی صبر نمایم اطاعت نمود ولی
چاکر چهار سال است که بر حسب امر وزارت جلیله پول داده و تأمل کرده
این است که در مقام جسارت برآمده استدعا مینماید هرگاه صلاح بدانند
از هیئت محترم وزراء عظام حکمی صادر فرمایند که خزانه دار طلب چاکر را

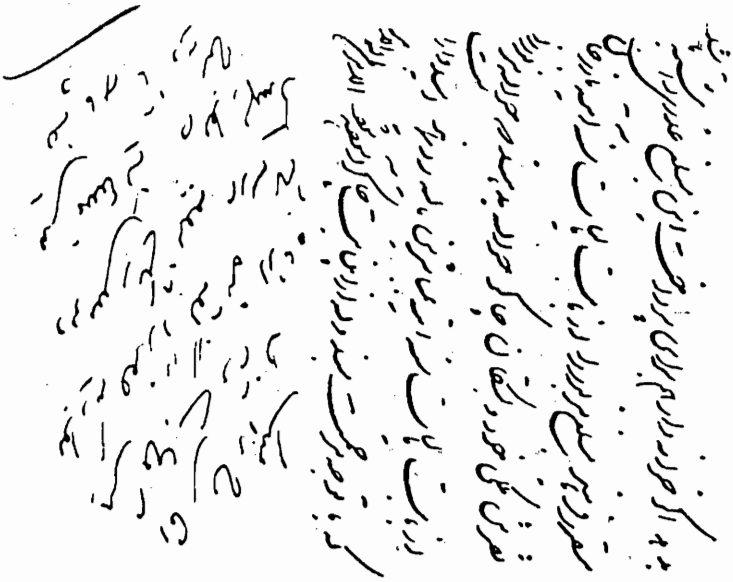

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره

ورخه ۲۰ [illegible] ۹۱

نمره ۲۶۴۲

ضمیمه

اداره مدرسه علوم سیاسی

بطوریکه تقاضا نموده بودید برای برقراری پانزده تومان اضافه
سفری آقایان میرزا علیمحمد و میرزا عباسقلیخان و میرزا علی اکبرخان
که سابقاً از محل اعتبار وزارت امور خارجه پرداخته میشد و کمیسیون
تطبیق حوالجات از محل برج قوس از ورقه درخواست
مدرسه موضوع نموده بودند بشهادت هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم
تقدیم شد در ظرف هیئت معظم تصویب و سفر وزارت جلیله
کماکان سابق پانزده تومان اضافات مزبوره را از محل برج
قوس کارسازی دارند لهذا ورقه درخواست بروجی که کمیسیون
موضوع نموده بود صادر و بوزارت سفری الیها انفاذ و بعلت
آن اداره اشعار گردید عقیده [illegible]

از زمانیکه خانه بانضمام باغچه خود را که واقع در خیابان جنب داکون خانه است

بمدرسه علوم سیاسی اجاره داده بودم تا زمانیکه مدرسه آنجا را تخلیه نمود

مال الاجاره این مدت را تمام و کمال باینجانب رسیده و زباله را نیز

موافق قرارداد برداشته دیگر این بنده بهیچگونه حقی

باین مدرسه ندارم بتاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۳

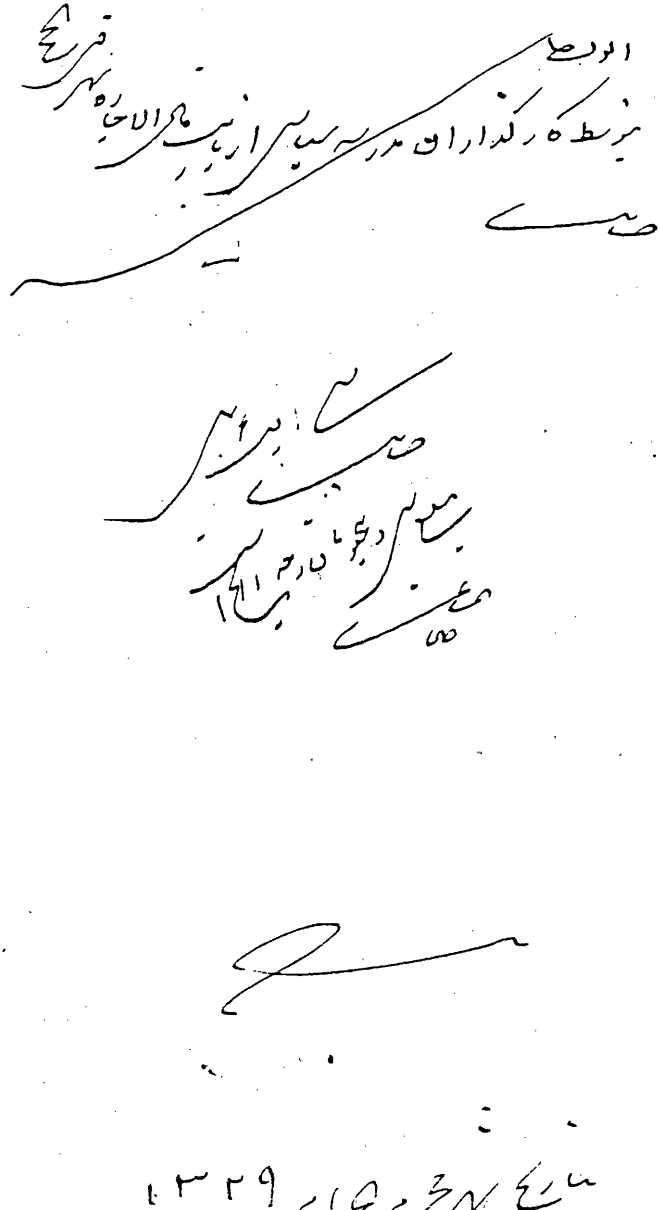

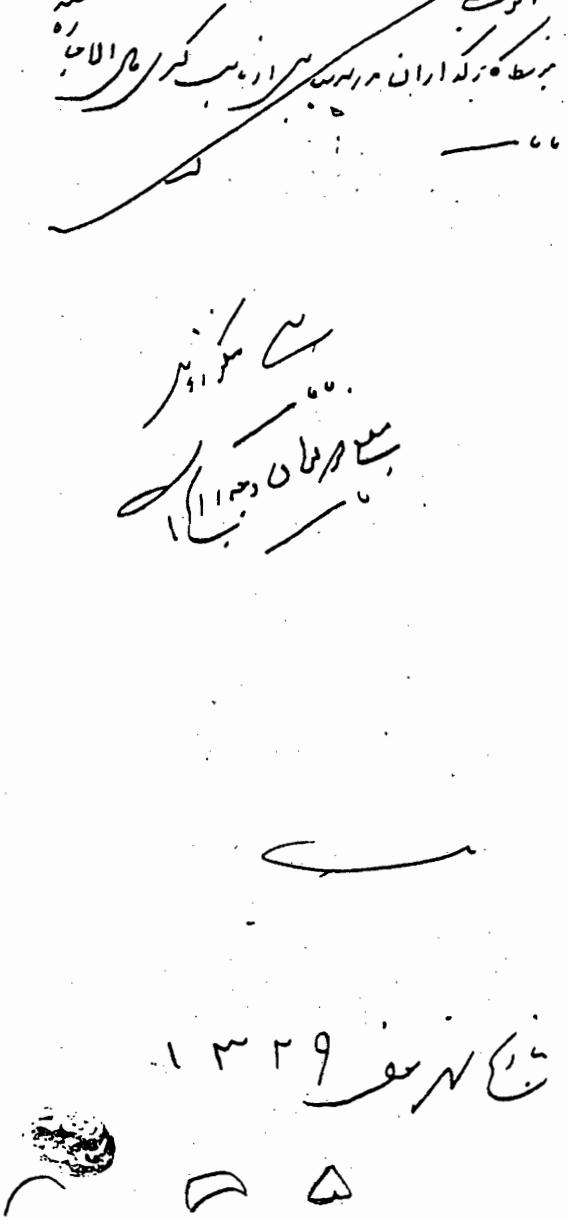

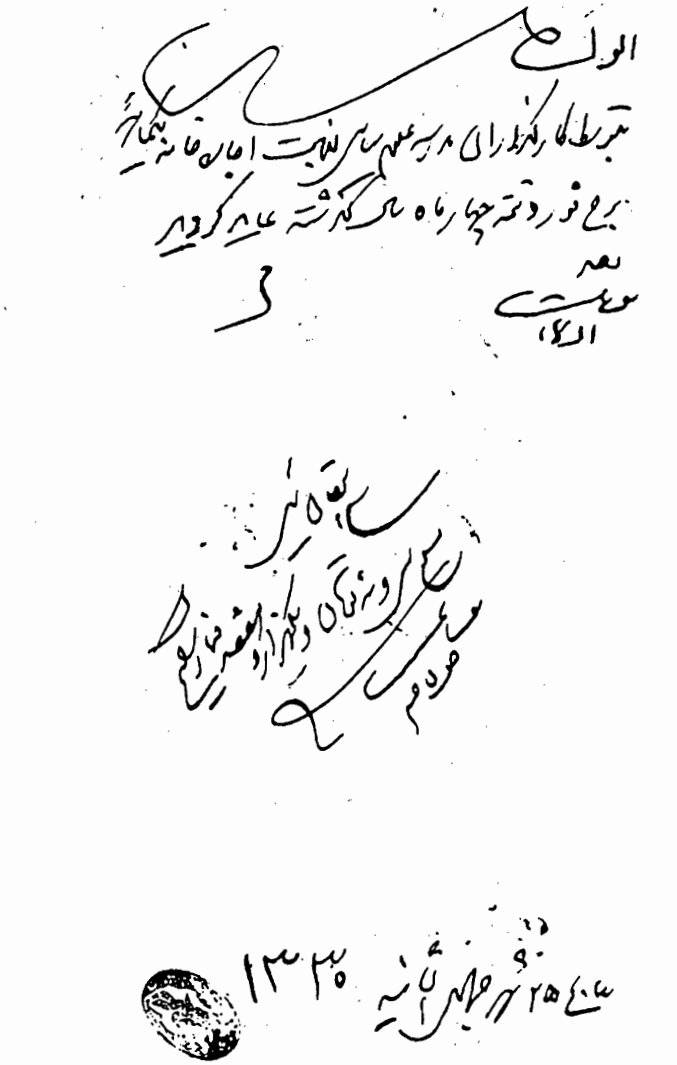

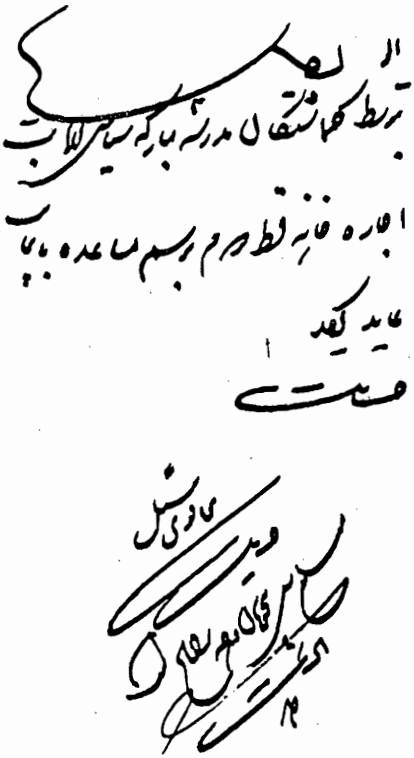

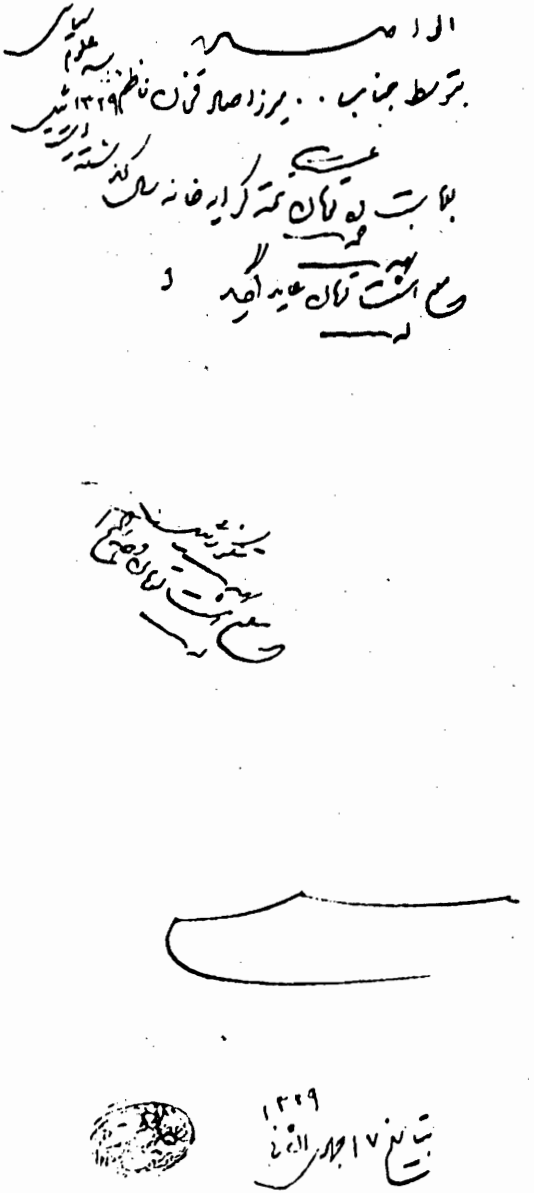

وزارت امور خارجه

اداره ...

سواد مراسله وزارت مالیه بوزارت امور خارجه

مورخه ۶ ثور ۱۳۳۵

نمره ۴۱۶۵

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مراسله اداره مدرسه علوم سیاسی مورخه ۲۴ شهر جمادی الاخره راجع بموضوعات کمیسیون تطبیق حوالجات

از وجوه درخواستهای صادره بروح حمل و حوت سنه ماضیه لوی مدرسه نه کرد مصادعت لیلاوه خاطر محترم

اولیای آن وزارت جلیله را قویتر استحضار میدارد مدلول مبلغ سی و پنج تومان بشرح ذیل از درخواستهای صادره

مدرسه علوم سیاسی بعد از آن وزارتخانه ارسال گردیده است

حمل

اثبات درخواست حمل اول سال سنه ماضیه

اثبات درخواست رجوع حوت سال سنه ماضیه

اثبات درخواست حقوق دوم علم مدرسه

اثبات درخواست ... مدرسه

حوت

کمیسیون تطبیق حوالجات مکرر موضوع نموده وزارت مالیه بعد از وضع مبلغ مزبور حواله آنها را

صادر و پرداخت نموده است مراتب استحضار خاطر محترم رخصت افزا گردید

از طرف وزیر مصدق

وزارت مالیه

وزارت امور خارجه

اداره ... دائره

مورخه ۲۷ ... ۱۳۳۵

نمره ۳۱۴

ضمیمه

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

مبلغ یکصد و پنجاه تومان (۱۵۰۰ ذان) بصدر برای از باب طلب

اداره ... وزارت امور خارجه از آن اداره ... منتشر الممالک رئیس

سابق این اداره بعنوان مساعده داده بعد برسم علی الحساب ... ادارات

وصول شد ... حسب الامر ... حضرت ... رئیس الوزراء ... امور خارجه

دامت عظمته بطلبکاری ... منتشر الممالک داده شد

[illegible]

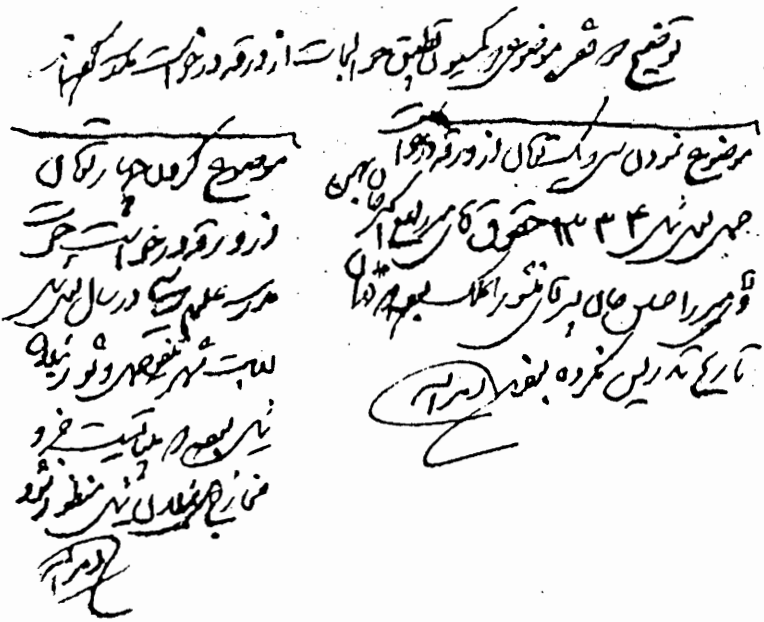

ریاست وزراء

سواد تصویبنامه هیئت وزراء

مورخه [illegible]

نمره [illegible]

وزارت جلیله مالیه

در تعقیب تصویبنامه نمره ۲۴۸۵ در جلسه ۲۰ قوس ۱۲۹۷ مطابق

۷ ربیع الاول ۱۳۳۷ هیئت وزراء تصویب فرمودند که بنجاه تومان اضافه حقوق

آقای دکتر ولی الله خان هم مثل رؤسای ادارات وزارت بزرگ مالیه

موافق تصویبنامه نمره ۲۴۸۵ از قبل بیره نیز آن هم الساعه [illegible]

[illegible] و [illegible] برداشته شد تصویبنامه در [illegible] ریاست وزراء [illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه

اداره مجلات دائره

مورخه ۲۴ محرم ۱۳۳۵ عقرب

نمره ۱۷۲۷

ضمیمه

۳۱۲

اداره محترم مدرسه علوم سیاسی

مراتب مرقومه در شرزه ۲ محرم ۳۵ رجوع به یک تاه

اضافه بعضی مخارج قهوه خانه مدرسه سیاسی بعرض رسید بطوری که تقاضا

نموده بودید مقرر فرمودند از محل اعتبار مخارج متفرقه مدرسه

که در ضمن بودجه مصوبه مسطوح است ماهی یک تاه به چهار تاه

مخارج سابق قهوه خانه مدرسه افزوده و جمعاً ماهی پنج تاه

میشود بمصرف قهوه خانه برسانید و در صورت حساب منظور نمائید

وزارت امور خارجه
اداره ثبت دائره
مورخه ۱۲ فروردین ۴۷
نمره ۱۳۹۹
ضمیمه

۴۸۶

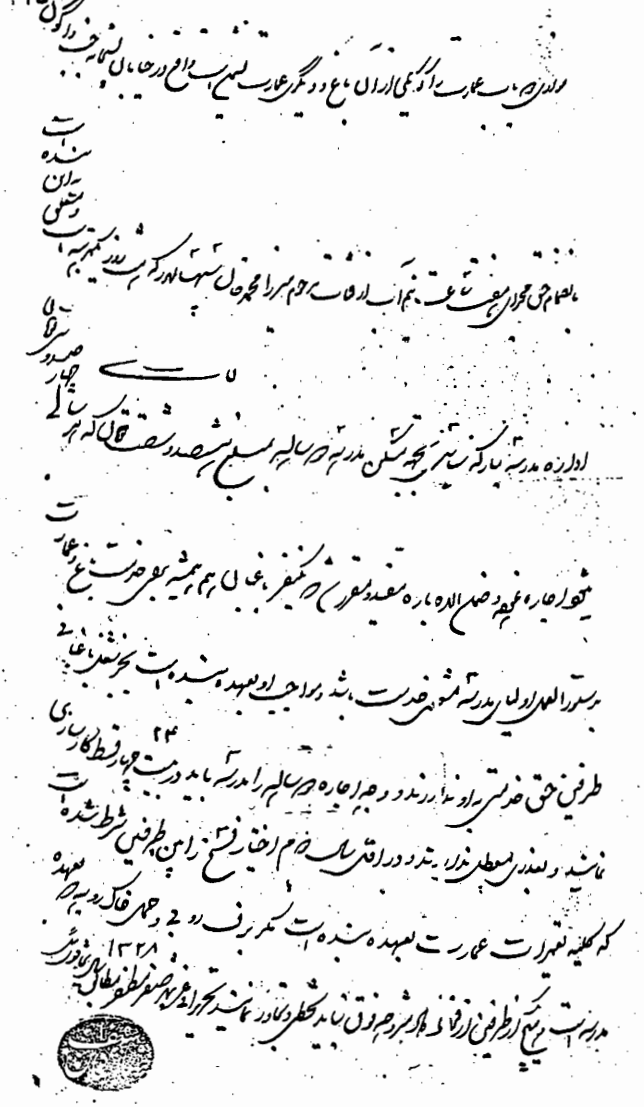

وزارت امور خارجه

اداره [illegible] دائره

مورخه ۱۲ [illegible] ۹۷

نمره ۱۸۲۶

ضمیمه

اداره مدرسه علوم سیاسی

بر حسب پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب هیئت محترم [illegible]

دولت [illegible] از قبیل برج قوس حقوق و اضافات ذیل [illegible]

اضافه مقرری آقای دکتر ولی الله خان مدیر مدرسه	۵۰ تومان
مقرری آقای میرزا ابوالقاسم خان معلم حقوق جنائی	۲۰
مقرری آقای میر عماد خان معلم خط	۲۰
وظیفه ورثه مرحوم [illegible] خان [illegible]	۱۰
اضافه مقرری سه نفر فراش مدرسه [illegible]	۱۵
جمع	۱۱۵

برج عقرب مدرسه علوم سیاسی علاوه شده است اداره کل [illegible]

از برج قوس اضافات فوق را جزو ورقه درخواست مدرسه

[illegible] وزارت جلیله [illegible] داشت

[illegible] تومان وظیفه میرزا ابوالقاسم [illegible]

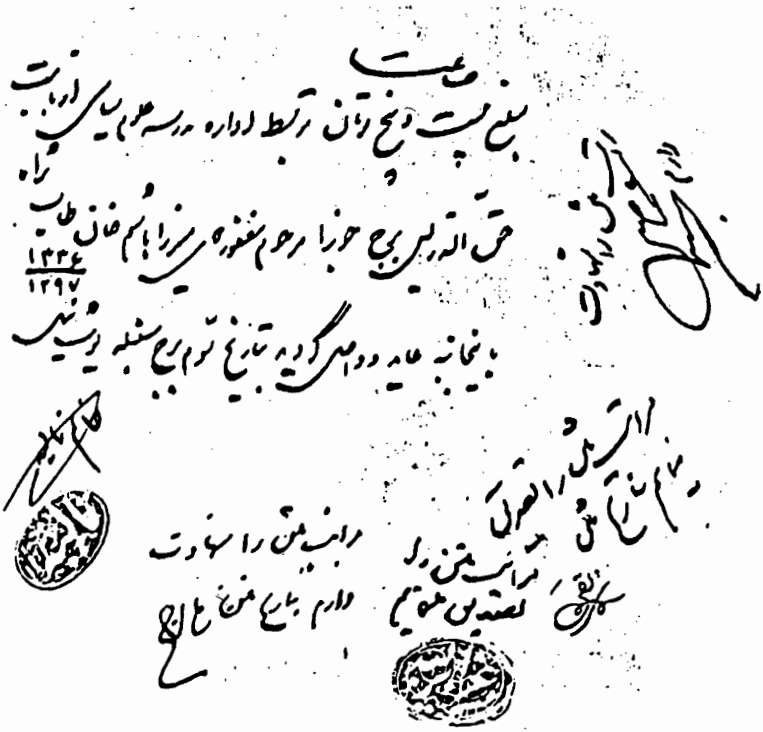

۱۳۲۷

صورت مخارج عشق مدرسه سیاسی که در یوم ۵ شنبه ۲۱ محرم در وزارت جلیله امور خارجه منعقد شده بود از قرار تفصیل ذیل است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	دوغال	[illegible]
[illegible]	۲ درم [illegible]	۲ درم	[illegible]	۵
[illegible]	سکر	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	کرایه [illegible]	کرایه [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کرایه [illegible]	کرایه [illegible]	کرایه [illegible]	کرایه [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵

[illegible] — ۵۵

مبلغ فوق که سی و سه تومان و هشت هزار و سیصد دینار می‌شود توسط اداره محترمه مدرسه کل سیاسی [illegible] وزارت جلیله امور خارجه تماما بتوسط بنده [illegible] رسید ۲۲ محرم ۱۳۲۷

[illegible]

تجارتخانهٔ برادران طومانیانس

طهران

بتاریخ ..... شهر ۱۳

نمره

۱۳۳۳

صورت محاسبه مدرسه سارکیسیان ۲۲ جدی [illegible]

طبعی مدرسه

[illegible]

۱۳۳۱

[illegible]

[illegible]

۱۳۳۳

طبعی مدرسه از ۲۳ جدی [illegible]

[illegible]

تجارتخانه برادران طومانیانس

طهران

بتاریخ ۲۴ شهر شعبان ۱۳۴۱

نمره ۷۶۵/۷۴

خدمت جناب مستطاب ... آقای دکتر ولی الله خان [illegible]

صورت مجلس مدرسه مبارکه سیاسی را نوشته لفا انفاذ
کردید البته بنظر مبارک خواهم رسید و احتراماً عرض مینماید
که تجارتخانه از این تاریخ ببعد علاوه از صدی شش
در سال بیشتر فرع نمی‌تواند بدهد چنانچه رأی مبارک
باین ترتیب علاقه گیرد دو کلمه در جواب مرقوم
فرمایید والا قدغن نمایید سند تجارتخانه را استرداد داشته
وجه را دریافت فرمایند [illegible]

[illegible]

Poccie

TYPOGRAPHIE ~~SADIGUIÉ~~

Téhéran

COMPTE

Mr. صورت حساب مدرسه [illegible] ۱۳۲۹

Temps	Nome de la commande	Nombre des exemplaires	SOMME DUE			
			Papier	Imprimer		Total
	ورقه کراپورت	۱۰۰۰	-	-	-	۴۰
					(چهار تومان)	۴۰

Le Directeur [signature]

Тегеранъ

TÉHÉRAN

الوسط

مبلغ سیصد و سی تومان از بابت مال الاجاره و حق الشرب یکسال شمسی خانه

مسکونی مدرسه علوم سیاسی از قرار تفصیل ذیل

مال الاجاره یکسال شمسی	حق الشرب یکسال شمسی

بتوسط جناب آقای امرالله خان دفتردار مدرسه علوم سیاسی

باینجانبه عاید گردید و ابتدا سال اجاره او برج دلو مطابق

پنجم شهر ربیع الاول بارس ئیل ۱۳۳۲ میباشد

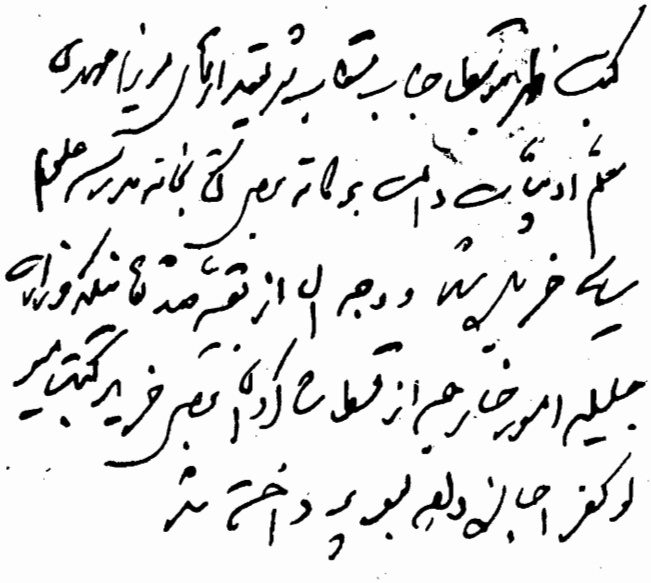

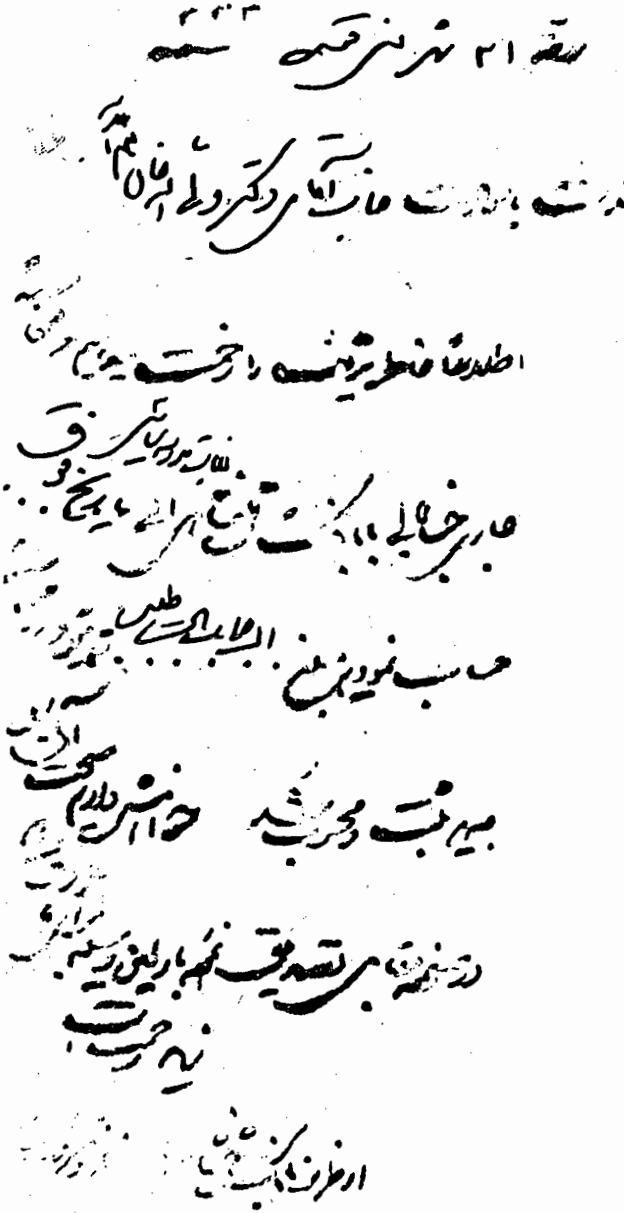

۴ نمونه (۵)

بتاریخ ۲۵ برج عقرب سنه یکهزار و سیصد و سی و یک ۱۳۰۲

نمره ۱۹۱۲۵ ضمیمه

وزارت امور خارجه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

راجع به یکطرفه قبض نمره ۳۲۵۲ بانک شاهنشاهی بمبلغ ۶۷۸۷/۵ قران بابت
وجه امانتی مدرسه که تقاضا فرموده بودید از بانک مزبور وجه آن دریافت و نظر بتصرفه
به بانک عثمانی انتقال داده شود چون بانک شاهنشاهی حاضر شد قرار ۴ ۱۰
فرع بدهد لهذا قبض مزبور به بانک رد شد و در عوض یکطرفه قبض نمره ۳۵/۲۵
بمبلغ ۶۸۵۵/۲۵ قران بابت مبلغ مذکور در فوق ناضافه شش تومان و
هفت هزار و هشتصد و پنجاه و پنج فرع شش ماهه برای مدت یکسال که در ۱۲ برابر ۱۹۲۴
موعدش منقضی خواهد شد باسم مدرسه اخذ و در اداره محاسبات ضبط گردید
و اما اینکه مرقوم فرموده بودید وجه قبض نمره ۳۲۵۲ بموعد یکسال بعد در
قبض شش ماهه قید شده بود و باین جهت بانک شاهنشاهی فقط فرع شش ماهه را
محسوب داشت

۵۶۹

۳۲۱

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۴ صفر ۱۳۳۵

نمره ۱۸۶۵

ضمیمه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

بانک شاهنشاهی ایران بطور کلیه وجوهی که مدرسه سیاسی تاکنون
بحساب جاری در بانک مزبور داشته است صدی سه ربح منظور
و بصل وجوه اضافه نموده و فعلاً کلیه وجوه مدرسه دوره سابق
و لاحق ببانک شاهنشاهی سپرده شده بانضمام ربح آنها بالغ بر سه هزار و
چهارصد و یازده تومان و هشت قران و نهصد و پنجاه و یک دینار
(۳۴۱۱۸٫۹۵ قران) در ۲۰ نوامبر ۱۹۱۶ بانک شاهنشاهی
یکطرفه قبض بنسبت مبلغ مزبور باسم مدرسه بوزارت امور خارجه
سپرده و یکساله مبلغ فوق را امانت قبول نموده است و از
نوامبر ۱۹۱۶ از قرار صدی شش ربح بآن اضافه نماید
۲۰ نوامبر سال آتیه (۱۹۱۷) باید قبض مذکور ببانک ارسال
و در صورت لزوم مدت و قبض را تجدید نمایند

اداره محاسبات و تذکره ۱۳۲۹

قبض اعلانات

اداره روزنامه «برق»

نمره قبض ۲۱۵

مبلغ [illegible] از بابت اعلان نمره ۲۶۶ در صفحه [illegible]

با حروف [illegible] مرتبه طبع [illegible] از جانب [illegible]

توسط [illegible] اداره برق واصل گردید

تاریخ [illegible] شهر [illegible] ۱۳۳۷ محل امضای دفتردار اداره

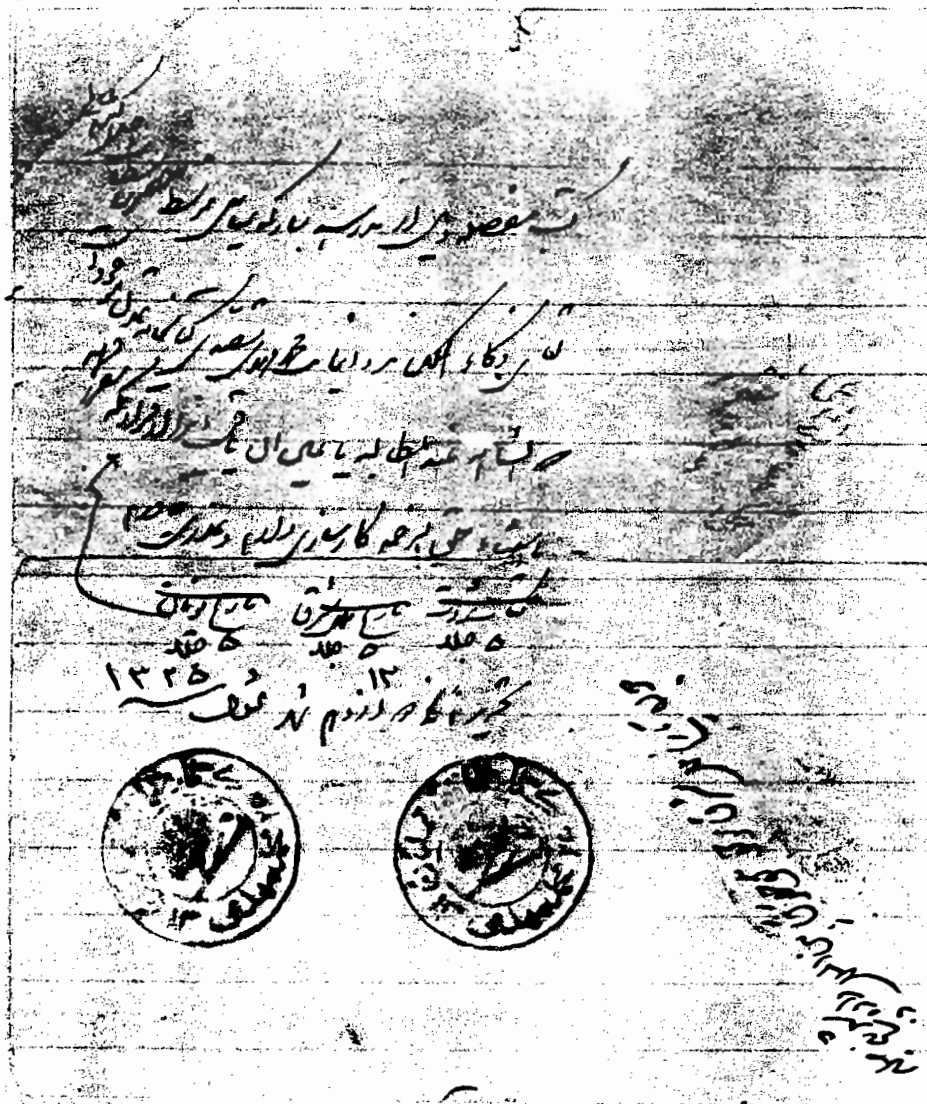

وزارت امور خارجه

دائره

مورخه ۲۳ عقرب ۳۵

-۹۸۰-

یکطغرا قبض رسید بانک شاهنشاهی بمبلغ نود و هشت تومان که نهصد و هشتاد و هفت تومان

بابت تتمه وجهی که مدرسه علوم سیاسی از برج سنبله ۱۳۳۴ تا برج سنبله ۱۳۳۵

تحویل بانک شاهنشاهی نموده با دارنده کل محاسبات و تذکره وزارت جلیله امور خارجه

واصل گردید

وزارت امور خارجه

اداره مباحثات دائره

مورخه ۱۴ حوت سنه ۱۲۹۶

نمره ۳۱۰۷

ضمیمه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

5 mars 1918

یکطغرا قبض بانک شاهنشاهی ایران نمره 29/32 مبلغ هفتصد تومان

که از بابت عایدات هذه السنه مدرسه مطابق معمول مباحثات سالانه به بانک سپرده اید

باداره مباحثات وزارت امور خارجه وصول داد و ضبط گردید

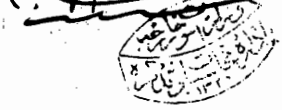

وزارت امور خارجه
اداره محاسبات دائره
مورخه ۲۳ جدی / ۱۲۹۷
نمره ۲۱۳۲
ضمیمه —

اداره تحریر مدرسه علوم سیاسی

یک طغرا قبض بانک شاهنشاهی نمره ۳۰/۳۰ و تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۹
و مبلغ دویست و پنج تومان بابت بقیه عایدات سنه ماضیه و قسط اول هذه السنه
مدرسه باداره محاسبات واصل و در دوسیه محاسبات مدرسه ضبط گردید
توضیح اینکه پنج تومان آن وجهی است که در صورت حساب اسبق مدرسه
بعنوان موجودی صندوق قید شده بود و نظر باینکه سال گذشته هم
فراموش نموده بودید ببانک بپردازید عیناً با صورت حساب سابق تحویل
اداره محاسبات نمودید و اکنون با دویست تومان عایدی قسط اول هذه السنه
توسط آن اداره تسلیم بانک شاهنشاهی گردیده

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات دائره

مورخه ۲۳ ثور ۱۲۹۸

نمره ۴۴۴

ضمیمه

اداره محترمه مدرسه علوم سیاسی

یک طغرا قبض رسید بانک شاهنشاهی نمره ۳۰/۹۳ و تاریخ ۱۲ مه ۱۹۱۹

بمبلغ بیست تومان / ۲۰۰۰ تومان / که از بابت عایدات سنه جاریه مدرسه

به بانک مزبور سپرده اید، اداره محاسبات وزارت امور خارجه واصل و از دفتر

محاسبات مدرسه ضبط گردید

۵۰۸

۳۴

وزارت امور خارجه

[illegible] دائره

مورخه ۲۸ جمادی ۱۳۴۰

نمره ۵۲۵۸/۳۱۶۳

ضمیمه

مدرسه علوم سیاسی

مشروحه نمره ۵۰۸ مورخه دهم جمادی الاولی ۱۳۴۰ متضمن صورت حساب

وجوه دریافتی از بانک شاهنشاهی مطابق چهار طغرا قرض رسید بانک

و اصلاً فرعاً بالغ بر یکهزار و پانصد و سی و چهار تومان و یکهزار و نهصد و [illegible]

ثمن بابت وصول داد و یک طغرا قرض رسید بانک شاهنشاهی مبلغ

سیصد و بیست و شش تومان بابت بقیه عایدات از سنه ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۳ مدرسه سیاسی

در تحویل بانک شده تحت نمره ۳۳/۲۶ بوزارت امور خارجه داخل

و بضمیمه صورت حساب فوق الذکر در دوسیه محاسبات اداره مدرسه سیاسی

ضبط گردید [illegible]

وزارت امور خارجه

اداره سیاسی دائره

مورخه ۲۰ شهر ذی حجه ۱۳۳۷

نمره ۱۴۸۷

ضمیمه —

اداره مدرسه علوم سیاسی

یک طغرا قبض بانک شاهنشاهی ۳۰/۱۶۴ و

تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۹ و مبلغ چهارصد و پنجاه و پنج تومان و پنج قران

(۴۵۵۵) که از عوائد مدرسه سیاسی یکساله بانک مزبور

سپرده اید باداره محاسبات واصل و در دوسیه استعداد مدرسه

ضبط گردید

چند سند راجع به مدرسه‌ی علوم سیاسی از کتاب «دولت علیه ایران» که برای مدرسه توسط گ. دمرنی ژوریسکنسولت وزارت داخله و معلم کلاس اعلیحضرت همایونی و مدرسه‌ی علوم سیاسی تألیف شده است.

این کتاب ترجمه و نگارش میرزا سید محمدخان رئیس دایره در وزارت داخله و معاون ژوریسکنسولت است. به تاریخ ۱۳۳۰-۱۳۳۱ در مطبعه‌ی دولتی عبدالله قاجار به چاپ رسیده است. کتاب به حقوق اداری می‌پردازد و تصور می‌کنم نخستین کتابی باشد که در زمینه‌ی حقوق اداری در ایران به چاپ رسیده است.

صورت مجلس افتتاح کلاس حقوق عمومی مدرسه‌ی سیاسی نیز از همین کتاب گرفته شده است.

دولت علیه ایران

ترجمه و نگارش میرزا سید محمد خان

رئیس دایره در وزارت داخله و معلم ژاندارمری

(مطبعهٔ دولتی رئیس عبدالله قاجار)

دوره حقوق
اداری عملی
(سال ۱۳۳۰-۱۳۳۱)

«ثم‌انظر فی امور عمالك فاستعملهم اختباراً ولا تولهم محاباةً واثرةً»

(دستور حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوالی مصر ص ۷۶)

وزارت امور خارجه
اداره تشریفات
مورخ سلخ محرم‌الحرام ۱۳۳۰
نمره ۵۴

چون در کلاس درس اعلیحضرت اقدس همایون دامت سلطنته لازم بود یک نفر برای پراتیک زبان فرانسه حاضر بوده مراقب عملیات زبان مزبور باشد لهذا به‌موجب این حکم که از وزارت امور خارجه صادر می‌گردد مسیو دمرنی مستشار وزارت جلیله داخله به این خدمت منتخب و برقرار گردید که موافق تعلمیات وزارت جلیله دربار اعظم در کلاس همایونی حضور به هم رسانیده مراقبت نمایند.

فی شهر محرم‌الحرام سنه ۱۳۳۰
وثوق‌الدوله (حسن)

وزارت امور خارجه ـ اداره تشریفات
مورخه ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۳۳۰
نمره ۵۵

چون موافق حکم صادرهٔ مورخه سلخ شهر محرم‌الحرام مسیو دمرنی مستشار وزارت جلیله داخله مأمور تعلیم پراتیک زبان فرانسه در کلاس همایونی است در این موقع که انتخاب یک نفر معلم برای عملیات دروس حقوق مقدماتی اعلیحضرت اقدس همایونی لازم بود وزیر امور خارجه به موجب این حکم مقرر می‌دارد که مسیو دمرنی بر حسب دستورالعمل وزارت جلیله دربار اعظم علاوه بر وظایف اولیه خود به تعلیم عملیات حقوق مدنی و حقوق مقدماتی نیز در کلاس همایونی حاضر باشد.

فی شهر ربیع الاول ۱۳۳۰
وثوق‌الدوله

وزیر امور خارجه

نظر به کنترات مورخه ۲۷ ژون ۱۹۱۱ که فیمابین دولت علیه ایران و مسیو دمرنی (دکتر در حقوق و سوپرفه درجه اول) برحسب توصیه دولت فرانسه منعقد شده است.

مطابق حکم وزیر داخله مورخه دویم محرم ۱۳۳۰ راجع به ایجاد کلاس عملیات حقوق اداری در وزارت داخله به ریاست مسیو دمرنی

نظر به موافقت رای وزرای داخله و معارف

مقرر می‌دارد

ماده اول ـ کنفرانس و عملیات حقوقی اداری که به توسط مسیو دمرنی در وزارت داخله تدریس می‌شد در تحت عنوان «تأسیس اداری ممالک مختلفه و مقایسه قوانین آنها» در مدرسهٔ علوم سیاسی تدریس میشود.

ماده دویم ـ مجلس درس مزبور در مدرسه علوم سیاسی در کلاس مخصوص به اسم کلاس حقوق عمومی از تاریخ چهارشنبه چهارم آوریل (۱۵ حمل ۱۳۳۰) هفته‌ای دو مرتبه (دوشنبه و پنجشنبه چهار ساعت بعدازظهر) منعقد خواهد شد.

ماده سوم ـ پروگرام کلاس فوق‌الذکر مطابق دستور علیحده‌ای مشروحاً مدون و مرتب خواهد شد پس از آن که معلم درجهٔ قوه و استعداد محصلین و مستمعین را معین نمود کلاس حقوق عمومی به دو قسمت ابتدائی و عالی تقسیم شده محصلین و مستمعین به نسبت قوه و استعداد در قسمت ابتدائی یا عالی در مدتی که برای دورهٔ تحصیلات در آتیه معین می‌شود تعلمیات خود را تکمیل خواهند نمود.

ماده چهارم ـ چون تدریسات میسو دمرنی به زبان فرانسه خواهد شد لهذا کلیه اشخاصی که در کلاس حقوق عمومی حضور می‌یابند باید زبان فرانسه را به خوبی دانسته باشند.

تدریسات فوق برای مستخدمین و اجزای وزارت داخله اجباری خواهد

بود.

کلیه مستخدمین و اجزای وزارت امور خارجه نیز که زبان فرانسه را به خوبی دانسته باشند لزوماً باید برای کلاس حقوق عمومی حاضر شوند یعنی حضور آنها اجباری است تدریسات مزبوره برای شاگردان طبقات مختلفه مدرسه علوم سیاسی که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل است موقتاً اجباری خواهد بود و بعد از آن که معلوم شد شاگردهای مزبور به‌قدر کفایت حاضر و مهیا برای مداومت این تدریسات هستند به طور قطعی قبول خواهند شد.

میرزا ابوالقاسم خان
احمد علیخان
احمد خان
آقاخان
میرزا باقرخان
میرزا حسین‌خان
میرزا حسن‌خان
میرزا سید مصطفی خان
محسن میرزا
مهدی خان
میرزا ابوالقاسم خان
میرزا ابراهیم خان
میرزا اسمعیل خان
میرزا ابوالحسن
حاجی خان
حسن خان
حسین پاشا خان
سیف‌الله خان

میرزا ضیاءالدین
علیرضا خان
عبدالعظیم میرزا
عبدالحمید میرزا
میرزا عیسی خان
عبدالصمد خان
مسعود خان
میرزا محمدآقا
میرزا محمدعلیخان
میرزا محمد علیخان
غلامحسین خان
محمد خان
نصرالله خان
آقا میرزا یحیی

مستخدمین و اجزای وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی دیگر نیز که زبان فرانسه را به خوبی دانسته باشند می‌توانند در کلاس حقوق عمومی حاضر شوند مشروط بر این که مشارالیهم کارت مخصوصی که شامل اجازه ورود در مدرسه باشد از طرف مدیر مدرسه در دست داشته باشند.

ماده پنجم ـ به اجزاء و مستخدمین و محصلین مدرسه علوم سیاسی فوق‌الذکر اخطار می‌شود که دولت علیه همواره مصمم است که در آینده اجزاء و مستخدمین ادارات را از داوطلبان عالم و کافی که امتحانات علمی خود را موافق پروگرام و دستورهائی که در آتیه طبع و نشر می‌شود داده‌اند انتخاب و استخدام نمایند.

ماده ششم ـ نظر به استفاده مستخدمین ادارات دولتی که زبان فرانسه را نمی‌دانند تدریساتی که در کلاس حقوق عمومی مدرسه علوم سیاسی می‌شود

متدرجاً به زبان فارسی ترجمه و منتشر خواهد شد (مطابق ماده چهارم حکم وزیر داخله مورخه ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱)

ماده هفتم ـ معلم کلاس حقوق عمومی مطابق ماده پنجم حکم سابق‌الذکر ۲۴ دسامبر می‌توانند در مواقع لازمه از متخصصین ایرانی در خصوص مطالبی که موضوع تدریسات او است از قبیل تاریخ و قوانین ایران استمداد نماید.

مادهٔ هشتم ـ رئیس کابینه وزیر امور خارجه و مدیر مدرسه علوم سیاسی هر یک در حوزه وظایف خود مأمور اجرای مدلول این حکم هستند.

طهران به‌تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰

وزیر امور خارجه
وثوق‌الدوله

وزیر داخله
قوام‌السلطنه

وزیر علوم
حکیم‌الملک

صورت مجلس افتتاح کلاس حقوق عمومی مدرسه سیاسی

پنجشنبه ۱۵ حمل ۱۳۳۰ (۴ آوریل ۱۹۱۴) چهار ساعت بعدازظهر (دو ساعت به غروب مانده) مجلس افتتاح کلاس حقوق عمومی در مدرسه علوم سیاسی با حضور وزرا و محترمین ذیل منعقد گشت.

آقای حکیم‌الملک وزیر معارف «آقای مخبرالسلطنه»، «آقای مشیرالدوله»، «آقای ممتازالدوله»، «آقای ذکاءالملک»، «آقای رضا قلیخان معاون وزارت معارف»، «آقای ادیب‌السلطنه مدیر کل ادارهٔ ایالتی وزارت داخله»، «آقای منصور السلطنه رئیس کابینه وزیر معارف»، «آقای شکوه‌الملک رئیس کابینه وزیر جنگ»، «آقای معین الوزاره رئیس کابینه وزیر امور خارجه»، «آقای مترجم‌الملک رئیس کابینه وزیر داخله»، «آقای مصطفی قلیخان مدیر اداره مرکزی وزارت داخله»، «آقای ناظم‌العلوم رئیس طرق و شوارع»، «آقای اردشیر جی ادالجی نماینده هیئت پارسیان بمبئی»، «آقای حسنعلیخان»، «آقای دکتر امیرخان رئیس صبحه نظام»، «آقای دکتر علیخان رئیس تعلیمات ابتدائی»، «آقای علاءالسلطان رئیس بلدیه»، «آقای منطق الملک رئیس تفتیش وزارت داخله».

آقای فهیم الملک

آقای میرزا ابوالحسن‌خان معلم اعلیحضرت همایونی

مدیر و معلمین مدرسه علوم سیاسی و مستخدمین وزارت امور خارجه شاگردان فارغ‌التحصیل مدرسه سیاسی و اجزای وزارت داخله متعلمین سابق مدرسه عملیات اداری و شاگردان طبقه پنجم و چهارم مدرسه علوم سیاسی نیز حضور داشتند.

آقای معین‌الوزاره مجلس را افتتاح کرده و از طرف وزیر امور خارجه بیانات ذیل را ایراد نمودند.

آقایان

با نهایت شعف مسیو دمرنی مستشار وزارت داخله راکه مأمور تدریس حقوق عمومی و اداری در مدرسه سیاسی گردیده است به شما معرفی می‌نمایم. این کلاس مخصوص که جدیداً در این مدرسه تأسیس می‌شود قلیل زمانی بیش از عمر آن نگذشته است کلاس مزبور به مساعدت دانشمندانهٔ آقای قوام‌السلطنه و مسیو دمرنی به اسم مکتب تعلیم عملیات اداری در وزارت داخله به‌وجود آمده.

این اقدام عالی نتایج مطلوبه حاصل نمود و بر جمع قلیلی که به موجب حکم وزیر داخله مأمور به حضور بودند به زودی عده کثیری مستمع آزاد افزوده گردید و به‌علاوه تهیه یک عده مستخدمین و اجزائی را برای وزارت داخله تأمین نموده است که به واسطه تعلیمات مسیو دمرنی در موضوع نظم و ترتیبات اداری و وظایف مستخدمین دولت و اصول حسن اداره اطلاعات لازمه اندوخته و در خصوص ثبات امور اداری و تأمیناتی که باید آزادی خیال و جرئت خدمت‌گذاری مستخدمین را وقایه نماید نظریات خوب کسب نموده‌اند این حسن نتیجه ما را بر آن داشت که در خیال توسعه این اساس جدید برآئیم و مناسب‌تر چنین دیدیم که تدریس مسیو دمرنی براساس عالی‌تری که ضمناً بیشتر مقرون به ترتیب تعلیم باشد استوار گردد تا نفع آن عام باشد و ثمرات آن بیش از امروز قابل استفاده گردد و برای این کار حوزه مساعدت‌تری از مدرسه سیاسی نیافتیم.

برای تعقیب همین مقصود است که امروز جنابان وزیر داخله و وزیر علوم و این جانب کلاس مخصوص حقوق عمومی را در این مکتب افتتاح می‌نمائیم.

این نکته را مخصوصاً به آقایان حضار تأکید می‌نمایم که مراقبت نام و توجه دقیق شما در این رشته تحصیل از اخص آمال ما می‌باشد ولی ضمناً یقین دارم جاذبه و مقام معنوی تعلیماتی که به شما داده می‌شود فقط برای جلب

توجه شما کافی خواهد بود و برای تحصیل اطلاع و کسب و اتخاذ حسن مرسومات اداری با کمال شوق وجود مسیو دمرنی را مغتنم شمرده از برکت این تعلیمات در آتیه خیلی نزدیک مستخدمین قابل و صدیق ایران خواهید گردید.

پس از آن مدیر مدرسه سیاسی مختصراً ترتیب دورهٔ تعلیمات مدرسه را به اطلاع حضار رسانیده و جناب آقای مشیرالدوله را که حقیقة تأسیس مدرسه از یمن مساعی ایشان است به تقسیم تصدیق نامهای ۲۲ نفر شاگردان ذیل که امتحان سه ساله را داده بودند دعوت نمودند.

۱- میرزا عیسی خان

(از جانب خود و رفقای خود از هیئت مدیرهٔ مدرسه و اولیای دولت در موضوع تشویقاتی که نسبت به معارف می‌نمایند تشکر کردند).

۲- محسن میرزا

۳- غلام‌حسین خان

۴- علیرضا خان

۵- میرزا ضیاءالدین

۶- میرزا احمد خان

۷- آقا میرزا یحیی

۸- حاجی خان

۹- میرزا حسین خان

۱۰- میرزا محمدعلیخان

۱۱- میرزا ابوالقاسم خان

۱۲- میرزا حسین خان

۱۳- میرزا محمد علیخان

۱۴- میرزا ابوالحسن

۱۵- میرزا حسن خان

۱۶- عبدالحمید میرزا

۱۷- مسعود خان

۱۸- عبدالعظیم میرزا

۱۹- نصرالله خان

۲۰- آقا خان

۲۱- عبدالصمد خان

۲۲- میرزا محمدآقا

در اختتام مجلس آقای مشیرالدوله مبنی به تبریک شاگردان و تشکر از مسیو دمرنی نطق عالی ایراد نمودند.

هیئت تکمیلیه تعلیمات حقوق اداری
در مدرسه علوم سیاسی

خلاصه حکم ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۳۱ که به امضای حضرت اقدس والا شاهزاده عین‌الدوله وزیر داخله رسیده است.

.....

به موجب حکم وزیر امور خارجه و وزیر داخله و وزیر معارف مورخه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ راجع به تأسیس کلاس حقوق اداری در مدرسه علوم سیاسی.

برطبق حکم وزیر داخله مورخه ۱۴ شوال ۱۳۳۰ راجع به‌طبع و توزیع..... دوره درس حقوق اداری در مدرسه علوم سیاسی.

.....

مقرر می‌دارد

ماده اول، ـ کمیسیون عالی..... قسمت راجعه به دوره درس حقوق اداری در مدرسه علوم سیاسی را که در همان جزوهٔ اول کتاب سبز و جزوه‌های مابعد آن راجع به اصلاحات اداری طبع شده است نیز ملاحظه خواهد نمود،

.....

ماده ۴، ـ کمیسیون عالی مراجعه مرکب از اعضای ذیل است،

جناب آقای علاءالملک
سردار کل
ذکاءالملک رئیس محکمه تمیز
حکیم الملک
صدرالممالک حکمران طهران
مستشارالسلطان رئیس‌کابینه والاحضرت نایب‌السلطنه
میرزا رضای مستوفی

آقای میرزا عبدالرزاقخان مهندس

ماده ۵- کمیسیون می‌تواند در موقع لزوم از اشخاص بصیر و با اطلاع استمداد نماید.

طهران به‌تاریخ ۱۶ جمادی‌الاولی

وزیر داخله سلطان عبدالمجید

وزارت امور خارجه
مورخه ۱۳ میران ۱۳۳۰
آقای ژوریسکنسوات

با کمال افتخار جناب عالی را مستحضر می‌دارد که کلاس حقوق عمومی آن جناب از تاریخ ۱۶ جاری منظماً چهار ساعت‌ونیم بعد از ظهر در مدرسه علوم سیاسی افتتاح خواهد شد.

زیاده.....

معاون وزارت امور خارجه
علیقلی‌خان

مدرسه علوم سیاسی

طهران به‌تاریخ ۵ جمادل الاخری ۱۳۳۱
جناب مسیو دمرنی معلم حقوق اداری

پروگرام امتحان دورهٔ درس حقوق اداری عز وصول بخشید از سبک تدریسات جنابعالی که پیوسته متکی به عادات و اخلاق مملکتی است مسرت قلبی خود را اظهار و ضمناً جنابعالی را مستحضر می‌دارد که دوره امتحان شاگردان مدرسه که در کلاس حقوق اداری حاضر می‌شوند از ۱۱ جوزا شروع خواهد شد و بنابراین دورهٔ درس جنابعالی امروز که دوشنبه ۵ جمادی الاولی است ختم می‌گردد.

ایام و ساعات امتحان حقوق اداری هنوز معین نشده و پس از آن که تعیین شد جنابعالی را مسبوق خواهم کرد.

زیاده.....

دکتر ولی‌الله

مدرسه علوم سیاسی
به‌تاریخ ۱۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۱
جناب مسیو دمرنی معلم حقوق اداری

در تعقیب مراسله مورخه ۵ شهر جاری اشعار می‌دارد که امتحان حقوق اداری شنبه دویم شهر رجب سه ساعت و نیم به‌ظهر مانده شروع خواهد شد علیهذا خواهشمندم سؤالات امتحانیه را تهیه فرمایند که قبل از امتحان بعضی از آنها انتخاب و از شاگردان سؤال شود.

زیاده.....

دکتر ولی‌الله

طهران به تاریخ ۱۹ جمادی‌الاخره ۱۳۳۱
جناب مدیر مدرسه علوم سیاسی

در جواب مرقومه محترمه ۱۷ شهر جاری با کمال افتخار اشعار می‌دارد سؤالات امتحان شفاهی در پروگرامی که قبلاً ملاحظه فرموده‌اید مرتب شده. به‌علاوه سؤالات ذیل را پیشنهاد می‌نماید که در موقع امتحان کتبی از این سؤالها انتخاب نمایند.

۱- مبادی و مبانی حقوق اداری در ایران.
۲- ملاحظه یک دوسیه و انجام یک امر اداری.
۳- تعلیمات حضرت امیرالمؤمنین ع راجع به شرایطی که حکام باید برطبق آن امور اداری خود را مرتب نمایند.
۴- رفرمهای اداری ایران بالنسبه به عادات و رسومات مملکتی.

۵- مقایسه شورای مملکتی و پارلمان.

۶- فوائد هیئت‌هایی شوریه در امور اداری. آیت مشروطیت.

خواهشمندم پس از انتخاب فهرستی از سؤالات منتخبه را برای این بنده ارسال فرمایند.

زیاده.....

گ دمرنی

یادداشت

خلاصه‌ی کنفرانس محمدعلی فروغی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی که در نشریه‌ی «تعلیم و تربیت» در دی ماه ۱۳۱۵ شماره‌ی ۲۰ سال ششم به چاپ رسیده است، به پیوست می‌آید.

فروغی در این سخنرانی برای دانشجویان دانشکده از تاریخچه‌ی حقوق در ایران و مدرسه‌ی علوم سیاسی صحبت و نکته‌های آموزنده و مهمی را ذکر می‌کند.

چ. پ.

تاریخچه حقوق

خلاصه کنفرانس جناب آقای محمدعلی فروغی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی[1]

وقتیکه از من تقاضا شد که در خصوص تاریخچه حقوق ایران و دانشکدهٔ حقوق چند دقیقه برای دانشجویان این دانشکده صحبت کنم و آقایان را سرگرم نمایم با کمال مسرت پذیرفتم زیرا گذشته از اینکه پذیرفتن تقاضای دوستان همیشه مایهٔ مسرت است میان من و این موضوع و این دانشکده مناسباتی است که بیشتر مایهٔ مسرت من میشود، منوچهری که از شعرای خوب ماست غزل مانندی دارد که یک شعر آن اینست:

آنجا که بود مستی ایام گذشته آنجاست همه ربع و تلال و دمن من

این مغازله رامن با دانشکدهٔ حقوق میتوانم بکنم چون مناسبات من با این دانشکده از آغاز تأسیس آنست و از ایام جوانی خودم زیرا که مبدأ و منشاء اولی این دانشکده مدرسه علوم سیاسی است و چند سالی بیش نیست که مدرسه حقوق و بالاخره دانشکده حقوق جای مدرسه سیاسی را گرفته است. آغاز تأسیس مدرسه علوم سیاسی از سال ۱۳۱۷ قمری است مؤسس آن مرحوم مشیرالدوله اخیر بود که آنوقت مشیرالملک لقب داشت و پدرش مشیرالدوله

★ رسم‌الخط مقاله عیناً حفظ شد.

اسبق که وزیر امور خارجه بود و بعد صدراعظم شد و اینهم مسرتی است برای من که موقعی بدستم آمده که از این دو نفر که بسبب تأسیس مدرسه سیاسی بمعارف این مملکت خدمت شایان کرده‌اند ذکر خیر و سپاسگزاری بکنم.

خلاصه از همانوقت که مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد بلکه قبل از آنکه کلاسهای آن دایر شود و مدرسه رسمیت پیدا کند من با آن مدرسه مربوط بودم بمناسبت اینکه اولا مرحوم مشیرالدوله صدراعظم قصد کرده بود تدریس ادبیات فارسی را در مدرسه بوالد من مرحوم ذکاءالملک فروغی محول کند ثانیاً درسهائی که در مدرسه داده میشد هیچکدام کتاب نداشت که دانشجویان بتوانند بتوسط مراجعه بآن بفراگرفتن درسهائی که از معلمین اخذ میکنند مدد برسانند و چون یکی از موادکه در مدرسه علوم سیاسی میبایست تدریس شود تاریخ بود که آنزمان اصلا تدریس آن در ایران معمول نبود میبایست از برای تاریخ هم کتاب تهیه شود و چون تاریخ را برحسب معمول میخواستند از ملل قدیم مشرق شروع کنند اول کتاب تاریخی که در صدد تهیهٔ آن برآمدند تاریخ ملل قدیم مشرق بود و اتفاقاً تهیهٔ آن کتاب را بمن رجوع کردند و آن اول کتابی بود که برای مدرسه تهیه شد.

پس می‌بینید که از تأسیس مدرسه علوم سیاسی که درواقع مقدمه همین دانشکده حقوق بود سی‌وهشت سال قمری میگذرد و آنوقت شما آقایان هیچکدام بدنیا نیامده بودید مقصودم البته آقایان دانشجویان هستند نه آقایانیکه محض تشویق دانشجویان و اظهار محبت به بنده تحمل زحمت فرموده مجلس ما را مزین و ما را متشکر ساخته‌اند.

سی‌وهشت سال در عمر یک کشور و یک ملت زیاد نیست ولیکن اتفاقاً این سی‌وهشت اگر از حیث کمیت چیزی نیست از جهت کیفیت یعنی از جهت اموریکه در این مدت واقع شده چه در ایران و چه در خارج ایران اهمیت بسیار دارد و در دنیا کمتر سی چهل سالی است که اینهمه وقایع داشته باشد و احوال ماقبل و مابعد آن این اندازه متفاوت باشد. وقایع تاریخی این مدت را چون شما

دورهٔ تمام تاریخ را خوانده‌اید البته میدانید و حاجت بتذکار نیست من فقط در ضمن بعضی قصه‌ها و تذکرها تفاوتی راکه در احوال مردم و ملت و دولت روی داده با مناسبت با موضوع این صحبت یادآوری میکنم.

آنزمان هنوز با کفش باطاق آمدن قبیح بود و روی صندلی نشستن معمول نشده بود. بدون لباس بلند از قبیل عبا یا لباده بحضور بزرگان رفتن بی‌ادبی و اصلا بی‌لباس بلند بودن جلف و سبک بود. لباس و کلاه همان بود که شما در اول عمر داشتید اگر فراموش نکرده باشید اما یقه و دستمال‌گردن زدن خیلی نادر بود و تقریباً منحصر بود بکسانیکه مدتی در اروپا اقامت کرده بودند آنهم نه‌همه کس و غالباً اسباب زحمت هم بود یعنی بسا بود که در بعضی کوچه‌ها و محله‌ها متعرض فوکلی‌ها میشدند و اگر فحش و کتک در کار نمیآمد مضمون و استهزا فراوان بود و البته از داستانهائی که در باب فوکل و کشمکش فوکلیها و متجددین با قدیمیها و متقدمین که مدت چندین سال در کار بوده مطلع هستید.

من خودم آن اوقات فوکلی نبودم معهذا بعضی حکایتهای بامزه دارم از جمله اینکه در جوانی برعکس امروز موی سرم فراوان بود و زحمتم میداد آنزمان مردها زلف داشتند منهم یک مدت مثل همه زلف میگذاشتم عاقبت از دست زحمت زلفها بنا گذاشتم که موی سرم را بشکلی که حالا معمول است و همه دارند درآورم روزی در کوچهٔ میرفتم و بچه‌ها مهره‌بازی میکردند ملتفت نشدم و پایم بیکی از مهره‌ها برخورد و مهره را جابجا کرد طفلی که مهره متعلق باو بود البته خللی در بازیش پیدا شد من که گذشتم و آن طفل جابجا شدن مهره را دید شنیدم که پشت سر من میگفت قربان آقای وزیر مختار! و البته مقصودش وزیر مختار فرنگی بود و حال آنکه از فرنگی‌مآبی غیر از همان موی سر چیزی نداشتم.

عینک زدن جوانها آنزمان خیلی بنظر غریب میآمد و حمل بر خود نمائی و فرنگی‌مآبی میشد اتفاقاً من از جوانی چشمم نزدیک‌بین بود و از این بابت در

کوچه و بازار بزحمت بودم دوستی داشتم که کحال بود بمن اصرار کرد عینک بزنم و میگفت هرچه تأخیر کنی چشمت ضعیف میشود ناچار عینکی شدم یک سر شب در کوچهٔ میرفتم کوچه هم تاریک بود هم ناهموار و من در حرکت بزحمت بودم و مکرّر خم میشدم و سعی در دیدن پیش‌پای خود میکردم یکی از بچه‌های کوچه که عجز مرا دید گفت آقا عینک را بردارید تا چشمتان به‌بیند.

وقتی یکی از کسان من که او هم عینک میزد روز نهم محرم در کوچهٔ شنید یکی به دیگری میگوید این کافر را ببین که روز تاسوعا هم عینک میزند.

با کارد و چنگال غذا خوردن آنزمان معمول نبود و با دست غذا میخوردیم تازه که شروع باستعمال کارد وچنگال کرده بودیم رفیقی داشتیم خوش‌صحبت و مضمون‌گو برای فرنگی‌مآبی مضمون میگفت که آقایان سکنجبین را با کارد و چنگال میل میفرمایند.

تصور نفرمائید این قصه‌ها خارج از موضوع است اینها تاریخ است و تاریخ مفید همین است البته میدانید که امروز در تعلیم تاریخ بیشتر نظر دارند بچگونگی احوال و اخلاق و آداب و رسوم مردم و تفاوتهائیکه بمرور زمان میکند و بجنگ و صلح و شرح زندگانی رجال کمتر اهمیت میدهند و حالا میخواهم بیشتر باصل موضوع گفتگو بپردازم:

موضوع گفتگو حقوق و دانشکده حقوق بود شاید بعضی از آقایان باشند که در باب لفظ حقوق و معنی آن توضیحات لازم داشته باشند.

حقوق از اصلاحاتی است که در زبان ما تازه است و شاید بتوان گفت که تقریباً از همان زمان که مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد این اصطلاح هم رائج گردید و آن بتقلید و اقتباس از فرانسویان درست شده است و در همه ممالک اروپا برای این معنی این قسم اصطلاح ندارند فرانسویان مجموع قوانین و مقررات الزامی راکه بر روابط اجتماعی مردم حاکم است droit میگویند و ما چون این کلمه را «حق» ترجمه کرده بودیم لفظ جمع آنرا گرفته برای آن معنی اصطلاح کردیم مناسبتش هم اینست که قوانین و مقررات الزامی وقتیکه میان

قومی برقرار باشد مردم نسبت بیکدیگر حقوقی پیدا میکنند که باید رعایت نمایند حاصل اینکه «حقوق» که میگوئیم مقصود قوانین کشور است و علم حقوق علم بقوانین و دانشکده حقوق مدرسه‌ایست که در آنجا قوانین تدریس میشود و تأسیس مدرسه علوم سیاسی هم برای همین بود که برای وزارت امور خارجه مأمورینی تربیت کند که باندازهٔ لزوم از قوانین اطلاع داشته باشند تا بهتر بتوانند در مقابل خارجیان حقوق کشور خود را حفظ کنند.

هر کشوری که روابط مردم باهم و با دولت در آن برطبق مقررات قانونی باشد آن کشور را قانونی مینامند و کشورهای قانونی هم اقسام مختلف دارند که برای شما دانشجویان حقوق حاجت بشرح آن نیست ولیکن این مسئله محل تأمل است که آیا کشوری بیقانون هم میشود؟

در این باب قدری تحقیق لازم است کشوریکه قانون نداشته باشد از نظر روابط دولت با مردم استبدادی است و از نظر روابط مردم با یکدیگر هرج و مرج است از اینرو میتوانید استنباط کنید که کشور بیقانون خیلی کم است و شاید هیچ نباشد و اگر احیاناً مملکتی در وقتی از اوقات بیقانون باشد دوام نمیکند چون مردم با هرج و مرج نمیتوانند آسایش داشته باشند و اگر آسایش از مردم سلب شد یا از داخلهٔ خود کشور یا از خارجه قوهٔ پیدا میشود که هرج و مرج را موقوف کند یعنی قانونی میان مردم برقرار سازد

چیزی که هست اینست که قانونی که در کشور مقرر است صورتها و کیفیتهای مختلف دارد البته استادان شما وقتیکه حقوق را برای شما تعریف و تقسیم میکردند این تحقیق را کرده‌اند که حقوق کامل کتبی و مدون است و گاه عادی و فرعی و گاه بشری و گاه آلهی یعنی دیانتی است پس همینکه کشوری را به‌بینیم که قوانین مدون مکتوب ندارد فوراً نباید حکم کنیم که کشور بیقانون است مگر اینکه به‌بینیم هرج و مرج است وگرنه هرگاه هرج و مرج نباشد ناچار اگر قانون مدون مکتوب ندارد قانون عادی و عرفی یا قانون آلهی یعنی شریعتی و دیانتی دارد یا اختلاطی از این اقسام مختلف است و چنین مملکتی را هم

قانونی مینامند الا اینکه کشوری که قانون مکتوب مدون دارد تکلیف مردم در آن روشن‌تر است و کسانیکه با قانون سر و کار دارند کارشان آسانتر میباشد

کشور ما کدام قسم از این اقسام بود البته کشوری که سه‌هزار سال تاریخ و تمدن داشته باشد نمیشود که بیقانون باشد از آنطرف میدانیم که تا چند سال پیش قانون مدون مکتوب نداشتیم پس حقیقت اینست که از قسم آخری که ذکر کردیم بود یعنی در قسمتی از امور قانون شرعی حاکم بود و در قسمتی قانون عرفی و عادی الاّ اینکه قانون هر قسم که باشد خواه مکتوب و خواه عرفی و خواه شرعی تنها بودنش کافی نیست مقتضی و متناسب بودنش شرط است و مجرا و محترم بودنش لازم است و چون سخن باینجا میرسد کار مشکل میشود باینمعنی که قانون بهر قسم از اقسام باشد در آغاز امر که ظهور میکند و وضع میشود چون اقتضای حال و احتیاج سبب وجود آن شده است غالباً با حوائج مردم مناسب و مطابق است و مرعی و محترم میباشد اما اوضاع زندگانی مردم و احوال اقتصادی و مادی و معنوی و فکری و اخلاقی آنها و مناسباتشان با خودی و بیگانه همواره بر یک حال نمیماند و تغییر میکند و مقتضیات و احتیاجات دیگرگون میشود و لازم میآید که قوانین هم برطبق مقتضای حال تغییر کند ولیکن متاسفانه این تحول و تکامل همیشه بدرستی و چنانکه باید صورت نمیگیرد.

عامه مردم عقلشان نمیرسد خواص هم بعلتهای مختلف از این وظیفه خودداری میکنند بعضی بواسطهٔ غفلت و نادانی بعضی بواسطهٔ لاابالی‌گری و بیقیدی و بی‌همتی و بعضی بواسطهٔ اغراض و منافع شخصی زیرا که انسان همیشه طالب منافع شخصی خود است و متأسفانه همیشه منافع شخصی خود را درست تمیز نمیدهد و غالباً مصالح شخصی را با منافع عمومی منطبق نمییابد بلکه عکس آنرا معتقد میشود و بنابراین غالباً اشخاص و طبقات متنفذ در میان مردم که موفق شده‌اند که قوانین و آداب جاری را با منافع شخصی و جماعتی خود منطبق کنند رعایت منافع عامه را مهمل گذاشته جدّ و اصرار

میکنند در اینکه آن قوانین و آداب بحال خود باقی بماند و تغییر نکند باین ترتیب طبقه محافظه‌کار در کشور پیدا میشود نمیخواهم بگویم محافظه‌کاران همه منحصراً منافع شخصی خود را در نظر دارند البته بسیاری از آنها هم نفع عمومی را در بقای اوضاع موجود میدانند و از روی عقیده و صمیمیت این مسلک را دارند و غالباً وجود جماعت محافظه‌کار برای جلوگیری از افراط مفید و لازم است بشرط اینکه خودشان در محافظه‌کاری افراط نکنند. در هر حال چون قوانین و آداب از مقتضای حال خارج شده و مطابق احتیاجات حقیقی نیست اجرا و رعایت آنها مشکل میشود و دو نتیجه بد ظهور میکند یکی اینکه جماعت کثیری از اوضاع ناراضی میشوند و کم‌کم پی میبرند باینکه جماعتی هستند که در نگهداری این اوضاع مجدّ و ساعی میباشند و بنابراین آنها هم در مقابل آن جماعت دسته‌بندی میکنند و این دسته‌بندی غالباً از روی علم و عمل نیست بلکه بطبیعت واقع میشود یعنی همیشه کسی نمیآید ناراضیها را جمع کند و دستهٔ تشکیل دهد بلکه اوضاع و احوال طبیعة ناراضیها را بهم پیوند میدهد بدون اینکه خودشان متوجه باشند و این کیفیت هم در امور کشوری پیش میآید هم درا مور شرعی و دیانتی و خواه قانون و مقررارت کتبی و مدون باشد خواه عرفی و عادی الان در ممالک اروپا که همه قوانین مرتب مدون مکتوب دارند همین کیفیت بشدت جریان دارد.

در کشور ما هم چهل پنجاه سال قبل چه در اوضاع دولت و چه در دستگاه دیانت یعنی چه در شرع و چه در عرف همین حالت پیش آمده بود ولیکن قبل از آنکه این مطلب را دنبال کنم خوب است از نتیجهٔ بد دویم اشارهٔ بکنم و آن اینست که قانون کشور همینکه مطابق مقتضیات نشد و رعایت و اجرای آن مشکل شد کم‌کم حرمت و اعتبارش سست میشود و چنانکه باید محترم و مجری نمیماند جماعتی با توجه و یا بدون توجه از خود قانون شاکی میشوند و گروهی از مرعی نبودنش دلتنگی میکنند و روی همرفته همه ناراضی میشوند این سلیقهٔ دوم هم چهل پنجاه سال پیش در کشور ما کاملا ظهور کرده

بود و نتیجه آنکه هرچند از زمان قدیم در ایران شرعی و عرفی بوده است بموجباتیکه شرح دادم اوضاع و حقیقت این بود که قانونی در کار نبود و همه آن نتایج فاسدی که اشاره کردم ظهور کرده بود یعنی مردم که آن اوضاع را منافی آسایش و میل و آرزوهای خود میدیدند همواره زبان بشکایت دراز داشتند و از این جماعت آنهاکه اروپا دیده یا از جریان امور آنجا آگاه بودند چون خوشی‌حال آن مردم و سعادت و ترقی آن ممالک را در سایهٔ قانون میدانستند گفتگو از وضع قانون میکردند و مطالبه مینمودند و جماعتی که آن اوضاع را با منافع شخصی خود موافق ساخته بودند در حفظ آن احوال ساعی بودند تا آنجاکه در اوایل عمر من یعنی در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه چون اروپا رفتن و اروپا دیدن و تحصیل اروپائی کردن بعبارة اخری فرنگی‌مآبی را مایه آن نغمه‌های ناساز دانسته بودند در صدد جلوگیری از آن امور برآمدند یعنی مانع میشدند از اینکه کسی باروپا برود و در اینجا یا در اروپا تحصیل معلومات و اطلاعات بکند. جلوگیری از قانون‌خواهی و قانون‌طلبی هم کارش بجائی رسید که بردن اسم قانون مشکل و خطرناک شد.

شما آقایان که امروز در دانشکده حقوق درس قانون میخوانید و هر روز میشنوید یا در روزنامه میخوانید که دولت فلان قانون را پیشنهاد کرده و مجلس فلان قانون را تصویب نموده و گاهی میشنوید که اعلیحضرت همایونی چقدر در تکمیل قوانین کشوری و محترم بودن آن اهتمام دارند نمیتوانید تصور زمانی را بکنید که اگر کسی اسم قانون میبرد گرفتار حبس و تبعید و آزار میگردید. ولیکن گواه عاشق صادق در آستین باشد چه همین پیش‌آمد برای پدر خودم و جمعی از دوستان و هم مشربان او واقع شد و آن داستان دراز است و اگر بخواهم برای شما نقل کنم وقت میگذرد و چون بقول معروف شاهنامه «شاهنامه آخرش خوش است» چندین ورق از این تاریخ را برمیگردانم و بآخرش میرسم.

همینکه نوبت سلطنت بمظفرالدین‌شاه رسید آن پادشاه یا از جهت اینکه ضعیف و بیحال بود یا واقعاً متجدد و ترقی‌خواه بود بهرحال آن سختیهای زمان

ناصرالدین‌شاه را سست کرد.

آدم که پیر میشود طبع نقالی پیدا میکند من در اینمدت که برای شما صحبت میکنم قصه‌های بسیار بنظرم میرسد اما از نقل آنها خودداری میکنم فقط بعضی را که مناسب با موضوع گفتگوی ما بیشتر دارد نقل میکنم منجلمه این یکی را که بمنزلهٔ تنفس خواهد بود:

در زمان ناصرالدین‌شاه روزنامه در ایران منحصر بود بیک یا دو روزنامه که خود دولت طبع و نشر میکرد و آنهم اساسش از مرحوم میرزا تقیخان امیرنظام بود مندرجات آن روزنامه عبارت بود از ذکر مسافرتهای شاه به ییلاق و شکارهای او در مناصب و مشاغل و القاب و امتیازاتیکه باشخاص داده میشد بعضی اخبار و وقایع ممالک خارجه را هم نقل میکرد و روی همرفته چیزی که برای مردم نفعی داشته باشد در آن دیده نمیشد گاهی از اوقات هم در خارجه یعنی در ترکیه و هندوستان روزنامهٔ فارسی بطبع میرسید ولیکن از آنها کسی خبری نداشت و چندان چیزی هم نمیگفتند و اگر وقتی حرفی میزدند که بعقیدهٔ دولت از مقتضای حال خارج بود ورود آنها بایران جلوگیری میشد. در سال اول سلطنت مظفرالدین‌شاه پدر من که دست از طبیعت خود نمیتوانست بردارد اولین روزنامه غیردولتی را در همین شهر طهران تأسیس کرد و مندرجات آنرا مشتمل بر مطالبی قرار داد که کم‌کم چشم و گوش مردم را بمنافع و مصالح خودشان باز کند آن روزنامه تربیت نام داشت منهم آنوقت بدرجهٔ رسیده بودم که در کار آن روزنامه مخصوصاً در آنچه میبایست از زبانهای خارجه ترجمه شود بپدرم دستیاری کنم بنابراین غالباً در باب روزنامه با من گفتگو میکرد یک روز پرسید مقالهٔ که امروز برای روزنامه نوشته‌ام خواندی؟ عرض کردم بلی پرسید دانستی چه تمهید مقدمهٔ میکنم؟ من در جواب تأمل کردم. فرمود مقدمهٔ می‌چینم برای اینکه بیک زبانی حالی کنم که کشور قانون لازم دارد! مقصودم اینست که این حرف را صراحة نمیتوانست بزند و برای گفتن آن لطائف‌الحیل میبایست بکار ببرد همینقدر را هم که میتوانست بگوید به پشت‌گرمی خود و

مرحوم امین‌الدوله بود که صدراعظم بود و او خود متجدد و قانون‌خواه بود.

این واقعه و سئوآل و جواب دو سال پیش از تأسیس مدرسهٔ علوم سیاسی بود. این بود احوال دولت یعنی حوزهٔ که در آن قانون عرفی بیشتر بکار بود اما قانون شرع و حوزهٔ که مربوط باین قانون است درچه حال بود؟ گر بگویم شرح آن بیحد شود لهذا از گفتن آن میگذرم حاجتی هم نیست چون خود آقایان مطلع هستید و در ضمن مطالبی هم که بعد خواهم گفت به بعضی نکته‌ها برخواهید خورد پس از روزنامه تربیت روزنامه‌های دیگر نیز ظهور کرد روزنامه‌های فارسی خارجه هم با ما هم‌آواز شدند و غوغائی بلند شد. اول نتیجهٔ که حاصل شد مسئله تأسیس مدارس بود البته میدانید که تا زمان مظفرالدین‌شاه مدرسه در این کشور منحصر بود بآموزشگاه قدیمی طلاب و یک آموزشگاه دارالفنون که از تأسیسات میرزاتقیخان امیر بود و یک آموزشگاه موسوم بآموزشگاه نظام که نایب‌السلطنه کامران میرزا بتقلید دارالفنون تأسیس کرده بود. از این گذشته جز مکتب‌های سرگذرها چیزی نداشتیم. از سال سوم مظفرالدین‌شاه شروع بتاسیس آموزشگاه‌های جدید شد اما از ناحیهٔ مردم نه از ناحیهٔ دولت. اول آموزشگاهی که دولت تأسیس کرد همین دانشکده علوم سیاسی بود چنانکه گفتم در سنه ۱۳۱۷ دایر گردید برای تربیت اعضاء بجهت وزارت امور خارجه. مدت تحصیل این آموزشگاه را چهار سال قرار دادند و مواد تحصیلی عبارت بود از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی و زبان فرانسه و فقه و حقوق بین‌الملل عمومی. پس چنانکه می‌بینید آموزشگاه علوم سیاسی هم کار شعبه ادبی دبیرستان را میکرد هم کار دانشکده را چونکه هنوز دبیرستانها بجائی نرسیده بودند که محصلین برای تحصیلات عالی تهیه نمایند و این آموزشگاه هرچند برای علوم سیاسی بود ولیکن علوم مزبور بدون تاریخ و جغرافیا فهمیده نمیشود. زبان فرانسه هم که برای اعضای وزارت خارجه لازم است ادبیات فارسی هم که برای همه کس ضرورت دارد خاصه اینکه کم‌کم احساس میشد که معرفت بادبیات در کشور ما رو بانحطاط میرود این بود که در آموزشگاه علوم

سیاسی این درسهای مقدماتی را هم مجبور بودند بدهند از علوم سیاسی به فقه و حقوق بین‌الملل عمومی اکتفا کردند چون اولا در چهار سال بیش از این کاری نمیشد بکنند و بیش از چهار سال هم نمیخواستند دانش‌آموزان را نگاه بدارند ثانیاً از شعب مختلف علم حقوق و سیاسی اگر میخواستند درس بدهند چند شعبه را میبایست اختیار کنند در صورتیکه کشور در واقع قانون نداشت قوانین اروپا را هم بایرانیان آموختن بی‌ثمر بود.

با مزه‌تر از همه چیزی بود که اگر بگویم از بس با اوضاع امروزی متفاوت است باور نخواهید کرد اما یقین داشته باشید که کاملاً مطابق واقع است و من هیچوقت خلاف واقع نمیگویم سهل است عادت باغراق و مبالغه هم ندارم و آن اینست که تدریس علم فقه در آموزشگاه علوم سیاسی مشکلات و محظورات داشت و اگر آموزشگاه دولتی و مرحوم مشیرالدوله وزیر امور خارجه و صاحب استخوان نبود یقیناً ممکن نمیشد که درس فقه را جزء مواد تدریس این آموزشگاه قرار دهند و آنرا عملی کنند حالا شاید نمیتوانید حدس بزنید که این اشکال از چه بابت بود از بابت اینکه بعقیدهٔ آقایان علما تدریس فقه میبایست بمدارس قدیم و طلاب اختصاص داشته باشد یعنی فقیه بالضروره باید آخوند باشد. در آموزشگاهی که شاگردانش کلاهی بلکه بعضی از آنها فوکلی و بعضی از معلمین آن فرنگی بودند و روی نیمکت و صندلی می‌نشستند چگونه جایز بود درس فقه داده شود باری از دولت سر تغییر احوالی که در آن چند سال آخر روی داده بود همینقدر درس فقه را جزء مواد تدریس آموزشگاه قرار دادند و غوغائی بلند نشد و چماق تکفیر پائین نیامد اما کسی هم حاضر نمیشد که معلمی فقه را در این آموزشگاه قبول کند بالاخره بتدابیر و لطائف‌الحیل و بعنوان اینکه درس فقه در آموزشگاه علوم سیاسی برای فقیه تربیت کردن نیست بلکه مقصود اینست که محصلینی که بالمآل بممالک کفر مأموریت پیدا میکنند بمسائل شرعی که دانستن آن برای هر مسلمانی فرض است آشنا باشند و ثواب آموختن این مسائل کفارهٔ گناه درسهای دیگر باشد یک آخوند پیرمرد راکه آدم خوب

مقدس بود راضی کردند که معلمی فقه را قبول کند و این مشکل باین ترتیب حل شد و آموزشگاه بکار افتاد و چند سال براین منوال گذشت. ریاست مدرسه با مشیرالملک بود و معاونت ریاست یا ناظمی با مرحوم محقق‌الدوله امین دربار و مشیراملک یعنی مرحوم مشیرالدوله اخیر علاوه بر ریاست آموزشگاه درس حقوق بین‌الملل هم میداد معلمین آن دوره اکثر مرحوم شده‌اند. مشیرالملک در همان اوایل امر مأمور وزیر مختاری بدربار روسیه شد و محقق‌الدوله مرحوم در اداره کردن آموزشگاه مستقل گردیده بنده هم بعد از فوت یکی از معلمین چون سنم مقتضی شده بود بمعلمی تاریخ برقرار شدم پس از چندی محقق‌الدوله هم بمأموریت رفت و ریاست آموزشگاه را بپدرم دادند و من هم معاونتش میکردم و بعد از وفات او ریاست به بنده تعلق گرفت و در اینجا لازم است که از مساعدتهای آقای پیرنیا یعنی مؤتمن‌الملک نیز یاد کنم که از طرف پدر خود آموزشگاه را سرپرستی میکردند و بعلاوه تدریس علم ثروت را هم بعهده خود گرفتند. پس اول دفعهٔ که در این کشور علم حقوق بین‌الملل تدریس شد توسط مرحوم مشیرالدوله اخیر بود و اول دفعهٔ که علم ثروت بتوسط یک معلم ایرانی تدریس شد آقای مؤتمن‌الملک بودند و اول کتابی هم که در علم ثروت بزبان فارسی نوشته شد آنست که من برای دانش‌آموزان همین آموزشگاه از فرانسه ترجمه کردم و خبر هم ندارم که این اول کتاب دویمی پیدا کرده باشد.

اگر بخواهم وقایع را بتفصیل بگویم و اسامی آقایانی را که در آموزشگاه ریاست یا معلمی کرده یا باقسام دیگر به دانشکده خدمت کرده‌اند یاد کنم سخن دراز میشود و در این گفتگو من نظر بوقایع و مطالب دارم نه باشخاص پس باختصار گذرانیده عرض میکنم از بدو امر که من در کار آموزشگاه دخیل شدم نقشه و طرحی برای تکمیل آن داشتم چون آموزشگاه علوم سیاسی را ناقص میدانستم و میل داشتم بقدری که میسر میشود آنرا بیک آموزشگاه حقوق نزدیک کنم پس از جمله کارها که کردم این بود که مدت تحصیل آموزشگاه را زیاد کردم و از چهار سال به پنجسال رسانیدم و آنرا دو دوره کردم یک دورهٔ مقدماتی و یک

دورهٔ مؤخراتی بنابراین گذاشتم که دانشجویان برای وارد شدن بآن بهر یک از کلاسهائی که بموجب امتحان برای آن مستعد هستند بتوانند وارد شوند و اگر هم قوهٔ ورود بکلاس اول دورهٔ مؤخراتی داشته باشند بآن کلاس پذیرفته شوند و مقصود از این ترتیب این بود که چون دبیرستانها ترقی کنند و مکمل شوند و ما از سنوات دورهٔ مقدماتی مستغنی شویم از آنها کسر کنیم و بدورهٔ مؤخراتی بیفزائیم و همین مقصود بعدها حاصل شد.

ولیکن پس از آن بود که من خدمت این آموزشگاه را ترک کرده و بخدمت دیگر مشغول شده بودم و از شما چه پنهان آموزشگاه را با دلتنگی ترک کردم نه دلتنگی از کسی بلکه از اوضاع که محیط آنزمان برای ترقی معارف و تکمیل آموزشگاه مزبور آنقسم که من مایل بودم مساعد نبود برای توسعهٔ آن و اضافه کردن مواد تدریس معلمهای اضافی لازم داشتیم اضافه کردن معلم مستلزم اضافه کردن مخارج این آموزشگاه میشد و دولت آنزمان فقیر بود و نمیتوانست بودجه آموزشگاه را بیفزاید اگر هم میتوانست مخارج دیگر را واجب‌تر میدانست بنابراین ترقی و تکمیل آموزشگاه خیلی بتأنی و طول انجامید آرزوهای ما بصورت حصول نپیوست مگر در دورهٔ اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی که معارف کشور هم مثل سایر چیزها یک‌مرتبه بسیر ترقی بسیار سریع افتاد و چنانکه میدانید و حاجت بشرح و بسط ندارد برویم بر سر تاریخچهٔ حقوق که در ضمن آن چند کلمهٔ که از تاریخچه دانشکده باقی مانده گفته خواهد شد:

تاریخ حقوق در ایران چنانکه در کشورهای متمدن دیگر میکنند شایسته است که مورد مطالعه و تحقیقات طولانی و موضوع کتابهای مفصل باشد و یکی از مواد تحصیلی این دانشکده بشود اما من در این چند دقیقه نقالی که برای شما بعهده گرفته‌ام البته نمیتوانم باینکار بپردازم و فقط چند کلمهٔ ازین موضوع راجع بدورهٔ خودمان برای شما خواهم گفت و آن اینست که بنابرهمان اصولی که در اول این صحبت بآن اشاره کردم سی سال پیش در اوضاع کشور تغییر وضع کلی روی داد که منتهی بتأسیس مجلس شورای ملی و عنوان مشروطیت دولت

گردید. شرح قضیه بسیار مفصل و از موضوع صحبت ما خارج است آنچه مربوط بماست اینست که کشور دارای قانون اساسی شد و یک قسمت از حقوق عمومی داخلی ایران چنانکه درس آنرا خوانده‌اید تنظیم و تدوین گردید. در دو سه سال اول این دورهٔ جدید مجلس شورای ملی و طرفداران آن گرفتار کشمکش با مخالفین بودند و با آنکه اصل مقصود از آن تغییر وضع استقرار عدالت، تشخیص حقوق و جریان دادن آن بود مجال نشد که در این زمینه کاری صورت بگیرد تا اینکه سلطنت مفتضح محمدعلی میرزا چنانکه مطلع هستید خاتمه یافت و دورهٔ دویم مجلس شورای ملی فرا رسید و موقع شد که باصل مطلب یعنی تأسیس و تثبیت حقوق پرداخته شود و سزاوار این بود که اینکار توسط وزارت عدلیه صورت بگیرد: وزارت عدلیه هم تأسیس شده بود چند محکمه هم برای رسیدگی بدعاوی مردم بر یکدیگر تشکیل داده بودند اما نمیتوانید تصور کنید که چه مشکلات لاینحل درکار بود اولا حصول این مقصود متوقف بود براینکه دولت و رجال مملکت طرفدار عدلیه و مقوی آن باشند متأسفانه برعکس بود زیراکه اکثر کسانیکه آن زمان رجال و متنفذین کشور بودند بزور و غضب و اجحاف اموالی بدست آورده و میترسیدند که اگر قوهٔ قضائیه کشور مقتدر و محترم باشد مدعیان ایشان آن اموال را از دست آنها بیرون آورند بنابراین از قوهٔ قضائیه تقویت نمیکردند سهل است تا میتوانستند در ضعیف و بی‌آبرو کردن و خرابی آن میکوشیدند و شرح این قسمت هم بقدری طولانی است که باید از آن صرف‌نظر کنم مشکل دویم اینکه تأسیس و تشکیل یک قوهٔ قضائیه خوب مقتدر محترم حتماً و بالضروره لوازمی دارد که همه آنها را فاقد بودیم اولاً داشتن یک بودجه کافی و رسانیدن حقوق صحیح منظم بقضاة و کارکنان عدلیه بود و حال آنکه دولت ماقبل از سلطنت اعلیحضرت پهلوی در حال افلاس بود و اگر هم میخواست برای عدلیه بودجه صحیح تنظیم کند نمیتوانست. شرط دوم داشتن قضاة و کارکنان خوب بود که جای آنهم خالی بود شرط سوم که اُسّ اساس بود و همانست که موضوع گفتگوی ماست یعنی

داشتن قوانینی که برطبق آن قوهٔ قضائیه بتواند محاکمه بکند و حکم صادر نماید ولیکن حصول این شرط اهم از همه مشکلتر بود.

خواهید فرمود پس عدلیه ما آنزمان بقول مولانا جلال‌الدین: شیر بی‌دم و سر و اشکم بوده است اگر بگوئید کاملا حق با شما است عدلیه که نه اعضاء خوب داشته باشد نه اعضاء آن مواجب و مقرری صحیح داشته باشند نه قوانینی در دست داشته باشند. که برطبق آن محاکمه کنند چه خواهد بود و همین بود که متنفذین که اساساً با عدلیه مخالف بودند برای مخالفت خود وسایل خوب هم بدست میآوردند و عدلیه را ظلمیه میخواندند الا اینکه اگر رجال کشور عاقل و افراد ملت هوشیار بودند میفهمیدند که عدلیه اگر هم بد باشد آنرا ضعیف و بی‌آبرو نباید کرد باید اسباب کار برای او فراهم کرد و تقویت نمود تا خوب شود.

باری حالا شاید بفرمائید بودجه نداشتن بواسطه فقر دولت در مال بود اعضاء خوب نداشتن بواسطهٔ فقر ملت در رجال اما قوانین داشتن چرا مشکل بود سببش همان چیزی بود که از تدریس درس فقه در دانشکده سیاسی ممانعت میکرد حکومت واقعی را علمای دین حق خود میدانستند و نمیخواستند از دست بدهند در صورتیکه هر روز در حکومت خودشان بکرات احکام ناسخ و منسوخ صادر میکردند و اگر عدلیهٔ صحیح درست میشد یا حکومت از دست آنها بیرون میرفت یا مجبور میشدند با قید بنظامات و اصولی حکومت کنند آنهم منافی با صرفه و مصالح آنها بود مخالف آقایان با حکومت قانون چنان اساس و استحکام داشت که تا مدت مدیدی محاکم عدلیه احکامی راکه صادر میکردند حکم نمی‌نامیدند و جرأت نمیکردند عنوان صدور حکم بخود بدهند و رأی خود را در دعاوی راپرت بمقام وزارت عنوان میکردند باری در این زمینه هم اگر بخواهم وارد بشوم وقت میگذرد از همین اشاره که کردم ملتفت میشوید که بهانه این بود با وجود قانون شرع قانون دیگر محل احتیاج و جایز هم نیست و حتی چیز دیگر را قانون نمیتوان نامید این بود که در مجلس شورای ملی وضع قوانین برای عدلیه مشکل بلکه محال بود یعنی عدلیه نمیتوانست اساس پیدا

.کند. از آنطرف اقتضای روزگار و عقیدهٔ متجدین قانون را لازم میدانست و وزیر عدلیه بیچاره میان دو سنگ آسیا گرفتار بود بالاخره مرحوم مشیرالدولهٔ اخیر که وزیر عدلیه شد تدبیری اندیشید و در مجلس عنوان کرد که عدلیه محتاج بقوانینی است و آن قوانین مفصل است و اگر بخواهیم آنهارا ماده بماده از مجلس بگذرانیم سالها بلکه قرنها طول میکشد از این گذشته ما که در این طریق جدید تازه کاریم در وضع قوانین ممکن است اشتباهات بکنیم و قوانینی بد بگذرانیم بهتر آنست که مجلس بکمیسیون عدلیه خود مأموریت بدهد که قوانینی را که دولت برای عدلیه پیشنهاد میکند مطالعه و تصویب کنند و پس از تصویب کمیسیون آن قوانین موقتاً در عدلیه مجری باشد و بآزمایش گذاشته شود پس از آنکه در عمل معایب آن معلوم شد اصلاحات لازم در آن بشود پس از تنقیح و تهذیب بمجلس پیشنهاد شود و بتصویب رسیده صورت قانونیت تامه پیداکند این طریقه بزحمت زیاد در مجلس قبول شد اما مشکلات کار در کمیسیون هم کمتر از خود مجلس نبود خلاصه با مرارت و خون دل فوق‌العاده و با رعایت بسیار که نسبت بنظرهای آقایان علما بعمل آمد که مبادا حکومت شرعیه از میان برود اول قانونی که از کمیسیون گذشت قانون تشکیلات عدلیه بود که بر طبق آن عدلیه ایران دارای محاکم صلح و محاکم استیناف و دیوان تمیز و متفرعات آنها گردید و دوم قانونی که گذشت قانون اصول محاکمات حقوقی بود که تهیهٔ آنرا مرحوم مشیرالدوله دیده و زحمت گذراندنش را از کمیسیون کشیده بود اما هنوز رسمیت نیافته بود تا اول سال ۱۳۳۰ قمری یعنی ۲۵ سال پیش نوبت اولی که من وزیر عدلیه شدم آن قانون را برسمیت رسانیدم و حکم باجرای آن دادم.

من در وزارت عدلیه مدتی نماندم ولی چیزی نگذشت که چون برطبق همان قانون تشکیلات میخواستند دیوان تمیز را تأسیس کنند تکلیف ریاست آنرا بمن کردند و پذیرفتم و همان قانون اصول محاکمات حقوقی را بوسیلهٔ دیوان تمیز بجریان انداختم آنگاه (با مرحوم مشیرالدوله و آقای حاجی سید نصرالله تقوی و دو سه نفر دیگر کمیسیونی تشکیل داده) بتهیه و تنظیم قانون

اصول محاکمات جزائی پرداختیم و این کار در موقعی بود که مجلس شورای ملی تعطیل بود و آن تعطیل قریب سه سال طول کشید و مجدداً منعقد نشد مگر بعد از شروع جنگ بین‌الملل معهذا وقتیکه ما قانون اصول محاکمات جزائی را تمام کردیم آنرا هم بعنوان قانون موقتی بجریان انداختیم اما تصور نکنید اینکارها بآسانی انجام گرفت کشمکش‌ها کردیم لطائف‌الحیل بکار بردیم یا مشکلات و دسیسه‌ها تصادف کردیم که مجال نیست شرح بدهم منجمله اینکه مقدسین یعنی مزدورهای مقدس‌نما چماق شریعت را نسبت بقوانین بلند کردند و در ابطال و مخالفت آنها با شرع شریف حرفها زدند و رساله‌ها نوشتند که از جمله بخاطر دارم که یکی از آن رساله‌ها اول اعتراض و دلیلش بر کفری بودن آن قوانین این بود که در موقع چاپ کردن آنها فراموش شده بود که ابتدا ببسم‌الله الرحمن الرحیم بشود.

با این مخالفت‌ها و ضدیتها و شیطنت‌ها مقاومت کردیم و چون اقتضای روزگار هم تغییر کرده بود اساس کار خراب نشد قوسهای صعود و نزول طی کردیم و بجزر و مدها دچار شدیم اما غرق نشدیم الاّ اینکه باصل قوانین هنوز دست نزده بودیم زیرا که قانون تشکیلات و قانون اصول محاکمات حقوقی و محاکمات جزائی چنانکه میدانید مربوط باساس محاکم عدلیه و عملیات آنهاست و فقط محاکمه را تنظیم میکند و حقوق اصلی مردم را بر یکدیگر و اموری که بر زندگانی اجتماعی حاکم است مشخص نمی‌نماید و این اصول بقوانین مدنی و جزائی استقرار می‌یابد و قوانین تجارت نیز متمم آن میباشد ولیکن تهیهٔ این قسمت و پیش‌بردن آن از آنقسمت اول هم مشکلتر بود زیرا که در آنقسمت در مقابل معارضها و معترضها میگفتیم این قانون نیست مقرراتی است که عملیات محاکم عدلیه را تحت نظم و قاعده درمیآورد ولی اگر میخواستیم نغمهٔ قانون مجازات و قانون مدنی را بلند کنیم هنگامهٔ برپا میشد که در مقابل قانون شرع وضع میکنند هرچند در جواب این اعتراضات حرف حسابی داشتیم و میگفتم اما در امور جزائی سالها بلکه قرنهاست که قانون شرع

در جریان نیست و اگر قانون مجازاتی برای امروز تنظیم نکنیم معنی آن اینست که مجرمین و جنایتکاران نمیباید مجازات شوند یا باید در عملیات قدیم یعنی گوش و دماغ بریدن و مهار کردن و آدم گچ‌گرفتن و امثال آنها مداومت شود و اما در امور حقوقی مخالفتی با قانون شرع نیست فقط لازم است که آن قانون ماده‌بندی شود و بصورت قوانین امروزی تنظیم و تدوین گردد و بفارسی درآید تا مردم تکلیف خود را بدانند و بفهمند و قانون مجری شود اما این حرفها در مقابل مردم مغرض و بی‌انصاف مؤثر نبود و ما را از مخمصه محفوظ نمیداشت این بود که این قسمت را محرمانه شروع کردیم و باتفاق آقای تقوی و آقای فاطمی مشغول شدیم در حالیکه اطمینان نداشتیم که زحمتی که میکشیم هیچوقت بثمر برسد و بموقع عمل بیاید خداوند یاری کرد و تا مقداری از این کار صورت گرفت کوکب پهلوی طلوع کرد و ورق بکلی برگشت هم اساس عدلیه از نو ریخته شد و هم قوانین تکمیل و تجدید شد و آنچه که ما پنهانی و با هزار احتیاط میخواستیم درست کنیم علنی و آشکارا صورت گرفت و قوانینی تنظیم شد که امروز در دست دارید و بشما تعلیم میشود و با آنکه من چانه‌ام تازه گرم شده متأسفانه وقت گذشته است که باز بشرح و بسط بپردازم و از زحمات کسانیکه در این کارها دخیل بوده‌اند تقدیر کنم.

بعلاوه این قسمت دیگر جزء تاریخ نیست وقایع روزانه است و خودتان میدانید و غرض منهم در این بیانات این نبود که اشخاص را معرفی کنم و از هر کس اسم بردم از ناچاری بود که تاریخچه‌ام ناقص و ابتر نشود و برای تکمیل مرام یک کلمه دیگر مانده است که بگویم و آن اینست که برای استحکام اساس قوهٔ قضائیه و همچنین ادارات دیگر علاوه بر تهیه قوانین تربیت اشخاص لازم بود و بهترین وسیله برای اینکار تکمیل آموزشگاه علوم سیاسی و تاسیس دانشکده حقوق بود که از دیرگاهی منظورنظر بود و بالاخره در حدود پانزده شانزده سال پیش باینکار هم دست برده شد وزارت عدلیه یک آموزشگاه حقوق تأسیس کرد و پس از سه چهار سال چنین بنظر رسید و حق همین بود که جدا

بودن آموزشگاه علوم سیاسی و آموزشگاه حقوق از یکدیگر معنی و لزوم ندارد پس آنها را با هم ترکیب کردند و قسمتهای مقدماتی را هم بواسطه اینکه دبیرستانها توسعه یافته بود دیگر محتاج‌الیه ندانستند و موقوف کردند و آموزشگاه بوزارت معارف منتقل شد و بصورت حالیه درآمد و اخیراً اسم آن دانشکده حقوق شد و یک شعبهٔ از دانشگاه بشمار رفت و امیدوارم با توجهاتی که در این دوره نسبت بترقی معارف میشود روزبروز بر توسعه و تکمیل دانشکده افزوده شود و دانشکده حقوق ما یک فاکولته حقوق حسابی شود و از این نکته غافل نشویم که دانشکده حقوق اگر چنانکه باید باشد بقوانین کشور خدمت شایان میتواند بکند بخاطر بیاورید که دو سال پیش موقع افتتاح شورای دانشگاه در بیانات خود خاطرنشان نمودم که در دانشگاه تنها تعلیم علوم نباید بشود بلکه تکمیل علوم هم باید بشود دانشکده حقوق هم تنها تعلیم علم حقوق یعنی قوانین را نباید عهده‌دار باشد بلکه باید علم بقوانین و حقوق را تکمیل کند یعنی در قوانین کشور مطالعات نماید و معایب و نقایصی که در آنها هست معلوم و مقامات مربوطه را متوجه سازد تا برفع معایب و نقایص بپردازند زیرا چنانکه در آغاز این گفتگو اشاره کردم اوضاع دنیا و زندگانی بشر دائما در تغییر و تحول است و قوانین هم همین حالت را دارند و هیچوقت نمیتوان معتقد شد که قانون موجود کامل و بی‌عیب و بی‌نقص است ولیکن البته وضع قانون خوب و اصلاح قانون ناقص معیوب علم و معرفتی لازم دارد که اساس آن در دانشکده حقوق باید تحصیل شود تا وقتیکه در علم حقوق بآن مقام نرسیده‌اید باید خود را ناقص بدانید ولیکن امیدوارم که ناقص نمانید.

فهرستی از مدرسان مدرسه همراه با عنوان درسهایشان

میرزا حبیب‌الله‌خان	فقه
اردشیرجی	تاریخ
میرزا عبدالرزاق خان	جغرافیا
دکتر مرل	فرانسه دوره‌ی عالی
مشیرالملک	حقوق بین‌الملل
عمادالوزاره	تاریخ
عبدالحسین خان میرپنج	تاریخ
محمدحسین‌خان فروغی (ذکاءالملک)	ادبیات / رئیس مدرسه
محبعلی خان	تاریخ یونان
صدیق‌حضرت	تاریخ/حقوق‌بین‌الملل‌عمومی‌ودفترداری
نصرالله‌خان ناظم‌العلوم	تاریخ
شیخ محمدتقی اعتمادالاسلام	فقه
فاضل خلخالی	فقه و اصول
محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)	تاریخ / رئیس مدرسه
مشیرالملک	مؤسس مدرسه
محقق‌الدوله (قوام‌الوزاره)	ناظم / مدیر مدرسه

میرزاعلی اکبرخان	معاونت مدرسه
حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)	رئیس مدرسه/ علم ثروت
بدایع نگار	ادبیات
دکتر نصرالله‌خان	فرانسه دوره‌ی متوسطه / رئیس مدرسه
میرزا عبدالرزاق خان	ریاضیات
میرزا ابوالحسن‌خان	جغرافیا
اعتمادالاسلام	فقه و اصول
سیدابوالقاسم خان	تاریخ
مسیو ویزیور	فرانسه
عباسقلی‌خان مترجم‌الممالک	فرانسه
شمس‌العلماء	ادبیات
میرزا عبدالعظیم خان گرکانی (قریب)	فارسی
شیخ مهدی	منطق
فضل‌الله خان	فرانسه
ادیب السلطنه	ناظم
رجبعلی‌خان	تاریخ
میرزاهاشم خان	جغرافیا
سیدعلی‌خان	فرانسه و طبیعیات
میرزا عبدالله‌خان	حقوق اساسی
مسیو دمرنی	حقوق اداری

An den Wurzeln der Moderne

Die Hochschule fuer politische Wissenschaften in
Teheran am Anfang des 20. Jahrhunderts
UND
Eine Abhandlung von M. A. Foruqi ueber
das Grundgesetz
UND
Eine Kollektion von Dokumenten

Von
Tschangiz Pahlavan

Ghatreh Publishing House
Teheran 1383 / 2004

نوسازی یا به‌قولی مدرنیزاسیون الگویی مطلق و ثابت نیست که بتوان آن را در همه‌جا به‌یک صورت واحد به‌کار بست. نوسازی جامعه در اساس تجربه‌ی خاص همان جامعه است در پرتو کوششهایی که در جهت غلبه بر سنتهای بازدارنده به‌عمل می‌آورد یا می‌کوشد سنتهایش را با تحولات سازگار سازد یا سنتهایش را به این یا آن طریق از نو بیاراید. از این گذشته نوسازی و تجدد مجموعه‌ای واحد و به‌هم پیوسته و حتی منسجم نیست که بتوان آن را یکباره و یکجا تجربه کرد. تجدد و نوسازی مجموعه‌ای از تجربیات فردی، گروهی و جمعی است که گاه حتی در تضاد با هم قرار می‌گیرند و حتی گاه علیه هم وارد نبرد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی می‌شوند. مدرسه‌ی علوم سیاسی بی‌تردید یکی از تأسیسات مدرن تمدنی در ایران به‌شمار می‌رود. از درون این مدرسه اندیشه‌ها و فعالیتهای گونه‌گونی بالنده شد که در تضاد با سنتهای رایج قرار داشتند. از نظر روش‌شناسی، این کتاب یک رساله را مبنا قرار می‌دهد و به‌پژوهش درباره‌ی مؤسسه‌ای که این رساله برای تدریس در آنجا نوشته شده می‌پردازد و به‌برخی از اندیشه‌ها و رفتار اجتماعی در آن مرحله نگاه می‌اندازد و مجموعه‌ای از اسناد را که سرنوشت این مدرسه را می‌نمایانند، در اختیار قرار می‌دهد.

طرح روی جلد: بامداد اسپهبد